

فهرست مطالب

- 15.....نامه سرگشاده خانواده زندانی سیاسی شیرکوه معارفی، خطاب به
- 16.....نقض حقوق کودکان و نوجوانان : اسفند ماه 1389.....
- 19.....زندگی آری اعدام نه.....
- 20.....امروز بسیاری از کودکان غیرایرانی در سر چهارراه ها به تکی گری می پردازند.....
- 21.....ثبت بالغ بر ۱۳ هزار مورد نقض حقوق بشر در ایران، طی اسفند ماه ۸۹.....
- 25.....میزان مرگ و میر کودکان یک تا ۵۹ ماهه.....
- 26.....یورشهای وحشیانه و شبانه 19 بهمن به منازل حامیان مادران عزادار.....
- 27.....کشتن یک دختر 7 ساله.....
- 29.....افزایش آمار قربانیان شبکه فاضلاب آبادان.....
- 32.....کودکان ربوده شده.....
- 33.....تجاوز پدر به کودک 10 ساله خود!!!!.....
- 34.....قربانیان از آتشار فقیر به زیر 14 سال تنزل یافته است.....
- 34.....دختر ۸ ساله بطوری که جای سالمی در بدن او نیست.....
- 37.....نامه زندانی ارژنگ داودی:.....
- 38.....صدای ناله ها و فریادهای زندانیان شکنجه شده.....
- 40.....دانش آموز نقشه‌کشی بر اثر ضربه لگد معلم مدرسه دچار نقص عضو شد.....
- 41.....آمار آزار جوانان زیر 18 سال.....
- 44.....کانون های موثر در نقض حقوق کودک و نوجوان ایرانی.....

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

- 46.....باز هم اعدام جمعی در ملاء عام.....
- 48.....عدم دسترسی به مواد غذایی سوءتغذیه است.....
- 50.....هزاران دانش آموز زلزله زده ریگانی دچار بیماری های انگلی و پوستی شدند.....
- 52.....شورای عالی ساماندهی کودکان خیابانی.....
- 52.....برای کودکان کار.....
- 56.....پناهجویان بی پناه در هند.....
- 60.....سه تن از اعدام شدگان برادر بودند.....
- 60.....یک پنجم درآمد کودکان کار به خود کودک و خانواده اش تعلق می گیرد.....
- 61.....فروش نوزاد به 600 هزار تومان.....
- 62.....مرگ انسانیت در ایران اسلام زده.....
- 64.....عدم پرداخت حقوق مریمان پیش دبستانی.....
- 65.....شکجه شدن پسر 4 ساله تهرانی.....
- 68.....پیام محمد صدیق کیودوند.....
- 69.....معلمان در بند آزاد شوند.....
- 70.....کودک آزاری: هانیه 8 ساله.....
- 74.....عدم قصاص پدر قاتل.....
- 76.....جوانترین زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین.....
- 77.....سومین قربانی کودک آزاری در یک ماه اخیر.....
- 80.....کودکان خیابانی، خیابان را سرپناه خود می دانند.....
- 81.....کودک آزاری در ایران، رو به افزایش است.....
- 83.....اعتیاد به مواد مخدر، طلاق، انحطاط اخلاقی.....
- 84.....اثرات مخرب کودک آزاری.....
- 86.....روایتی گذرا از سه کودک آزاری.....
- 90.....عوامل بروز پدیده فرار از خانه.....
- 92.....کنترل دخانیات، وزارت بهداشت.....
- 93.....ممانعت از تحصیل وی، کودک آزاری تلقی می شود.....
- 96.....حال عمومی این کودک آزار دیده رضایت بخش نبوده.....

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

- 97..... فقط 15 درصد کودکان تحت پوشش مراکز بهزیستی هستند
- 98..... طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان روی زمین مانده
- 100..... رشد 2 برابری مصرف قلیان در بین جوانان
- 102..... احتیاجی به تصویب قانون جدیدی در مورد کودک آزاری نداریم
- 102..... گروگانگیری نوجوان بلوچ
- 103..... حاصل همه عمرم بر باد رفت
- 106..... عمل لوزه 20 دقیقه ای سبب مرگ مغزی ابدی
- 108..... موارد نقض حقوق کودکان
- 112..... نبود کارهای زیربنایی درخصوص اعتیاد
- 113..... قتل دختر نوجوان به دلیل تاخیر در ورود به منزل
- 114..... باربد پسر بچه 3 ساله‌ای که قربانی آتش اعتیاد پدرش
- 116..... مشکلات کودکان زندانیان
- 119..... شکنجه پسر بچه ۳,۵ ساله در شهر شیراز
- 128..... بالا رفتن آمار مرگ مادران باردار
- 128..... کودک آزاری دیگر
- 130..... زندگی فروخته و رنج کودکان کار در ایران
- 135..... شکنجه به دلیل عدم شرکت در نماز جماعت
- 136..... دستگیری نوجوان زیر 17 سال
- 138..... خواهد رسید روزی که آه مظلوم دامنگیر شود
- 142..... از نه سالگی مداوماً مورد شکنجه، تجاوز و آزار شدید جنسی پدر قرارداشت
- 144..... مدرسی که افکارانجمن حجّیه و اسلام طالبانی را تبلیغ می کنند
- 145..... دام سیاه مرد همسایه برای پسر 17 ساله
- 145..... دام سیاه مرد همسایه برای پسر 17 ساله آیا باز هم دستگاه قضا کنترل شدت بخشیدن به احکام شرعی را توصیه می کند؟
- 146..... اسید پاشی و دلایل اجتماعی آن
- 147..... هر کودکی حق زندگی دارد
- 152..... تحقیق پیرامون کودکان زندانی در زندان
- 152..... پارسا کودک چهارساله آزار والدینش و سوختگی شدید

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

- 154..... در خانه مان یخچال و تلویزیون و تلفن نداریم
- 156..... بیانیه عفو بین الملل ابوالفضل عابدینی نصر
- 158..... سکوت وزارت آموزش و پرورش در قبال کودک آزاری
- 160..... انواع بهره‌کشی‌ها از کودکان مدرسه.....
- 162..... کمیته حقوق کودک قادر به بررسی شکایات کودکان
- 163..... عدم دریافت یارانه کودکان تحت پوشش سازمان بهزیستی
- 164..... پدر با ضربات متعدد چاقو کودک هفت‌ساله خودش را بقتل رساند
- 166..... نامه عیسی سحرخیز به احمد شهید
- 168..... جمعیت کودک و نوجوان ایران، ۳۰ میلیون نفر
- 170..... "علیرضا" ۱۱ ماهه و "محمدپویا" ۴ ساله در وضعیت وخیمی به سر می‌برند
- 172..... پویا بعد از مصرف مواد مخدر (کراک) بیهوش شد!!
- 173..... کودکان فراموش شده اند
- 176..... سه سال است که لایحه حمایت از حقوق کودکان در دولت مانده است
- 180..... دو میلیون نفر در کشور به صورت رسمی از مواد مخدر مصرف می‌کنند
- 182..... منتظر واکنش دولت به افزایش کودک آزاری ها
- 183..... التماس کودکان برای کمتر چوب خوردن
- 186..... کودکان کار
- 187..... آیا میدانید؟ کودک آزاری در ایران، پدیده‌ای قانونی است!
- 188..... علیرضا ملا سلطانی: نوجوانی دیگر در چند قدمی اعدام!
- 189..... اثرات کودک آزاری دائمی است
- 190..... وضعیت مدارس در استان قزوین
- 191..... کودک آزاری با چالش قانونی مواجه است
- 192..... 90 درصد کودک‌آزاری‌ها در کنار خانواده روی میدهد
- 194..... باز هم قتل به بهانه ناموس
- 195..... دستور عدم استفاده از شلوار جین
- 196..... بهزیستی استان زاهدان قادر به نگهداری کودکان
- 197..... آموزش رقص به کودکان "غیردینی" و "غیراخلاقی" است

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

- 198..... مادر فرزند خود را خفه کرد
- 200..... کودک آزاری دیگری
- 202..... شیوه‌های فرزند پروری
- 204..... افشین حیرتیان فعال حقوق کودک و شهروند بهایی
- 205..... بچه دو ساله که مورد کودک آزاری قرار گرفته
- 206..... ازدواج زیر سن در استان گلستان
- 207..... محمد مهدی و بازی مرگبارش
- 209..... 52% کودکان مورد تنبیه واقع شده اند
- 210..... هیچ اتهام جدیدی دستگیری عبدالفتاح سلطانی را توجیه نمی‌کند
- 212..... بیشتر کودکان خیابانی در گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال قرار دارند
- 213..... او پس از سرقت گوسواره‌های دخترم و آزار و اذیت وی متواری شد
- 214..... عامل جنایت کودک 5 ساله به دار آویخته شد
- 214..... مرگ پسر بچه ۱۲ ساله معتاد
- 216..... کوره پزخانه‌ها برای کودکان کم سن و سال چندان امن نیستند
- 220..... دلم از این می‌سوزد که رامین بچه‌ی ساده‌ای بود
- 222..... از نوکیشان مسیحی که در زندان اوین هستند، شکایت کنید
- 224..... ۲۳ پسر زیر ۱۵ سال و سه دختر زیر ۱۰ سال
- 225..... والدین معتاد در شکنجه دادن دختر 2 ساله خود در بوئین زهرا
- 226..... به مناسبت روز جهانی کودک
- 227..... ۲۱ هزار کودک بد سرپرست و بی سرپرست،
- 228..... کودک آزاری در بندرعباس
- 229..... هر روز ۲۰ مورد کودک آزاری در ایران
- 232..... مجرم: دانش آموز مدرسه راهنمایی
- 232..... تجاوز دسته جمعی به کودک کار
- 234..... موارد نقض حقوق کودک و نوجوان در مهرماه 1390
- 236..... گزارشی از مراسم دعای کودکان در اصفهان، بمنظور بارش باران
- 243..... مشکلات درسی در مدرسه،

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

- 246..... فرزند نام آینده خوبی نخواهند داشت
- 247..... واقعه آتش سوزی خوابگاه مدرسه شبانه روزی چابهار
- 248..... قاتل: محمد رضا 17 ساله
- 250..... کفش هایم مثل آرزوهایم بزرگ است
- 250..... پدر با یک جلد قرآن در زیر بغل فرزند 6 ساله اش را کشت
- 252..... داغ کردن طفل 8 ساله
- 253..... از هر 4 دختر و 8 پسر، یک نفر قبل از 18 سالگی مورد آزار قرار می گیرند
- 256..... حکم اعدام "شایان امیدی" جوان ۱۶ ساله و سجاد ۲۴ ساله را تأیید شد
- 257..... شجره خبیثه ریشه کن نشود در آینده اتفاقات نامعلومی رخ خواهد داد
- 258..... اعدام در ملاء عام و در مقابل دیدگان شهروندان و بعضاً کودکان
- 260..... گزارش تصویری از مدرسه چمه بن در مازندران
- 264..... بنویس:
- 265..... اجساد سوخته 3 تن، در کنار یکدیگر یافته شد
- 266..... دستگیری زنان و طرحی به نام پاکسازی شهر مشهد
- 269..... بعنوان نیروی بسیجی
- 271..... محافظت از کدام یک ضروری تر است؟
- 273..... آیا نوجوانان ایران با تلفظ صحیح "ضاد" در کلمه "و لا الضالین" است
- 275..... شیوع آسم رو به افزایش و سرعت آن میان کودکان بیشتر از افراد بالغ است
- 277..... آن روز من تفنگ ساچمه ای پدرم را برداشتم و بیرون آمدم
- 279..... یک شادی عمیق و زلال کودکانه قبل از میغات
- 279..... 50 نوزاد مریوانی مرده به دنیا می آیند
- 281..... گشتن بچه 7 ماهه
- 283..... شبها را در خیابان و پارک می خوابیم
- 285..... دستگیری يك دختر 12 ساله به اتهام سرقت خبر داد
- 287..... رشد جمع آوری زباله
- 289..... بی تفاوتی در مرگ دلخراش سه دانش آموز
- 292..... گپی با یک کودک خیابانی

وضعیت حقوقی کودک و نوحوان در ایران در 1390

- 293..... از کجا می‌آیند؟ زندگیشان چگونه است؟ بازی و تفریحشان چیست؟
- 295..... کرایه دادن و فروش کودکان
- 296..... از وحشیگری این حیوان صفتان پیشگیری کنید.
- 297..... ازدواج کودکان
- 298..... قتل یک کودک یک روزه
- 299..... میثم عبادی ی شهید ۱۶ ساله جنبش سبز
- 301..... آماری از کودکان ازدواج کرده
- 303..... یاری به هموعان
- 306..... “8 ساعت” پس از آتش سوزی به بوشهر رسیده بود
- 306..... ضربات ماموران برسر کودکان
- 307..... کودکان گلفروش بین 7-15 سال
- 308..... کودکان خیابانی یکی از گروه‌های درگیر با ایدز هستند
- 310..... عسل کوچولو و سوختنش در پای منقل مواد مخدر
- 311..... کودکان کار در بازار
- 314..... اینجا اهواز است
- 318..... موضوع انشاء: تعطیلات تابستان را چگونه گذرانیم
- 324..... فروش دستمال در سرما
- 325..... اینقدر بر اراده خدا دخالت نکنید
- 326..... تاکنون: ۳ کودک کشته و ۱۸ کودک مجروح شده اند
- 326..... سوختگی پا با آتش سیگار و تجاوز جنسی
- 328..... 13 کودک بی‌گناه را با تهدید چاقو مورد آزار و اذیت قرار گرفتند
- 329..... از دستان پر از دستمال تا دستان خالی از وجود مادر
- 355..... اعدام در ملاءعام از مصادیق بارز بازتولید خشونت در جامعه است
- 357..... کودکی در میان زباله ها
- 359..... این کودک بخاطر ضربه‌ای که به سرش وارد شده بود
- 361..... مجموعه آزارهای کودکان :
- 362..... آلودگی هوا احتمال ابتلای کودکان به سرطان را افزایش میدهد

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

- 363.....مرد شیطان صفت دختر 9 ساله ای را قربانی کرد
- 364.....نماز مسلمانان قطب شمال مهمتر است
- 366.....: داروهای این کودکان، خارجی و گران است
- 366.....علت : نشت گاز مونواکسید کربن از بخاری کلاس
- 368.....90 درصد از کودکان خیابانی ایرانی هستند
- 369.....اعتیاد والدین، فقر، جنسیت فرزند و فرزند نامشروع
- 369.....گزارش موارد نقض حقوق کودک در بهمن
- 372.....مسئولان آموزش و پرورش استان مازندران کماکان سکوت اختیار کرده‌اند
- 372.....۲۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل در سراسر کشور
- 374.....دختر ۱۴ ساله خود را در خواب توسط پدرش خفه شد
- 375.....گازگرفتگی حدود ۱۵۰ نفر از دانش آموزان و والدین آنها
- 376.....بهانه ای به نام عدم رعایت پوشش اسلامی
- 378.....نوزادی دو ماهه در مشهد به نام "امین" توسط پدرش "حسن" به قتل رسید

نامه سرگشاده خانواده زندانی سیاسی شیرکوه معارفی، خطاب به:

مجامع بین المللی و سازمانهای حقوق بشری

کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی: همزمان با جشن نوروز دادگاه اسلامی سقز حکم اعدام شیرکو را تایید کرد و قرار بر این است که در 11 اردیبهشت حکم اجرا شود.

بهمن معارفی (شیرکو معارفی) فعال کرد از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، محارب شناخته شده است. شیرکوه معارفی، 31 ساله، اهل بانه به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و محاربه با خدا به اعدام محکوم شده و در تاریخ ده آبانماه سال 1387 دستگیر شده و از آن زمان تا کنون در بازداشت اداره‌ی اطلاعات و زندان شهر سقز است.

نامه سرگشاده خانواده زندانی سیاسی شیرکوه معارفی، خطاب به مجامع بین المللی و سازمانهای حقوق بشری:

شیرکوه معارفی، در خطر اعدام قرار دارد.

شیرکوه تنها به اتهام هواداری از حزبی که که سالهاست از مبارزه مسلحانه علیه حکومت جمهوری اسلامی دست کشیده و وارد فاز تبلیغاتی و فرهنگی شده، محکوم به محاربه با جمهوری اسلامی شده و حکم اعدام وی نیز در یک دادگاه چند دقیقه ای صادر شده است. همزمان با جشن نوروز دادگاه اسلامی سقز حکم اعدام شیرکو را تایید کرد و در 11 اردیبهشت حکم اجرا شود

لذا ما به عنوان اعضای خانواده و نزدیکان شیرکوه معارفی از تمامی مجامع بین المللی و حقوق بشری تقاضا داریم تا ضمن دفاع از حقوق اولیه و ابتدایی یک زندانی سیاسی، نسبت به اعدام شیرکوه با

حکومت جمهوری اسلامی وارد مذاکره شده و مسوولان این حکومت را که داعیه مذهبی بودن دارد را متقاعد کنند که این حکم اجرا نشود. ما اعضای خانواده معارفی بر این باوریم که اگر شیرکوه مرتکب اعمالی شده است که از نظر قوانین جمهوری اسلامی جرم محسوب می شوند نیز بر اساس همان قوانین اسلامی می توان به او فرصت داد، فرصت دوباره زیستن و دوباره بودن را.

و در آخر اینکه اعدام مطابق قوانین مجازات اسلامی در ایران اشد مجازاتی است که دستگاه قضایی برای یک متهم در نظر می گیرد، در حالی که رافت و مهربانی نیز از بارزترین ویژگی های تمام ادیان آسمانی، به خصوص اسلام به شمار می آید و ما انتظار

داریم تا جوانان این آب و خاک بر مبنای همین مهربانی ها مورد قضاوت قرار گیرند. آیا این انتظار توقع زیادی است که یک پدر پیر و مادر دل شکسته دارند؟

خانواده معارفی

شهرستان بانه - ایران

کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی ، نسبت به تداوم رفتارهای غیر قانونی در قبال آقای شیرکو معارفی اعتراض کرده و نهادهای داخلی و بین المللی مدافع حقوق بشر را برای نجات جان این زندانی و دیگر زندانیان سیاسی محکوم به اعدام جلب می کند

نقض حقوق کودکان و نوجوانان : اسفند ماه 1389

همراه با فهرستی کوتاه از کانون های موثر

توسط: سحر صیاد رودکار

1 / تعداد نیروهای پلیس و لباس شخصی ها در تجمع امروز مردم تهران به مراتب از تجمع ۲۵ بهمن بیشتر بود. وی گفت که در برخی میدان ها تعداد زیادی نیروی پلیس به صورت آماده باش دیده می شدند. او همچنین به کمپین گفت: « پسر بچه های ۱۵-۱۶ ساله را به یک باتوم و جلیقه مجهز کرده بودند و کنار خیابان به صف کرده بودند. تا وقتی مردم آمدند آنها را کتک بزنند.» حضور افراد زیر هجده سال در میان نیروهای پلیس که برخی نیز جثه های کوچکی داشته اند توسط دو شاهد عینی مستقل دیگر نیز تایید شده است. کمپین بین المللی حقوق بشر 1 اسفند 1389

2 / 18 روز پیش نیروهای اداره ی اطلاعات شهر سردشت سه نوجوان کرد اهل پیرانشهر به نام های رامیار علیزاده، صادق علیزاده و رسول بیرکانی را بازداشت کرده و به اداره ی اطلاعات شهر سردشت منتقل می کنند که سرانجام با تودیع وثیقه از زندان آزاد شدند. آژانس ایران خبر 5 اسفند

1389

- 3 / براساس گفته ی مدیر کل ثبت احوال هرمزگان، در این استان طی شش ماه گذشته شش "دختر بچه" با سن "کمتر از ۱۰ سال" به طور رسمی ازدواج کرده‌اند. خبرگزاری هرانا 6 اسفند 1389
- 4 / آلودگی هوا به عنوان مهم ترین مشکل شهر تهران موجب شده تا اولین شهر دنیا از لحاظ تعداد کودکان سرطانی باشد. هادی حیدرزاده، مشاور زیست محیطی شهردار تهران، افزود که عامل اصلی سرطان در کودکان، که اکثراً سرطان خون است، آلودگی هوا است. اما نگاه امنیتی و سیاسی دولت ها باعث می شود که حقایق در باره آلودگی هوای تهران گفته نشوند. به نظر کارشناسان، در کنار آلودگی هوا، مصرف بنزین غیر استاندارد نیز، یکی از مهم ترین علل افزایش میزان سرطان و فرستادن پارازیت ها برای اخلاص در کار ماهواره هاست. شهرزاد نیوز 6 اسفند 1389
- 5 / برخی از مردان چینی، با تغییر هویت خود، با دختران ایرانی در قشم ازدواج می کنند. که میتواند به افزایش تولد فرزندان بی هویت و بی سرپرست منجر شود. مهین زارع، معاون سازمان ملی جوانان استان هرمزگان، افزود: برخی از اتباع خارجه، به ویژه افغانه غیرمجاز، اقدام به ازدواج با اتباع ایرانی کرده اند که حاصل آن گسترش زنان و کودکان بی سرپرست بوده است. به گفته سودا، که در سن 11 سالگی به یک مرد افغان فروخته شد، پس از فوت پدر، مادرش برای گذران زندگی او را به مردی افغان فروخته است. شهرزاد نیوز 6 اسفند 1389
- 6 / 30 درصد از جمعیت 18 میلیونی کودکان و نوجوانان کشور در مدرسه و تحت نظارت نظام آموزش و پرورش نیستند و بیش از 50 درصد بزهداران کانون های اصلاح و تربیت شهرهای تهران، شیراز، اهواز، مشهد و زاهدان، بازماندگان از تحصیل در دوره راهنمایی و اخراج شدگان این دوره هستند. شهرزاد نیوز 7 اسفند 1389
- 7 / قتل دلخراش دختر و پسر خردسال احتمالاً توسط والدین. وطن امروز 8 اسفند 1389:
- 8 / حضور لباس شخصی ها و گارد ویژه کم سن و سال و کهنسال امروز برای جلوگیری از حضور مردم در خیابان یکی از تغییرات در آرایش نیروهای امنیتی بود. خبرگزاری هرانا 10 اسفند 1389
- 9 / یک کارشناس ارشد حقوق بین الملل گفت: حتی اگر یک دختر یا یک زن ایرانی در سال، بدون رضایت خویش قربانی این عمل (حتنه دختران) شود باید در کنار آن قربانی ایستاد و نسبت به آن اعتراض کرد. خبرگزاری هرانا 14 اسفند 1389.
- 10 / یک نوجوان ۱۶ ساله در گیلان به نام "شایان امیدی" به همراه دوست ۲۴ ساله اش "سجاد"، به اعدام محکوم شده‌اند. خبرگزاری هرانا 15 اسفند 1389
- 11 / امروز نیروهای بسیجی بار دیگر برای جلوگیری از تجمع مسالمت آمیز معترضان ایرانی از کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ ساله در خیابان استفاده کرده‌اند. خبرگزاری هرانا 17 اسفند 1389.
- 12 / رئیس آموزش و پرورش استثنایی استان بوشهر گفت: "در حال حاضر از پنج هزار کودک استثنایی استان حدود ۷۰ درصد آنان از تحصیل محرومند. خبرگزاری هرانا 19 اسفند 1389
- 13 / سامان استوار روز چهارشنبه ۱۱ اسفند ماه خارج از منزل دستگیر و بعد از انتقال به منزلش و تفتیش آن توسط ماموران امنیتی به مکان نامعلومی منتقل شد. چند روز بعد، خانم سحر بیرام آبادی که در یکی از انجمنهای خیریه کمک به کودکان آسیب دیده در شهر بم فعالیت می کرد، دستگیر و به شهرستان بم منتقل شد. همچنین در هفته جاری خانم نهاله شهیدی، دیگر شهروند بهایی ساکن کرمان دستگیر و احتمالاً به شهرستان بم منتقل شده است. خانم شهیدی به صورت هفتگی به تدریس و کارهای آموزشی در یکی از روستاهای محروم اطراف شهرستان بم مشغول بوده است و بدین ترتیب طی ده

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

روز گذشته سه شهروند بهایی فعال در حوزه کودکان در کرماندشتگیر شدند. جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی، 19 اسفند 1389

14/ یک نشریه انگلیسی ادعا کرد، کودکان مسلح 14 ساله مأمور به استقرار در کنار پلیس ضد شورش شده اند. آنتی نیوز 23 اسفند 1389

فهرستی کوتاه از کانون های موثر در نقض حقوق کودکان و نوجوانان ایرانی در اسفند 1389
نهادهای دولتی

حضور کودکان و نوجوانان ۱۵-۱۶ ساله در میان نیروهای سرکوبگر کمپین بین المللی حقوق بشر 1 اسفند 1389

بازداشت سه نوجوان کرد آژانس ایران خبر 5 اسفند 1389

ازدواج رسمی شش "دختر بچه" با سن "کمتر از ۱۰ سال". خبرگزاری هرانا 6 اسفند 1389

افزایش آمار دانش آموزان بزهکار شهرزاد نیوز 7 اسفند 1389

تهران بیشترین کودکان سرطانی جهان را دارد شهرزاد نیوز 6 اسفند 1389

حضور لباس شخصی ها و گارد ویژه کم سن و سال و کهنسال خبرگزاری رهانا 10 اسفند 1389

صدور حکم اعدام برای یک نوجوان ۱۶ ساله در گیلان خبرگزاری هرانا 15 اسفند 1389

استفاده مجدد از کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ ساله برای سرکوب خبرگزاری رهانا 17 اسفند 1389

محرومیت از تحصیل ۷۰ درصد از کودک استثنایی استان بوشهر خبرگزاری هرانا 19 اسفند 1389

دستگیری سه شهروند بهایی فعال در حوزه کودکان در کرمان جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی، 19 اسفند 1389

کودکان مسلح 14 ساله مأمور به استقرار در کنار پلیس ضد شورش آنتی نیوز 23 اسفند 1389

کانون خانواده

ازدواج دختران ایرانی با مردان چینی در جزیره قشم شهرزاد نیوز 6 اسفند 1389

قتل دلخراش دختر و پسر خردسال احتمالاً توسط والدین وطن امروز 8 اسفند 1389

ختنه دختران شدیدترین نوع کودک آزاری است خبرگزاری هرانا 14 اسفند 1389

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان

جعفری

زندگی آری اعدام نه



ماده 19 اعلامیه جهانی حقوق بشر

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته، و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، با تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

ماده 3 اعلامیه جهانی حقوق بشر

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

شیرکو معارفی، فعال سیاسی و مدنی کرد در خطر اعدام می باشد
هموطنان و انسانهای آزادیخواه

بدنبال تداوم اعمال خشونت آمیز، احضار و دستگیری های خودسرانه، محاکمه یا زندان، کشتار و اعدام های علنی و غیر علنی دولتی که در مناطق مختلف ایران توسط دولت جمهوری اسلامی ایران به خصوص در مورد اقوام و ملل ایرانی (آذری، کرد، فارس، بلوچ، عرب، ترکمن و ...) به شدیدترین وجه اجرامی شود.

و از آنجا که این سرکوب و خفقان از بدو استقرار جمهوری اسلامی ایران تاکنون ادامه داشته و بویژه در دوران دولت احمدی نژاد آهنگ پرشتاب تری به خود گرفته است، لذا کمیته اقوام و ملل کانون دفاع از حقوق بشر در ایران نسبت به تداوم رفتارهای غیر قانونی، دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام فعالین سیاسی و اجتماعی اعتراض می نماید.

بدینوسیله توجه آزادیخواهان و نهادهای سیاسی و مدافعین حقوق بشری برای نجات این زندانی محکوم به اعدام و دیگر زندانیان سیاسی محکوم به اعدام را جلب می نماید

کمیته اقوام و ملل ایرانی کانون دفاع از حقوق بشر در ایران خواهان آزادی فوری و بدون شرط تمامی زندانیان سیاسی محکوم به اعدام بخصوص شیرکو معارفی می باشد.

کمیته دفاع از حقوق اقوام و ملل ایرانی
کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

امروز بسیاری از کودکان غیرایرانی در سر چهارراه ها به تکدی گری می
پردازند
سحر صیاد رودکار

هادی مقدسی :

امروز بسیاری از کودکان غیرایرانی در سر چهارراه ها به تکدی گری می پردازند
تا چهره جمهوری اسلامی را لوث کنند.
شبکه های خارجی برخی از اینها را اجیر می کنند
تا در سر چهار راه ها بایستند و از آنها فیلم تهیه می کنند
تا چهره کشور و نظام ما را خدشه دار کنند!!

خبرگزاری هرانا - یک عضو فراکسیون اصولگرایان مجلس شورای اسلامی، بدون اشاره به نابرابری های اجتماعی و وجود فقر و بیکاری در کشور، ادعا کرد "امروز بسیاری از کودکان غیرایرانی در سر چهار راه ها به تکدی گری می پردازند تا چهره جمهوری اسلامی را لوث کنند. شبکه های خارجی برخی از اینها را اجیر می کنند تا در سر چهار راه ها بایستند و از آنها فیلم تهیه می کنند تا چهره کشور و نظام ما را خدشه دار کنند."

به گزارش خبرنگار آنلاین، هادی مقدسی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم، در پاسخ به سوالی در مورد قانون هدفمندی یارانه ها و تاثیر آن بر کاهش سطح رفاه در زندگی مردم گفت: "مسئله معیشتی تنها ۳۰٪ است. زیرا این ناهنجاری ها را در دهک های بالای جامعه به مراتب بیشتر دیده می شود. البته ما به عنوان متولی عدالت اجتماعی باید بر این ۳۰٪ متمرکز شویم. ما هم می پذیریم که این میزان حقوق ماهیانه کفاف یک خانواده را نمی هد.

از سوی دیگر سوء مدیریت ها را نیز نباید نادیده گرفت."

وی همچنین افزود "باید پذیرفت ما نتوانسته ایم درآمد لازم را برای گسترش عدالت و اجرای تعهداتی که مجلس برای ما در نظر گرفته است کسب کنیم. پس ضمن پذیرش این واقعیت ها سعی می کنیم نیازهای دهک های پائین جامعه را در نظر بگیریم.

این ها مباحثی است که باید در کنار مباحث فرهنگی انجام دهیم. از سوی دیگر متولیان فرهنگی ما نتوانستند ارزش های فرهنگی ما را به نسلهای بعدی جامعه انتقال دهند. بحث حجاب و تحکیم میانی خانواده، ارزش های مختلف اجتماعی و فردی، کرامت انسانی و... دستگاه های فرهنگی به همان میزان که منفعلانه در پی سرگرم کردن هستند در پی بستر سازی ذهنی در نسل های آینده نیستند."

مقدسی اظهار عقیده کرد "این یکی از ایرادات فعالان فرهنگی ما در این عرصه است. اگر زیرساخت های فرهنگی جدی نگیریم، مشکلات اقتصادی و اجتماعیمان در میان مدت نیز به سرانجام نمی رسد. امروز با چهل هزار تومان ممکن است یک خانم مجبور به اداره زندگیش شود اما اگر در کنار این چهل هزار تومان فرهنگ فناخت، کرامت انسانی و انسان زندگی کردن را و فرهنگ توانمند کردن را به او ندهیم نمی توانیم از او توقع داشته باشیم. باید در این امر متولیان فرهنگی، اقتصادی، فرهنگی و نیز متولیان سیاسی نیز به شکل متمرکز وارد کار شوند."

نماینده بروجرد در ادامه این مصاحبه مدعی شد "امروز به عنوان کودکان ایرانی بسیاری از کودکان غیر ایرانی در سر چهار راه ها به تکدی گری می پردازند تا چهره جمهوری اسلامی را لوٹ کنند! شبکه های خارجی برخی از اینها را اجیر می کنند تا در سر چهار راه ها بایستند و از آنها فیلم تهیه می کنند تا چهره کشور و نظام ما را خدشه دار کنند. بحث بحث ساده ای است اما مطالبات جدی پشت این قرار دارد. دستگاه های سیاسی و وزارت کشور و شهرداری ها و بهزیستی و یا... در این خصوص غفلت کرده است."

آنها نمی داند که یک اراده فرامرزی و دشمنی با نظام پشت آن قرار دارد. ادعای این نماینده مجلس در حالیست که گزارش های رسمی از سازمان بهزیستی و همچنین خبرگزاری های کشور حاکی از آن است که کودکان و نوجوانان زیادی در کشور، به دلیل فقر و تنگدستی مالی والدین و همچنین آسیب های اجتماعی، مجبور به ترک تحصیل و کار در مشاغل کاذب و طاقت فرسا هستند.

ثبت بالغ بر ۱۳ هزار مورد نقض حقوق بشر در ایران، طی اسفند ماه ۸۹

- ۸۹۷۱ مورد نقض حقوق کارگران
- ۳۹۲ مورد نقض حقوق دانشجویان
- ۵۶ مورد صدور، تایید یا اجرای حکم اعدام
- ۲۴۰۸ مورد نقض حقوق فعالین سیاسی و مدنی
- ۵۷ مورد بازداشت و نقض حقوق اقلیت های ملی
- ۸۹ مورد بازداشت و نقض حقوق اقلیت های مذهبی
- ۴۴۸ مورد شکنجه و نقض حقوق زندانیان در زندانها

ثبت بالغ بر ۱۳ هزار مورد نقض حقوق بشر در ایران، طی اسفند ماه ۸۹ بر اساس گزارش تنظیمی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در اسفند ماه سال ۸۹، بالغ بر ۱۳۴۷۹ نقض موردی حقوق بشر در ایران رخ داده، که این میزان، حداقل موارد ثبت شده به طور رسمی می باشد.

به گزارش ارگان خبری فعالان حقوق بشر، در طول ماه گذشته (اسفند)، بیش از ۸۹۷۱ مورد نقض حقوق کارگران، ۳۹۲ مورد نقض حقوق دانشجویان، ۲۴۰۸ مورد نقض حقوق فعالین سیاسی و مدنی در حوزه آزادی اندیشه و بیان، ۵۶ مورد صدور، تایید یا اجرای حکم اعدام، ۴۴۸ مورد شکنجه و نقض حقوق زندانیان سیاسی و عادی در زندان‌ها، ۵۷ مورد بازداشت و نقض حقوق اقلیت‌های ملی، ۸۹ مورد بازداشت و نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی در ایران رخ داده است.

خلاصه ای از گزارش تنظیمی این نهاد حقوق بشری مستقل، پیرامون موارد نقض حقوق بشر در ایران، به شرح زیر است:

زندانیان: در طی اسفند ماه دست کم ۴۴۸ مورد نقض حقوق زندانیان به ثبت رسیده است، ۳ گزارش مربوط به شکنجه و ضرب و شتم زندانیان، ۱۶۰ مورد عدم رسیدگی پزشکی، ۵ مورد انتقال به سلول انفرادی، ۷۳ مورد اعتصاب غذا، ۴ مورد نقل و انتقال اجباری و یا تبعید به زندانی دور افتاده، یک مورد خودکشی، شش مورد اعمال فشار و تهدید، دست کم ۸۰ مورد قتل زندانیان، ۹ مورد بلاتکلیفی و یک مورد مرگ در اثر عدم رسیدگی پزشکی از جمله مواردی است که در این حوزه قابل ذکر است.

اندیشه و بیان: در طی اسفند ماه سال ۸۹ دست کم ۲۴۰۸ مورد نقض حقوق رخ داده است که ۲۳۰۸ مورد آن مربوط به بازداشت شهروندان و فعالان سیاسی و اجتماعی در اعتراضات روزهای ۸ مارس و چهارشنبه سوری و تجمعات یکم و دهم اسفند ماه بوده است.

دست کم ۱۰ مورد توقیف نشریات، ۴ مورد فیلترینگ وب سایت‌های خبری و ۳ مورد اختلال در شبکه اینترنت از جمله مواردی است که در این ماه رخ داده است.

۱۴ مورد گزارش ممانعت از شکل‌گیری تجمعات و اعمال خشونت در برپایی آن به ثبت رسیده است و ۱۰ مورد ضرب و شتم فعالین سیاسی و مدنی نیز از جمله موارد ثبت شده در این ماه است.

دانشجویان: در طی اسفند ماه و در حوزه حقوقی دانشجویان ۳۹۲ مورد نقض حقوق دانشجویان به ثبت رسید و یکی از آمارهای بی‌سابقه در اسفند ماه در خصوص بازداشت دانشجویان رخ داد و تنها در طی این ماه ۴۵ دانشجو توسط نهادهای اطلاعاتی و امنیتی بازداشت شدند.

هم چنین در برخوردهای صورت گرفته توسط کمیته‌های انضباطی ۲۱۳ ترم محرومیت از تحصیل برای دانشجویان صادر شد.

یک دانشجو اخراج و ۱۲ تن نیز به کمیته انضباطی احضار شدند و دست کم ۱۶ دانشجو نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفته و مجوز یک نشریه دانشجویی نیز لغو شد.

سه تجمع دانشجویی مختل شد و ۷ دانشجو نیز به نهادهای اطلاعاتی و یا دادگاه‌های انقلاب احضار شدند.

کارگران: در طی اسفند ماه ۸۹ یک فعال کارگری بازداشت شد و در این حوزه نیز ۸۹۷۱ مورد نقض حقوق کارگران از سوی گزارشگران مستقل گزارش شده است.

بیش از ۱۵۰۰ کارگر با تعدیل نیرو و یا اخراج مواجه شدند و دست کم ۱۴ مورد تجمع اعتراضی و یا اعتصاب کارگری به ثبت رسید.

دست کم ۳۳ ماه حقوق تعویقی کارگران گزارش شده است و بیش از ۱۰۰۰ کارگر بیکار توسط این نهاد به ثبت رسیده است.

یک فعال کارگری نیز از سوی دستگاه قضایی به ۴ ماه حبس تعزیری محکوم شد.

اقلیت‌های قومی: در طی این ماه ۵۷ مورد نقض حقوق اقلیت‌های قومی جمع آوری شده است که عمده آن مربوط به بازداشت شهروندان در این حوزه حقوقی است. دست کم ۳۳ نفر از سوی نهادهای امنیتی

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

و اطلاعاتی بازداشت شدند و ۱۲ تن از شهروندان و کولبران توسط نیروهای انتظامی کشته شدند. سه نفر در این حوزه از سوی دستگاه قضایی به ۹۰ ماه حبس تعزیری محکوم شدند.

اقلیت‌های مذهبی: در طی اسفند ماه ۵۶ مورد نقض حقوق بشر در خصوص صدور و یا اجرای حکم اعدام به ثبت رسیده است که در این بین ۳۹ تن از شهروندان به اتهامات مختلف از جمله مواد مخدر اعدام شدند.


دست کم ۳ تن در ملای عام اعدام شدند و برای ۱۷ تن دیگر حکم اعدام صادر شده است.

آذربایجان غربی با اجرای ۶ مورد اعدام در صدر و تهران و کرمان در رده‌های بعدی قرار دارند.

اصناف: در طی ماه اسفند ۵۲۰ مورد نقض حقوق در حوزه اصناف مختلف به ثبت رسیده است که در این میان اخراج اساتید دانشگاه‌ها و کارکنان هواپیمایی قابل ذکر است.

در این حوزه ۳ تن بازداشت، ۳ تن اخراج و برای ۶ نفر نیز احضاریه جهت معرفی به دادگاه صادر شده است.


بیش از ۵۰۰ نفر نیز برای ۱۰ ماه حقوق معوقه خود دست به تجمع اعتراضی زدند.



Vereinigung zur Verteidigung der Menschenrechte im Iran e.V.
کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

شیر کوه معرفی فعال سیاسی و مدنی کرد در خطر اعدام می باشد.

زندگی را اعدام نکنید



زندگی آری اعدام نه

VVMIran
Vereinigung zur Verteidigung der Menschenrechte im Iran e.V.
Postfach 91 11 22
30431 Hannover
Tel.: +49 511 44 04 84
Fax.: +49 511 2617376
Email: info@bashariyat.de www.bashariyat.de

میزان مرگ و میر کودکان یک تا ۵۹ ماهه

در شهرستان زابل از میانگین کشوری بیشتر است

بر اساس یافته‌های یک پژوهش میزان مرگ و میر کودکان یک تا ۵۹ ماهه در شهرستان زابل از میانگین کشوری بیشتر است و مهم‌ترین علت آن میزان فراوان حوادث و سوانح در کودکان این شهرستان است.

از شاخص‌های مهم توسعه و سلامت در کشورها میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال است. در سالهای اخیر میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال ایران کاهش یافته اما همچنان نسبت به کشورهای در حال توسعه بالاتر است.

به گزارش مهر، با توجه به حس فوریت جدی با منابع بسیج شده در جهت پیشرفت کاهش میزان مرگ و میر کودکان تا سال ۲۰۱۵ جمعی از پرستاران شهرستان زابل بر آن شدند تا عوامل موثر بر مرگ و میر کودکان ۵۹-۱ ماهه سال ۱۳۸۶ این شهرستان را تحقیق کنند.

بر پایه این گزارش، این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی و گذشته نگر بود که در سال ۱۳۸۶ انجام گرفت. این تحقیق بر روی ۹۳ کودک یک تا ۵۹ ماهه به روش سرشماری انجام شد و ابزار مورد استفاده در این تحقیق چک لیست‌های مرگ و میر کودکان و زرات بهداشت بود که اطلاعات آن توسط کارشناسان آموزش دیده مرکز مرگ و میر کودکان شهرستان زابل جمع‌آوری می‌شد و پس از استخراج داده‌ها و تبدیل به ارقام آماری توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر همین اساس، نتایج این پژوهش نشان داد تعداد مرگ و میر کودکان ۵۹-۱ ماهه ۹۳ نفر و بیشترین مرگ و میرها در سنین ۱-۱۲ ماه (۶۸ درصد) بوده است.

از این تعداد ۳۷ درصد دختر و ۶۳ درصد پسر بودند. بیشترین علت فوت در نتیجه حوادث و سوانح با ۲۷ درصد شیوع، بود و بعد از آن مرگ ناشی از بیماری‌های تنفسی با فراوانی ۱۸/۳ درصد و بیماری‌های دستگاه گوارش با ۱۵/۲ درصد بود.

بیشترین علت عدم بهبود کودک نیز به علت حساس نبودن والدین به علائم خطر بیماری‌ها و تأخیر در مراجعه به مراکز درمانی (۷۶ درصد) و سپس اصرار والدین به ترخیص کودک قبل از بهبودی کامل به دلیل مشکلات اقتصادی (۱۲ درصد) بوده است.

یورشهای وحشیانه و شبانه 19 بهمن به منازل حامیان مادران عزادار

حامیان مادران عزادار طی یورشهای وحشیانه و شبانه 19 بهمن به منازلشان، دستگیر و به بند 209 شکنجه گاه وزارت اطلاعات منتقل شدند. آنان فراتر از 40 روز تحت شکنجه های جسمی و روحی و توهینهای اخلاقی قرار داشتند

بنابه گزارشات رسیده به "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" احکام سنگین و غیر انسانی 4 سال زندان علیه 2 تن از حامیان مادران پارک لاله (مادران عزادار) توسط محمد مقیسه ای از اعضای کمیسیون قتل عام زندانیان سیاسی سال 67 صادر گردید.

روز شنبه 20 فروردین ماه 2 تن از حامیان مادران پارک لاله خانم ها ژیلا کرم زاده مکوندی و لیلا سیف الهی برای ابلاغ حکم به شعبه 28 دادگاه انقلاب احضار شدند و توسط محمد مقیسه ای از اعضای کمیسیون قتل عام زندانیان سیاسی سال 1367 به احکام سنگین ، غیر قانونی و غیر انسانی 4 سال زندان محکوم شدند.

از طرفی دیگر پرونده خانم الهام احسنی که اخیرا از جهنم ولی فقیه علی خامنه ای به خارج از کشور پناه آورده است را همچنان باز نگه داشته اند. محمد مقیسه ای رئیس شعبه 28 دادگاه انقلاب خواهر خانم احسنی را که کفالت او را به عهده گرفته است احضار و به او اعلام نموده اند که مبلغ کفالت را از حقوق وی کم خواهند کرد .

خانم ها لیلا سیف الهی ،ژیلا کرم زاده مکوندی،الهام احسنی و فاطمه رستگاری نسب از حامیان مادران پارک لاله (مادران عزادار) که در جریان یورشهای وحشیانه و شبانه 19 بهمن 1388 به منازلشان دستگیر و به بند 209 شکنجه گاه وزارت اطلاعات منتقل شدند و تا بیش از 40 روز در این شکنجه گاه تحت شکنجه های جسمی و روحی و توهینهای اخلاقی بازجویان وزارت اطلاعات قرار داشتند. ولی با اعتراضات گسترده بین المللی رژیم ولی فقیه علی خامنه ای وادار به آزادی آنها شد. تعدادی از آنها در طی سال 1389 بارها به ستاد پیگیری وزارت اطلاعات احضار ،مورد بازجویی تلفنی و تهدید قرار گرفته اند. تا به حال نزدیک به 89 نفر از حامیان پارک لاله دستگیر شده اند. مادران پارک لاله و حامیانشان با فعالیتهای خود خواستار محاکمه آمران و عاملان کشتارهای 30 ساله اخیر ، آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و لغو اشکال مختلف اعدام می باشند.

سیاست سرکوب خونین مردم ایران توسط ولی فقیه علی خامنه ای تعیین می شود و از طریق نیروهای سرکوبگر انتظامی و نظامی ، قوه قضاییه ،بازجویان(شکنجه گران) وزارت اطلاعات و سازمان زندانها به اجرا گذاشته می شود. رژیم ولی فقیه با ارجاع پرونده حامیان مادران پارک لاله به محمد

مقیسه ای که از اعضای کمیسیون قتل عام زندانیان سیاسی 67 می باشد و در جریان اعتراضات سال 88 تعدادی از شرکت کنندگان در اعتراضات گسترده مردم ایران را به اعدام محکوم نمود و حکم جنایتکارانه حداقل 2 نفر از آنها را به اجرا گذاشت. سعی دارد که مادران جانبختگان 30 سال اخیر و حامیان آنها را مرعوب کند تا از پیگیری خواسته های به حق خودشان باز دارد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، صدور احکام سنگین، غیر قانونی و غیر انسانی علیه حامیان مادران پارک لاله را شدیداً محکوم می کند و از دبیر کل، کمیسر عالی حقوق بشر، گزارشگران ویژه زنان و تمامی مدافعان حقوق زنان می خواهد که به دفاع از آنها برخیزند و مانع اعمال سرکوبگرانه ولی فقیه علیه مادران جانبختگان و حامیان آنها شوند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

20 فروردین 1390 برابر با 09 آوریل 2011

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

دبیر کل ملل متحد سازمان ملل

کمیساریای عالی حقوق بشر

گزارشگرو ویژه زنان سازمان ملل متحد

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

<http://hrdai.net>

info@hrdai.net

pejvak_zendanyan10@yahoo.com

pejvakzendanyan@gmail.com

Tel.:0031620720193

کشتن یک دختر 7 ساله

خبرگزاری هرانا - جوان ۲۲ ساله‌ای، پس از شکنجه دختر بچه‌ای ۷ ساله در مشهد او را به طرز فجیعی به قتل رساند.

این جوان ۲۲ ساله چند روز قبل از ارتکاب این عمل از یکی از استان‌های جنوبی کشور برای کار به مشهد آمده بود و در یک کارگاه تولیدی واقع در حاشیه شهر مشهد کار می‌کرد.

ملت ما نوشت: وی در چند روز نخست کاری‌اش متوجه دختر دانش‌آموزی شد که از مقابل کارگاه عبور می‌کرد و به مدرسه می‌رفت. جوان ۲۲ ساله که افکار پلیدی را در سر می‌پروراند با دیدن دختر بچه، نقشه سوءاستفاده از وی را در ذهن خودش طراحی کرد و ظهر روز بیست و سوم آذرماه، دخترک را به بهانه‌ای به داخل ساختمانی مخروبه کشاند و جلوی دهان او را محکم گرفت. در این لحظه با توسل به زور دختر بچه را شکنجه کرد و بخاطر ترس از اینکه دختر هفت ساله وی را شناخته است، وی را به طرز فجیعی به قتل رساند. این جوان سپس جسد غرق به خون دخترک را داخل زمین‌های کشاورزی جاده مشهد- کلات رها کرد و به سرکار خود برگشت اما خانواده این دخترک که از ناپدید شدن او نگران شده بودند، مفقود شدن فرزندشان را به پلیس اطلاع دادند.



این جوان ۲۲ ساله که به علت عذاب وجدان پس از چند روز خود را به پلیس معرفی کرد در بازجویی‌های به عمل آمده گفت: اهل یکی از شهرهای جنوبی هستم و تا کلاس دوم دبیرستان درس خوانده‌ام. من برای کار به مشهد آمدم و در کارگاهی مشغول کار شدم. چند روزی بود که دخترک را می‌دیدم تا اینکه روز قبل از حادثه به بهانه گرفتن شیلنگ آب به در خانه آن‌ها رفتم و او را از نزدیک دیدم. با دیدن این دختر بچه وسوسه شدم تا نیاز جنسی‌ام را با او برطرف کنم به همین خاطر ظهر روز بعد، زمانی که دخترک از مدرسه به خانه برمی‌گشت، صدایش کردم و به بهانه بیا شیلنگ را بگیر او را به داخل ساختمانی مخروبه کشاندم.

وی افزود: من جلوی دهان دختر بچه را گرفتم و با زور او را مورد آزار و اذیت قرار دادم. بعد از آنکه به نیت خود رسیدم دختر بچه درحالی که حالش بد بود و گریه می‌کرد چند ثانیه به چشمانم خیره شد. با این تصور که او مرا شناخته است او را کشتم. من که اصلاً نمی‌فهمیدم چه کار می‌کنم جسد دخترک را به کنار جاده کشاندم و داخل گودالی انداختم و فرار کردم.

فرد مذکور درحالی که بشدت دچار عذاب وجدان و احساس پشیمانی و ندامت شده بود و دستانش می‌لرزید با صدایی لرزان گفت: در این مدت از خواب و خوراک افتاده بودم و به هر کجا نگاه می‌کردم چهره دختر بی‌گناه یادم می‌آمد. من خیلی عذاب کشیدم و وجدانم ناراحت بود بالاخره خودم را از کابوس و وحشت نجات دادم و حقیقت را گفتم اگرچه دیگر راهی برای بازگشت نمانده است.

شایان ذکر است که بازپرس پرونده کیفرخواست متهم را به اتهام قتل عمد و آزار و اذیت دختر بچه صادر کرد و بزودی این متهم در دادگاه کیفری استان خراسان رضوی محاکمه خواهد شد.

افزایش آمار قربانیان شبکه فاضلاب آبادان

به دلیل عدم اصلاح شبکه فاضلاب توسط نهادهای مسئول: آمار قربانیان شبکه فاضلاب آبادان، روز به روز در حال افزایش است

تکه تکه شدن دختر چهار ساله آبادانی در شبکه فاضلاب، آمار قربانیان را به هفت نفر رساند، تا بار دیگر عدم پذیرش مسئولیت از سوی وزارت نفت و وزارت نیرو در مناطقی از شهر که توسط پالایشگاه به مردم واگذار شده و عدم اصلاح شبکه فاضلاب توسط نهادهای مسئول، مردم این شهر را داغدار و پریشان خاطر کند.

آمار قربانیان شبکه فاضلاب آبادان، روز به روز در حال افزایش است و اختلافات مدیریتی در سازمان ها و ادارات این شهرستان در پذیرش مسئولیت علت اصلی این رخدادها، از علل اصلی این اتفاقات ناگوار به شمار می رود.

به گزارش «تابناک» تکه تکه شدن دختر چهار ساله آبادانی در شبکه فاضلاب، آمار قربانیان را به هفت نفر رساند، تا بار دیگر عدم پذیرش مسئولیت از سوی وزارت نفت و وزارت نیرو در مناطقی از شهر که توسط پالایشگاه به مردم واگذار شده و عدم اصلاح شبکه فاضلاب توسط نهادهای مسئول شهری، مردم این شهر را داغدار و پریشان خاطر کند.

بنا بر این گزارش، روز گذشته، سید حسین دهدشتی، نماینده مردم آبادان در مجلس شورای اسلامی، در تذکری خواستار رسیدگی هر چه سریع تر به این موضوع شد.

دهدشتی گفت: بیست ماه پیش، سه نفر در شبکه فاضلاب آبادان کشته شدند. مسأله پیگیری شد؛ اما نتیجه ای نداشت. هفت ماه پیش نیز سه نفر دیگر به دلیل گاز گرفتگی در شبکه فاضلاب جان باختند. مشست های متعددی برگزار با رئیس جمهور نیز مطرح شد و ایشان دستور پیگیری جدی دادند که در این مدت، سه جلسه با وزیر نیرو، سه جلسه با معاونین وزیر و مسئولین مربوطه گرفته شد تا موضوع رسیدگی و با مقصرین برخورد و مهمتر از آن از تکرار این گونه حوادث پیشگیری شود.

وی ادامه داد: آخرین جلسه با وزیر محترم و هیأت رئیسه مجلس دو ماه پیش بود؛ ایشان تأکید کردند مشکل حل شود، اما تاکنون هیچ کاری انجام نگرفته است.

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

متأسفانه، باید عرض کنم آنچه نگران بودیم بار دیگر رخ داد و هفتمین قربانی، دختر بچه معصوم چهار ساله ای است که ده روز پیش در شبکه فاضلاب جان باخت. انصافاً در کجای کشور این گونه رخدادها اتفاق می افتد؟ چرا کسی پاسخگو نیست و حرکتی برای حل مشکل صورت نمی گیرد؟ با این تفاسیر، معلوم نیست درد این مردم را باید به کجا برد و از چه کسی پاسخ خواست؟! پارس دیلی نیوز: 26 فروردین

**اعضای کانون دفاع از حقوق بشر در ایران برای به دست گرفتن تندیس طلانی حقوق بشر در 17
آپریل گرد هم می آیند.**



VVIran
Vereinigung zur Verteidigung der Menschenrechte im Iran e.V.
Postfach 5242
30052 Hannover
Tel.: +49 511 44 04 84
Fax: +49 511 261 73 70
Email: info@bshariyat.de
www.bshariyat.de

گردهمایی

تندیس پرنده طلایی حقوق بشر در هانوفر

به مناسبت در اختیار گرفتن

تندیس پرنده طلایی حقوق بشر

ساعاتی با هم باشیم .



داستانخوانی :

میرزا فر ویشیان - نویسنده و فعال حقوق بشر

موزیک زنده :

با هنرمندی آرمان و

گزارش عملکرد کانون از ابتدا تاکنون
منوچهر شفائی - روزنامه نگار مدافع حقوق بشر
و از موسسین و عضو هیئت رئیسه کانون

سخنرانی :

امجد حسین پناهی - فعال سیاسی و حقوق بشر
پروسی وضعیت زندانیان سیاسی و مدنی در کردستان



مکان : فرای سایت لیندن - هانوفر

Freiheit linden

Windheim str. 4 Hannover 30451

زمان : یکشنبه ۱۷ آوریل ۲۰۱۱ ساعت ۱۴:۰۰

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

کودکان ربوده شده

یک دختر 6 ساله و یک پسر 11 ساله ربوده شدند

فرمانده انتظامی استان یزد از دستگیری ربایندگان 2 کودک 6 و 11 ساله یزیدی خبر داد.

سردار علی اکبر علی اکبریان روز سه‌شنبه به خبرنگاران گفت: در نخستین روز سال، والدین دو کودک خردسال به فاصله چند ساعت با حضور در یکی از مراکز انتظامی مفقود شدن فرزندان خود را گزارش کردند.

با تشکیل پرونده ای در این ارتباط مشخص شد دو کودک گمشده هنگامی که مشغول بازی در نزدیکی محل سکونتشان بودند به طرز مرموزی مفقود شده‌اند.

وی افزود: در حالی که تحقیقات در این زمینه ادامه داشت فردی پس از 4 روز از طریق تلفن و از شهرستان‌های مختلف با والدین کودک تماس گرفته و تقاضای مبلغ زیادی پول برای آزادی آنها کرد. رئیس پلیس شهرستان یزد افزود: با آموزش‌های مناسب و تشکیل چند تیم عملیاتی و اطلاعاتی مشخص شد آدم رباها پس از ربودن این دو کودک آنها را به خارج از استان و به نقاط شرق کشور منتقل کرده‌اند. با به دست آمدن این اطلاعات و با هماهنگی انجام شده با فرماندهی انتظامی استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان و بانک‌های مربوطه، پس از 20 روز ربایندگان این دو کودک شناسایی و با اعزام تیم‌های اطلاعاتی محل رفت و آمد آدم رباها محاصره و این متهمان دستگیر شدند.

علی اکبریان یادآور شد: کودکان ربوده شده که یک دختر 6 ساله و یک پسر 11 ساله هستند، تحویل خانواده‌هایشان شدند.

فرمانده انتظامی استان یزد محل نگهداری کودکان توسط ربایندگان را سیستان و بلوچستان اعلام کرد و گفت: یک متهم دیگر نیز در این زمینه تحت تعقیب است که بزودی وی نیز دستگیر خواهد شد.

فرمانده انتظامی یزد تصریح کرد: در زمان تحویل این کودکان به خانواده‌هایشان، جمع زیادی از اهالی محل با حضور در این مکان از پلیس به خاطر دستگیری متهمان قدردانی کردند.

رئیس پلیس آگاهی استان هم ضمن هشدار به خانواده‌ها از آنان خواست از ارتباط و رفت و آمد با غریبه‌ها و افراد ناشناس خودداری کنند. تابناک 24 فروردین

تجاوز پدر به کودک 10 ساله خود!!!!

صدور حکم حضانت فرزند به مادر به دلیل تجاوز پدر به کودک 10 ساله خود!!!!

زنی که مدعی بود دخترش توسط پدر سنگدل خانواده مورد تجاوز قرار گرفته، درخواست طلاق خود را به دادگاه خانواده ارائه کرد.

این زن پس از حضور در دادگاه به قاضی گفت: حدود 9 ماه قبل به یک ماموریت کاری رفته بودم و در این مدت دختر 10 ساله‌ام در خانه با پدرش تنها بود. پس از این ماموریت به مرور زمان متوجه رفتارهای غیرعادی دخترم شدم. این رفتارهای غیرعادی تا آنجا ادامه داشت که مشاور مدرسه او نیز از آنها آگاه و من را نیز در جریان گذاشت.

وی که از نظر روحی بسیار شکسته شده بود، درباره‌ی نحوه اطلاع از تجاوز به دخترش گفت: پس از گذشتن چند ماه از ماجرا متوجه افت شدید تحصیلی دخترم در مدرسه‌اش شدم و افت تحصیلی و رفتارهای غیرعادی او را به مشاورش در مدرسه اطلاع دادم. مشاور مدرسه هم پس از صحبت با دخترم، متوجه تجاوز به دختر 10 ساله‌ام شد. پس از آن من تا چند ماه رفتارهای اطرافیان را زیر نظر گرفتم اما امیدوار بودم که این گمان نادرست باشد.

این زن ادامه داد: پس از گذشت چندین ماه، صحبت‌های مشاور مدرسه با دخترم نتیجه داد و او سرانجام از تجاوز پدرش پرده برداشت. وقتی این موضوع را از زبان مشاور شنیدم نمی‌دانستم باید چه کنم و یا چه بگویم. پس از آن تنها سعی کردم دخترم را از پدرش دور کنم چرا که او با یادآوری خاطرات و اتفاقات پیش آمده هر روز از نظر روحی ضعیفتر می‌شد.

پس از صحبت‌های مادر 34 ساله، پدر دختر در برابر قاضی حاضر شده و با ابراز پشیمانی از تجاوز به دخترش، عنوان کرد: این اتفاق امری غیرارادی بوده و من خود نیز از کرده‌ام پشیمانم.

قاضی پس از شنیدن سخنان مرد، رو به او کرد و پرسید: پشیمانی که شما می‌گویید تنها در صورتی می‌تواند موضوعیت داشته باشد که این عمل یک بار به وقوع پیوسته باشد اما طبق آنچه در پرونده موجود است شما چندین بار به دختر 10 ساله خود تجاوز کرده‌اید آیا واقعا پشیمانی شما حرفی درست است؟

پدر در پاسخ به سوال قاضی با اظهار ندامت دوباره از عمل خود، اظهار کرد: هر بار پس از این عمل، عذاب وجدان شدیدی به سراغم می‌آمد و حتی ساعت‌ها گریه می‌کردم؛ اما گویی این تجاوزها غیرارادی انجام می‌شد و من نمی‌توانستم جلوی حس درونی خودم را بگیرم. حالا نیز کل هزینه درمان دخترم را تا آخرین ریال پرداخت خواهم کرد تا این کار خود را جبران کنم.

زن پس از شنیدن سخنان همسرش تاکید کرد که تنها درخواستش از دادگاه طلاق و دادن حضانت بچه به اوست و بر این اساس قاضی نیز در پایان دادگاه حکم طلاق را صادر کرد.

منبع خبر سایت آفتاب 27 فروردین

قربانیان از افشار فقیر به زیر 14 سال تنزل یافته است

اکثر قربانیان از افشار فقیر، از نظر تحصیلی، در سطح راهنمایی و دبیرستان در گروه سنی 15 تا 17 سال بوده که اینک به زیر 14 سال تنزل یافته است

سایت فرارو 27 فروردین 1390: در سال‌های اخیر، همزمان با گسترش پدیده قاچاق انسان در جهان، گزارش‌های بیشتری از قاچاق انسان در ایران انتشار یافته است. بر اساس پژوهش سازمان دفاع از قربانیان خشونت، قاچاق زنان و دختران در ایران بطور عمده به 2 شکل «قاچاق به پاکستان» و «قاچاق به کشورهای حاشیه خلیج فارس بویژه امارات متحده عربی» صورت می‌گیرد. بر اساس اعلام پلیس امنیت تهران بزرگ، قاچاق انسان بصورتی که در کشورهای دیگر انجام می‌شود، در معاونت مذکور سابقه ندارد؛ اما خروج زنان و دختران جوان بصورت غیرقانونی به کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله دبی و امارات و فروش آنان به شیوخ عرب مسوق به سابقه است. قربانیان عموماً بین 14 تا 25 سال دارند و از نظر اقتصادی و اجتماعی، در اکثر موارد کشمکش‌های درون خانواده، اعتیاد والدین، طلاق، فقر، مسکن نامناسب، سکونت در مناطق پرجمعیت و حاشیه‌نشینی شهرهای بزرگ موجب می‌شود تا دختران محیط نامساعد خانواده را ترک کرده یا پدر خانواده مجبور به فروش دختران خود می‌شود.

همچنین از نظر سطح تحصیلات، از آنجا که اغلب قربانیان از افشار فقیر و دختران فراری هستند، از نظر تحصیلی، در سطح راهنمایی و دبیرستان و در رده سنی 15 تا 17 سال هستند و از فقر فرهنگی و ضعف اعتقادات رنج می‌برند.

کارشناسان اخیراً از افزایش قاچاق زنان و دختران در استان‌های مرزی کشور و روند صعودی سن قاچاق دختران کمتر از 14 سال خبر دادند. منبع: سایت زنان ایران 27 فروردین

دختر ۸ ساله بطوری که جای سالمی در بدن او نیست

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

متخصص پزشکی قانونی : شکستگی دو ساعد و سر ، آثار شلاق و سوزاندن سیگار در نقاط مختلف بدن این دختر ۸ ساله بطوری که جای سالمی در بدن او نیست





خبرگزاری هرانا - دختر بچه ۸ ساله‌ای که به فجیع‌ترین وضع توسط ناپدری‌اش مورد آزار و اذیت جسمی قرار گرفته، هم اکنون در بیمارستان بستری است.

دکتر کامران آقاخانی متخصص پزشکی قانونی بیمارستان رسول با اعلام این خبر در گفت‌وگو با مهر اظهار داشت: "این دختر ۸ ساله شب گذشته توسط اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی به بیمارستان سوانح و سوختگی مطهری منتقل می‌شود."

وی با عنوان این مطلب که مسئول فنی بیمارستان مطهری نیز هست، افزود: "متأسفانه به علت شکستگی‌های متعدد از ناحیه دست و سر، ناگزیر شدیم این دختر را به بیمارستان رسول اعزام کنیم." آقاخانی در تشریح وضعیت این دختر ۸ ساله گفت: "موارد کودک آزاری زیادی را شاهد هستیم اما وضعیت این دختر قابل مقایسه با سایر کودک آزاری‌ها نیست. شدت آزار و شکنجه او به قدری دردناک است که قابل شرح نیست."

این متخصص پزشکی قانونی با اشاره به شکستگی دو ساعد و سر این کودک، افزود: "آثار شلاق و سوزاندن سیگار در نقاط مختلف بدن این دختر ۸ ساله به وضوح دیده می‌شود به طوری که جای سالمی در بدن او مشاهده نمی‌شود. این دختر به ما گفته است که با مادر معتاد و ناپدری‌اش زندگی می‌کند و ۴ روز است به او غذا نداده‌اند."

آقاخانی با تأکید بر انعکاس چنین فجایع دردناک و آزار دهنده‌ای گفت: "از رسانه‌ها می‌خواهم که در مقابل این قبیل کودک آزاری‌ها از خود واکنش نشان دهند و مسئولان مربوطه نیز با افراد خاطی به شدت برخورد کنند."

وی با اشاره به شکستگی سر و دو ساعد این دختر ۸ ساله، از انجام تصویربرداری و معاینات دقیق برای درمان شکستگی‌ها و سوختگی‌ها خبر داد و افزود: "وضعیت به قدری فجیع است که باور آن برای هیچ کس وجود ندارد و نمی‌توان گفت که فردی که او را آزار داده است، خلق و خوی انسانی دارد."

این دختر ساکن یکی از محلات جنوب تهران است که توسط اورژانس اجتماعی بهزیستی به بیمارستان منتقل شده است.

نامه زندانی ارژنگ داودی:

دشمن از تو سنگ خاره ای، من آنم
جان من فدای خاک پاک میهنم

گزارش زیر توسط زندانی سیاسی ارژنگ داودی که برای انتشار در اختیار "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" قرار گرفته شده است حاکی از شکنجه وحشیانه 4 زندانی سیاسی در بند سپاه شکنجه گاه وزارت اطلاعات در زندان گوهردشت کرج است که در اثر این شکنجه ها زندانی سیاسی فرزند مددزاده دچار ناراحتی شدید از ناحیه گوش گردید و علیرغم دردهای شدید، او و سه زندانی سیاسی دیگر از درمان محروم هستند. فرزند مددزاده در پی یورش وحشیانه نیروهای مالکی که به دستور علی خامنه ای به ساکنین بی دفاع و حمایت شده بین المللی شهر اشرف که منجر به شهادت خواهرش مهدیه مددزاده و برادرش علی اکبر مددزاده شد همراه با زندانیان سیاسی رضا جوشن، منصور رادپور و افشین بایمانی به این شکنجه گاه ها برده شد و برای مدت طولانی مورد بازجویی، توهین های اخلاقی و شکنجه جسمی قرار گرفتند. متن گزارش به قرار زیر می باشد:

با یاد خدا،

آزادخواهان جهان،

هم میهنان آزاده،

روز چهارشنبه مورخ 24 فروردین 90 مقارن ساعت 01:00 ظهر چهار تن از زندانیان به نام های زیر به بند 8 زندان رجایی شهر معروف به بند سپاه منتقل گردیدند. با استفاده از چشم بند و کاربرد حرفه‌ای ریک در حین بازجویی به ضرب و شتم آنان نیز پرداختند بطوری که نامبرده ردیف دوم (فرزندمددزاده) از درد گوش هنوز شدیداً معذب است.

1- افشین بایمانی حکم ابد 11 سال تحمل حبس، فرزند مددزاده حکم 5 سال 3 سال تحمل حبس، منصور رادپور حکم 8 سال 5 سال تحمل حبس، رضا جوشن حکم 2 سال 17 ماه تحمل حبس سه نکته قابل ذکر است:

اولاً: اینکه پس از مراجعت نامبردگان به بند 4 سالن 12 مسئولان این بند که از ماجرای ضرب و شتم خبر داشتند از اعزام آنان به ویژه زندانیان ردیف دوم (فرزند مددزاده) به بهداری زندان امتناع نمودند. ثانیاً: همه این زندانیان سیاسی دارای حکم قطعی بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت ناعادلانه خود در زندان هستند فی لذا بازجویی از آنان آنهم توسط ماموران سپاه پاسداران، محلی از اعراب ندارد.

ثالثاً: نیم ساعت پس از اعزام نامبردگان بالا اعلام شد آقای سعید ماسوری که با تحمل بیش از 10 سال حبس از قدیمی ترین زندانیان سیاسی می باشد و به تازگی حکم اعدام او که به ابد تقلیل یافته برای اعزام به اتاق رئیس زندان به نام مردانی به زیر 8 مراجعه نماید ولی پس از یک ساعت منتفی و اعزام مشکوک مشارعلیه به بعد موکول گردید.

با اذعان نظر سوابق ضد حقوق بشری رژیم تا بن دندان مسلح ولایت فقیه و نیز توجه مفرط جهانیان به حوادث اخیر در منطقه خاورمیانه بیم آن می رود که غفلت از نقض فاحش حقوق بشر در ایران تعیین گزارشگر ویژه حقوق بشر و تاخیر در شروع به کار ایشان، نوش داروی بعد از مرگ سهراب هایی در

بند رژیم باشد. زیرا جوسازیها و بزرگ نمایی ها به هر شدت روی انسانها کمکی بر بال نکات منفی است که تحولات در کشورهای منطقه نشانگر زمینه سازی سازمان یافته حکومت به منظور عادی جلوه دادن خشونت و کشتار و مقابله با مردم بپا خاسته ایران بوده و به وضوح می رساند که آدمخواران رژیم ولایت فقیه می ترسد برای اجرای نقشه های شیطانی خود بر علیه مبارزین راه آزادی ایران تکرار سناریوی عجیب دهه سیاه 60 می باشد.

دشمن از تو سنگ خاره ای من آهنم

جانم فدای خاک پاک میهنم

ایران هرگز نمی میرد!

اژنگ داوودی

زندانی رجایی شهر بند 4 سالن 12

پنجشنبه 25 فروردین 1390

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

دبیر کل سازمان ملل متحد

کمیساریای عالی حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

<http://hrdai.net>

info@hrdai.net

pejvak_zendanyan10@yahoo.com

pejvakzendanyan@gmail.com

صدای ناله ها و فریادهای زندانیان شکنجه شده

در طی شب صدای ناله ها و فریادهای زندانیان شکنجه شده در سالنهای دیگر بند 1 بخوبی شنیده می شود

بنابه گزارشات رسیده به "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" 35 نفر از هموطنان کرد از زندان اوین به سلولهای انفرادی بند 1 زندان گوهردشت کرج منتقل شدند.

روز پنجشنبه 25 فروردین ماه 35 نفر از هموطنان کرد را از زندان اوین به سلولهای انفرادی سالن 2 بند 1 زندان گوهردشت منتقل کردند. هنوز هویت و علت انتقال آنها به شکنجه گاه نامشخص است. در طی شب صدای ناله ها و فریادهای زندانیان شکنجه شده در سالنهای دیگر بند 1 بخوبی شنیده می شود و باعث ایجاد شرایط سخت روحی برای آنها شده است.

سلولهای انفرادی سالن 2 بند 1 زندان گوهردشت محل شکنجه زندانیان سیاسی و عادی می باشد. زندانیان بی دفاع در این بند تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار می گیرند. شیوه شکنجه هایی که علیه

زندانیان در این بند بکار برده می شود به قرار زیر می باشد؛ ابتدا به زندانی پابند، دست بند و چشم بند می زنند سپس چند شکنجه گر حول او دایره می زنند، پس از آن او را از هر طرف آماج ضربات باتون خود قرار می دهند. این ضربات برای مدت طولانی ادامه می یابد و گاهی شدت ضربات بحدی شدید است که منجر به شکسته شدن باتون می گردد. ضربات باتون در اکثر مواقع منجر به شکسته شدن دست، پا، دندانها، سر، دنده ها، زخمی و کیودی شدن زندانی می گردد. شکنجه گران همچنین شوکرهای برقی با ولتاژ زیاد علیه زندانی بکار می برند که در موارد متعدد منجر به سوختگی پوست زندانی می گردد. پاسداربندها از شکنجه های جنسی مانند، تجاوز و استعمال باتون را بکار میگیرند. آنها همچنین برای مدت طولانی مانع خواب زندانی می شوند، ایجاد محدودیت برای استفاده از سرویسهای بهداشتی و حمام، محدود کردن جیره غذایی زندانی تا حد گرسنگی شدید و موارد متعدد دیگر می باشد. این شکنجه ها زیر نظر مردانی رئیس زندان گوهردشت کرج و توسط فرجی نژاد رئیس اطلاعات، افسر پاسدار میرزا آقایی، سلیمانی و مرادی صورت می گیرد. شکنجه های قرون وسطایی فرجی نژاد، افسر پاسدار میرزا آقایی، سلیمانی و مرادی تا به حال منجر به قتل و معلولیت چندین زندانی شده است. این افراد با دست باز هر روز به جنایتهای قرون وسطایی خود در این زندان با ابعاد غیر قابل تصویری ادامه می دهند.

از طرفی دیگر مردانی رئیس جدید زندان گوهردشت کرج اقدام به تشدید شرایط قرون وسطایی زندان نموده است از جمله این اقدامات، خانواده ها را از حق تامین البسه عزیزان خود محروم کرده است و زندان هم که سالها است که از تامین لباس زندانیان خوداری می کند، امکاناتی مانند تلویزیون، یخچال، زیر انداز و غیره که زندانیان عادی خود از فروشگاه زندان خریداری می کنند هنگام انتقال زندانی به نقطه دیگر حق بردن وسایل شخصی خود را ندارند، ملاقات حضوری به زندانیانی تعلق می گیرد که در نماز جماعت شرکت کنند، کاهش کیفیت و کمیت غذای زندانیان باعث شده است که زندانیان قادر به صرف آن نباشند و در اکثر مواقع از گرفتن غذا امتناع نمایند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، انتقال زندانیان سیاسی به شکنجه گاه زندان گوهردشت کرج برای تحت شکنجه جسمی قرار دادن آنها را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر و گزارشگر ویژه شکنجه سازمان ملل متحد و سایر مراجع بین المللی خواستار ارجاع پرونده جنایت علیه بشریت رژیم ولی فقیه علی خامنه ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد جهت گرفتن تصمیمات لازم اجرا می باشد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

29 فروردین 1390 برابر با 18 آوریل 2011

گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

کمیسیون عالی حقوق بشر

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد

کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا

سازمان عفو بین الملل

<http://hrdai.net>

info@hrdai.net

pejvak_zendanyan10@yahoo.com

pejvakzendanyan@gmail.com

دانش‌آموز نقشه‌کشی بر اثر ضربه لگد معلم مدرسه دچار نقص عضو شد

"انصاری رامندی" دانش‌آموز دبیرستان نقشه‌کشی بر اثر ضربه لگد معلم مدرسه دچار نقص عضو شد

خبرگزاری هرانا - تنبیه بدنی توسط معلمان در مدرسه موجب نقص عضو یک دانش‌آموز در استان قزوین شد.

"انصاری رامندی" که دانش‌آموز کلاس دوم دبیرستان رشته نقشه‌کشی دبیرستان هاشمی‌نژاد شهر دانشفهان در استان قزوین است، روز گذشته بر اثر ضربه لگد معلم مدرسه از ناحیه شکم دچار عارضه شد و برای مداوا به بیمارستان شهید رجایی قزوین منتقل شد. به گفته پدر این دانش‌آموز، این حادثه به علت تصور اشتباه معلم در حمل موبایل توسط پسرش روی داده است.

به گزارش مهر، وی افزود: روز گذشته پسرش بعد از شرکت در مراسم دعا، یک قطعه بیسکویت دریافت می‌کند که آن را در جیبش گذاشته و در مراسم صبح‌گاه مدرسه شرکت می‌کند. رامندی تصریح کرد: معلم نقشه‌کشی این دانش‌آموز به تصور اینکه وی موبایل با خود به همراه آورده است اقدام به تنبیه بدنی او کرده و با لگد به وی ضربه می‌زند. پدر این جوان تصریح کرد: لگد معلم به بیضه‌ها و شکم کامران اصابت کرده و باعث ایجاد درد شدید در ناحیه شکم شده است.

به گفته پدر این دانش‌آموز بعد از انجام معاینات پزشکی و سونوگرافی مشخص شد که بدلیل ضربه وارده یکی از بیضه‌های پسرش از کار افتاده و با عمل جراحی امروز در بیمارستان شهید رجایی قزوین از بدنش خارج شده است.

این دانش‌آموز در حال حاضر در بیمارستان شهید رجایی قزوین بستری است.

آمار آزار جوانان زیر 18 سال

از هر چهار دختر و هر هشت پسر، یک نفر از آنها در سنین قبل از ۱۸ سالگی مورد آزار قرار می‌گیرند

خبرگزاری مهر: پوستهای داغ شده، صورتهای ورم کرده و استخوانهای شکسته، همه اینها باعث می‌شود که دخترک پنج ساله که از شدت کودک آزاری راهی بیمارستان شده حتی برای اشکهایش نیز پناهی نداشته باشد. کودک چمباتمه زده است لای ملحفه سفید بیمارستان در بخش کودکان، کلی سیم و لوله از دو طرفش به او پیوند می‌خورد، دو چنگ ظریف را مشت کرده و لرز لرزان برابر صورت گرد و کوچکش گرفته، چنگ‌ها اما می‌لرزند و دمام صورت کوچک را پیدا و ناپیدا می‌کنند. صورت دختر پر است از لکه‌هایی دایره، کوچک به اندازه همین 25 تومانی‌های سکه‌ای، که جای همین چنگ‌های مشت‌کرده است. همه‌ی وجود کوچک دختر، زلزله‌ای محدود شده حالا، اشکش بی‌صدا پایین می‌آید. جای سیخ داغ‌شده پوست روشنش را به شکلی زشت نقاشی کرده.

گاه انگار خواب آشفته دیده باشد دخترک، فریاد می‌کشد و باز می‌نالد. بغض امانت نمی‌دهد، انگار دهانت تلخ شده، می‌لرزی. جای مشت‌ها انگار روی تنش تیر می‌کشد. درد، باز درد، کودک در خود می‌پیچد. چمباتمه می‌زند، کج می‌شود تنش مماس تشک می‌شود، درد در جانش پیچیده، صاف رفته توی تمام کبودیهای بدنش روی همان زخمها. حالا لایبی کودک کبود شده اما کسی کبودیهایش را نوازش نمی‌کند. خیلی وقت است توی چهار دیواری برخی خانه‌ها این اتفاقات می‌افتد تا صدای کودکان آزار دیده در جدال با مرگ و زندگی، سرانجام روی تخت بیمارستان و در میان اندوه تیم پزشکی و پرستاران برای همیشه قطع شود.

سوختگی، گاز گرفتگی و ضرب و شتم و خیلی چیزهای دیگر که فاصله می‌اندازد بی‌منتها بین آنها و کودکان آنجا که بی‌آرزو می‌شوند. حالا دیگر صدای ناله‌های ضعیف و معصومانه زخمها، سوختگی‌ها و کبودی‌های روی پیکر ضعیف و لاغرشان همه و همه از پایان زندگی پر درد و رنجشان حکایت دارد. کودک آزاری دارای گستره وسیعی است و ممکن است در هر فرهنگ و اجتماعی که دارای ارزش‌های اخلاقی خاص خود هستند، اتفاق بیفتد.

آزار کودکان می‌تواند جسمی، عاطفی، لفظی و یا جنسی باشد. حتی نادیده انگاشتن و توجه نکردن به کودکان نیز می‌تواند به نوعی در رده این اختلال قرار گیرد.

این آزارها می‌تواند صدمه‌ای جدی به کودکان وارد کند و یا حتی باعث مرگشان شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد از هر چهار دختر و هر هشت پسر، یک نفر از آنها در سنین قبل از ۱۸ سالگی مورد آزار قرار می‌گیرند. همچنین سالانه یک کودک از هر ۲۰ کودک، از نظر جسمی صدمه می‌بیند، آزارهای جسمی کودکان شامل مواردی چون، سوزاندن، کتک زدن و شکستن استخوان‌هاست. آزارهای جنسی، لمس بدن کودکان به‌صورتی ناشایست را شامل می‌شود. غفلت و بی‌توجهی می‌تواند مواردی چون خودداری از غذا دادن به کودکان، پوشانیدن لباس، تهیه سرپناه و سایر نیازهای اساسی را شامل شود، نادیده انگاری عاطفی شامل مواردی چون، خودداری از ابراز عشق و محبت، راحتی و توجه است. بی‌توجهی از لحاظ سلامت و بهداشت هنگامی روی می‌دهد که از مراقبت‌های پزشکی برای کودکان

خودداری شود. کودکانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند از شکایت کردن و بیان آن، می‌ترسند. آنها از این می‌ترسند که مورد سرزنش قرار بگیرند و یا اینکه بزرگترها، حرفهایشان را باور نکنند. والدین اغلب نشانه‌های کودک آزاری را نمی‌شناسند زیرا نمی‌خواهند با واقعیت روبرو شوند. به گفته معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی استان اصفهان، کودکانی که آزرده شده‌اند، باید هر چه سریع‌تر تحت درمان و پشتیبانی خاص قرار گیرند، هر قدر آزار کودکان طولانی‌تر باشد، احتمال بهبود کامل آنها کمتر خواهد بود. دل‌نگرانی‌ها از پدیده رو به افزایش کودک آزاری و دیگر مشکلاتی که کودکان ممکن است با آن روبرو شوند، سازمان بهزیستی را مدتی پیش به این فکر واداشت تا خط تلفنی ۱۲۳ را برای یاری فوری اجتماعی کودکان دایر کند.

نخستین مسئله‌ای که پس از یک دوره فعالیت این خط تلفنی پیش روی مسئولین سازمان بهزیستی قرار گرفت، "قدرت اجرایی" و "موانع قانونی" برای مداخله بود که این سازمان فاقد آن در دفاع از حقوق کودکان بود و هست. براساس آمارهایی که در رابطه با کودک آزاری وجود دارد می‌توان دریافت که "کودک آزاری از جمله شایع‌ترین خشونت‌های خانگی است،" همین آمار نشان می‌دهد که "دختران با سهمی 52.5 درصدی از گزارشهای کودک آزاری، بیشتر مورد آزار قرار می‌گیرند.

به اعتقاد کارشناسان حوزه آسیب‌های اجتماعی موانع پیش روی برای برخورد با پدیده زشت کودک آزاری موانعی متعددی است که ریشه در قوانین، خرده فرهنگها و آموزش خانواده‌ها دارد.

در گزارش نهایی بسیاری از مواردی که مددکاران سازمان بهزیستی پس از دریافت گزارش کودک آزاری آن را مورد پیگیری قرار داده‌اند، قید شده که "با توجه به قیمومیت پدر، پیگیری قضایی با مشکل مواجه شده است." از سوی دیگر نکته‌ای که محققان اجتماعی بر آن تاکید دارند، ابهامات قانونی در برخورد با کودک آزاران، بخصوص والدینی است که در رابطه با فرزندان خود مرتکب خشونت می‌شوند.

دکتر عزت اله فرمند حقوق دان می‌گوید: براساس قوانین فعلی "اقدامات والدین و اولیا" قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام می‌گیرد، مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف تادیب و محافظت باشد، جرم نیست.

همچنین هرچند ماده ۱۷۹ قانون مدنی به والدین "حق تنبیه" کودک خود را می‌دهد، ولی تاکید می‌کند که به استناد اینحق نمی‌توانند فرزند خود را "خارج از حدود تادیب" تنبیه کند.

مشخص نبودن محدوده "تادیب و تنبیه" و نامشخص بودن "حد متعارف" در موارد قانونی مذکور "دست قاضی را در زمان لازم برای صدور حکم بسته" و "دست والدین غیرمسئول و خشن را برای اعمال خشونت" باز داشته است. این در حالی است که این خشونت پنهان در بسیاری از موارد خاموش می‌ماند و در مقابل یک مورد کودک آزاری که فاش می‌شود، حداقل ۲۰ مورد دیگر نهان می‌ماند. از طرفی به گفته بسیاری از حقوقدانان کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد، این در حالیست که در قوانین مذکور برای تعقیب این جرم عمومی و کشف جرم که مقدمه تعقیب است، هیچگونه چاره اندیشی و تدبیر کارسازی اتخاذ نشده است. "فرمند" حقوقدان و عضو هیات علمی دانشگاه می‌گوید: در قوانین کشور، در مواردی که کودک آزاری اشاره شده و آن را جرم دانسته‌اند اما متأسفانه این قوانین در مورد کودک آزاری از سوی افراد غریبه بوده و در مورد اعمال کودک آزاری از سوی والدین کودک مقدار زیادی ابهام وجود دارد، از آنجا که کودک آزاری عموماً در منزل رخ می‌دهد، این عمل در جای خود یک نوع خشونت خانگی محسوب می‌شود. بیشتر کودکانی که مورد آزار قرار می‌گیرند در رده سنی یک تا پنج سال قرار دارند و اغلب آنها نیز توسط

پدران خود آزار می‌شوند که خود را مالک فرزندان خویش می‌دانند و این باور به نوعی ریشه در قوانین ما و برخی باورها دارد این والدین در آینده نسلی خشونت دیده را وارد جامعه می‌کند که خود اقدام به خشونت می‌کنند و شماری از آسیبهای اجتماعی را یک می‌کشند.

در همین رابطه صادقی با اشاره به اینکه والدینی که در دوران کودکی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند بیشتر امکان دارد کودکان خود را مورد آزار قرار دهند تاکید می‌کند: پزشکان از نظر اخلاقی ملزم هستند، هرگونه نشانه‌های آزار کودکان و یا غفلت و بی‌توجهی نسبت به آنها را گزارش دهند.

وی می‌افزاید: وقتی این کودکان بزرگ می‌شوند به مخدرات و دارو روی می‌آورند و تلاش می‌کنند به صورتی فرار کنند و یا این که آزار، اذیت و آسیبی که از سوی دیگران دیده‌اند، انکار کند. تحمل آزار در دوران کودکی ممکن است در بزرگسالی به خودکشی و افسردگی هم منجر شود.

طبق آمار واحد مددکاری انجمن حمایت از کودکان نتایج یک تحقیق میدانی در ایران نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد والدین تنبیه بدنی کودکان را حق خود و یکی از راههای تربیت کودکان می‌دانند.

هم اکنون ۲۷ میلیون کودک زیر ۱۸ سال در ایران وجود دارد و طبق آمار سازمان بهزیستی ۱۴۴ هزار و ۵۶۵ مورد کودک‌آزاری در شش ماه اول سال ۸۸ به اورژانس اجتماعی گزارش شده است.

در همین رابطه سعید صادقی معاون اجتماعی سازمان بهزیستی استان اصفهان با اعلام آمار ۹ ماهه سال گذشته کودک‌آزاری در اصفهان گفت: از کل تعداد تماسها با اورژانس اجتماعی 123 حدود 305 مورد آزار جسمی کودکان ثبت شده 22 مورد آزار جنسی 52 مورد روانی 131 مورد غفلت هشت مورد ترکیبی بوده است و مورد پیگیری قرار گرفته است.

وی با اشاره به اینکه 60 درصد موارد کودک‌آزاری از طریق اورژانس اجتماعی ثبت شده، گفت: پایگاه اطلاع‌رسانی 123 قصد دارد مداخلات روانی- اجتماعی را قبل از مداخلات قضایی و انتظامی و حتی در کنار این نوع مداخلات اجرا کند.

هم اکنون بنابر آمار، ۵۳ درصد آزارها توسط پدران و در کل ۹۰ درصد آزارها توسط پدر و مادرها و یا ناپدری و نامادری و در فضای خصوصی و منزل انجام می‌شود و تقریباً همه موارد در خانواده‌های نابسامان است. معاون اجتماعی سازمان بهزیستی با اعلام اینکه در خانواده‌هایی که والدین سطح تحصیلات بالاتری دارند کودکان بیشتر مورد آزار عاطفی قرار می‌گیرند اما در کل در هر دو نوع خانواده کودک‌آزاری تاثیر سوء بر شخصیت و خودپنداری کودک دارد و هر دو مانعی بر رشد عاطفی، روانی و اجتماعی کودک است.

این کارشناس مسائل اجتماعی، نهادینه بودن خشونت در خانواده و بازتولید این فرهنگ در نسلهای بعدی را از دلایل فرهنگ‌یکودک‌آزاری دانست و گفت: هنوز هم نزدیک به ۷۰ درصد خشونت‌ها در فضای خصوصی و خانواده اتفاق می‌افتد و مهمترین تاثیر این خشونت ایجاد دوگانگی در شخصیت کودکان، محترم نبودن مفاهیم پدر و مادر و همزمان آسیب از جانب آنها، تشویق به اعتماد و احترام به آنها و تاکید بیش از حد در مورد اطاعت و حرف‌شنوی از والدین علیرغم ازدیاد و فزونی کاستی‌ها و غفلت‌ها و بی‌کفایتی والدین در تربیت فرزندان موجب تشدید احساس تنفر، گناه، خشم در کودکان می‌شود. وی خاطر نشان کرد: در برخی موارد ما شاهد تماس تلفنی کودکانی هستیم که مورد آزار والدین قرار می‌گیرند و احساس گناه شدیدی در مورد اطلاع‌رسانی آزار دارند.

نتایج یک تحقیق میدانی در ایران نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد والدین تنبیه بدنی کودکان را حق خود می‌دانند و آن را یکی از راههای تربیت کودکان ذکر می‌کنند و ۴۰ درصد والدین اقدام به تنبیه بدنی کودکان کرده‌اند.

صادقی فقر اقتصادی را در کنار فقر فرهنگی را از دیگر عوامل کودک آزاری عنوان کرد و گفت: اغلب کودک‌آزاریها در خانواده‌های متشنج و تک والد و خانواده معتاد رخ می‌دهد و معمولاً این خانواده‌ها از نظر اقتصادی در شرایط نابسامانی به سر می‌برند. عدم برنامه ریزی مناسب برای کودکان چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، تولد بدون برنامه ریزی قبلی کودکان در خانواده تا سیاستهای ضد و نقیض در دوره‌های تاریخ بر فرزند آوری یا کنترل جمعیت حاکی از نگاه ابزاری به کودک است.

همه اینها در حالی مطرح می‌شود که هنوز نهاد متولی کودکان در ایران وجود ندارد و ما شاهد سیاست‌گذاریهایی مقطعی، شتاب زده در امور مربوط به کودکان هستیم و در نهایت امور مربوط به کودکان جزئی حاشیه‌ای از وظایف متعدد یک سازمان قرار می‌گیرد و یا سازمانهای متعدد درگیر مسئله‌ای می‌شوند که هر کدام این وظیفه را به دیگری محول می‌کند.

طبق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تحت عنوان لایحه منع کودک آزاری در 1381/10/24 جهت اجرا ابلاغ شد و این قانون 9 ماده دارد و افراد زیر 18 سال را تحت پوشش قرار می‌دهد همچنین طبق ماده چهارم این قانون، هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع اعلام شده و مجازات دارد.

ماده پنج می‌گوید: کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد. در ماده شش "کلیه افراد و موسسات... مکلفند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیمی مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام کنند... " وگرنه مجازات می‌شوند اما با تمام اینها کودک آزاری همچنان وجود دارد آنجا که اشکها هم بی پناه می‌شوند

کانون های موثر در نقض حقوق کودک و نوجوان ایرانی

فهرستی کوتاه از کانون های موثر در نقض حقوق کودک و نوجوان ایرانی
درفروردین 1390

آسیب های اجتماعی

قتل فجیع دختر بچه‌ای ۷ ساله پس از شکنجه، در مشهد. خبرگزاری هرانا 22 فروردین 1390
زدی و بازپس گرفتن دوکودک 6 و 11 ساله در نخستین روز سال، سایت تابناک 24 فروردین 1390

نهاد های دولتی

دستگیری وانتقال فعالان حقوق کودک سارا حاج بهرامی و علی دیوسالار به زندان کرمان. خبرگزاری هرانا 02 فروردین 1390

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

ادعای عجیب یک عضو فراکسیون اصولگرایان مجلس شورای اسلامی. خبرگزاری هرانا 09 فروردین 1390

میزان مرگ و میر کودکان یک تا ۵۹ ماهه در شهرستان زابل ۱ میانگین کشوری بیشتر است خبرگزاری هرانا 16 فروردین 1390

قاچاق دختران کمتر از 14 سال و فروش آنان به شیوخ عرب . سایت فرارو 27 فروردین 1390
عدم برگزاری دادگاه بهنام ابراهیمزاده، فعال حقوق کودک. خبرگزاری هرانا 29 فروردین 1390
نقض حکم تبرئه حکم اعدام علی مهین ترابی و احتمال اعدام وی . خبرگزاری هرانا 29 فروردین 1390

نقص عضو "انصاری رامندی" توسط معلم مدرسه. خبرگزاری هرانا 30 فروردین 1390
برگزاری دادگاه پنج فعال حقوق کودک کرمانی. خبرگزاری هرانا 30 فروردین 1390
کانون خانواده

تجاوز مکرر پدری به دختر ۱۰ ساله اش . خبرگزاری هرانا 22 فروردین 1390
آزار و اذیت جسمی دختر بچه ۸ ساله به فجیعترین وضع توسط ناپدری اش. خبرگزاری هرانا 30 فروردین 1390

از هر چهار دختر و هر ۸ پسر، یک نفر از آنها قبل از ۸ سالگی مورد آزار قرار می‌گیرند خبرگزاری مهر 31 فروردین 1390

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان
جعفری

باز هم اعدام جمعی در ملاء عام

چهار نفر با جرثقیل در یکی از سواحل بندر عباس در ملاء عام به دار آویخته شدند.

خبرگزاری هرانا - گزارش ها حاکی از آن است که دستکم دو نفر از چهار نفری که اول اردیبهشت ماه در بوستان ساحلی غدیر بندر عباس در ملاء عام اعدام شدند، به اتهام قتل در سنین ۱۶ تا ۱۷ سال به مجازات مرگ محکوم شده بودند. بر اساس گزارش سازمان حقوق بشر ایران، اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ چهار نفر با جرثقیل در یکی از سواحل بندر عباس در ملاء عام به دار آویخته شدند.



سه نفر از آن‌ها به اتهام قتل یک پسر ۱۵ ساله در آذر ماه ۱۳۸۷ و نفر چهارم (یک جوان ۲۲ ساله) به اتهام تجاوز به یک دختر ۱۷ ساله در اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ محکوم به اعدام شده بودند. گفته می‌شود سه نفر متهم به قتل پسر ۱۵ ساله چند ماه پس از این اتفاق دستگیر شدند و در آن زمان سن دو نفر از آن‌ها با نام‌های "ع.ن" و "ه.ب" ۱۷ سال و سن نفر سوم به نام "پ.و" ۱۸ سال بود. از آنجائی که این افراد چندین ماه پس از قتل دستگیر شده‌اند هنوز معلوم نیست که آیا سن فرد سوم نیز هنگام «ارتکاب» جرم زیر ۱۸ سال بوده است یا نه. بدین ترتیب دستکم دو نفر از چهار نفر اعدام شده در بندر عباس به اتهام جرم در زمانی که کمتر از ۱۸ سال داشتند به اعدام محکوم شده بودند. این در حالی است جمهوری اسلامی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک را امضا کرده است. بر اساس ماده ۳۷ این کنوانسیون "حکم اعدام و حبس ابد، نباید برای جرایمی صادر شود که افراد زیر ۱۸ سال مرتکب شده‌اند." با این وجود ایران در صدر لیست کشورهایایی است که به اعدام نوجوانان بزهکار ادامه می‌دهد.

عدم دسترسی به مواد غذایی سوءتغذیه است

سازمان جهانی بهداشت: عدم دسترسی به مواد غذایی با توجه به افزایش کنونی قیمت‌ها، عامل اصلی و مشترک سوءتغذیه است

رئیس انجمن پزشکان کودکان ایران گفته است که با وجود کاهش سوءتغذیه در ایران و جهان هنوز هم یک سوم کودکان ایرانی دچار آن هستند.

به گزارش خبرگزاری مهر، دکتر غلامرضا خاتمی که در نشست خبری سی‌ودومین کنگره بزرگداشت دکتر محمد قریب سخن می‌گفت با اعلام این خبر به تفاوت میزان سوء تغذیه در مناطق مختلف ایران اشاره کرد و گفت که در یک استان ممکن است این نرخ پنج تا شش درصد و در برخی استان‌ها تا ۲۰ درصد هم باشد.

دکتر خاتمی در اردیبهشت ماه سال گذشته از شیوع شش تا هفت درصدی سوءتغذیه کودکان ایرانی خبر داده و نیز افزوده بود که در استان‌های محروم این میزان به ۱۱ درصد نیز افزایش یافته است.

دکتر زهرا عبداللّهی کارشناس دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت نیز در تیرماه سال گذشته با تکذیب گفته نماینده یونیسف در تهران مبنی بر افزایش سوءتغذیه کودکان گفت که «سوء تغذیه کودکان ایرانی از ۱۵ به هشت درصد کاهش داشته که نشان‌دهنده کاهش ۴۰ درصدی آن است».

آمار جدید رئیس انجمن پزشکان کودک مبنی بر وجود سوءتغذیه در یک سوم کودکان کشور با توجه به آمار کاهشی سال‌های گذشته، کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد.

اداره بهبود تغذیه وزارت بهداشت ایران از سال ۸۶ شروع به تهیه نقشه آسیب‌پذیری سوءتغذیه کودکان ایرانی در ۳۵۰ شهرستان کرده که هدف آن شناخت دقیق میزان شیوع سوء تغذیه در کودکان ایرانی بود تا بتوان با دستیابی به اطلاعات لازم در مسیر کنترل و کاهش آن برنامه‌ریزی کرد.

در این نقشه آسیب‌پذیری، سوءتغذیه کودکان از طریق اندازه‌گیری قد، وزن، دور سر و نسبت‌هایی که از این سه اندازه بدست می‌آید معلوم می‌شود.

سوءتغذیه حاد معمولاً منجر به کم‌زنی بدن و لاغری می‌شود، نوع مزمن سوءتغذیه ممکن است با کم‌زنی، و کوتاه‌قدی همراه باشد و سوءتغذیه بسیار شدید با دو شاخص پیشین به علاوه اندازه دور سر کمتر از حد استاندارد همراه می‌شود.

سوءتغذیه در ایران و دنیا و علل آن

دکتر خاتمی عمده‌ترین انواع سوءتغذیه در ایران را کمبود ریزمغذی‌ها (آهن، ید، منیزیم، ویتامین‌های آ، ای، ب شش، سی و دی، روی و...) و املاح دانست.

کارشناسان سازمان جهانی بهداشت در آخرین نشست خود در ماه گذشته در ژنو برآورد کردند که حدود ۴۰ درصد کودکان مدرسه‌رو در کشورهای در حال توسعه آهن کم دارند.

ضمناً برآورد جهانی نشان می‌دهد که سالانه ۱۳ میلیون کودک در دنیا با وزن کم متولد می‌شوند که حدود ۲,۵ میلیون آن‌ها به دلیل عدم دریافت کافی آهن از سوی مادر در دوران بارداری دچار این مشکل شده‌اند.

بیش از یک سوم کودکان پیش از سن مدرسه جهان دچار کمبود ویتامین آ هستند و حدود دو میلیارد نفر از جمعیت دنیا از کمبود ید رنج می‌برند.

براساس برآورد سازمان جهانی بهداشت کمبود ویتامین آ، روی، آهن و ید مهم‌ترین نگرانی اولیه بهداشتی جهان است.

یکی از نشانگرهای کلیدی سوءتغذیه مزمن، کوتاه‌قدی است که کودک در مقایسه با استانداردهای رشد سازمان جهانی بهداشت کوتاه‌تر از گروه سنی خود است.

آمار مربوط به سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که ۴۳ میلیون کودک زیر پنج سال چاقی بیش از حد دارند که خود نوعی سوءتغذیه محسوب می‌شود و باعث افزایش بیماری‌های قلبی-عروقی، دیابت و برخی دیگر بیماری‌ها می‌شود.

سازمان جهانی بهداشت عدم دسترسی به مواد غذایی به خصوص با توجه به افزایش کنونی قیمت‌ها در دنیا را عامل اصلی و مشترک سوءتغذیه در سراسر جهان می‌داند که عمدتاً گریبان کشورهای با درآمد کم یا متوسط را گرفته است.

شیرندان کودک از سوی مادر در مدت زمان مناسب، ارائه غذایی نامناسب به کودک و نرسیدن مواد مغذی کافی به کودک از جمله عوامل اصلی دیگر سوءتغذیه کودکان به شمار می‌آیند.

انواع عفونت‌ها مانند اسهال مکرر، ذات‌الریه، سرخک و مالاریا نیز سوءتغذیه را تشدید کرده‌اند.

دکتر خاتمی، رییس انجمن پزشکان کودک ایران فقر را عامل تشدید سوء تغذیه دانسته و در باره عفونت‌های رایج در ایران نیز گفته که در گذشته اسهال، شایع‌ترین بیماری کودکان بوده اما در حال حاضر عفونت‌های تنفسی بیشتر از همه شایع هستند که منشأ آن‌ها باکتری‌ها و ویروس‌ها هستند

هزاران دانش آموز زلزله زده ریگانی دچار بیماری های انگلی و پوستی شدند

هزاران دانش آموز زلزله زده ریگانی در انتظار بازسازی مدارس هستند و استفاده از آب موتور پمپ های کشاورزی موجب بروز بیماری های انگلی و پوستی میشود

روزنامه مردمسالاری: درحالی هزاران دانش آموز زلزله زده ریگانی در انتظار بازسازی مدارس هستند که استفاده از آب موتور پمپ های کشاورزی در برخی از این مدارس موجب بروز بیماری های انگلی و پوستی می شود.

به گزارش مهر، شهرستانهای ریگان و فهرج یکی از محروم ترین شهرستانهای استان کرمان محسوب می شوند که نیاز به توجه ویژه برای رفع محرومیت و ایجاد زیر ساختها در بخشهای مختلف دارند. اما زمین لرزه 5/6 ریشتری ریگان در برخی از این مناطق اوج محرومیت را بار دیگر نشان داد یکی از این بخشها مدارس شهرستان ریگان است که بدلیل غیر استاندارد بودن و خشت و گلی بودن این مدارس آن هم در شهرستان زلزله خیز ریگان مدتهاست، آسمان سقف مدارس قریب پنج هزار دانش آموز این شهرستان شده است.

بخش قابل توجهی از مدارس ریگان بخصوص در مناطق عشایر نشین چادری و یا خشت و گلی است و نیاز به توجه جدی مسئولان دارد.

این درحالی است در پی بروز زمین لرزه های متوالی در این منطقه دانش آموزان از حضور در برخی از این مدارس بدلیل غیرمقاوم بودن خودداری می کنند و ترجیح می دهند در فضایی باز تحصیل کنند و نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که اکثر این مدارس نیز حصار کشی ندارند.

فرماندار ریگان در این خصوص در جلسه شورای آموزشی و پرورش این شهرستان گفت: بازسازی و مقاوم سازی مدارس ریگان ضروری است و در همین راستا بخصوص پس از زمین لرزه ریگان به نظر می رسد اقدامات مناسبی درحال شکل گرفتن است. وی از احداث 20 مدرسه مقاوم بجای مدارس غیر مقاوم در آینده نزدیک خبر داد و ابراز امیدواری کرد با آغاز این حرکت بزودی مدارس مستحکم

در ریگان جایگزین مدارس خشت و گلی و سنگی شود. محمد برزنگ افزود: هم اکنون در ریگان بیش از 46 مدرسه غیرمقاوم وجود دارد که پنج هزار دانش‌آموز در آنها در حال تحصیل هستند که می‌تواند در صورت بروز زمین لرزه جان دانش‌آموزان را با خطر مواجه کند.

این مسئول خاطر نشان کرد: برای ساخت مدارس مقاوم در این شهرستان هزار میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته شده است که امیدواریم هر چه زودتر احداث شوند.

مدیر مرکز بهداشت ریگان نیز در این جلسه با اشاره به وضعیت بهداشتی مدارس ریگان خواستار تامین آب آشامیدنی سالم و سرویسهای بهداشتی در آنها شد.

محمد جلالی گفت: برخی مدارس ریگان آب آشامیدنی سالم وجود ندارد و آب مورد نیاز از طریق چاه و همچنین پمپ های آب کشاورزی منطقه تامین می‌شود که همین مسئله موجب بروز بیماریهایی در دانش‌آموزان می‌شود.

وی ادامه داد: تنها طی سال گذشته 650 مورد بیماری انگلی و پوستی در بین دانش‌آموزان مشاهده شد که با اقدام سریع شبکه بهداشت این بیماریها کنترل شد.

این مسئول بهداشتی استفاده از آبهای آلوده را موجب بروز بیماری های روده ای در دانش‌آموزان دانست و گفت: این امر سلامت و بهداشت مدارس را با خطر مواجه می‌کند.

جلالی افزود: یکی از مهمترین نیازهای دانش‌آموزان ریگانی وجود مربی بهداشت و نظارت بر بهداشت آنها است که باید در این خصوص اقدام لازم انجام شود. این وضعیت در مدارس شهرستان فهرج نیز وجود دارد به طوری که فرماندار فهرج در این خصوص به مهر اظهار داشت: بسیاری از مدارس ریگان بخصوص در بخش عشایری خشت و گلی هستند و وضعیت مناسبی ندارند. حسین زین الصالحین افزود: اختصاص اعتبار لازم برای مقاوم سازی و نوسازی این مدارس ضروری است. وی تصریح کرد: پس از زمین لرزه در اکثر این مدارس چادر توزیع شد و دانش‌آموزان در چادر تحصیل می‌کردند.

فرماندار فهرج ابراز امیدواری کرد که در کوتاه ترین زمان ممکن کار بازسازی و مقاوم سازی مدارس فهرج آغاز شود.

شورای عالی ساماندهی کودکان خیابانی

فرهاد اقطار: باید: "شورای عالی ساماندهی کودکان خیابانی" تشکیل شود.

شهرزادنیوز: طبق آمارهای سازمان بهزیستی، 50 درصد کودکان خیابانی کشور در تهران به سر می‌برند و 70 درصد آنان خانواده دارند، اما از آنجا که خانواده‌های اغلب این کودکان توانمند نیستند و با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه هستند، پس از تحویل کودکان خیابانی به والدین شان توسط بهزیستی، این کودکان مجدداً به خیابان‌ها بازمی‌گردند.

فرهاد اقطار، مدیرکل مداخله و بازتوانی سازمان بهزیستی کشور، با بیان مطلب فوق، افزود که برای ساماندهی کودکان خیابانی، که در فصل گرما تعدادشان افزایش می‌یابد، باید "شورای عالی ساماندهی کودکان خیابانی" تشکیل شود.

وی ضمن انتقاد از عدم دخالت وزارت بهداشت در این مورد، تصریح کرد که برخی از این کودکان و نوجوانان معتاد و تعدادی نیز به دلیل ابتلا به بیماری‌های "هیپاتیت" و "ایدز" نیازمند مداخله درمانی هستند.

این مقام بهزیستی همچنین گفت که طی سال گذشته حدود 6500 کودک خیابانی ساماندهی شده‌اند که 30 درصد آنان را فرزندان اتباع خارجی تشکیل می‌دادند.

برای کودکان کار

یاد کودکان کار،

انسان‌هایی با دست‌های کوچک و دل‌های بزرگ،

آفتاب سوختگان غریبه با بیمه و مزد قانونی کودکانی که استنشاق عطر شلاله‌ی گیسوانشان در

چهارراه‌های پر ازدحام،

اتفاق ساده‌ای است؛

برای عابران بی‌تبسم

آنانی که پشت نیمکت‌های بی‌جان نمی‌نویسند

عکس دل‌های کوچکشان در شیشه‌های بخار گرفته، محو می‌شود پیش از آنی که در

خطوط سپید کاغذ ببینند "بابا نان داد"

همانانی که رفتگر محله،

غمشان را می‌شناخت
می دانست،
دل‌تنگی‌هایشان ناتمام است؛
مثل مهربانی‌شان و تکه نان کپک زده‌اش را
با آن‌ها قسمت کرد
یادشان گرامی باد!



اسباب بازی های ساخت چین

اسباب بازی های ساخت چین، از مواد بازیافتی تهیه میشوند و آلوده به آرسنیک، سرب و مایعات بازیافت شده از فاضلاب هاست

سکوتی به پهنای قاچاق عروسک‌های آلوده

مرگ رنگین در آغوش کودکان ایرانی

روزنامه سیاست روز: اگر فرصت داشته باشید و به سراغ بازار اسباب بازی ها در تهران بروید می بینید که بالای 90 درصد آنها اسباب بازی های چینی وارداتی است. محصولاتی که نه تنها به صورت قاچاق وارد کشور شده بلکه هیچ استاندارد و نظارتی بر روی آنها اعمال نمی شود.

نگاهی به بازار اسباب بازی

زمانی گفته می شد که مایعاتی که در اسباب بازی ها ساخت چین استفاده می شود از فاضلاب است و حالا هم گفته می شود که این اسباب بازی ها از مواد بازیافتی تهیه می شوند و آلوده به آرسنیک و سرب و چیزهای دیگر است.

در حال حاضر بازار اسباب بازی دنیا دست چینی ها است و بر اساس اظهار نظرات رسمی بیش از 95 درصد اسباب بازی هایی که در ایران به فروش می رسد از چین وارد می شود و حدود سه درصد از کشور های دیگر مانند آلمان، ایتالیا و ژاپن می آید و تنها دو تا سه درصد اسباب بازی هایی که در دست کودکان ایرانی است در داخل کشور تولید می شود.

در حالیکه آمریکایی ها اعلام کرده اند که تماس دست کودکان با آنها منجر به صدماتی به کبد، شش ها و سیستم هورمونی آنها می شود، جای تاسف دارد که بیش از 95 درصد اسباب بازی هایی که نزدیک به 17 میلیون و 600 هزار کودک زیر 15 سال ایرانی از آن استفاده می کنند ساخت چین است.

توجهیاتی از نوع مسئولانه جالب اینجاست که دبیر شورای نظارت بر اسباب بازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان کشور می گوید: به دلیل قیمت مناسب و تنوع تولیدات چینی 95 درصد اسباب بازی های وارداتی به ایران از این کشور است. محمد حسین فرجودر ادامه اضافه می کند: هر چند از کشورهای آلمان، ایتالیا و تایلند نیز اسباب بازی وارد ایران می شود اما به دلیل قیمت بسیار بالا نسبت پایینی از سر جمع واردات این کالا به کشور را به خود اختصاص می دهند.

همچنین یک مقام مسئول در سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی استان در تهران در این خصوص می گوید: بیش از 95 درصد اسباب بازی های بازار، آلوده هستند. به هر حال استقبال از این برندهای چینی آنقدر زیاد است که حتی بعضی از تولید کننده های داخلی، اسباب بازی های شان را به اسم اسباب بازی چینی می فروشند. در حالی که تقریباً تمامی کارشناسان بر وجود آلودگی در مورد برخی از اسباب بازی های وارداتی تاکید می کنند نظارت دقیقی در این مورد وجود ندارد و نهاد های مسئول در

این زمینه یا سکوت کرده اند یا در مقابل اجناس قاچاقی که هرچند آمار دقیقی از آنها در دست نیست اما در مورد اسباب بازیها زیاد است سلب مسئولیت می کنند.

آیا نظارتی بر بهداشتی بودن اسباب بازی های وارداتی موجود در بازار وجود دارد یا نه؟

می توان گفت موضوع اسباب بازی های آلوده علاوه بر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مربوط به وزارت بازرگانی و سازمان گمرک نیز هست. یک مقام آگاه در این زمینه به خبرنگار سیاست روز می گوید: در مورد برخی مواد به کار رفته در اسباب بازی های موجود در بازار موادی که در ساخت ماشین های عقب کش به دلیل استفاده از تکنولوژی "دایکاست" (ریخته گری تحت فشار) مقداری سرب خشک در این نوع اسباب بازی وجود دارد و از آنجایی که فلز سرب پرتوزا است لازم است تا میزان پرتوهای آن مورد بررسی قرار گیرد.

جای خالی نظارت

به هر حال ماجرای اسباب بازی ها و تاثیرات آنها چه از نظر فرهنگی و چه از نظر ایمنی ماجرابی است که نگرانی های زیادی ایجاد کرده است. این نگرانی نیز وجود دارد که ماجرای اسباب بازی ها و به ویژه آلودگی آنها مثل بسیاری از ماجراهایی از این دست از جمله آلودگی برنج، آب، آمپوه، گوشت و ... به فراموشی سپرده شود.

معاون اداره کل نظارت بر اجرای استاندارد موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، در همین خصوص می گوید: اسباب بازی های وارداتی چه استاندارد و چه غیراستاندارد عمدتاً ساخت چین هستند و در میان اسباب بازی های وارداتی غیراستاندارد می توان به مواردی مانند یویوی غیراستاندارد، انواع حیوانات و عروسک ها، هواپیما، ماشین اسباب بازی، تفنگ، اسکوتر برقی و غیربرقی، پولیشی و سپر شمشلی اشاره کرد.

محمد مهدی جعفری با بیان این که واردات اسباب بازی عمدتاً از بنادر جنوبی مانند هرمزگان، بوشهر و خوزستان انجام می شود، افزود: پیش از این مشکل اصلی تولیدکنندگان چینی اسباب بازی این بود که آنها با مشخصات استاندارد ایران آشنا نبودند، اما هم اکنون این مشخصات روی سایت موسسه و تحقیقات صنعتی ایران قرار گرفته است و واردکنندگان و تجار ایرانی می توانند مطابق با این استانداردها اقدام به واردات اسباب بازی کنند.

وی توضیح می دهد: اسباب بازی از دو جنبه مشخصات فیزیکی و مکانیکی و وجود فلزات و عناصر سنگین در آن مانند سرب، جیوه، آرسنیک و کروم بررسی می شود و اقلامی هم به ویژه در میان اسباب بازی های وارداتی بوده اند که دارای عناصر سرب و کروم بیش از حد مجاز و مشکل زا برای کودکان بوده اند که به تبع این اقلام مرجوع شده اند.

معاون اداره کل نظارت بر اجرای استاندارد موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران در ادامه اعلام کرد: از انواع اسباب بازی می توان به سوار شدن، اسباب بازی هایی که دارای مایع هستند، الکتریکی (باتری دار)، پولیشی مانند خرس های عروسکی، پرتابی مانند تفنگ و دارت، باد شونده مانند بادکنک، شنور در آب و خمیر بازی اشاره کرد. حتی تخم مرغ شانسی هم که درون اسباب بازی وجود دارد، مشمول استاندارد اجباری است.

به گفته وی برخی از اسباب بازی ها برای یک رده سنی مفید و برای رده دیگر مضر است. به عنوان مثال پازل برای گروه های سنی بالاتر آموزنده و مفید بوده، در حالی که برای گروه سنی پایین مانند زیر 3 سال خطرناک بوده و می تواند به عنوان عامل خفگی محسوب شود.

سم های مهلک در دستان کودکان

یک مشاور تربیتی و مربی کودک در این مورد می گوید: تا آنجا که امکان دارد والدین اسباب بازی خیلی ارزان نخرند، به ویژه اگر قرار است بچه این اسباب بازی ها را به دهان ببرد. دست کم وجود نشان استاندارد را چک کنند یا در نهایت وسایل چینی نخرند. ضمن اینکه بعضی اسباب بازی هایی که از سرب و مواد شیمیایی تهیه می شوند که بوی تند و زننده ای دارند، این وسایل بازی، مشکوک به وجود مواد سمی است. رویا - س که مادر یک کودک سه ساله است می گوید: قیمت اسباب بازی های خارجی بسیار بالا است که مثلاً قیمت یک تکه ساده آن از 30 هزار تومان تا 50 هزار تومان است با توجه به نیاز کودک باید اسباب بازی های مناسب سن او را تهیه کنم ولی نمی دانم اسباب بازی های ارزانتر آیا آلوده هستند یا نه؟ اینکه مطمئن نباشی که کودکت با چه وسایل خطرناکی بازی کرد ترا همیشه با ترس و نگرانی همراه می کند.

سکوت و نبود نظارت منجر به مرگ چند کودک می شود؟

نمی دانم شاید بتوان در مورد دیگر اجناس قاچاق وارد شده به کشور صبر کرد یا حتی زمانی برای جمع آوری یا جلوگیری از ورود آن تعیین کرد اما برای اسباب بازی هایی که هر لحظه در آغوش و دهان کودکان

می چرخد هیچ زمانی وجود ندارد. شاید اگر مسئولین که در این مورد سکوت کرده اند و هر کدام توپ را به زمین دیگری می اندازند به این فکر کنند که شاید فرزند یا نوه شان هم اکنون در خانه مشغول بازی با همین وسایل آلوده هستند و هر لحظه مرگ آنها را تهدید می کند ممکن است کمی تجدید نظر کنند

پناهجویان بی پناه در هند

هند از جمله کشورهایی است که کنوانسیون پناهندگی را امضا نکرده است، پناهندگان هیچگونه امکانات حمایتی را از طرف دولت هندوستان ندارند، هیچ سازمانی مسئولیت پشتیبانی از پناهندگان را بر عهده ندارد

در طی سال های اخیر ایرانیان زیادی به دلیل مسائل سیاسی و عقیدتی به کشورهای اطراف پناهنده شده اند. هندوستان از جمله کشورهایی است که میزبان پناهندگان بسیاری از سوی ایران است که تاکنون با مشکلات بسیاری مواجه بوده اند.

بسیاری از پناهندگان ایرانی ساکن هندوستان با مسائلی نظیر نداشتن اجازه کار، فقر، مسائل بهداشتی و پزشکی، تهدیدات امنیتی و نفوذ و سلطه دستگاه امنیتی ایران مواجه هستند که رسیدگی به وضعیت آنان و انتقال به کشور ثالث را ضروری کرده است. جعفر زنگه پناهنده ایرانی که سال ها پیش به دلیل مسائل سیاسی و عقیدتی مجبور به ترک ایران شده بود، نزدیک به هفت سال است که همراه با خانواده خود در شرایط بسیار دشواری ساکن هندوستان بوده است. این پناهنده مسیحی در گفتگو با نماینده

کانون حقوق بشر ال یاسین می گوید بیش از 72 روز است که به همراه همسر خود «نسرین» مقابل کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در دهلی نو اقدام به تحصن نموده اند. به گفته وی این تحصن در اعتراض به وضعیت بسیار دشواری است که شرایط زندگی برای آنان را طاقت فرسا کرده است.

نقض حقوق اولیه پناهندگان ایرانی در هندوستان

او می گوید در دوران پس از انقلاب از جمله فعالانی بوده است که به نقد شرایط می پرداخته و در آن زمان به دلیل نوشتن مقاله انتقادی، شرکت در تظاهرات گروه های طرفدار سلطنت دو مرتبه بازداشت شده و به مدت 6 ماه در زندان بسر برده است و به خاطر شرایط نامساعدی که در ایران داشتند به هندوستان پناه آوردند. از طرف دیگر تغییر آیین و گرویدن به آیین مسیحیت از جمله عواملی بوده است که آنان را با تهدیدات و آزار و اذیت نیروهای نفوذی حکومت در هندوستان مواجه ساخته است. وی در ارتباط با وضعیت خود و سایر پناهندگان این طور شرح می دهد "پذیرفتن شدن ما در کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به مدت چهار سال و نیم به طول انجامید و هم اکنون حدود 3 سال است که در یک وضعیت نامشخص بسر می بریم. ما پناهجویان ایرانی ساکن هند با مسائل زیادی رها شده ایم... حتی از امکانات اولیه زندگی محروم مانده ایم.

مشکلاتی نظیر بی کاری و نداشتن مجوز کار، ناتوانی در تهیه مسکن، تغذیه نامناسب، عدم دسترسی به امکانات پزشکی، خطر بازگردانده شدن به ایران، نداشتن امنیت روحی و روانی، سرنوشت و آینده نامعلوم شرایط را برای همه پناهندگان تلخ و پرمخاطره کرده است.

درصد قابل توجهی دچار بیماری های روحی و روانی شده و حتی تا به حال یکی از پناهجویان پس از هفت سال انتظار و ناامیدی پشت درهای بسته سازمان ملل، دست به خودکشی زده است.

ما سال هاست که منتظر پاسخ کمیساریای عالی پناهندگان هستیم که ما را به کشوری منتقل کند که حداقل امکانات زندگی که از اولیه ترین ارکان حقوق بشر است، وجود داشته باشد. ما از زندانی فرار کردیم و در یک زندان بزرگتر وارد شده ایم. هیچ کس حاضر نیست به وضعیت پناهجویان ایرانی سر بزند و ببیند که ما در چه وضعیتی زندگی می کنیم. ما به امید ساختن یک آینده سالم کشور خود را ترک کردیم اما نزدیک به هفت سال است که در یک بسیار وضعیت دشوار قرار داریم که حتی آینده آن نیز مشخص نیست. ای کاش یک نفر از سازمان های حقوق بشر از اینجا بازدید می کرد و وضعیت ما پناهندگان را از نزدیک مشاهده می کرد.

در شرایطی قرار گرفتیم که نه بازگشت به ایران وجود دارد و از طرف دیگر فشارهای موجود که با آوارگی و زندگی فقیرانه همراه بوده است، زندگی ما تبدیل به یک مرگ تدریجی شده است. و به این پرسش ما پاسخ دهند که در کشوری که اجازه کار نیست و هیچ حمایت و پشتیبانی مالی برای پناهندگان وجود ندارد، چطور می توان زندگی کرد؟"

نفوذ نیروی های امنیتی حکومت ایران در هندوستان و تهدید پناهندگان

"ما از ایران فرار کردیم اما همچنان زیر چتر نیروهای امنیتی قرار داریم که ما را به طرق مختلف زیر نظر قرار می دهند.

حتی دولت هند هم با رژیم ایران است و به دلیل روابط و توافقات سیاسی که با ایران دارد، از پناهندگان حمایت نمی کند.

هند از جمله کشورهایی است که کنوانسیون پناهندگی را امضا نکرده است و پناهندگان هیچگونه حمایتی را از طرف دولت هندوستان نداشته و هیچ سازمانی مسئولیت پشتیبانی از پناهندگان را بر عهده ندارد. پلیس هند تنها با دادن برگه ای به پناهندگان اجازه اقامت موقت داده است و همواره پناهجویان با

خطر بازگردانده شدن به ایران مواجه هستند. " این پناهجوی ایرانی در ارتباط با استراتژی سیستم اطلاعاتی و جاسوس پروری حکومت ایران می گوید، "نیروی های نفوذی رژیم هیچ گاه به طور علنی هویت خود را آشکار نمی کنند و همواره از طرق غیرمستقیم عمل می کنند. اگر یادمان باشد خمینی در آن زمان گفت که ما باید 20 میلیون سرباز اطلاعاتی داشته باشیم و رژیم ایران از بسیاری افراد فرصت طلب به عنوان ایزاری برای اهداف اطلاعاتی خود استفاده می کند. شاید بتوان گفت که هیچ رژیمی مانند ایران نیست که این چنین از بعد امنیتی - اطلاعاتی در زندگی مردم رخنه کرده باشد. من به عنوان یک فرد مسیحی که تا به حال در کلیسا فعالیت داشته ام تا به حال بار چندین بار عکس های ما را با موبایل گرفته اند و با من تماس های

تهدید آمیزی گرفته شده مبنی بر اینکه سی دی های ما به سفارت ایران رسیده و با این وجود آیا هنوز قصد داریم به فعالیت خود در کلیسا ادامه دهیم...

من نمی دانم به مشکلات و نارسائی ها و مسائل داخلی و معیشتی فکر کنم یا به مسائلی که از بیرون بر ایمان ایجاد می کنند.

سوال من این است که به عنوان یک شهروند، در کدام نقطه از جهان می توانم آرامش داشته باشم. در ایران که نداشتم، زندگی در هند بر ایمان یک مرگ تدریجی بتدیل شده است و شرایط روز به روز وخیم تر می شود. اگر ما در کشور خودمان امکان زندگی داشتیم آیا حاضر می شدیم این همه مشکلات و مصائب را قبول کنیم؟"

مسئله جدی نقض حقوق بشر در ایران و سرنوشت تاسف باری که حکومت ایران برای مردم خود رقم زده، ایرانیان بسیاری را وادار به ترک وطن خود کرده است. این در حالی است که طیف زیادی از پناهجویان پس از خروج از ایران با مسائل جدیدی روبه رو شده اند که آنان را با مسئله نقض حقوق خود در زوایای دیگری مواجه ساخته است.

واقعیت این است که دگر اندیشان، اقلیت های مذهبی و افرادی که به آیین های دیگر گرویده اند هیچگاه در ایران امنیت جانی و روانی نداشته و همواره تحت فشارها و خطرات جدی از سوی حکومت قرار گرفته اند. اما نکته تامل برانگیز زمانی است که پناهندگان عقیدتی در کشور میزبان خود نیز همچنان با تهدیدات امنیتی از سوی رژیم مواجه باشند. این موضوع کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل را در برابر این سوال جدی قرار می دهد که چه قانونی می تواند امنیت جانی و روانی پناهندگان را تضمین کند؟

آیا کشوری مانند هندوستان که هیچ تعهدی به پناهندگان ندارد و نفوذ قدرتمند دستگاه امنیتی ایران در این کشور به وضوح دیده می شود، می تواند گزینه مناسبی برای نگه داری از پناهندگان سیاسی و عقیدتی به شمار آید؟

سازمان های حقوق بشر و حمایت از پناهندگان چه تدبیری برای پناهجویان ایرانی دارند که هم اکنون به شکل دیگری با مسئله نقض حقوق بشر مواجه هستند؟

گزارش از نونا صالحی

عضو کمیته گزارشگران کانون حقوق بشر ال یاسین



Vereinigung zur Verteidigung der Menschenrechte im Iran e.V.

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

جان انسان های عرب ایرانی در خطر می باشد.



اعضای کانون دفاع از حقوق بشر در ایران ضمن حمایت از خواسته های بحق هموطنان عرب کشتار و سرکوب

توأم با دستگیری آنان را محکوم کرده و خواهان

–توقف کشتار – دستگیری و سرکوب

–رسیدگی سریع به زخمی شدگان و آزادی تمامی دستگیر شدگان

–رسیدگی به خواسته های به حق کلیه اقوام و ملل ایرانی

VVMIran
Vereinigung zur Verteidigung der Menschenrechte im Iran e.V.
Postfach 52 42
300520 Hannover
Tel.: +49 511 44 04 84
Fax.: +49 511 2617376
Email: info@bashariyat.de www.bashariyat.de

سه تن از اعدام شدگان برادر بودند

سه تن از اعدام شدگان برادر بودند و در ملاعام در سه راه حمیدیه در غرب اهواز به دار آویخته شدند

به گزارش سایت العربیه. نت (سایت شبکه تلویزیونی العربیه) دستگاه قضایی ایران اعلام کرده است ۹ نفر را به اتهام قتل ماموران نیروی انتظامی و ارتکاب عمل منافی با عفت عمومی اعدام کرده است. سایت خبری اهواز نیوز روز شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه نام ۸ تن از این افراد را منتشر کرده و تاکید کرده است سه تن از اعدام شدگان برادر بودند و در ملاعام در سه راه حمیدیه در غرب اهواز به دار آویخته شدند. نام این سه برادر علی حیدری (۲۵ ساله)، جاسم حیدری (۲۳ ساله) و ناصر حیدری (۲۱ ساله) اعلام شده است.

بر اساس این گزارش ۶ شهروند عرب دیگر نیز در زندان کارون اهواز به دار آویخته شدند که نام های آنها امیر معاوی، علی نعیمی، امیر بدوی، احمد ناصری (۲۲ ساله) و هاشم حمیدی (۱۶ ساله) است.

مناطق عرب نشین در اهواز و شهرهای اطراف در نیمه آوریل گذشته شاهد اعتراضات مردمی گسترده ای بود که توسط نیروهای امنیتی سرکوب شد.

محمود امیری مقدم سخنگوی سازمان حقوق بشر ایران از جامعه جهانی و سازمان ملل خواهان انجام تحقیقات در مورد اعدام ها و درگیری های اخیر اهواز شد. آژانس ایران خبر 19 اردیبهشت

یک پنجم درآمد کودکان کار به خود کودک و خانواده اش تعلق می گیرد

برای پیشگیری باید علاوه بر تقسیم عادلانه ثروت در جامعه باید آموزه های مهارت زندگی را در کشور برای تمام خانواده ها ...

دبیر انجمن روانپزشکان ایران گفت: یک پنجم درآمدی که کودکان کار به دست می آورند به خود کودک و خانواده اش تعلق می گیرد و بقیه در جیب افرادی که آنها را به کار می گمارند می رود.

پرویز مظاهری در گفت و گو با فارس، با بیان اینکه متأسفانه کودک آزاری در کشور وجود دارد، اظهار داشت: مواردی وجود دارد که آسیب به کودک توسط پدر و مادر خود کودک وارد می شود و این رفتارها به دلیل افزایش تحریک پذیری والدین، عصبانیت بیش از حد، اختلال افسردگی، اضطراب و وجود اختلال شخصیت ایجاد می شود.

وي افزود: عوامل اجتماعي مانند فقر اقتصادي و فرهنگي، بيكاري و تحمیل هزینه‌هاي زياد زندگي فرد نیز مي‌تواند موجب كودك‌آزاري شود.

مظاهري تصريح كرد: يكسري كودك‌آزاري هم در افراد بي‌بضاعت وجود دارد كه پدر و مادر اجازه تحصيل به فرزند نمي‌دهند و كودك خود را براي كار در اختيار افراد سودجو مي‌گذارند و اين كارفرماها از وجود كودكان در كارگاه‌هاي شرايط سخت استفاده مي‌كنند.

وي اضافه كرد: نکته مهم اين است كه يك‌پنجم درآمدي كه اين بچه‌ها به دست مي‌آورند به خود كودك و خانواده‌اش تعلق مي‌گيرد و بقيه در جيب افراي كه آنها را به كار مي‌گمارند مي‌رود.

دبير انجمن روانپزشكان ايران خاطر نشان كرد: براي پيشگيري از كودك‌آزاري علاوه بر تقسيم عادلانه ثروت در جامعه بايد آموزه‌هاي مهارت زندگي را در كشور براي تمام خانواده‌ها و در سطح مطبوعات و صدا و سيما منتشر كنيم. 19 اردیبهشت

فروش نوزاد به 600 هزار تومان

هزینه زندگي‌ام را به سختي تامين مي‌کردم. و پس از زایمان در يکي از بیمارستان‌ها، قادر به پرداخت هزینه بیمارستان نبودم

جام جم آنلاین: زن معتادي كه براي تامين هزینه اعتياد، نوزادش را 600 هزار تومان به يك زوج نابارور فروخته بود، در يکي از محله‌هاي شهرستان تربت جام دستگير شد.

هفته گذشته مرد طلافروشي با مركز فوريت‌هاي پليسي 110 شهرستان تربت‌جام تماس گرفت و از زني به اتهام فروش طلاي بدلي شکايت کرد.

با حضور ماموران در طلافروشي و تحقيق از شاکي مشخص شد زن جواني 2 انگوي طلا به او فروخته كه پس از آب کردن طلاها، متوجه بدلي بودن آنها شده است.

ماموران در بازبيني فيلم دوربين مدار بسته طلافروشي تصوير زن متهم را به دست آوردند و جستجوها براي دستگيري او آغاز شد. 2 روز پيش ماموران انتظامي هنگام گشتزني در يکي از محله‌هاي جنوبي شهر، زني را در حال تکديگري ديدند كه شباهت بسياري به متهم تحت تعقيب پليس داشت.

بنابراين با هماهنگي قضايي زن جوان دستگير و به مركز پليس منتقل شد.

زن جوان در بازجويي‌هاي مقدماتي ادعا کرد به اشتباه دستگير شده و شاکي را نمي‌شناسد.

در پي اظهارات متناقض زن متهم، وي در مواجهه حضوري با مرد طلافروش، به فروش انگويهاي طلا به مرد شاکي اعتراف کرد. اعتراف به فروش نوزاد: زن متهم به پليس گفت: همسرم معتاد بود و مرا نیز معتاد کرد. هر دو براي تامين هزینه زندگي‌مان دزدي و گدايي مي‌کرديم تا اين كه وقتي باردار شدم، شوهر معتادم مرا ترك کرد.

متهم افزود: هزینه زندگی‌ام را به سختی تامین می‌کردم. چند ماه پیش نیز پس از زایمان در یکی از بیمارستان‌ها، قادر به پرداخت هزینه بیمارستان نبودم. زن جوان ادامه داد: در بیمارستان با زنی آشنا شدم و او زمانی که متوجه اعتیادم شد، گفت حاضر است هزینه بیمارستان را بپردازد و فرزندم را که قادر به نگهداری از او نبودم خریداری کند. پس از این درخواست، او زن و مردی را به ملاقاتم آورد و در گفت‌وگو با آنها متوجه شدم، پس از چند سال زندگی مشترک صاحب فرزند نمی‌شوند. زن متهم افزود: به خاطر زندگی نابسامانی که داشتم، تصمیم گرفتم فرزندم را به آنها بدهم تا شاید او آینده بهتری کنار مادر و پدر جدیدش داشته باشد. وی ادامه داد: پس از توافق با آن زوج نابارور، آنها هزینه درمانی‌ام را پرداخت کردند و 600 هزار تومان نیز به من دادند و فرزندم را تحویل گرفتند، اما والدین جدید فرزندم از من خواستند هرگز به دیدن آنها نروم. زن جوان اضافه کرد: پس از چند روز دچار عذاب وجدان شدم و تصمیم گرفتم پول آن خانواده را برگردانم و بچه‌ام را تحویل بگیرم ولی آنها را پیدا نکردم. وی یادآور شد: بعد از چند ماه سرگردانی در خیابان‌های شهر، با زنی آشنا شدم که در خرید و فروش طلاهای بدلی فعالیت می‌کرد او مرا به دام انداخت و برای گذران زندگی‌ام مجبور بودم طلاهای بدلی بفروشم. بنا بر این گزارش، متهم با قرار قانونی روانه زندان شد. تحقیقات برای یافتن زوجی که نوزاد او را خریده بودند، ادامه دارد.

مرگ انسانیت در ایران اسلام زده

منبع حکومتی: پدروی سنگدل که معتاد به شیشه است کودک سه ساله خود را با بنزین به آتش کشید! در این حادثه که در کرج روی داد کودک با سوختگی بیش از 85 درصد سوختگی به بیمارستان کرج منتقل شد که حالش به شدت وخیم است و پزشکان امیدی به زنده ماندن وی ندارند. این فرد 33 ساله که به مواد مخدر از نوع شیشه اعتیاد دارد، بعد از سوزاندن فرزندش، بلافاصله خود را با بنزین به آتش کشید که درصد سوختگی او بیش از 50 درصد اعلام شده و در شرایط بدی قرار دارد. به گزارش سایت حکومتی آخرین، شنیده‌ها حاکی از آن است که اختلافات خانوادگی این فرد معتاد با همسرش علت اصلی سوزاندن این کودک سه ساله بوده است. به دنبال این فاجعه دلخراش دستگاه قضایی وارد عمل شد و پرونده‌ای در این خصوص در دادسرای عمومی و انقلاب کرج تشکیل شده است.



گفتنی است در ماههای اخیر اقداماتی این چنینی از سوی والدین معتاد به کرات گزارش شده که یکی از موارد آن سوزاندن بدن یک دختر 4ساله با سیگار بود بطوری که سراسر بدن این کودک سوزانده شده بود. پارس دیلی نیوز 22 اردیبهشت

عدم پرداخت حقوق مربیان پیش دبستانی

مربیان پیش دبستانی هر ماه باید به سراغ مدیر رفته و طلب حقوق کنند که بعضا تاریخ مشخصی ندارد

ارزیاب مربیان پیش دبستانی بندرعباس گفت: طبق بررسی که در ارزیابی مربیان صورت گرفت، 90 درصد مربیان پیش دبستانی در هرمزگان که نشاط آوران جامعه کودکان هستند خود دچار افسردگی شده اند. فاطمه صغری مسعودی بیان داشت:

این مربیان که باید دارای روحیه قوی و با نشاط برای تربیت کودکان باشند به دلیل مشکلاتی از قبیل عدم امنیت شغلی، نداشتن قراردادی مشخص، حقوقی معین، بیمه و از همه مهمتر بی توجهی مسئولان دچار افسردگی شده اند.

وی گفت: مربیان پیش دبستانی هر ماه باید به سراغ مدیر رفته و طلب حقوق کنند که بعضا تاریخ مشخصی ندارد در حالیکه همکاران آنها در مدارس با سربلندی فیش حقوقی خود را دریافت می کنند.

مسعودی مربیان پیش دبستانی را یکی از موثرترین افراد در شکل گیری شخصیت کودکان دانست و تصریح کرد: بنا و اساس شخصیت انسان در دوران نونهالی شکل می گیرد و اگر کودک در این دوران دارای شخصیتی افسرده و ضعیف شود تا پایان زندگی به لحاظ تربیتی دچار مشکل خواهد شد.

وی تمام تبعیضات انجام شده و در حال انجام را ضربه ای مهلک بر پایه نظام آموزش و پرورش عنوان و تاکید کرد: اگر مقطع پیش دبستانی را نمی خواهید، تکلیف را مشخص کنید تا نه کودکان دچار مشکل شده و نه مربیان بیشتر از این سرخورده شوند

منبع: خبرگزاری مهر

شکجه شدن پسر 4 ساله تهرانی

او بعد از چند ساعت دست و پنجه نرم کردن با مرگ به هوش آمد.

منبع حکومتی: در پی شکجه شدن پسر 4 ساله تهرانی، والدین جوان او به عنوان عاملان کودک‌آزاري از سوی پلیس دستگیر شدند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

به گزارش جام جم؛ ساعت 21:50 شامگاه یکشنبه این هفته یک خودروی سواری مقابل بیمارستان کودکان مفید توقف کرد و زنی جوان در حالی که پسر کوچولویی را بغل کرده بود، سراسیمه از خودرو پیاده و وارد بیمارستان شد.

زن با ترس و وحشت درخواست می‌کرد فرزندش نیما را نجات دهند: «باور کنید من فقط او را کتک زدم، قصد آسیب رساندن به او را نداشتم.»

در حالی که زن ضجه می‌زد، مردی جوان هراسان به سمتش آمد تا او را آرام کند، اما زن وی را به کناری هل داد و دوان دوان به سمت در ورودی اورژانس رفت.

در پی این درخواست، پرستاران به کمک او شتافتند و کودک را که بی‌هوش بود و به سختی نفس می‌کشید، به بخش کودکان انتقال دادند. زن جوان و مردی که همراهش ایستاده بود، بی‌قراری می‌کردند و هر دو با التماس از پزشکان می‌خواستند فرزندشان را نجات دهند.

آثار شکجه بر بدن کودک

پزشکان در بررسی وضعیت کودک با مشاهده آثار کبودی زیر چشمانش و سوختگی در بدن نحیف وی متوجه شدند او بارها شکجه شده است.

پزشک معالج کودک با اطلاع از این موضوع، ماموران حراست بیمارستان را خبر کرد و خواست با پلیس تماس بگیرند و از خروج والدین پسر 4 ساله از بیمارستان جلوگیری کنند.

دقایقی بعد ماموران کلانتری قلّهک تهران عازم بیمارستان شدند و با هماهنگی قضایی والدین جوان نیما کوچولو را بازداشت و به کلانتری منتقل کردند.

تلاش برای نجات جان نیمای 4 ساله ادامه یافت تا این‌که او بعد از چند ساعت دست و پنجه نرم کردن با مرگ به هوش آمد.

روز بعد با به هوش آمدن نیما، پرستاران هنگام بررسی وضعیت جسمانی او مشاهده کردند ناخن یکی از انگشتان نیما با انبر کشیده شده، آلت تناسلی‌اش سوخته و بخشی از پوست سرش نیز کنده شده است.

شواهد نشان می‌داد این کودک مدت‌هاست شکجه می‌شده است.

با مشخص شدن این موضوع، روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد و والدین پسر آسیب‌دیده به طور جداگانه در کلانتری قلّهک تهران بازجویی شدند.

وضعیت حقوقی کودک و نوحوان در ایران در 1390

اعتراف مادر به کتک زدن کودک : مادر نیما به پلیس گفت: 15 سال پیش ازدواج کردم و در این مدت با شوهرم هیچ اختلافی نداشتیم. یک هفته پیش وقتی با دو فرزندم به خانه پدری‌مان در شهر تبریز رفتیم، پسر 2 ساله‌مان نزد آنها ماند و نیما را با خود به تهران آوردیم.

زن متهم افزود: نیما در نبود برادرش مدام بی‌قراری می‌کرد. از این وضع خسته شده بودم عصر حادثه وقتی به خانه بازگشتم، دیدم نیما و پسر همسایه‌مان خانه را به هم ریخته‌اند و شیطنت می‌کنند. عصبانی شده و پسر همسایه را از خانه بیرون کردم. نیما را هم به اتاق برده و کتکش زدم. التماس و گریه‌های کودکانه‌اش در من اثر نمی‌کرد.

متهم افزود: ابتدا چند سیلی به سر و صورتش زدم. بعد با سیخ چند ضربه به او زدم که بدحال شد و زمین افتاد. چند بار صدایش زدم ولی جواب نداد. ترسیده بودم. در تماس با شوهرم، ماجرا را برایش گفته و خواستم هرچه زودتر به خانه بیاید. متهم ادامه داد: شوهرم به محض ورود به خانه و دیدن نیما وحشت کرد. باور نمی‌کرد آنقدر او را زده‌ام که بیهوش شده است.



وضعیت حقوقی کودک و نوحوان در ایران در 1390

وي اضافه کرد: 2 نفری پسرمان را به بیمارستان رساندیم. باور کنید فقط همین یک بار نیما را کتک زدم. پدر، همسرش را بی‌گناه و خود را مقصر دانست

در پی اظهارات زن متهم، شوهرش در بازجویی ادعاهای همسرش را نپذیرفت و گفت: شکنجه پسر نیما، کار من بود. همسر من بی‌گناه است. نیما در خانه خیلی شیطنت می‌کرد و هر بار که من و مادرش را اذیت می‌کرد و به حرف‌هایمان گوش نمی‌داد، او را بشدت کتک زده و موهایش را می‌کندم.

بنابر این گزارش، در پی اظهارات متناقض این زن و شوهر جوان، برای آنها قرار قانونی صادر شد. گزارش خبرنگار ما حاکی است، وضعیت عمومی نیما، پسر 4 ساله رضایتبخش اعلام شده است. او اکنون در بخش جراحی کودکان بیمارستان مفید تهران بستری است.

پیام محمد صدیق کبودوند

دستگاه های امنیتی و قضایی با فرادستی و در آزادی کامل اقدام به دستگیری و بازداشت و شکنجه و محاکمه و صدور احکام سنگین و اجرای اعدام فعالان و کوشندگان حقوق مردم کرد در ایران می کنند

کردوند: پایگاه اطلاع رسانی خانواده کبودوند
محمدصدیق کبودوند در آستانه سالگرد اعدام پنج زندانی از جمله چهارزندانی کرد در زندان اوین، پیامی ارسال داشت که در پی می آید:
محمدصدیق کبودوند: «به دلیل فقدان حمایت های داخلی و جهانی از مردم تحت آپارتاید کردستان، دستگاه های امنیتی و قضایی با فرادستی و در آزادی کامل اقدام به دستگیری و بازداشت و شکنجه و محاکمه و صدور احکام سنگین و اجرای اعدام فعالان و کوشندگان حقوق مردم کرد در ایران می کنند. ظاهراً دیوار کوتاه کردها، باعث شده که حتی برای ایجاد رعب و وحشت در کشور، از مردم بی پناه کرد هزینه شود. چنانچه سال گذشته در آستانه سالگرد قیام جنبش سبز پنج زندانی از جمله چهارکرد که هر یک حدود چهار از عمر خود را در حبس سپری کرده بودند، قربانی شدند و این اقدام انجام شد تا به اصطلاح زهره چشم از جنبش سبز که کردها در آن مشارکت چندانی نداشتند گرفته شود، شیرین علم هولی، فرزند کمانگر، فرهاد وکیلی و علی حیدری از جمله این قربانیانند.
من به نام سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، اعدام نامبردگان را از آن جهت که هیچ گونه سند و یا دلیل قانع کننده ای برای توجیه این درجه از خشونت غیرانسانی ارائه نشد، توجیه ناپذیر دانسته و اساساً اعدام زندانیان سیاسی را غیرقابل پذیرش می دانم. من بر این باورم تا زمانی که مردم کرد و نیز مردم ایران برای الغای مجازات اعدام بویژه زندانیان سیاسی دست به اقداماتی اساسی و گسترده نزنند این روند نفرت آور ادامه خواهد یافت. از این رو از مردم ایران و مردم کردستان درخواست می نمایم، حداقل یکصدم از اوقات فراغت خود را از راه های مدنی صرف تلاش برای لغو سلب حیات انسان ها

توسط دولت ها و توقف مجازات اعدام زندانیان سیاسی بنمایند. بیاییم برای الغای مجازات اعدام در ایران کوشش بیشتری بکنیم.»

تهران: زندان اوین 18 اردیبهشت 1390 / 7 مه 2011

معلمان در بند آزاد شوند

بیانیه

متأسفانه طی چندسال اخیر تعدادی از معلمان به اتهام های سیاسی دستگیر، محکوم به حبس و یا اعدام شده اند، معلمی چون فرزاد کمانگر به اتهام ارتباط با یک گروه کردی حتی بدون ارائه هرگونه سند قابل پذیرش برای وجدان عمومی به دار آویخته شده، و یا معلم دیگری چون عبدالرضا قنبری به صرف ارتباط تلفنی یک فرد ناشناس با وی، که ادعا شده فرد تماس گیرنده عضو یک گروه مخالف دولت بوده، بازداشت و محاکمه و به مرگ محکوم شده است. هم چنین معلمان دیگری از جمله رسول بدافی به اتهام عضویت در انجمن مدافع معلمان و یا محمدداوری و ارژنگ داودی به صرف داشتن عقیده ای خاص محکوم به حبس های سنگین شده اند.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، سلب آزادی، حبس و محکومیت معلمان و مربیان جامعه مدنی از جمله نامبردگان را صرفاً بدلیل روشنگری و یا داشتن عقیده خاص، اقدامی غیرقانونی و غیرقابل توجیه می داند و براین باور است که هیچگونه دلیل و یا توجیهی برای اقناع افکار و وجدان عمومی نمی توان یافت. این سازمان خواهان آزادی این دسته از معلمان از بند و احترام به نقش و جایگاه آنان در روشنگری جامعه و نیز تامین حقوق آنهاست.

تهران: اول خرداد 1390 / 21 مه 2011

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان

کودک آزاری: هانیه 8 ساله

از ناحیه ساعد مورد اصابت جسم سخت قرار گرفته است.

از ناحیه باسن با آبجوش سوزانده شده کف پای این دختر با سیگار و قاشق داغ سوخته است. علامت سوختگی میان دو کتف این دختر نشان دهنده قرار گرفتن جسم داغ روی کتف اوست، جای ضربه‌های شدید در کمر و پشت دخترک و نیز آثار سوختگی در پاهای هانیه مشهود است. هر دو دست این دختر توسط جسمی سخت شکسته شده و شکستگی در حد جابجا شدن استخوانهای دست او است. پزشک هانیه: این دختر از لحاظ روحی بسیار آسیب‌دیده

هانیه دختر هشت ساله‌ای که توسط ناپدری معتادش مورد شکنجه قرار گرفته بود از ناحیه ساعد مورد اصابت جسم سخت قرار گرفته است. از ناحیه باسن با آبجوش سوزانده شده و کف پای این دختر با سیگار و قاشق داغ سوخته است. علامت سوختگی میان دو کتف این دختر که نشان‌دهنده جسم داغ روی کتف اوست جای ضربه‌های شدید در کمر و پشت دخترک و نیز آثار سوختگی در پاهای هانیه مشهود است. هر دو دست این دختر توسط جسمی سخت شکسته شده و شکستگی به‌گونه‌ای است که استخوان‌های دست او جابجا شده است. به گفته پزشک وی، این دختر از لحاظ روحی بسیار آسیب‌دیده به‌گونه‌ای که باید مدت‌ها تحت روان‌درمانی قرار گیرد. پزشکان با بررسی آثار جراحات در پیکر این دختر دریافتند هانیه حداقل دو هفته مورد آزار و اذیت ناپدری‌اش قرار گرفته است.

خلاء قانونی علیه کودک آزاری: کودکان قربانی در آرزوی امنیت

روزنامه جهان صنعت: طی دو ماه گذشته معضل کودک‌آزاری در کشور به قدری پررنگ شد که با دیدن روزنامه‌ها دل هر خواننده‌ای به درد آمد. البته "دل مسوولان هم به درد آمد" اما جای سوال است

که چرا با این وجود هیچ اقدامی جهت سامان بخشی به کودکان آزار دیده و ریشہیابی در این بحث انجام نشد.

هانیه اولین کودکی نبود که با شکنجه ناپدیری در رسانه‌های داخلی و خارجی مشهور شد، پس از هانیه نوبت به پیمان، نیما، بارید و... بود که آمار به این اسامی هم ختم نشده و کشته شدن پسر چهار ماهه توسط مادرش هم به این فهرست اضافه شد.

آمارها چه می‌گویند

یکی از غم‌انگیزترین شکنجه‌ها آزار کودکی 35 روزه بود که در بیمارستانی در گیلان درگذشت. در دست و پای این نوزاد پسر که پیمان نام داشت آثار سوختگی دیده می‌شد و دچار ضربه مغزی شده بود. این نوزاد والدینی 17 و 19 ساله داشت. در بین موارد کودک‌آزاری که در ایران به ثبت رسیده، این مورد، خردسال‌ترین کودکی است که مورد اعمال خشونت‌بار والدینش قرار گرفته است.

آمار رسمی این کودک‌آزاری‌ها کمتر اعلام می‌شود اما در آخرین آماري که در این زمینه منتشر شده آمده است که 66 درصد کودک‌آزاری‌ها از سوی مردان اعمال می‌شود و دختران بیش از پسران در معرض کودک‌آزاری قرار می‌گیرند. همچنین 25 درصد کودک‌آزاری‌ها در خانواده‌های طلاق اتفاق می‌افتد. این در حالی است که آمارها نشان می‌دهد 50 درصد والدین ایرانی معتقدند تنبیه برای کودک لازم است و 40 درصد والدین نیز به تنبیه بدنی گرایش دارند.

بررسی‌ها در خصوص روابط میان خانواده و فرزندان نشان می‌دهد در مقابل یک مورد کودک‌آزاری که فاش می‌شود، حداقل 20 مورد دیگر پنهان می‌ماند. تحقیقات نشان می‌دهد بیش از 90 درصد کودک‌آزاری‌ها در محیط خانه اتفاق می‌افتد و این درحالی است که پدران با 48/5 درصد، بالاترین و پس از آن مادران با 23/8 درصد در ردیف بعدی عوامل کودک‌آزاری جسمانی در خانواده‌های کودک آزار قرار دارند.

همچنین بنا به آمار انجمن حمایت از حقوق کودکان، 3/6 درصد از کودک‌آزاری‌ها در سال 84 توسط مدیران و معلمان بوده است.

مادران کارمند کودک‌آزاران پنهان

از سوی دیگر متأسفانه برخی از مادران پیش از اینکه به فکر رسیدگی به مشکلات و نیازهای تربیتی کودک باشند به فکر پر کردن جیب خود برای رفاه بیشتر هستند. برخی مادران پیش از اینکه خود را مادر بدانند، خود را کارگر سرمایه‌داران می‌دانند. کودکی که در روز فقط چند ساعت در کنار مادری خسته و بی‌حوصله، که وظایف گوناگون خانه‌اش عقب‌افتاده است به سر می‌برد، بسیار مورد غفلت، بی‌توجهی، کمبود عاطفی، انحرافات اخلاقی، قرار گرفته و گاه مورد آزار مادر بی‌حوصله و پرمشغله قرار می‌گیرد که اغلب چنین کودکانی، غالب ساعت‌های عمر خود را زیر نظر مربیان مهدکودکی که مشخص نیست تا چه اندازه احساسات و نیازهای کودک را درک می‌کنند، می‌گذرانند و کمتر طعم محبت‌های مادرانه را احساس می‌کنند. از طرفی اعتیاد والدین از مهم‌ترین دلایل کودک‌آزاری است به طوری که به دلیل خصوصیتی که اعتیاد در این والدین ایجاد می‌کند، مانند پرخاشگری، بی‌مسئولیتی، کاهش عاطفه و... سبب می‌شود تا کودکان مورد آزار، بیشتر مورد سوءاستفاده قرار گیرند. وجود معتادانی که پدر خانواده هستند، منجر شده تا اغلب آنها به دلیل مصرف موادمخدر، تعادل روانی خود را از دست داده و زن و فرزندان خود را مورد آزار واذیت و انواع خشونت‌های خانوادگی قرار دهند. بیشتر پرونده‌های کودک‌آزاری در ایران در مورد کودکانی تشکیل شده که والدین معتاد داشته‌اند. اعتیاد به ویژه در خانواده‌های فقیر، توانایی‌های تربیتی والدین را ساقط کرده و آنها را در

شرایطی قرار می‌دهد که همواره به خود زحمت فکر در عمق اعمال خویش را نمی‌دهند و آسان‌ترین و سریع‌ترین راه را برای سرکوب فرزند در پیش می‌گیرند. آنها به دلیل نیاز مالی مرتکب سوءاستفاده از کودک در اموری؛ چون فحشا، تکدی‌گری، نقل و انتقال موادمخدر می‌شوند. در حداقل موارد نیز کودک را مجبور به کارهای سخت می‌کنند. در اینجا جا دارد به شرح حال چند کودکی که تحت شکنجه قرار گرفته و همچنان در آتش خشم والدین خود می‌سوزند، بپردازیم:

هانیه 2 هفته مورد آزار و اذیت ناپدری‌اش قرار گرفت

هانیه دختر هشت ساله‌ای که توسط ناپدری معتادش مورد شکنجه قرار گرفته بود از ناحیه ساعد مورد اصابت جسم سخت قرار گرفته است.

از ناحیه باسن با آبجوش سوزانده شده و کف پای این دختر با سیگار و قاشق داغ سوخته است. علامت سوختگی میان دو کتف این دختر که نشان‌دهنده جسم داغ روی کتف اوست جای ضربه‌های شدید در کمر و پشت دخترک و نیز آثار سوختگی در پاهای هانیه مشهود است. هر دو دست این دختر توسط جسمی سخت شکسته شده و شکستگی به‌گونه‌ای است که استخوان‌های دست او جابه‌جا شده است.

به گفته پزشک وی، این دختر از لحاظ روحی بسیار آسیب‌دیده به‌گونه‌ای که باید مدت‌ها تحت روان‌درمانی قرار گیرد.

پزشکان با بررسی آثار جراحات در پیکر این دختر دریافتند هانیه حداقل دو هفته مورد آزار و اذیت ناپدری‌اش قرار گرفته است.

در موردی دیگر زمانی که خودرو سواری مقابل بیمارستان کودکان مفید توقف کرد و زنی جوان درحالی که پسر کوچولویی را بغل کرده بود، سراسیمه از خودرو پیاده و وارد بیمارستان شد شروع ماجرای یک کودک‌آزاری دیگر بود.

پرستاران نیما را در حالی که بیهوش بود و به سختی نفس می‌کشید به بخش کودکان انتقال دادند. پزشکان در بررسی وضعیت کودک با مشاهده آثار کبودی زیر چشمانش و سوختگی در بدن نحیف وی متوجه شدند او بارها شکنجه شده است.

تلاش برای نجات جان نیمای چهار ساله ادامه یافت تا اینکه او بعد از چند ساعت دست و پنجه نرم کردن با مرگ به هوش آمد.

روز بعد با به هوش آمدن نیما، پرستاران هنگام بررسی وضعیت جسمانی او مشاهده کردند ناخن یکی از انگشتان نیما با انبر کشیده شده، آلت تناسلی‌اش سوخته و بخشی از پوست سرش نیز کنده شده است.

شواهد نشان می‌داد این کودک مدت‌هاست شکنجه می‌شده است. اما نکته عجیب اینکه نیما پس از 10 روز به خانواده‌اش بازگردانده شد. مصطفی اقلیما، رییس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران با اعلام خبر تحویل نیما به پدرش عنوان کرد: بر اساس قانون پدر هر زمان که بخواهد می‌تواند با مراجعه به دستگاه قضایی، زمینه بازگرداندن فرزندش را فراهم کند. وی ادامه داد: اگر چه روال قانونی تحویل نیما به پدرش طی شده است اما باید دید که قاضی مسوول رسیدگی به پرونده چگونه این موضوع را پیگیری کرده که پدر را واجد صلاحیت نگهداری از نیما شناخته است. اقلیما تاکید کرد: بعید است که قاضی پرونده از پزشکی‌قانونی درباره سلامت روانی والدین نیما استعلام کرده باشد.

بارید در آتش سوخت: اما با گذشت یک هفته از انتشار خبر دومین کودک‌آزاری شدید، این بار، مادری دیگر در حالی بر بالین پیکر سوخته پسرک سه ساله‌اش شیون می‌کند که به اذعان پرستاران، احتمال زنده ماندن این کودک با 70 درصد سوختگی، بسیار اندک است.

بارید را پدرش آتش زده است. خودش می‌گوید به خاطر تهدید و وادار کردن همسرش به ادامه زندگی مشترک اما قطعاً نقش محرک اعتیاد آور شیشه در این ماجرا بسیار پررنگتر است. به هر حال برای والدین خاطی، همیشه بهانه‌ای وجود دارد.

در حال حاضر وضعیت جسمی بارید بسیار بد است، به‌گونه‌ای که به دلیل سوختگی تمام بخش‌های پوست کودک، امکان اتصال سرم به بدنش وجود ندارد و با توجه به سوختگی لب‌های کودک، مایعات و دارو از طریق مجاری بینی به بدن او تزریق می‌شود.

زن روانی، نوزادش را سر برید!

اما این حوادث همچنان ادامه دارد و در موردی دیگر زنی که به اتهام کشتن پسر چهار ماهه‌اش از سوی پلیس جنایی شهرستان شهریار بازداشت شده است برای تشخیص سلامت روانی به پزشکی قانونی منتقل شد متهم با همکاری شوهرش جسد را درون صندوق عقب خودرو گذاشته بود تا آن را در زادگاهش در کرمانشاه دفن کند.

این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که به عبارتی دست والدین برای آزار کودکان توسط قانون باز گذاشته شده است زیرا مجازات سقف کودک‌آزاری در ایران تنها شش ماه حبس است.

عضو هیات‌مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان با اشاره به اینکه آیین دادرسی ویژه‌ای برای رسیدگی به جرایم علیه کودکان وجود ندارد، اضافه کرد: این در حالی است که برای رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان قانون مشخصی پیش‌بینی شده است.

مشاور حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان در این‌باره افزود: رسیدگی به پرونده‌های کودک‌آزاری در دادرسی اطفال تنها براساس یک بخشنامه انجام می‌شود و دادرسی‌های عمومی نیز اختیار رسیدگی به این پرونده‌ها را دارند. نادانانه مدعی شد: بازپرس در دادرسی‌های عمومی تخصص لازم را برای رسیدگی به جرایم علیه کودکان ندارد. وی همچنین از محدودیت اختیارات بازپرس دادرسی اطفال انتقاد و اظهار کرد: محدودیت‌هایی که برای بازپرس دادرسی اطفال پیش‌بینی شده است گاهی موجب می‌شود که متهمان کودک‌آزاری در حین رسیدگی به پرونده متواری شوند و از چنگال قانون بگریزند. عضو هیات‌مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان با اشاره به اینکه سقف مجازات در نظر گرفته شده برای کودک‌آزاری شش ماه حبس است، خاطرنشان کرد: یکی از مشکلات قانون فعلی حمایت از کودکان و نوجوانان عدم تناسب جرم و مجازات است.

وی یادآور شد: احکام مجازات‌های سنگین‌تر از شش ماه حبس که بعضاً برای مجرمان پرونده‌های کودک‌آزاری صادر می‌شود از طریق ظرفیت‌های قانون مجازات اسلامی و پیگیری مواردی همچون ایراد ضرب و جرح عمدی و نقص عضو صادر می‌شود.

نادی در خاتمه، با اشاره به اظهارات برخی از نمایندگان مجلس مبنی بر ضرورت تصویب قوانین ویژه برخورد با کودک‌آزاری تأکید کرد: فعالان حقوق کودکان می‌خواهند که بر تصویب قوانین بعدی در این زمینه تأثیرگذار باشند. از سوی دیگر بسیاری از جامعه‌شناسان و حقوقدانان، نقض قوانین را مهم‌ترین عاملی می‌دانند که باعث افزایش و عدم مهار کودک‌آزاری در کشور است. خشونت تا حدود زیادی نهادینه شده است اما در این میان کودکان و زنان از آسیب‌های اجتماعی بیشتری رنج می‌برند که نیاز به حمایت‌ها و اهرم‌های قانونی دارد، همین مساله که در هنگام آسیب رساندن به یک زن یا کودک باید تنها نیمی از دیه کامل یک انسان پرداخت شود، علاوه بر آنکه می‌تواند از لحاظ روحی به این قشر صدمه وارد کند و باعث به وجود آمدن نوعی حمایت قانونی ناآگاهانه می‌شود. برای رفع این مشکل نیاز به حمایت جدی دستگاه‌های قانونی و اجتماعی است که نقض‌های قانون را شناخته، اصلاح و

قوانین جایگزین را وضع کنند. در آخر باید گفت این برگ از روزنامه هم خوانده شده و در نهایت به خاطره‌ها می‌پیوندد اما چیزی که می‌ماند ادامه روند کودک‌آزاری در کشور و سرازیر شدن اشک کودکانی است که هر لحظه از درد به خود می‌پیچند و... به امید روزی که قانونی مصوب شود که حداقل والدین ترسی در دل داشته و اقدام به کودک‌آزاری نکنند.

عدم قصاص پدر قاتل

طبق قانون پدر میتواند با مجوز قانونی بچه اش را ببرد و حتی اگر فرزندش را بکشد قصاص نشود اما بر مبنای همین قانون سلامت روانی و اجتماعی این پدر ابتدا باید توسط پزشکی قانونی تأیید شود و سپس بچه به این فرد تحویل داده شود

رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران گفت: دومین مورد کودک‌آزاری که چند روز پیش اعلام شد پس از آنکه از بیمارستان مفید به شیرخوارگاه آمنه منتقل شد دیروز پس از دو روز اقامت در این مرکز با حکم قاضی تحویل پدرش شد.

دکتر مصطفی اقلیما در گفتگو با دادنا با بیان این مطلب افزود: این درست است که طبق قانون پدر می‌تواند با مجوز قانونی هر وقت که بخواهد بچه اش را ببرد و حتی اگر فرزندش را بکشد قصاص نشود اما همین قانون نیز این را در نظر گرفته است که سلامت روانی و اجتماعی این پدر ابتدا باید توسط پزشکی قانونی تأیید شود سپس بچه به این فرد تحویل داده شود. وی ادامه داد:

ابتدا باید عواملی که سبب این کودک‌آزاری شده اند شناسایی و رفع شوند و تنها سازمانی که باید در این زمینه کار کند سازمان بهزیستی است.

رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران اضافه کرد: آیا پزشکی قانونی، سلامت روانی و صلاحیت اخلاقی والدین این کودک را تشخیص داده است که قاضی حکم تحویل بچه را صادر کرده است؟ آیا برای قاضی این مدارک آماده بوده است که حکم تحویل بچه را در حالی که حتی درمان جسمی این کودک هنوز تکمیل نشده بود، داده است؟

وی خاطر نشان کرد: در این میان هیچ کمکی به این کودک نشده است حتی ممکن است موجب این شود که این کودک که با لو دادن والدینش به اذیت و آزارش، پس از بازگشت به خانه بیشتر از این به خاطر دردمندی که ایجاد کرده، تنبیه شود.

اقلیما در رابطه با افزایش موارد کودک آزاری در یک ماه اخیر افزود: اینها مواردی هستند که به صورت اتفاقی مددکاری توانسته بچه ها را شناسایی کند وگرنه ده ها موارد دیگر هست که ما متوجه نمی شویم.

وی با انتقاد از اورژانس اجتماعی ادامه داد: تلفن آسیبهای کودکان که دایر کرده اند چه دردی را درمان می کند. وقتی بچه ای تماس می گیرد و می گوید که پدرش کتکش زده و بعد در کمتر از یک هفته دوباره تحویل همان پدر می شود، ما مشکل این کودک را حل نکرده ایم بلکه آن را چند برابر کرده ایم. رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران گفت: اگر سازمان بهزیستی از مادر هانیه زمانی که آنقدر بی پول بود که مجبور شد با یک مرد معتاد ازدواج کند حمایت می کرد شاید او نیز مجبور به این ازدواج نمی شود و شاید امروز سرنوشت دیگری پیش روی این کودک بود.

وی خاطر نشان کرد: الان دولت سرپرست چنین کودکانی است و یک پدر برای آنها محسوب میشود. هزینه این کودکان ماهی 30 هزار تومان نیست بلکه بیش از 400 هزار تومان در ماه است. چگونه است دولت برای نگهداری یک دزد در زندان بیشتر از ماهی 600 هزار تومان هزینه می کند اما نمی تواند برای این کودکان هزینه کند؟

اقلیما افزود: اگر اینطور ادامه بدهیم و زودتر راهکاری در نظر گرفته نشود هر روز آسیبهای اجتماعی در کشور بیشتر می شود چرا که ما تنها این سه مورد که رسانه ای شده اند را می بینیم اما ده ها مورد دیگر در جامعه هستند که هیچ گاه شناسایی نمی شوند.

جوانترین زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین

جوانترین زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین ایوب قنبرپوریان ۲۰ساله و روح الله میرزاخانی ۱۹ساله اتهام: اخلال در نظم و اقدام علیه امنیت ملی اجتماع و تبانی بر ضد امنیت ملی

خبرگزاری هرانا - ایوب قنبرپوریان و روح الله میرزاخانی جوانترین زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین محسوب می شوند. قنبرپوریان به تازگی به رجایی شهر منتقل شده است. به گزارش کلمه، روح الله میرزاخانی ۱۹ ساله از جوانترین زندانیان حوادث انتخابات در بند ۳۵۰ زندان اوین، بزرگترین بند زندانیان سیاسی کشور هم اکنون در میان بیش از ۱۷۰ زندانی دیگر این بند به سر می برد. روح الله میرزاخانی، ۱۹ ساله به اتهام اجتماع و تبانی بر ضد امنیت ملی از آذر ماه سال گذشته در زندان اوین است. او هنوز بلاتکلیف است و هیچ دادگاهی برایش برگزار نشده است. ایوب قنبر پوریان نیز که به تازگی از بند ۳۵۰ اوین منتقل شده، به اتهام اخلال در نظم و اقدام علیه امنیت ملی به سه سال و چهار ماه حبس محکوم شده است. این جوان ۲۰ ساله در یکی از تظاهرات های مسالمت آمیز مردم در اعتراض به نتیجه انتخابات ۱۳۸۸ بازداشت و روانه زندان شد. وی اهل یکی از روستاهای کوه دشت لرستان است که در تهران به عنوان کارگر ساختمان مشغول به کار بوده است. ایوب سرپرست خانواده بوده و در تمام ماههای گذشته، خانواده اش بدون حضور او با مشکلات مالی فراوان دست به گریبان بوده اند. او مدتی در بند دو الف سپاه نگه داری شد و مدتها در بند ۳۵۰ زندان اوین به همراه تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی نگهداری می شد و سپس به رجایی شهر انتقال یافت.

سومین قربانی کودک‌آزاری در یک‌ماه اخیر



123. این شماره تلفن در یک ماه گذشته و بنا بر اعلام خبرگزاری‌های رسمی در ایران بارها به صدا در آمده و خبر دردناک چندین مورد کودک‌آزاری حاد در اردیبهشت ماه امسال، از این طریق به بیرون از محیط خانه راه یافته و در فضای رسانه‌ای کشور و حتی در میان رسانه‌های فارسی زبان خارج از ایران انعکاس یافته است.

شماره تلفن مرکز فوریت های اجتماعی که زیر مجموعه سازمان بهزیستی ایران است و این روزها به دلیل جایجایی مکرر مدیران و ادغام وزارت خانه ها روزهای خوشی را پشت سر نمی گذارد فقط در یک ماه، ناجی 3 کودک شده که به طور پیاپی مورد آزار حاد آن هم از سوی خانواده های شان قرار می گرفتند، هانیه و نیما و اکنون بارید سه کودکی هستند که در اردیبهشت ماه امسال تا دم مرگ آزار دیده اند.

آتش زدن "بارید"

با گذشت تنها يك هفته از انتشار خبر دومین کودک آزاری و از ضرب و جرح شدید نیما از سوی پدر و مادرش، این بار، یک مادر در حالی بر بالین پیکر سوخته پسر 3ساله اش به نام بارید شیون می کند که به گفته پرستاران، احتمال زنده ماندن این کودک با 70 درصد سوختگی، بسیار اندک است. بارید را پدرش آتش زده. خودش می گوید به خاطر تهدید و وادار کردن همسرش به ادامه زندگی مشترک؛ اما قطعاً نقش محرك اعتیاد آور «شیشه» در این ماجرا پررنگتر است.

شیرین صدر نوری، مددکار اجتماعی که دو روز پیش از نگارش این گزارش به عیادت «بارید» رفته بود، در گفت و گویی با خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، درباره چگونگی وقوع این حادثه گفت: پدر «بارید» به علت اعتیاد به شیشه مدت ها بود که نسبت به «مینا» همسرش ظنین بوده و اختلافات این دو موجب می شود که مینا تصمیم به جدایی بگیرد. بنابراین خانه اجاره ای مشترکشان را در حالی که شوهرش «بارید» را از او جدا می کند، ترک کرده و به منزل پدری اش می رود.

این مددکار اجتماعی با بیان اینکه پدر بارید، در مدت درگیری با همسرش، چندین بار با او تماس گرفته و با تهدید آسیب زدن به بارید، از مادر درخواست بازگشت کرده بود، گفت که محمد به دلیل مصرف مواد مخدر شرایط روانی نرمالی نداشته، بنابراین در زمانی که مادر بارید در منزل پدری اش حضور نداشته و پدر بزرگش نیز از منزل خارج شده بود، با تهدید مادر بزرگ به منزل آنها وارد می شود و بارید را با خود به درون اتاقی برده و بنزینی که داخل يك شیشه نوشابه با خود آورده بود را بر پیکر بارید ریخته و وی را به آتش می کشد، مادر بزرگ نیز زمانی در ماجرا مداخله می کند که شیون بارید سه ساله را شنیده و با صحنه دلخراش سوختن او در شعله های آتش مواجه می شود و از همسایه ها در خواست کمک می کند و به ترتیب پیکر سوخته بارید به بیمارستان منتقل و می شود و پدر نیز که خود کمی سوخته بوده از سوی پلیس دستگیر می شود.

«بارید» در حالی سومین قربانی کودک آزاری های اخیر به شمار می رود که پیش از او و در فاصله کمتر از یک ماه هانیه و نیما نیز قربانی کودک آزاری شدید شده بودند.

رشد کودک آزاری در سال جدید

در همین حال مصطفی اقلیما، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران از افزایش انواع مختلف آسیب های اجتماعی نسبت به سال گذشته و دو برابر شدن گزارش های مربوط به کودک آزاری شدید در کشور خبر داد و گفت: مهمترین دلیل وقوع این آسیب، مشکلات اقتصادی و فقر است.

دکتر اقلیما به خبرگزاری مهر گفت: در حال حاضر میزان درآمد با مخارج خانواده ها یکی نیست بنابراین با افزایش مشکلات آنها میزان آسیبه ها نیز هر روز بیشتر می شود.

رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران با تاکید بر اینکه آسیب های اجتماعی قابل تبدیل به یکدیگر هستند، معتقد است: در شرایطی که زندانهای ایران 3 برابر ظرفیت فعلی، زندانی دارند و همچنین آمار طلاق نسبت به سال گذشته 6 درصد افزایش و ازدواج 2 درصد کاهش داشته است، آسیبهایی مانند کودک آزاری، در کنار آن زیاد می شود.

به گفته اقلیما، میزان خط فقر یک میلیون تومان اعلام شده است در حالی که حقوق کارگران امسال 330 هزار تومان است و از سوی دیگر با توجه به اینکه قیمت اجاره یک آپارتمان کوچک حدود 500 هزار تومان است بنابراین امکان پرداخت آن با این حقوق ها وجود ندارد و همین امر در نهایت با بروز مشکلات اقتصادی باعث ایجاد آسیب‌های مختلف در خانواده ها خواهد شد.

آمارها فریاد می‌زنند

یکی از غم‌انگیزترین شکنجه‌ها آزار کودکی 35 روزه بود که چند سال پیش در بیمارستانی در گیلان در گذشت. در دست و پای این نوزاد پسر که پیمان نام داشت آثار سوختگی دیده می‌شد و دچار ضربه مغزی شده بود. این نوزاد والدینی 17 و 19 ساله داشت. در بین موارد کودک آزاری که در ایران به ثبت رسیده، این مورد، خردسال‌ترین کودکی است که مورد اعمال خشونت بار والدینش قرار گرفته است.

آمار رسمی این کودک آزاری ها کمتر اعلام می‌شود، اما در آخرین آماري که در این زمینه منتشر شده آمده است: 66 درصد کودک آزاری ها از سوی مردان اعمال می‌شود و دختران بیش از پسران در معرض کودک آزاری قرار می‌گیرند. همچنین 25 درصد کودک آزاری ها در خانواده های طلاق اتفاق می‌افتد. این در حالی است که آمارها نشان می‌دهد 50 درصد والدین ایرانی معتقدند تنبیه برای کودک لازم است و 40 درصد والدین نیز به تنبیه بدنی گرایش دارند.

بررسی‌ها درباره روابط میان خانواده و فرزندان نشان می‌دهد، در مقابل یک مورد کودک آزاری که فاش می‌شود، دست کم 20 مورد دیگر پنهان می‌ماند. تحقیقات نشان می‌دهد بیش از 90 درصد کودک آزاری ها در محیط خانه اتفاق می‌افتد و این در حالی است که پدران با 48/5 درصد، بالاترین و پس از آن مادران با 23/8 درصد در ردیف بعدی عوامل کودک آزاری جسمانی در خانواده های کودک آزار قرار دارند.

بیشتر پرونده های کودک آزاری در ایران درباره کودکانی تشکیل شده که والدین معتاد داشته اند. اعتیاد، به ویژه در خانواده‌های فقیر، تواناییهای تربیتی والدین را ساقط کرده و آنها را در شرایطی قرار می‌دهد، که همواره به خود زحمت فکر در عمق اعمال خویش را نمی‌دهند و آسانترین و سریعترین راه را برای سرکوب فرزند در پیش می‌گیرند.

مشکل قانونی داریم؟

علی نجفی توانا، حقوقدان در گفت و گو با روز از فقدان سازوکار مشخص حقوقی برای دفاع از حقوق کودکان در ایران می‌گوید.

دکتر نجفی توانا می‌گوید: با نهایت تأسف باید گفت که در مقررات داخلی ایران بر خلاف برخی قوانین داخلی و وجود قوانین بازدارنده در سطح جهانی، ساز و کار مشخص و کارآمدی برای دفاع از حقوق کودکان نداریم و حمایت لازم از کودکان در مواجهه با دشواری‌های احتمالی زندگی نمی‌شود.

به گفته او: در آخرین قانون حمایتی مصوب سال ۱۳۸۳ نیز پدر و مادر مستثنی شدند در حالی که درصد قابل توجهی از کودک آزاری‌ها در کشور ما از سوی پدر و مادر فاقد صلاحیت انجام می‌شود. بر پایه گزارش مددکاری انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران نیز، اکثر کودکان مورد آزار در زمینه حضانت، بدسرپرستی و بی‌سرپرستی نیاز به مساعدت‌های حقوقی دارند.

باید کاری کرد: گزارش سالانه واحد مددکاری انجمن حمایت از حقوق کودکان حاکی است، در يك سال اخیر حدود 200 مورد کودک‌آزاری به مددکاری انجمن ارجاع شده که همه این موارد نشان‌دهنده خشونت ورزی به کودکان است.

براساس این گزارش، حدود 48 درصد این کودکان مورد آزار بدنی، 49 درصد آزار عاطفی، 13 درصد آزار جنسی، 20 درصد بهره‌کشی اقتصادی و 12 درصد مورد آزار آموزشی قرار گرفته‌اند. هرچند در برخی موارد نیز دو یا چند مورد کودک‌آزاری توأمان صورت گرفته است. براساس همین گزارش، با این که کودک‌آزاری بویژه از نوع جسمی و بدنی آن، از لحاظ قانونی جرم محسوب می‌شود، اما عملاً این مسائل با وجود تاییدیه پزشکی قانونی و قابل رویت بودن، همچنان رخ می‌دهد.

بر پایه این گزارش و با استناد به آمارهای ارایه شده که بیشترین آزارها در خانه و خانواده اتفاق می‌افتد، باید برنامه‌هایی برای حمایت از خانواده‌هایی که در وضعیت‌های دشوار و با آسیب‌های متعددی روبه‌رو هستند، اجرا شود. برنامه‌هایی برای سرمایه‌گذاری در بخش خدمات رفاه اجتماعی و آموزش مهارت‌های فرزندپروری. موضوعی که در اوضاع پرتلاطم سیاسی- اجتماعی ایران بیشتر شبیه یک آرزوست. روز آنلاین

کودکان خیابانی، خیابان را سرپناه خود می‌دانند

کودکان خیابانی، خیابان را سرپناه خود می‌دانند و خانواده را در خیابان جستجو می‌کنند

شهرزادنیوز: شماری از کودکان خیابانی، به دلیل فقر، حاشیه‌نشینی، جنگ و مهاجرت، از امکان رشد طبیعی در محیط خانواده سالم بازمانده و به شهرهای بزرگ روی آورده‌اند. محمدرضا کاظم زاده، مدیرکل بهزیستی خراسان شمالی، که در جلسه ستاد ساماندهی کودکان خیابانی سخن می‌گفت، در باره کودکان خیابانی اظهار داشت که آن‌ها افراد زیر 18 سالی هستند که به شهرهای بزرگ رفته و در خیابان کار می‌کنند و به صورت هفته‌ای و یا سالی یک بار با خانواده‌های خود تماس می‌گیرند.

وی ضمن بیان این مطلب که کودکان خیابانی، خیابان را سرپناه خود می‌دانند و خانواده را در خیابان جستجو می‌کنند و تا وقتی که فقر هست، کودکان خیابانی هم وجود دارند، افزود که در استان خراسان شمالی یک مرکز نگهداری از کودکان خیابانی وجود دارد که در سال گذشته 66 کودک خیابانی را پناه داده و در 9 ماهه سال جاری، پذیرای 47 کودک خیابانی بوده است. مدیرکل بهزیستی خراسان شمالی، یادآور شد که تنها راه رشد و تربیت سالم کودکان، توانمندسازی خانواده هاست.

کودک آزاری در ایران، رو به افزایش است



در سالهای اخیر کودک آزاری در ایران، رو به افزایش است

وضعیت بارید سه ساله که ظاهراً پدرش به دلیل اعتیاد به شیشه او را با بنزین سوزانده، به حدی وخیم است که پزشکان امید چندانی به بهبود او ندارند. قاضی پرونده موارد اخیر کودک آزاری به بیمارستانی که این کودکان در آن بستری هستند، اجازه مصاحبه و انتشار اطلاعات در مورد آنها را نداده است.

بر اساس خبرهای منتشر شده، نیمی چهار ساله تنها بعد از ۱۰ روز درمان در بیمارستان مفید تهران به پدرش تحویل داده شد.

مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران با اعلام این خبر به خبرگزاری ایسنا گفت: "بر اساس قانون، پدر هر زمان بخواهد می تواند با مراجعه به دستگاه قضایی زمینه بازگرداندن فرزندش را فراهم کند".

این در حالی است که در صورت اثبات کودک آزاری توسط قاضی پرونده، کودک تحویل والدین نمی شود و در اختیار بهزیستی قرار می گیرد.

آقای اقلیما گفت که وضعیت جسمی نیما (که دچار سوختگی در نقاط مختلف بدن از جمله آلت تناسلی و نیز کبودی شدید دو چشم بود) جای تردید در عدم صلاحیت والدین او باقی نمی گذارد.

مشکلات قانونی در مورد پدیده کودک آزاری از مسائلی است که کارشناسان بارها به آن اشاره کرده اند و از مقامات ایران خواسته اند که خلاءهای قانونی را برطرف کنند.

ایران به کنوانسیون حقوق کودک و اصلحیه آن پیوسته، اما بخش هایی از مواد این کنوانسیون را نپذیرفته و همین امر باعث خلاءهای قانونی شده است.

با توجه به اینکه آمار نشان می دهند که مردان اکثر موارد کودک آزاری را در ایران مرتکب می شوند، معافیت های قانونی قصاص در مورد پدر از جمله نقایص قانونی در این زمینه تلقی شده است.

به اعتقاد صاحب نظران، مجازات های کودک آزاری بازدارنده نیست، اما مقامات ایرانی این نظر را رد می کنند.

موسی قربانی، نماینده مجلس ایران در گفت و گویی با خبرگزاری مهر گفته بود که در صورتی که کودک آزاری همراه با شکستگی یا ایراد ضرب و جرح باشد، جرم خاص محسوب می شود و عامل آن طبق ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی به تحمل ۲ تا ۵ سال حبس و پرداخت دیه محکوم خواهد شد.

آقای قربانی همچنین گفت که قوانین ایران در خصوص حمایت از حقوق کودک "بسیار پیشرفته" است.

بر اساس نظرسنجی های انجام شده، ۵۰ درصد والدین ایرانی معتقدند که تنبیه برای کودک لازم است و ۴۰ درصد از والدین به تنبیه بدنی گرایش دارند.

این در حالی است که ماده دوم قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ می گوید: "هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب صدمه جسمانی، روانی و اخلاقی به آنها شود و سلامت جسم و روان آنان را به مخاطره بیندازد"، ممنوع و از مصادیق کودک آزاری است.

کارشناسان دلایل مختلفی را در خصوص بروز این پدیده مطرح می کنند، یکی از این موارد مشکلات اقتصادی است. فشار مالی بر والدین موجب می شود که کودکان نخستین وسیله تخلیه خسونت های

تحمیل شده از سوی جامعه به والدینشان باشد.

اعتیاد هم در بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از عمده ترین عوامل کودک آزاری در ایران محسوب می شود. بر اساس آخرین آمار منتشر شده، بیش از دو میلیون مصرف کننده مواد اعتیادآور در ایران وجود دارد که از این تعداد ۶۰ درصد مرد هستند.

کارشناسان همچنین معتقدند که فقر فرهنگی هم به اندازه فقر اقتصادی در کودک آزاری موثر است.

یکی از این کارشناسان که نخواست نامش فاش شود به بی بی سی فارسی گفت: "پدر و مادری که نسل ها در خانواده خود مورد تنبیه بدنی قرار گرفته اند را نمی توان تنها با این جمله که اگر فرزندان را

تنبیه کنید، مرتکب کودک آزاری شده اید، از این کار بازداشت. این والدین نیاز به آموزش دارند و

بسیاری از آنها باید پیش از بچه دار شدن توسط مراکز مختلف در مورد نحوه ارتباط با کودک آموزش ببینند".

در همین حال کارشناسان تاکید دارند که باید مسئله "تنبیه" کودکان را از موضوع کودک آزاری جدا دانست. این کارشناسان معتقدند که تنبیه، کودک را متوجه می کند که باید رفتارش را اصلاح کند، اما متأسفانه پدران و مادران به بهانه تنبیه فرزند او را در معرض هر گونه آسیب روحی و روانی قرار می دهند.

براساس آخرین آمارهای منتشر شده در مورد کودک آزاری، ۶۶ درصد کودک آزاری ها از سوی مردان اعمال می شود و دختران بیش از پسران در معرض کودک آزاری قرار دارند. همچنین ۲۵ درصد از کودک آزاری ها در خانواده هایی روی می دهد که در آنها طلاق اتفاق افتاده است.

اعتیاد به مواد مخدر، طلاق، انحطاط اخلاقی

اعتیاد به مواد مخدر، طلاق، انحطاط اخلاقی، اعتیاد به مشروبات الکلی، مشاجرات و درگیری های شدید خانوادگی و... در خانواده های این قبیل کودکان مشهود بوده است.

نرخ کودک آزاری های جنسی در ایران طی سال 86 نسبت به سال 85، 3/5 درصد رشد نشان می دهد که 14/5 درصد از 200 مورد کودک آزاری گزارشی، جنسی بوده و 70 درصد از کودکان آزار دیده، دختران بوده اند.

به گزارش شفاف، بنا بر گزارشی که توسط یک نهاد بین المللی و وزارت بهداشت تهیه شده نرخ کودک آزاری های جنسی در ایران طی سال 86 نسبت به سال 85، 3/5 درصد رشد نشان می دهد. به طوری که 14/5 درصد از 200 مورد کودک آزاری گزارشی شده، کودک آزاری های جنسی بوده که 70 درصد از کودکان آزار دیده، دختران بوده اند.

به گزارش شفاف، حدود 57 درصد از آزارگران جنسی کودکان آزار دیده، پدران آنها بوده اند. مابقی آزارگران را ناپدری، دوست پدر، دوست برادر، مربی باشگاه ورزشی و معلم ورزش مدرسه تشکیل داده اند که طیف سنی این کودکان عمدتاً شش تا هجده سال هستند.

اعتیاد به مواد مخدر، طلاق، انحطاط اخلاقی، اعتیاد به مشروبات الکلی، مشاجرات و درگیری‌های شدید خانوادگی و... در خانواده‌های این قبیل کودکان مشهود بوده است. متأسفانه 75 درصد کودک آزاریها توسط خود والدین صورت می‌گیرد و تنها 25 درصد آن توسط افراد دیگر جامعه و عوامل خارجی اتفاق می‌افتد. این کودک آزاریها توسط والدین به علت نداشتن آگاهی و ضعف نگرش والدین بوده و در بیشتر موارد از روی عمد نیست، ولی متأسفانه نشانه غفلت از کودکان بوده و خسارت جبران ناپذیری در پی دارد. تحقیقات نشان داده که آن دسته از والدین که بیشترین تماس را با کودکان خود داشته و وقت بیشتری را با آنها می‌گذرانند، بیشتر اقدام به اذیت و آزار ناخواسته فرزندان خود می‌کنند.

اثرات مخرب کودک آزاری

استاد دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به اثرات مخرب کودک آزاری به انتقاد از ضعف قوانین موجود در این مورد پرداخته، اظهار داشت:

«برخی از والدین کودک خود را به دلیل کنجکاوی‌هایی که در مورد اندام خود و یا جنس مخالف خود دارند به شدت تنبیه و تا حد مرگ کودک خود را تنبیه می‌کنند در حالی که کنجکاوی کودکان در این سن امری طبیعی است و نباید عکس العمل‌های شدید نشان داده شود.»
دکتر فرید براتی در گفتگو با خبرنگار سلامت نیز اظهار داشت: «متأسفانه کودک آزاری توسط والدین مسئله‌ای است که در جامعه ما وجود داشته و بخشی از آن ناشی از نقص قوانین ما است که به این قضیه توجه چندانی نمی‌شود البته کارهایی صورت می‌گیرد اما به گونه‌ای است که اگر روان‌شناس و مددکاری بخواهد از طریق سازمان بهزیستی کشور وارد عمل شود محمل قانونی ندارد و حتی با آنها برخورد می‌شود.»

وی افزود: «کودک آزاری مثل هر پدیده و آسیب اجتماعی دیگری پدیده‌ای چند وجهی است و ناشی از عوامل زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی است و می‌تواند یک سلسله علتی وجود داشته باشد. در خصوص جنبه‌های زیستی، والدین از نظر مغز و هورمونی، کم کاری و یا پرکاری تیروئید مشکل دارند و یا از لحاظ زمینه شخصیتی پرخاشگرانه هستند و یا به صورت ارثی پرخاشگری را از خانواده خود به ارث برده‌اند و زمانی که در شرایط مساعد محیطی قرار می‌گیرند آن را ابراز می‌کنند.»
این روان‌شناس تصریح کرد:

«البته از عوامل فیزیولوژیکال هم نمی‌توان گذشت به عنوان مثال فرد دچار محرومیت فیزیولوژیک شده و زمانی که نیاز وی برآورده نشود دست به خشونت می‌زند.»
استاد دانشگاه علامه طباطبایی یادآور شد: «از علائم روانشناختی والدین کودک آزار می‌توان به استرس‌ها و عدم کنترل هیجان‌ها و فشارهای زندگی و کم‌تحملی و نوع ناتوانی در نحوه درک شرایط و

رشد بچه ها نام برد به عنوان مثال برخی از والدین کودک خود را به دلیل کنجکاوی‌هایی که در مورد اندام خود و یا جنس مخالف خود دارند به شدت تنبیه و تا حد مرگ کودک خود را تنبیه می‌کنند در حالی که اگر به شرایط رشد و آموزش لازم به بچه ها آگاهی داشته باشند باید بدانند که کنجکاوی کودکان در این سن امری طبیعی است و نباید عکس العمل‌های شدید نشان داده شود.»

وی گفت: «از لحاظ عوامل اجتماعی می‌توان به فقر، مسائل بیکاری و والدین، وجود خشونت در خانواده و رسانه و نحوه انعکاس مسائل در رسانه‌ها که گاهی به جای عبرت باعث آموزش و یادگیری والدین می‌شود اشاره کرد. در خصوص مباحث معنوی و اخلاقی باید گفت که این والدین هنوز خود را به عنوان کسی که مسئول است نشناخته و به لحاظ هنجاری و ارزشی خود را درک نکرده‌اند و نمی‌دانند مسئولیت پدر و مادر بودن یعنی چه و با وظایف خود آشنا نیستند. در مجموع همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند و پدر و مادر را به سمت مبادرت به خشونت علیه کودک خود که موجودی ناتوان است سوق می‌دهند.»

دکتر فرید براتی تاکید کرد: «بسیاری از والدینی که اقدام به کودک آزاری می‌کنند بیمارروانی نیستند و در کتب و منابع گفته شده کسانی که نسبت به کودکان اعمال خشونت می‌کنند بیمار نیستند و تنها تعداد کمی از آنها بنا به دلایل روانی دست به کودک آزاری می‌زنند. در این میان وظیفه دستگاه‌های متولی و آموزشی و فرهنگی زیاد می‌شود و صدا و سیما نقش موثری درباره اطلاع رسانی و آموزش در این خصوص را خواهد داشت اما متأسفانه به محض اینکه گاهی اخباری در خصوص کودک آزاری منتشر می‌شود بعد از گذشت چندی از یادها می‌رود و کار اساسی در این خصوص صورت نمی‌گیرد.»

وی گفت: «کودک آزاری اقسامی دارد و تنها به کودک آزاری جسمی ختم نمی‌شود و در بسیاری از موارد کودکان مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند و کودک آزاری جنسی یعنی به قصد تلذذ جنسی از کودکی که آگاهی ندارد استفاده می‌شود و کودک و امدار به اعمال جنسی می‌شود و متأسفانه گاهی فیلم‌هایی هم توسط این افراد تهیه می‌شود اما بیشترین مواردی که در خصوص کودک آزاری منتشر می‌شود در مورد کودک آزاری جسمی است و به موارد دیگر کودک آزاری پرداخته نمی‌شود.»

روانشناس و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی در ادامه گفت: «نوع دیگری از کودک آزاری، کودک آزاری روانشناختی و عاطفی است که بسیار هم در جامعه ما رایج است.

هر عملی که باعث شود احترام به خود و عزت نفس در کودک منکوب شود و کودک تحقیر شود و یا مدام با دیگران مقایسه شود جزء آبیوزهای روانشناختی به حساب می‌آید.

و در بسیاری از موارد می‌بینیم که والدین القابی را به کودک می‌دهند و یا وی را با دیگران مقایسه می‌کنند. نوع دیگر آن غفلت والدین از کودکشان است که به دلیل فقر و بی توجهی به کودک است که یا نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند نیازهای اساسی و جسمی و روانشناختی کودک خود را برآورده کنند.»

وی تاکید کرد: «در کشورهای دیگر قوانینی وجود دارد که روانشناسان و مددکاران به محض دریافت گزارش کودک آزاری و یا حتی مشکوک شدن به بدرفتاری والدین سریعاً وارد عمل شده و بررسی می‌کنند و در صورت صحت موضوع کودک را از والدین جدا کرده و از والدین سلب مسئولیت می‌کنند اما در کشور ما متأسفانه کارشناسان، بهزیستی و اورژانس اجتماعی از طرف قانون حمایت نمی‌شوند البته چندین کارگروه در قوه قضاییه در این خصوص فعال هستند اما یا قوانین با سرعت انجام نمی‌شود و یا با طمانینه عمل می‌کنند.»

مدیرکل سابق امور خانواده بهزیستی افزود: «در حالی که در کشورهای دیگر اگر همسایه‌ای از کودک آزاری والدینی آگاه باشند و گزارش ندهند محکوم شده و تحت تعقیب قرار می‌گیرند اما در کشور ما

مرزهای بین تربیت و تنبیه و آزار کودک روشن نیست و قوانین شفاف نیست و عزم همگانی لازم است تا این مسائلی که در جامعه رواج دارد و روح جامعه را آزار می دهد حل شود تا میزان خشونت روز به روز بالاتر نرود و حتی برخی از افراد از شرایط اجتماعی موجود تاثیر نگیرند.»

دکتر فرید براتی گفت: «تحقیقات نشان داده است که کودک آزاری علاوه بر پیامدهای کوتاه مدت مخربی که بر روی کودک به جای می گذارد و کودک دچار احساس ناامنی، اضطراب، عدم تمرکز حواس، ترس، افسردگی، بی توجهی و رفتارهای اختلال PTSD (استرس پس از ضربه) می شود، پیامدهای بلند مدتی را هم به دنبال خواهد داشت.

به عنوان مثال تحقیقات نشان داده است که اگر فردی در دوران کودکی خود یک یا چند نوع کودک آزاری را تحمل کرده باشد دچار اختلالات روانی به ویژه اختلال شخصیت می شود و اغلب کسانی که قاتلان سریالی و یا آزارگران هستند در دوره کودکی ضربه های روانی و کودک آزاری را تحمل کرده اند.»

وی در ادامه اظهار داشت: «کودکی که توسط والدین خود مورد آزار قرار می گیرد دچار ضربه روانی می شود که به مانند زلزله ای است که همه افراد خانواده وی را از او گرفته است و در واقع یک تروما (حادثه بزرگ) برای وی است و کودک در جهان خود نمی تواند تحلیل کند که علت کار والدینش چیست و تحقیقات نشان داده خشونت علیه دیگران از پیامدهای بلند مدت کودک آزاری است و در واقع آنها خود هیولا می شوند و کودک آزاری پیامدهای فردی و اجتماعی زیادی را برای کودک به دنبال خواهد داشت.»

روایتی گذرا از سه کودک آزاری

روایتی گذرا از سه کودک آزاری انجام شده و البته رسانه ای شده در یک ماه

سه فاجعه دردناک و تکان دهنده تنها در یکماه حکایت از اوضاع و احوال بحرانی کودک آزاری در جامعه است، پدیده ای که سال ها است در کلاف در هم تنیده قوانین کهنه و خاموش؛ خلاءهای فرهنگی و اجتماعی و آثار وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه در حال حیات و رشد و فزونی است.

کودک آزاری های اخیر زنگ خطر را بلندتر از همیشه به صدا درآورده است. زنگ خطری که نشان می دهد باورهای اخلاقی و دینی و فرهنگی افراد جامعه در چه سطحی است، کودک آزاری پدیده است که نشان می دهد مشکلات اقتصادی و معیشتی، اعتیاد، افول ارزشهای دینی و اخلاقی و رشد انواع بزه چه تأثیری را برای آینده جامعه به همراه خواهد داشت.

آمارهای نگران کننده از یک جنایت خاموش

با کمال تأسف باید گفت که موارد مختلف کودک آزاری در ایران به وفور یافت می‌شود، کودک آزاری شامل همه اذیت و آزارهایی است که به صورت جسمی، روحی، جنسی و عاطفی به کودکان اعمال می‌شود و مواردی نظیر سطح سواد خانواده‌ها، محیط اطراف؛ اعتیاد و... در وقوع و میزان آن‌ها موثر است.

بر اساس اعلام دفتر امور آسیب دیدگان بهزیستی، طی شش‌ماهه اول سال گذشته ۱۴۴ هزار و ۵۶۵ تماس با خط تلفن کودک‌آزاری اورژانس اجتماعی صورت گرفته که تمامی این تماس‌ها مرتبط با آزار کودکان بوده است و این رقم نسبت به یک سال قبل در همین مدت چندین برابر افزایش داشته است. در این میان یازده درصد از موارد کودک آزاری طی ۱۰ ماهه سال گذشته به بهزیستی ارجاع داده شده است.

همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۵۰۰ پرونده کودک آزاری در قوه قضائیه در حال رسیدگی است ضمن آنکه نتایج تماس با تلفن اورژانس ۱۲۳ نشانگر بیش از ۶ هزار مورد حاد آزار کودکان در سال است هرچند وقوع بیش از ۷۰ درصد کودک آزاری‌ها در خانه موجب می‌شود تا شمار زیادی از موارد امکان انعکاس نداشته باشند و این مسئله بیش از هر چیز نشان می‌دهد این پدیده دردناک در خاموشی قرار داشته و ابعاد آن پنهان است.

اما بر اساس همین آمارهای موجود در کشور ما ۵۶ درصد کودکان آزار دیده دختر و ۴۴ درصد پسر هستند که ۴۴ درصد کودکان توسط پدر، ۱۲ درصد توسط مادر و مابقی توسط آشنایان یا سایر افراد مورد آزار قرار گرفته‌اند که در این بین سهم ناپدری‌ها بسیار پر رنگ است و نشان از تأثیر طلاق در وقوع این پدیده اجتماعی دارد.

به گفته دکتر ابهری، آسیب‌شناس و استاد دانشگاه، ۱۹ درصد کودکان آزار دیده فرزندان طلاق هستند و ۲۶ درصد کودکان قربانی اعتیاد پدر و مادر و یا هر دو شده و آمارهای ارائه شده آزارهای جسمی از قبیل تنبیهات سخت و یا انواع مختلف صدمات فیزیکی است و در کنار این اعداد باید به ضعف مراقبت، کم توجهی و ضعف حمایت عاطفی اشاره کرد که در هیچ یکی از این ارقام لحاظ نشده است. این استاد دانشگاه همچنین معتقد است که ۸۵ درصد کودک آزاری‌ها به دست والدین معتاد انجام شده است که تحت تأثیر مصرف مواد مخدر دست به این اعمال زده‌اند مسئله‌ای که ارتباط معنادار موضوع مواد مخدر و وقوع جرائم اجتماعی خشونت بار را نشان می‌دهد، خصوصاً آنکه بیشتر موارد کودک آزاری‌های تحت تأثیر مواد مربوط به مواد مخدرهای جدید و صنعتی بوده‌اند.

کودک آزاری محلی برای نقد قانون و عملکرد قضات

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در دیماه سال ۸۱ و در ۹ ماده به تایید شورای نگهبان رسید بر اساس ماده چهار این قانون برای مرتکبان آزار و شکنجه روحی و جسمانی اطفال و نادیده گرفتن بهداشت و سلامت جسمی و روانی آن‌ها مجازات زندان از ۳ ماه و ۱ روز تا ۶ ماه و تا ۱۰ میلیون ریال جزای نقدی به همراه داشته و ماده ۳ آن هم مجازات‌هایی سنگین‌تر برای مرتکبین به بهره‌کشی اقتصادی و به کارگیری اطفال در شغل‌های خلاف و... مقرر کرده است.

با وجود این قانون اگرچه به نظر می‌رسد که خلاء قانونی در برخورد با کودک آزاری وجود ندارد ولی تناسب مجازات با جرائم انجام شده توسط فعالان حقوق کودک و صاحب‌نظران اجتماعی جهت پیشگیرانه بودن آثار مجازات‌ها محل ایراد و اشکال است، ضمن آنکه عملکرد برخی از قضات نیز با انتقادهای زیادی روبرو بوده است.

در پرونده نیما، گرچه آثار شکنجه و آزار جسمی کودک به وضوح نمایان بوده است و مادر و پدر نیز به انجام آن‌ها اعتراف کرده بودند، نیما پس از هفته‌ای مداوا در بیمارستان با حکم قاضی به پدر سپرده می‌شود و به خانه و یا همان محل وقوع کودک آزاری باز می‌گردد تا نگرانی‌ها از آینده این کودک همچنان باقی مانده باشد.

آنچه در مورد قوانین نمایان است ضعف آن‌ها در بازدارندگی و حمایت از قربانیان کودک آزاری است که در افزایش شمار این وقایع و وضعیت پرونده‌های سال جاری قابل مشاهده است و موجب شده تا برخی انجمن‌ها و فعالیت حقوق کودک از کمیسیون اجتماعی مجلس خواستار اصلاح و تصویب قوانین، گنجاندن موادی به لایحه حمایت از خانواده و تشدید مجازات‌ها شوند.

در این بین نیره اخوان عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس گفته است: کارگروهی برای بررسی کودک آزاری در لایحه حمایت از خانواده تشکیل شده و این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است و بخشهایی از این لایحه برای دفاع از حقوق کودکان اختصاص یافته است و قانون جدید موارد حمایتی از اطفال و نوع جرمهایی که علیه اطفال انجام می‌شود مشخص شده است.

به گفته اخوان این موضوع به دادگستری مربوط است و ما تنها می‌توانیم قانون مربوط به آن را تصویب کنیم.

کودک آزاری و بزه‌های اجتماعی تحت تأثیر فشارهای اقتصادی

افزایش خشونت، جرائم خشن، نزاع، افزایش بزهکاری‌های اجتماعی و فحشا، رشد اعتیاد و در نهایت کودک آزاری از جمله پدیده‌های اجتماعی هستند که به اذعان بسیاری از کارشناسان اجتماعی متأثر از مسائل اقتصادی و معیشتی افراد جامعه هستند و از این رو است که فعالان اجتماعی خواهان آن بوده‌اند که قبل از هر تصمیم و برنامه اقتصادی، آثار اجتماعی آن نیز مورد مطالعه قرار بگیرد.

گرانی کالاهای مصرفی، کاهش قدرت خرید خانواده‌ها، تورم و سخت‌تر شدن شرایط زندگی برای مردم در سالهای اخیر وضعیت آسیب‌های اجتماعی را بحرانی کرده است، آمارهای مربوط هم بر نگرانی‌ها افزوده است و از دید کارشناسان کودک آزاری نیز در این بین مستثنی نبوده است.

به گفته اقلیما، استاد دانشگاه و متخصص آسیب‌های اجتماعی فقر و بیکاری افزایش پیدا کرده است و طبعاً سیر و روند کودک آزاری و همسر آزاری افزایش یافته است. جامعه، جامعه‌ای پولی شده است.

نباید از کسی که هنوز امکانات اولیه زندگی برآورده نشده است انتظار رفتارهای خوب داشته باشیم. روز به روز مردم بیشتر دنبال پول رفتند و خانه و خانواده را رها کردند.

وی تأکید می‌کند؛ یکی از علت‌ها وضعیت درآمدی مردم است. من به شما قول می‌دهم امسال آسیب‌های اجتماعی ما ۴۰ الی ۵۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. تمام مواد غذایی ما بالای ۶۰ درصد بالا رفته است. آیا فکر کردیم که علت این همه آسیب‌های اجتماعی می‌تواند همین کمبودهای مالی در زندگی مردم باشد؟

پس محکوم کسی است که قوانین را بر پایه اصول و برنامه نمی‌گذارند.

اقلیما تصریح می‌کند: اقتصاد بیشتر خودش را نشان می‌دهد. امنیت روانی هم بسیار مهم است زیرا سلامت اجتماعی را می‌سازد.

وقتی امنیت روانی وجود نداشته باشد انواع کودک آزاری‌ها به وجود می‌آید. پدری که تمام روز را کار می‌کند و نمی‌تواند کنار فرزندانش باشد، این مساله مشکلات خانواده را بیشتر می‌کند.

دولت ناتوان در مدیریت بحران‌های اجتماعی

فقط کافی است نگاهی به وضعیت نهادهای مسئول در حوزه اجتماعی بیندازید تا با مشاهده وضعیت مدیریت، اعتبارات و توان و عملکرد آنها یکی از عوامل افزایش پدیده‌هایی نظیر کودک آزاری نشان داده شود؛ دستگاه‌هایی نظیر وزارت رفاه، سازمان بهزیستی، کمیته امداد، سازمان ملی جوانان و... سازمان بهزیستی بودجه لازم در اختیار ندارد، تنها کمتر از ۳۰ درصد کودکان کار و خیابانی تحت پوشش بهزیستی‌اند، مقرری متوسط افراد تحت پوشش کمیته امداد تنها ۳۰ هزار تومان در ماه است و مشخص نیست سرنوشت خانواده‌ای که پدرش بر اثر کودک آزاری به زندان می‌افتد به کجا خواهد کشید و هزاران موضوع دیگر که نقش دولت را بیش از پیش پر رنگ می‌کند.

این‌ها تنها گوشه‌ای از مشکلات نهادهای درگیر با موضوعات اجتماعی‌اند، هنوز مشخص نیست با ادغام وزارت رفاه و کار بر سر سازمان بهزیستی که همچنان با سرپرست اداره می‌شود چه خواهد آمد و با توجه به افزایش قیمت‌ها و هزینه‌ها مشخص نیست مراکز نگهداری از زنان ویژه، افراد بی‌سرپناه، دختران فراری، کودکان کار و... چه وضعیتی را پیدا می‌کنند.

در وقایع اخیر مسئولین امر حتی زحمت یک گفتگو را هم به خود ندادند، چه کسی مسئول است؟ چه کسی پاسخگو است؟

سکوت تنها رویکرد دولتمردان است گویی آب از آب تکان نخورده و شاید هم تمام این فجایع از جمله رویدادهای معمول اجتماع است که مانند آمار و مرگ و میر و ازدواج عادی می‌شود

عوامل بروز پدیده فرار از خانه

مهمترین عوامل بروز پدیده فرار از خانه : طلاق، فقر، بیکاری والدین و خشونت‌های خانوادگی

ایسنا: یک استاد دانشگاه معتقد است: طلاق، فقر، بیکاری والدین و خشونت‌های خانوادگی از مهمترین عللی است که زمینه را برای بروز پدیده فرار از خانه فراهم می‌کند.

مهدی زایر با اشاره به این‌که، خانواده گرمترین و مطمئن‌ترین کانون برای زندگی جوانان و نوجوانان است و تعامل با والدین نیز از شیرین‌ترین و دلنشین‌ترین تعاملات برای نوجوانان است، توضیح داد: امروز در بیشتر کشورهای جهان، فرار از خانه به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است و در ایران نیز تحقیقات انجام شده در این زمینه رشد روزافزون این آسیب اجتماعی را نشان می‌دهد.

این استاد جامعه‌شناسی با اشاره به این‌که بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد 90 درصد از دختران فراری اعتیاد دارند، افزود: طلاق، فقر و بیکاری والدین و خشونت‌های خانوادگی نیز از مهمترین علت‌هایی است که زمینه را برای بروز پدیده فرار از خانه فراهم می‌کند.

وی عنوان کرد: گرفتار شدن در باندهای قاچاق مواد مخدر، سرقت و فحشا، بیماری‌های مهلک نظیر ایدز، امکان کشته شدن به دلایل مختلف، از دست دادن آینده و بی‌هویتی از پیامدهای فرار دختران از خانه است.

این استاد دانشگاه عنوان کرد: محیط نامناسب خانواده، تناسب نداشتن فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی والدین و شیوه‌های تربیتی متفاوت آنها و برخوردهای ضد و نقیضی که ممکن است با فرزندان شان داشته باشند، نوجوانان را دچار تضاد می‌کند؛ ممکن است در این شرایط، بهترین راه را برای برون‌رفت و خلاصی از این محیط، فرار از خانه ببینند.

زایر تصریح کرد: فرار دختران عمدتاً در سنین نوجوانی رخ می‌دهد چرا که آنها به دنبال هویت خودشان هستند و از آنجا که راه درست را نمی‌دانند سردرگم می‌شوند.

وی با بیان این‌که هر اتفاقی که در پیرامون این نوجوانان رخ بدهد، فکر می‌کنند مقصر، آنها هستند، افزود: این افراد در چنین شرایطی ممکن است تحمل مشکلات را نداشته و احساس ناامنی کنند و چون فضای خانه نیز نمی‌تواند به آنها آرامش بدهد، بنابراین خانه را ترک می‌کنند.

این جامعه‌شناس با بیان این‌که یکی از مهمترین علل فرار دختران از خانه، ناسازگاری با والدین است، اظهار داشت: طبق بررسی‌های انجام شده 58.9 درصد ناسازگاری با والدین، 16 درصد اغفال، 13 درصد احساس امنیت نکردن در خانواده، 15 درصد وضعیت اقتصادی، 5.12 درصد طلاق والدین، 7 درصد گرایش به مسایل انحرافی، 5.12 درصد ازدواج‌های ناموفق، 5.12 درصد اعتیاد، و 0.5 درصد مشکلات روانی عامل فرار دختران بوده است.

او با اشاره به این‌که طبق بررسی‌های انجام شده تنها در 14 درصد موارد و پس از بازگشت فرزندان، خانواده، رفتار مناسبی با دختر فراری داشته است، افزود: نکته مهم تر این است که بسیاری از این افراد برای اولین بار از سوی نزدیکان خود مورد تعرض قرار می‌گیرند.

وی تصریح کرد: طبق آمار ارایه شده 36 درصد دخترانی که برای بار دوم از خانه فرار می‌کنند از سوی اعضا خانواده مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند؛ 33 درصد تنبیه، 6 درصد به گدایی و 13 درصد به خرید و فروش مواد مخدر وارد می‌شوند.

وی با اشاره به این‌که سن فرار دختران از 16 سال به 14 سال کاهش یافته است، عنوان کرد: با وجود آن‌که مسوولان سعی دارند با این معضل برخورد نمایند، اما آمار نشان می‌دهد که پدیده ای به نام فرار دختران رو به افزایش است به طوری که هر ساله 15 تا 20 درصد به آمار قبلی اضافه می‌شود.

مهدی زایر خاطر نشان کرد: برخوردهای جبری، انتظامی و محدود کردن، از جمله شیوه های سنتی برخورد با این پدیده است که تجربه نشان می‌دهد درصد زیادی از دختران تحت این شیوه ها پس از بازگشت دوباره اقدام به فرار می‌کنند، اما شیوه‌های جدید، آموزش مهارت‌های زندگی به خانواده‌ها و نوجوانان، آموزش راه‌های تربیت نوجوانان و تربیت فرزند که منجر به هویت یابی صحیح این دختران می‌شود، اثرات مناسب تری دارد ایسنا 5 خرداد

کنترل دخانیات، وزارت بهداشت

مسئول دبیرخانه کنترل دخانیات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی : شرکت های تولیدکننده مواد دخانی در تبلیغات خود جوانان و زنان را مورد هدف قرار داده اند

خدیجه محصلی به مناسبت هفته مبارزه با دخانیات (سه تا ۱۰ خرداد) در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی ایرنا افزود: شرکت های تولیدکننده مواد دخانی در تبلیغات خود جوانان و زنان را مورد هدف قرار داده اند و هم اکنون میزان گرایش جوانان و نوجوانان به مصرف سیگار افزایش یافته و شمار مصرف کنندگان آن رو به رشد است.

وی با بیان اینکه بسیاری از نوجوانان از روی کنجکاوی کشیدن سیگار را برای نخستین بار تجربه می کنند، اظهار داشت: بر اساس بررسی های وزارت بهداشت، ۱۴/۲ درصد افراد بالای ۱۵ سال در کشور سیگاری هستند که سه درصد آنان، زن و سه درصد را افراد ۱۳ تا ۱۵ ساله تشکیل می دهند. محصلی ادامه داد: شرکت های تولیدکننده مواد دخانی در تبلیغات خود از ترفندها و الفاظی استفاده می کنند که مورد توجه جوانان به ویژه زنان است، به گونه ای که مصرف سیگار از سوی زنان را نشان دهنده نبود تفاوت بین مرد و زن تلقی کرده و کشیدن سیگار را کسب قدرت و بزرگنمایی عنوان می کنند.

این مقام مسوول در وزارت بهداشت تصریح کرد، تولیدکننده های بزرگ سیگار در کشور، از تبلیغات دیگری مانند کشیدن سیگار موجب لاغری می شود، استفاده می کنند، در صورتی که مصرف سیگار علاوه بر این که موجب لاغری کاذب می شود، زیان های جبران ناپذیری در افراد ایجاد می کند. محصلی به خانواده ها هشدار داد، سیگار زیان های بسیاری روی سلامتی فرد دارد در حالی که نوجوانان در برابر این زیان ها، بسیار آسیب پذیرتر هستند. منبع ایرنا 3 خرداد

ممانعت از تحصیل وی، کودک آزاری تلقی می‌شود

آزار، شکنجه جسمی و روحی کودک و نادیده گرفتن ... سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل وی کودک آزاری تلقی می‌شود

اکرم پورنگنیا در گفت و گو با خبرنگار حقوقی خیرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با اشاره به تعریف کودک آزاری در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان اظهار کرد: در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان عبارتی تحت عنوان کودک آزاری بیان نشده است، ولی از کلیات آن می‌توان دریافت که هر نوع آزار و اذیت کودکان که موجب شود به آنان صدمه بدنی، جسمانی و اخلاقی وارد شده و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد و یا هرگونه خرید و فروش و بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق یا هرگونه صدمه و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودک و نادیده گرفتن ... سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل وی کودک آزاری تلقی می‌شود.

وی با اشاره به طرح ارایه شده در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در 14 بهمن 80 عنوان کرد: در این تاریخ، جلسه اول این طرح مطرح شد. ماده 2 آن اختصاص به تعریف کودک آزاری دارد که بند 5 آن علاوه بر موارد فوق به تبعیض اشاره می‌کند که منجر به صدمه روانی با توقف رشد طبیعی کودک شود و اعمالی از این قبیل که آزادی وی را سلب کند.

این وکیل دادگستری در خصوص ممانعت از تحصیل کودکان در قانون اظهار کرد: طبق ماده 4 قانون تامین وسایل و امکانات تهدید اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب 1353 پدر یا مادر یا سرپرست قانونی کودک و نوجوان کمتر از 18 سال اگر با وجود امکانات از تحصیل کودکان جلوگیری کند، مستوجب مجازات خواهند بود.

پورنگ نیا در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا وادار کردن کودک به تکدی‌گری در قالب قوانین موجود جرم تلقی می‌شود، گفت: مصوب ماده 712 از قانون مجازات اسلامی، تکدی‌گری جرم است و قانونگذار، مجازات حبس از یک تا سه ماه برای مرتکب منظور کرده است، و بر اساس ماده 713 همان قانون هر کس که طفل را وسیله‌ی تکدی‌گری قرار دهد مستحق مجازات از سه ماه تا دو سال خواهد بود و در ماده 16 قانون اقدامات تأمینی صریحاً اشاره شده است که پدر یا مادری که کودک را به تکدی‌گری وادار کنند از آنها سلب حضانت می‌شود و اگر ثابت شود که والدین کودک مسبب تکدی‌گری او هستند از پدر و مادر سلب حضانت می‌شود طبق صلاحدید دادگاه طفل را به فرد صالحی که حاضر به نگهداری از کودک باشد می‌سپارد و اگر قانون با افرادی که کودکان را اجبار به تکدی‌گری می‌کنند به صورت جدی برخورد کند دیگر شاهد کودکان و نوجوانان متکدی در خیابان‌ها نخواهیم بود.

این حقوقدان با اشاره به ماده 59 قانون مجازات اسلامی اظهار کرد: اقدامات والدین قانونی کودکان که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط به اینکه این اقدامات در حد متعارف و محافظت از طفل باشد جرم محسوب نمی‌شود، و در ماده 1179 قانون مدنی نیز عنوان شده است که والدین حق تنبیه طفل خود را دارند اما با استناد به این حرف نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تادیب تنبیه کنند.

وی یاد آور شد: اگر طفل ناخواسته یا نادانسته مرتکب اشتباهی شود والدین در حد متعارف حق تنبیه او را دارند اما باید از نظر روان شناختی این موضوع را در نظر بگیرند که آیا تنبیه طفل دارای بازدهی بیشتری است یا نصیحت و ارشاد طفل.

این وکیل دادگستری تصریح کرد: در مواردی دادگاه می‌تواند از پدر سلب حضانت کند که پدر در مورد فرزند خود مرتکب جرم و مستحق مجازات باشد و قانون‌گذار می‌تواند حضانت را از وی سلب کند و ولایت را به شخص دیگری بسپارد.

پورنگ نیا افزود: مطابق ماده 220 قانون مجازات اسلامی، پدر یا جد پدری که فرزند خود را به قتل برساند از حکم قصاص معاف و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعدیل محکوم می‌شود.

این حقوقدان آزار و اذیت کودکان را در چهارچوب خانه و خانواده دانست و بیان کرد: از آزار و اذیت کودکان کمتر کسی با خبر می‌شود، مگر در مواردی که شدت آزار و اذیت به حدی باشد که طفل از طریق آگاه شدن همسایگان راهی بیمارستان شود. در صورتی که طفل در اثر آزار و اذیت دچار بیماری روانی مانند افسردگی شود از طریق پزشکی قانونی قابل تشخیص است.

وی والدین کودک آزار را از طبقه خاصی ندانست و گفت: والدین کودک آزار متعلق به طبقه خاصی نیستند، فرهنگ و اخلاق حاکم به خانواده است که موجب یا مانع این امر می‌شود و نحوه آزار و اذیت‌ها نیز متفاوت است. در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که افراد تحصیل کرده اقدام به کودک آزاری از طریق تحقیر یا تهدید یا تبعیض می‌کنند. اگر چه این امر به مراجع قضایی گزارش نمی‌شود و در چهارچوب خانواده باقی می‌ماند اما اثرات منفی و مخربی در جامعه باقی می‌گذارد که منتهی به پرخاشگری وی می‌شود و یا او را تبدیل به انسان منفعل و مردم‌گریزی می‌کند و به دلیل اینکه کودک آزاری در ملاء عام صورت نمی‌گیرد افراد خود را موظف به اعلام آن به مراجع ذی‌صلاح نمی‌دانند

و در صورتی جامعه از این واقعه آگاه می‌شود که این جریان منجر به مرگ طفل شود یا شدت جراحات و صدمات وارده بالا باشد.

پوررنگ نیا تشخیص میزان نگهداری کودک در سازمان بهزیستی را با قاضی رسیدگی کننده به پرونده دانست و خاطر نشان کرد: چنانچه جرایم وارده از سوی والدین مستوجب مجازات باشد، طبق تشخیص دادگاه فرد مخاطبی متنبه می‌شود و دادگاه می‌تواند حضانت طفل را به موجب ماده 1173 از وی سلب کند و با توجه به شرایط موجود حضانت را به فرد صالحی از بستگان و گذار کند و در مواردی که فرد کودک آزار به بیماری روانی مبتلا باشد، فرد مجرم در مراکز درمانی بستری و تحت درمان قرار خواهد گرفت.

این وکیل دادگستری بیان کرد: در لایه‌های جامعه امثال هانیه و نیما زیاد وجود دارند ولی کسی از آن مطلع نیست، اگر چه در قوانین موضوعه مجازات‌هایی لازم پیش بینی شده ولی شدت مجازات‌ها، موجب ریشه‌کن شدن این جرم نمی‌شود و وقوع جرم همچنان تداوم دارد.

وی در پایان گفت: حل این مشکل مستلزم به ارتقای فرهنگ جامعه به ویژه خانواده است و این امر با همکاری موثر رسانه‌ها و مسئولان تحقق می‌یابد. مدارس نیز می‌توانند نقش موثری در شناسایی کودکان آسیب دیده داشته باشند زیرا ارتباط مستقیم آنان با کودکان موجبات این امر را فراهم می‌کند و به این وسیله می‌توان والدین کودک آزار را شناسایی کرد. منبع ایسنا 6 خرداد

حال عمومی این کودک آزار دیده رضایت بخش نبوده

حال عمومی این کودک آزار دیده رضایت بخش نبوده و با توجه به سوختگی 70 درصدی بدن این کودک سه ساله، مواد غذایی و دارو همچنان از طریق بینی به بدن باربد تزریق می‌شود.

شیرین صدر نوری، مددکار انجمن حمایت از حقوق کودکان در گفتگو با سایت انجمن گزارش داد که با اشاره به پیشنهاد انتقال باربد به بیمارستان مجهزتری توسط انجمن حمایت از حقوق کودکان و با موافقت و دستور قاضی پرونده، باربد به بیمارستان شهیدمطهری تهران منتقل شد. وی همچنین اظهار داشت بنا به گفته پرستاران بیمارستان با اشاره به بروز عفونت در سوختگی‌های بدن باربد، حال عمومی این کودک آزار دیده رضایت بخش نبوده و با توجه به سوختگی 70 درصدی بدن این کودک سه ساله، مواد غذایی و دارو همچنان از طریق بینی به بدن باربد تزریق می‌شود. این مددکار انجمن با اشاره به هوشیار بودن این کودک، گفت «باربد» مشکلی برای تکلم ندارد و اغلب تمایل ندارد که تنها باشد.

وی همچنین درباره روند رسیدگی قضایی به پرونده مذکور، خاطرنشان کرد: خاطرنشان کرد: باز پرس به این پرونده نگاه مثبتی داشته و نسبت به مقوله کودک آزاری حساس است. همچنین با توجه به صدور قرار بازداشت برای پدر باربد، در حال حاضر یک مامور مراقب در بیمارستان حضور دارد.

باربد یکی از سه کودک آزار دیده در دو ماه گذشته است. هانیه توسط ناپدری خود به شدت مورد آزار و اذیت قرار گرفته و اکنون در اختیار سازمان بهزیستی قرار دارد. نیما کودک دیگری است که با

وجود آزار وی توسط پدر کودک آزار و پس از مداوای نسبی در بیمارستان، به دستور قاضی پرونده در اختیار پدر قرار گرفت.

پدر «باربد» اما به شیشه اعتیاد داشته و همین امر سبب شده بود تا در اثر توهم ایجاد شده بواسطه مصرف مواد مخدر، به همسرش مینا ظنین شود تا جایی که مینا تصمیم به جدایی گرفت و پس از ترک همسرش، به خانه پدری رفت و این در حالی بود که محمد، باربد را در نزد خود نگه داشت.

پدر باربد، در مدت درگیری با همسرش، چندین بار با او تماس گرفته و با تهدید آسیب زدن به باربد، از مادر درخواست بازگشت کرده بود، محمد به دلیل مصرف مواد مخدر شرایط روانی نرمالی نداشته، بنابراین در زمانی که مادر باربد در منزل پدری اش حضور نداشته و پدر بزرگش نیز از منزل خارج شده بود، با تهدید مادر بزرگ به منزل آنها وارد می‌شود و باربد را با خود به درون اتاقی برده و بنزینی که داخل یک شیشه نوشابه با خود آورده بود را بر پیکر باربد ریخته و وی را به آتش می‌کشد، مادر بزرگ نیز زمانی در ماجرا مداخله می‌کند که شیون باربد سه ساله را شنیده و با صحنه دلخراش سوختن او در شعله‌های آتش مواجه می‌شود و از همسایه ها درخواست کمک می‌کند و به ترتیب پیکر سوخته باربد به بیمارستان منتقل و می‌شود و پدر نیز که خود کمی سوخته بوده از سوی پلیس دستگیر می‌شود.

در حال حاضر انجمن حمایت از حقوق کودکان وکالت باربد را پذیرفته است .
منبع انجمن حمایت از حقوق کودکان 6 خرداد

فقط 15 درصد کودکان تحت پوشش مراکز بهزیستی هستند

معاون دفتر توانمندسازی خانواده، زنان و کودکان: فقط 15 درصد کودکان تحت پوشش مراکز بهزیستی بدون والدین و جد پدری هستند

حمید رضا الوند افزود: سالانه هزار و 800 تا دو هزار کودک بدون سرپرست موثر و قانونی با دستور دستگاه قضایی در خانه های کودک تحت پوشش سازمان بهزیستی پذیرش فعال می شوند. به گفته وی، 85 درصد کودکانی که پذیرش می شوند دارای والدین و جد پدری هستند که به دلایل مختلفی مانند صلاحیت نداشتن، زندانی بودن، طلاق، فساد، دارا بودن بیماری صعب العلاج و... شرایط نگهداری از کودکانشان را ندارند و با حکم قضایی کودک به مراکز نگهداری بهزیستی سپرده می شوند این در حالی است که فقط 15 درصد آنها والدین ندارند.

معاون دفتر توانمندسازی خانواده، زنان و کودکان سازمان بهزیستی افزود: سال گذشته یک هزار کودک بی سرپرست نیز به عنوان فرزند خوانده به خانواده های دارای شرایط سپرده شدند. منبع: خبرگزاری مهر 7 خرداد

طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان روی زمین مانده

طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان روی زمین مانده و بیشتر کلانشهرها با این مشکل مواجه هستند. شهردار نمی‌تواند رئیس دادگستری را در جلسه خود دعوت کند و خود نیز رئیس شود و کمیته تشکیل دهد

. منبع: ایسنا 7 خرداد

رئیس شورای عالی استانها با اعلام اینکه طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان روی زمین مانده گفت: بیشتر کلانشهرها با این مشکل مواجه هستند و رفع آن نیز تنها بر عهده شهرداری نیست و باید بهزیستی، نیروی انتظامی، دادستانی و دادگستری به کمک شهرداری بیایند.

به گزارش خبرنگار مهر، مهدی چمران روز پنجشنبه در چهل و پنجمین اجلاس شورای عالی استانها با گرمی داشت یاد و خاطره شهدای خرمشهر اظهار داشت: یاد تمام شهدای عملیات بیت المقدس که طولانی‌ترین عملیات طی جنگ تحمیلی بود را گرمی می‌داریم. این عملیات از 10 اردیبهشت آغاز و تا سوم خرداد ادامه پیدا کرد.

وی با بیان اینکه خرمشهر نقطه عطف پیروزی‌های ما بود، اضافه کرد: به خاطر می‌آوریم در زمان آزادسازی خرمشهر دوستانی از لبنان و فلسطین آمده بودند و آنها نیز تحت تأثیر پیروزی ما گفتند که ما هم در لبنان پیروز خواهیم شد و چنین هم شد.

چمران همچنین سالروز میلاد فرزند گرمی پیامبر اسلام (ص) را بر همه آحاد ملت تبریک گفت و افزود: ایشان اسوه و الگوی همه مردم و زنان جهان بوده و خواهند بود. او یک مبارز بود و بیش از همه برای به پاداشتن حکومت حق و ولایت مبارزه کرد و به شهادت رسید.

وی همچنین سالگشت ولادت امام خمینی (ره) را به همه ملت و مبارزین جهان تبریک گفت و تصریح کرد: راهی که امام آغاز کرد فقط مختص به ایران نبود بلکه تأثیرات آن را نیز در آفریقا، آمریکای جنوبی، کشورهای عربی و اروپا نیز می‌بینیم.

رئیس شورای عالی استانها افزود: حرکتی که امام آغاز کرد دنباله رو حرکت پیامبر اسلام (ص) بود و این حرکت هرگز توقف پذیر نیست و امیدواریم که ملت بتواند این حرکت و انقلاب را به نحو شایسته به نسل‌های بعد منتقل کند.

وی در ادامه به یکی از حرکت‌های تحت تأثیر انقلاب ما گفت: حرکت جمال عبدالناصر برای ملی کردن کانال سوئز برگرفته از حرکت ما برای ملی کردن صنعت نفت بود. جمال عبدالناصر بعدها گفته بود که ما از ایران درس گرفتیم. اما متأسفانه ما قدر نهضت مان را ندانستیم و روحانیت را کنار گذاشتیم و شعبان بی‌مخ روی کار آمد که متأسفانه بعد از آن محمدرضا شاه روی کار آمد و کشور به چپاول رفت که تا به امروز نیز نشانه‌های آن را می‌بینیم.

رئیس شورای عالی استانها با اشاره به اینکه 14 خرداد ماه سالروز عروج ملکوتی امام عزیزمان را در پیش رو داریم، اذعان داشت: عروج و پرکشیدن ایشان ما را در غم خود فرو برد.

چمران بر قیام تاریخ 15 خرداد اشاره کرد و گفت: در آن روزهای تاریخ شاهد جنایات شاه ملعون بودیم که مردم را در تهران و اطراف آن به رگبار بستند.

وی با بیان اینکه 300 میلیارد تومان بودجه به شرکت واحد اختصاص یافته است گفت: افزایش 15 درصد نرخ کرایه های اتوبوس را در سال گذشته اجرایی نکرده ایم و با توجه به این که نیمی از اتوبوسهای تهران خصوصی است امیدواریم در سال جاری به شکل منطقی کرایه ها اصلاح شود و از ابتدای تابستان اجرایی شود.

کودکان خیابانی مشکل بیشتر کلان شهرها است

در ادامه اجلاس عمومی شورای عالی استانها طرح مشارکت و همکاری شهرداریها در برنامه های ساماندهی کودکان کار و خیابان مورد بررسی قرار گرفت که چمران در این رابطه گفت: این طرح روی زمین مانده است زیرا این موضوع تنها بر عهده شهرداری نیست و باید بهزیستی، نیروی انتظامی، دادستانی و دادگستری به کمک شهرداری بیایند.

وی با اشاره به کلیات طرح مشارکت و همکاری شهرداریها در برنامه های ساماندهی کودکان کار و خیابان گفت: متأسفانه این طرح روی زمین مانده و بیشتر کلانشهرها با این مشکل مواجه هستند؛ شهردار قاعدتاً نمی تواند رئیس دادگستری را در جلسه خود دعوت کند و خود نیز رئیس شود و کمیته تشکیل دهد.

رئیس شورای عالی استانها با اشاره به اینکه شهردار مجری است و این طرح مربوط به شورای شهر است، ادامه داد: پیشنهاد ما این است که محوریت را در شورا ببریم و هماهنگی برای ساماندهی این کودکان از سوی آنها انجام شود.

چمران بیان کرد: ما باید بر اساس احساس مسئولیت انسانی در مقابل کودکان کار و خیابان و کودکان متکدی طرحی تصویب کنیم که برای تمام شهرداری های کشور قابل اجرا باشد.

وی خاطر نشان کرد: شوراها باید این افراد را سازماندهی کنند و پس از آن شهرداری به انجام وظایفش بپردازد. کلیات طرح مشارکت و همکاری شهرداریها در برنامه های ساماندهی کودکان کار و خیابان امروز تصویب شد.

شورای نگهبان تمایلی به حضور اعضا شورا در مجلس ندارد

بر اساس این گزارش، در جلسه شورای عالی استانها، اعضای طرح دو فوریتی «محسوب شدن یک دوره عضویت در شورای عالی استانها به عنوان یک مقطع تحصیلی» برای نامزد شدن در انتخابات دور نهم مجلس شورای اسلامی را تصویب کردند.

بر اساس این طرح عضویت در این دوره شورای عالی استانها یک مقطع تحصیلی محسوب می شود بنابراین کسانی که دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند، معادل فوق لیسانس محسوب می شود و می توانند در دوره نهم مجلس کاندید شوند.

حداقل مدرک برای نامزد شدن در دوره نهم مجلس فوق لیسانس در نظر گرفته شد و نمایندگان که حداقل یک دوره سابقه عضویت در مجلس را دارند می توانند با مدرک لیسانس نیز برای دوره نهم نامزد شوند.

چمران رئیس شورای عالی استانها در جریان بررسی این طرح گفت: البته این طرح بعد از تصویب در صحن علنی شورای عالی استانها باید به مجلس و شورای نگهبان برود و به تصویب آنها نیز برسد. وی افزود: بعید می دانم این طرح به تصویب شورای نگهبان برسد زیرا آنها تمایلی به ورود اعضای شورا به مجلس را ندارند.

در خاتمه این جلسه طرح دوفوریتی با اکثریت آراء به تصویب رسید

رشد 2 برابری مصرف قلیان در بین جوانان

در بین جوانان 13 تا 15 ساله طی سالهای 82 تا 86 شیوع مصرف قلیان در بین پسران از 16 به 32 و در دختران از 8/9 به 19 درصد افزایش پیدا کرده است

بر اساس اعلام وزارت بهداشت، نتایج آخرین مطالعات در کشور نشان می دهد شیوع مصرف قلیان طی سالهای 82 تا 86 در بین پسران 13 تا 15 ساله از 16 به 32 درصد و در بین دختران همین رده سنی از 8.9 به 19 درصد افزایش پیدا کرده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، دکتر کاظم ندافی رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت در ارتباط با مضرات مصرف قلیان گفت: چاقی شکمی یکی از عوارض شایع مصرف قلیان است که عامل و تشدید کننده بسیاری از بیماریها همچون دیابت و فشارخون بالا است.

وی ادامه داد: برخلاف بسیاری از عقاید و باورهای سنتی دود منتشره از قلیان حاوی مقادیر بی شماری مواد سمی است و نیکوتین حاصل از دود قلیان همانند سایر مواد دخانی اعتیاد آور است.

ندافی افزود: مصرف کنندگان قلیان در هر وعده مصرف 50 تا 200 پک می زنند که هر پک حاوی 0/15 تا یک لیتر دود است به عبارت دیگر هر فرد مصرف کننده قلیان در هر وعده معادل 100 نخ یا بیشتر سیگار مصرف می کند.

وی ادامه داد: منواکسید موجود در دود قلیان در مقایسه با سیگار به مراتب بیشتر و اثرات آن نیز چه برای مصرف کننده و چه برای مصرف کننده و چه برای افراد در معرض دود تحمیلی فراتر است.

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

بر اساس تحقیق مذکور، تجربه اولین مصرف سیگار در سن 10 سالگی متأسفانه طی سال های ذکر شده از 17/6 به 36/1 درصد افزایش پیدا کرده که عمدتاً در گروه سنی پسران و از 15/1 به 40/7 درصد بوده است

بنابر این گزارش، مصرف قلیان طی سالهای مذکور از 12/1 به 26/1 درصد رسیده است که افزایش مصرف سیگار را هم از 2 درصد به 3 درصد به همراه داشته است.

طبق نتایج آخرین مطالعات انجام شده در ایران در خصوص وضعیت استعمال دخانیات در بین جوانان 13 تا 15 ساله طی سالهای 82 تا 86، شیوع مصرف قلیان در بین پسران از 16 به 32 و در دختران از 8/9 به 19 درصد افزایش پیدا کرده است.

رئیس مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت تصریح کرد: خطر انتقال بیماری های عفونی به دلیل استفاده مشارکتی افراد از قلیان وجود دارد و توتون و تنباکوی استفاده شده در قلیان از نازلترین انواع توتون و تنباکوهای موجود است که در واقع خطرناکترین آن است.



احتیاجی به تصویب قانون جدیدی در مورد کودک آزاری نداریم

بند یک ماده 59 قانون مجازات اسلامی: اگر پدر و مادری از حدود متعارف تنبیه تجاوز نکنند، مجازات نمی‌شوند. تنبیه متعارف آن است که باعث تغییر رنگ پوست نشود

حقوقدان و رئیس کانون وکلای دادگستری از حقوقدانانی است که معتقد است ما احتیاجی به تصویب قانون جدیدی در مورد کودک آزاری نداریم و به جای آن باید دولت به جای جاخالی دادن در این مورد، حمایت لازم را از کودکان به عمل بیاورد و قوانین موجود در این مورد را به طور درست اجرا کند.

رئیس کانون وکلای دادگستری، با حضور در کافه خبر، با تشریح قوانینی که در مورد کودک آزاری در کشور وجود دارد، گفت: «در بند یک ماده 59 قانون مجازات اسلامی، راجع به حدود تنبیه کودکان نکته‌ای وجود دارد. در این ماده گفته شده که در صورتی که پدر و مادری از حدود متعارف تنبیه تجاوز نکنند، بابت تنبیه کودکان مجازات نمی‌شوند. توصیفی که اداره حقوقی قوه قضاییه از تنبیه متعارف دارد این است که تنبیه متعارف آن است که باعث تغییر رنگ پوست نشود.»

او ادامه داد: «بنابراین من فکر می‌کنم که وقتی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان می‌گوید که آزار جسمی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت جسمی و بهداشت آن‌ها ممنوع است، من تصور می‌کنم که نباید ما به ماده 59 قانون مجازات اسلامی ماخوذ باشیم. این قانون مصوب سال 70 است که برای بار چندم، اخیراً دوباره اجرای آزمایشی‌اش شروع شده. بنابراین من معتقدم که وقتی ما قانونی داریم که مصوب سال 81 است و در آن هر نوع آزار و اذیت کودکان ممنوع شده، دیگر نباید به قانون سال 70 عمل کنیم، برای اینکه بدون تردید زدن بچه و یا حتی تهاجم لفظی به او، باعث لطمه روحی به او می‌شود.» خیرآنلاین: 7 خرداد

گروگانگیری نوجوان بلوچ

به دلیل عدم همکاری برادرش با وزارت اطلاعات: نوجوان بلوچ برای رسیدن به سن قانونی جهت صدور و اجرای حکم اعدام، ۲۰ ماه است که در بازداشت بسر میبرد بدون حق تماس تلفنی و ملاقات با خانواده

محمد صابر ملک رئیسی نوجوان بلوچ که ۲۰ ماه پیش تا کنون به صورت گروگان بازداشت شده است همچنان در سلول انفرادی نگهداری می‌شود.

بنا به اطلاع گزارشگران هراتنا، این نوجوان بلوچ به دلیل عدم همکاری برادرش با وزارت اطلاعات در اواخر سال ۸۸ در شهرستان چابهار بازداشت و از آن زمان تا کنون در سلول انفرادی بازداشتگاه اداره اطلاعات زاهدان به صورت یک گروگان نگهداری می‌شود.

وی در طول بیست ماه گذشته همواره از حق تماس تلفنی و ملاقات با خانواده محروم بوده و بازداشت نامبرده نیز موجب عقب افتادگی تحصیلی وی شده است.

ماموران وزارت اطلاعات تاکنون توجیحی برای نگهداری این نوجوان در بازداشتگاه ارائه نکرده‌اند و عدم محاکمه وی توسط دستگاه قضایی نشانگر یک روند کاملاً غیر قانونی در بازداشت نامبرده است. برادر این زندانی پیش‌تر در گفتگویی با هرانا اعلام کرده بود که نگران آن است که هدف وزارت اطلاعات از نگهداری طولانی مدت وی در بازداشتگاه رسیدن وی به سن قانونی جهت صدور و اجرای حکم اعدام باشد.

علی رغم گذشت بیش از یکسال از زمان معرفی وی به عنوان جوان‌ترین زندانی سیاسی ایران تاکنون هیچ سازمان غیر دولتی در داخل و خارج کشور و هیچ یک از مجامع مهم حقوق بشری تلاشی برای پیگیری وضعیت این زندانی انجام نداده‌اند.

مجمد صابر ملک رئیسی هم اکنون ماه هاست که از حق تحصیل و زندگی عادی در شرایط آزاد محروم است و خانواده این زندانی ماه هاست حق ملاقات با وی را ندارند. هرانا 5 خرداد

حاصل همه عمرم بر باد رفت



بخوانید سخنان یک پدر را که فرزند ۲۰ ساله اش را سی خرداد کشتند، خانواده ها را سرزنش نکنیم که چرا در این دو سال سکوت کرده اند و هیچ نگفتند، ما از شرایط خانواده هایی که پسران و دختران جوان دیگری هم در داخل ایران دارند، هیچ، هیچ نمی دانیم. ممنونم از همکلاسی گمنام علی که مرا به این خانواده وصل کرد و سپاسگذارم از پدر بزرگوارشان که بزرگوارانه اجازه نشر سخنانشان را داد. همراه شو عزیز...

علی فتحعلیان جوان ۲۰ ساله ای است که با بنا به گفته ی شاهدان عینی، در نا آرامی های پس از انتخابات، در تاریخ سی خرداد با شلیک مستقیم گلوله جان داد اما پدر و مادر این جوان در تمام این دو سال با هیچ رسانه ای مصاحبه نکرده اند و در مورد رخداد روبروی مسجد لولاگر و چگونگی کشته شدن فرزند خود سکوت کرده اند.

در طول این دو سال گذشته اگرچه بسیاری از خانواده های جان باختگان انتخابات، علی رغم تمامی تهدیدات سکوت خود را شکستند و با رسانه ها در مورد رنجی که متحمل شده بودند، به گفتگو نشستند اما خانواده هایی هستند که همچنان احساس امنیت نمی کنند و در مواردی ترجیح می دهند به جز نزدیکان خود، دیگران را نیز نسبت به نحوه کشته شدن فرزندان خود مطلع نسازند. آنها غالباً کسانی هستند که فرزندان جوان دیگرشان نیز در داخل ایران زندگی می کنند و به کرات از سوی نهادهای امنیتی تهدید شده اند که اگر سکوت خود را بشکنند، آینده خوشی در انتظار فرزندان شان نخواهد بود. برخی دیگر از این خانواده هایی که سکوت کرده اند، بنا بر تصمیم شخصی خودشان ترجیح داده اند که موضوع کشته شدن اعضای خانواده ی خود را رسانه ای نکنند چرا که معتقد هستند وقتی عزیزترین کسان خود را از دست داده اند، مصاحبه و یا پیگیری قضایی در شرایط فعلی هیچ نتیجه ای نخواهد داشت و از دست رفته گان آنها را به آنها باز نخواهد گرداند.

همسر علی حسن پور، شهید ۲۵ خرداد که پیش از این چندین بار در مورد وضعیت پرونده همسر خود از طریق رسانه ها اطلاع رسانی کرده و از مسوولان کشور خواسته بود تا قاتل همسرش را شناسایی و معرفی کنند، به تازگی در مورد نحوه ی جان باختن آقای لطفعلی یوسفیان یکی از بستگان نزدیک آقای حسن پور می گوید: در جریان اعتراضات خیابانی سال ۸۸ آقای یوسفیان در اثر بوییدن گاز اشک آوربه بیمارستان منتقل شد و در نهایت پس از چندین روز بستری و مراقبت ویژه، در همان بیمارستان جان باخت. این در حالی است که خانواده ی آقای یوسفیان نیز تاکنون سکوت کرده بودند.

پس از گذشت دو سال، پدر علی فتحعلیان همچنان قادر به صحبت کردن در مورد کشته شدن فرزند خود در رخداد اعتراضی ۳۰ خرداد نیست، اما در گفتگوی تلفنی کوتاه خود با جرس می گوید همین اندازه که گفتم بس است و آنان که اهل درد باشند خودشان می دانند که از دست دادن فرزند را هیچ چیزی جبران نمی کند. متن این گفتگو، در پی می آید:

آقای فتحعلیان، دو سال است که خبر مربوط به کشته شدن فرزند شما در مقابل مسجد لولاگر را به نقل از شاهدان عینی می خوانیم اما تا کنون هیچ سخنی از سوی شما و مادر ایشان منتشر نشده است، آیا تمایل دارید در آستانه ی دومین سالگرد فرزندتان این سکوت را بشکنید و سخنی بگویید؟ محل شهادت ایشان برای خودمان هم دقیق مشخص نیست ولی ما هم شنیدیم مقابل مسجد لولاگر این اتفاق برای پسرمان افتاد. گفتنی ها را همه می دانید، وقتی یک سوزن به بدن کسی می رود، چقدر ناراحتی و درد دارد؟ ما فشارهای روحی و معنوی بسیاری کشیدیم که دیگر قابل گفتن نیست. اصلاً قابل بیان نیست و نمی شود به زبان آورد، من چطور می توانم بگویم پسرمان را چقدر دوست داشتم و چه کشیدیم. اصلاً نمی شود ارزشگذاری کرد...

به هر حال خیلی ها می پرسند چرا شما تاکنون سکوت کرده اید؟

ما خیلی اهل مصاحبه نبودیم، چیزی هم نمی خواستیم به دست بیاوریم وقتی پسرمان را از دست داده ام اگر حرفی می زدم آیا برای من فرزندم می شد؟ هر چه می گفتم و هر حرفی می زدم آیا برای من یک لحظه ی در آغوش کشیدن دوباره ی فرزندم می شد؟ دنیا را هم به ما بدهند که پسرمان زنده نمی شد....
پسر شما چند سال داشت و شغل ایشان چه بود؟

پسرم فقط ۲۰ سالش بود. دانشجوی رشته ی عمران بود.

می توانید مختصری توضیح دهید دقیقا چه روزی پسرستان را از دست دادید و چگونه از کشته شدن ایشان باخبر شدید؟

در همان ۳۰ خرداد ۸۸ بود. آن روزی که این اتفاق افتاد پسرم درس داشت، یعنی همان روزها امتحان داشت. در آن زمان اصلا از خانه بیرون نمی رفت و همیشه مشغول درس خواندن بود. آن روز هم اتفاقی رفته بود بیرون ولی دیدیم دیر شد و به خانه برگشت، تمام محل را گشتیم و پیدایش نکردیم. فکر کردیم طبق معمول رفت خانه ی پدر بزرگش اما دیدیم آنجا هم نیست. فردای آن روز هم از بیمارستان به ما زنگ زدند و به ما خبر دادند که پسرستان اینجاست مدرک را بیاورید و پیکرش را تحویل بگیرید.

پیکر فرزندان را چگونه و از کجا تحویل گرفتید؟

وقتی رفتیم بیمارستان لولاگر برای تحویل پیکر فرزندم به ما گفتند باید بروید پزشکی قانونی، از آنجا هم به ما گفتند باید برویم مجوز دفن بگیرید، همه این کارها بدون هیچ مشکلی انجام شد و ما برای آخرین بار پسرم را به خانه آورده بودیم تا با خانواده اش وداع کند. بعد از آن پسرم را در قطعه ی ۹ بهشت زهرا دفن کردیم.

مادر علی و خواهرانش آن روزها چه شرایطی داشتند وقتی با خبر شدند که چه اتفاقی برای علی افتاد؟

نمی دانم آیا شما خودتان مادر هستید یا نه، وقتی فرزندان مریض شود شما تا صبح نمی خوابید. بچه ای که یک مادر برایش ۲۰ سال زحمت کشید، با شرایط سختی که بچه مریض می شود و مادر باید پرستاری می کرد، مشکلات درس و مدرسه اش، یعنی ۲۰ سال تلاش کرد تا حاصل زحمت و دسترنجش را سر بلند ببیند، الان چه بگویم، اصلا قابل گفتن نیست، فقط خداوند به ما صبر بدهد...

آیا شما در مورد این اتفاقی که برای فرزندان افتاد، پیگیری قضایی هم کردید؟

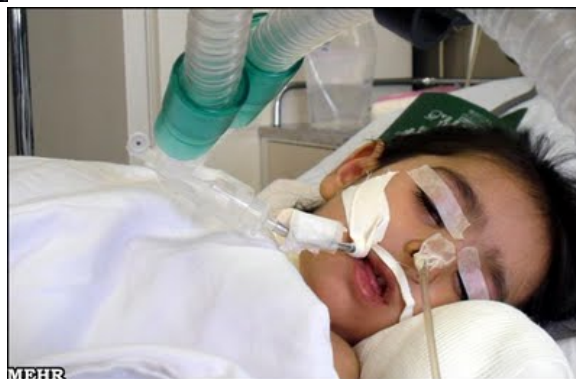
آن زمان که برای تحویل پیکر فرزندم رفتیم، خودمان دادخواست دادیم و پیگیری بعدی با خودشان بود و ما هر از چند گاهی پیگیر نتیجه ی دادخواست را پیگیر می شدیم ولی می گویند طبق روال قانونی و اجرایی پرونده ها خودشان دارند پیگیری می کنند...

آیا حرفی برای مسوولان دارید؟

چه بگویم... جوان ۲۰ ساله ام، تنها پسرم را از دست دادم. علی فرزند بزرگم بود، الان که با شما دارم حرف می زنم و اتفاقاتی که بر من گذشت وقتی یادآوری می کنم ادامه ی صحبت برای من مشکل می شود... پسرم پشتیبان آینده ام بود، همه ی زندگی ام بود، چیزی نمی توانم بگویم... فکر می کنم حاصل همه عمرم رفته بر باد....

با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید. جرس 8 خرداد

عمل لوزه 20 دقیقه ای سبب مرگ مغزی ابدی



یک عمل لوزه 20 دقیقه ای سبب مرگ مغزی ابدی "آتنا قجر" شد و اینک پزشکان در انتظار اخذ رضایت از والدین، بمنظور قطع دستگاه تنفسی او هستند

سنندج - خبرگزاری مهر: "آتنا قجر" کودک سه ساله سنندجی که به دلیل مشکل لوزه تحت عمل جراحی قرار گرفته بود، به دلیل نبود تجهیزات مراقبتهای ویژه بعد از عمل و اهمال کاری پزشکان دچار مرگ مغزی شده و پزشکان از بازگشت مجدد وی به زندگی قطع امید کرده اند. به گزارش خبرنگار مهر در سنندج، آتنا قجر که دو سال و 9 ماه سن دارد، روز سه شنبه سوم خردادماه سال جاری در کلینیک آرا سنندج که متعلق به بخش خصوصی است تحت عمل جراحی قرار گرفت و هم اکنون دچار مرگ مغزی شده است که والدین آتنا عدم وجود تجهیزات مورد نیاز مراقبت های بعد از عمل و اهمال کاری پزشکان معالج را دلیل اصلی این وضعیت اعلام می کنند. آتنا که هم اکنون در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان بعثت سنندج بستری است طی مدت پنج روز اخیر در وضعیت کما بوده و پزشکان متخصص مغز و اعصاب بیمارستان بعثت سنندج، مرگ مغزی وی را تأیید کرده اند و در حال حاضر در انتظار اخذ رضایت از والدینش برای قطع کردن دستگاه تنفس

مصنوعی هستند. مادر آتنا در خصوص وضعیت کودک خود و روند عمل جراحی اش به خبرنگار مهر در سنجندج گفت: با توجه به تشخیص پزشک متخصص، آتنا روز سه شنبه در کلینیک جراحی آرا تحت عمل قرار گرفت و متأسفانه از همان روز تاکنون وی دچار مرگ مغزی شده است و با توجه به اعلام پزشکان امید به زنده ماندن وی در حد صفر درصد است

وی ادامه داد: بعد از اعلام نیاز به عمل جراحی آتنا و دستور پزشک معالج وی خانم دکتر آ. ف، مشاوره بیهوشی وی نیز توسط دکتر ر. ش انجام شد و آنها وضعیت عمومی آتنا را برای انجام عمل جراحی مساعد عنوان کردند و روز سه شنبه سوم خرداد ماه راس ساعت 9 صبح وی در کلینیک جراحی آرا که متعلق به بخش خصوصی است، بستری شد

وی می گوید: در حالی که من و پدر آتنا درخواست کرده بودیم که وی را برای عمل جراحی به تهران اعزام کنند ولی پزشک معالج وی اعلام کرد که این عمل سرپایی است و مشکل چندان ندارد و می توان آن را به راحتی در کلینیک بخش خصوصی آرا در سنجندج انجام داد

مادر آتنا می گوید، راس ساعت 10 صبح فرزند من به اتاق عمل برده شد و بعد از گذشت 20 دقیقه پزشک معالج وی از اتاق عمل خارج شده و اعلام کرد که عمل با موفقیت انجام شده و وضعیت عمومی بیمار نیز مساعد است ولی متأسفانه بعد از گذشت چندین ساعت و پیگیری های مختلف مشخص شد که آتنا دچار مشکلاتی شده و خبری از خروج وی از اتاق عمل نشد

وی افزود: بعد از گذشت بیش از چهار ساعت مشخص شد که آتنا دچار مرگ مغزی شده و علیرغم اینکه کلینیک آرا فاقد هرگونه تجهیزات مورد نیاز برای مراقبت های ویژه بیمار بعد از عمل جراحی بود ولی متأسفانه از اعزام آتنا به بیمارستان های سطح شهر نیز خودداری می شد.

مادر آتنا قجر افزود: بعد از تلاش های بسیار بالاخره موفق شدیم که شرایط اعزام وی را به یکی از بیمارستان های سطح شهر سنجندج فراهم کنیم که متأسفانه کلینیک آرا نیز فاقد آمبولانس بود و سؤال اصلی اینجاست که چگونه این کلینیک که مجوز انجام عمل جراحی به آن داده شده، فاقد آمبولانس است. بر اساس محتویات موجود در پرونده آتنا قجر، وی روز سه شنبه راس ساعت 15:30 دقیقه بعد از ظهر در بیمارستان بعثت سنجندج پذیرش شده و در همان بدو ورود به بخش مراقبت های ویژه انتقال داده شده است و در همان لحظات اولیه پزشکان متخصص داخلی، مغز و اعصاب وی را ویزیت کرده و آزمایش های لازم را روی وی انجام داده اند. در گزارش های موجود در پرونده آتنا قجر آمده است که وی در زمان پذیرش در بیمارستان بعثت سنجندج در شرایط بسیار وخیمی قرار داشته و ضریب هوشی وی 3 و 4 بوده است که میزان ضریب هوشی افراد در حالت طبیعی عددی بالای 15 است و این شرایط نشان از وضعیت وخیم این بیمار بوده است.

همچنین در گزارش های ثبت شده و موجود در پرونده این بیمار مرگ مغزی نشان می دهد که هوای بسیار زیرپوست وی جمع شده و عملاً امکان تنفس نداشته است که البته این وضعیت در صحبت های مادر و سایر بستگان وی نیز وجود داشت و آنها نیز این شرایط را تأیید می کردند. مادر آتنا و سایر بستگان این کودک بیمار ضمن تقدیر از همکاری های مسئولان و پرسنل بیمارستان بعثت سنجندج اعلام کردند که همکاری های بسیار خوبی طی مدت پنج روز اخیر صورت گرفته و تمام کادر پزشکی و پرستاری این مرکز بهداشتی و درمانی از هیچ تلاشی برای خدمت رسانی به بیمار ما دریغ نکرده اند. مادر آتنا که در شرایط روحی بسیار بدی قرار دارد و به سختی با خبرنگار مهر گفتگو می کرد، در ادامه سخنان خود گفت: سؤال من از همه مسئولان این است که چرا به وضعیت مراکز بهداشتی و

درمانی بخش خصوصی که فعالیت می کنند رسیدگی نمی شود و چه کسی پاسخگوی مرگ کودک سه ساله من است و من باید چگونه این شرایط و وضعیت را تحمل کنم.

وی خواستار دخالت و رسیدگی فوری به این پرونده از سوی مسئولان استانی و کشوری شد و افزود: ما از مقامات مسئول دلیل به وجود آمدن این شرایط را پیگیری خواهیم کرد و انتظار می رود که با رسیدگی به این پرونده از تکرار مسائلی این چنین در استان کردستان جلوگیری شود.

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی کردستان نیز در جواب سؤال خبرنگار مهر در خصوص وضعیت آتنا قجر و پرونده وی عنوان کرد: در حال حاضر نمی توان اظهار نظری در این خصوص داشت و باید پزشکی قانونی دلیل مرگ را اعلام و در صورت شکایت والدین مسئله در نظام پزشکی مطرح شود ولی آنچه که واضح است اینکه این بیمار در حالت عادی و بدون دلیل به این شرایط دچار نشده است.

چشم های آتنا کودک معصوم و سه ساله سنندجی که امروز بنا به هر دلیلی بر تخت بیمارستان بعثت سنندج میخکوب شده، دیگر باز نخواهد شد و ناله های والدینش نیز پایانی ندارد ولی این انتظار به حق والدین آتناست تا عوامل و یا عاملین این وضعیت مورد بازخواست قرار گیرند تا دیگر آتنا و آتناها در این شرایط قرار نگیرند.

تلاش های خبرنگار مهر در سنندج برای ارتباط با مسئولان کلینیک آرا به ویژه دکتر اسعد ادیبان که مدیرعاملی این مرکز را بر عهده دارد به جایی نرسید و متأسفانه وی پاسخگوی تلفن همراه و تلفن ثابت محل کارش نیز نبود ولی خبرگزاری مهر آمادگی لازم را برای انتشار دیدگاه های مسئولان دانشگاه علوم پزشکی، نظام پزشکی سنندج و سایر مراجع را دارد و وضعیت این کودک نیز برای روشن شدن ماجرا پیگیری خواهد شد

موارد نقض حقوق کودکان

موارد نقض حقوق کودکان و فهرستی کوتاه از مراکز موثر در نقض حقوق کودک و نوجوان ایرانی

- 1 // بر پایه آمارهای موجود در رابطه با کودک آزاری، دختران با سهم ۵/۵۲ درصدی از گزارش های کودک آزاری، بیشتر مورد آزار قرار می گیرند. خبرگزاری هرانا 03 اردیبهشت 1390
- 2 // گزارش ها حاکی از آن است که دستکم دو نفر از چهار نفری که اول اردیبهشت ماه در بوستان ساحلی غدیر بندر عباس در ملاء عام اعدام شدند، به اتهام قتل در سنین ۱۶ تا ۱۷ سال به مجازات مرگ محکوم شده بودند. خبرگزاری هرانا 06 اردیبهشت 1390
- 3 // رئیس انجمن پزشکان کودکان ایران با عنوان این مطلب که سوءتغذیه در کشور نسبت به سالهای گذشته کمتر شده است، تصریح کرد: حدود یک سوم کودکان ایرانی دچار سوءتغذیه هستند. خبرگزاری هرانا 08 اردیبهشت 1390

4 // در حالی هزاران دانش آموز زلزله زده ریگانی در انتظار بازسازی مدارس هستند که استفاده از آب موتور پمپ های کشاورزی در برخی از این مدارس موجب بروز بیماری های انگلی و پوستی می شود. مردمسالاری خبرگزاری هرانا 08 اردیبهشت 1390

5 // طبق آمارهای سازمان بهزیستی، 50 درصد کودکان خیابانی کشور در تهران به سر می برند و 70 درصد آنان خانواده دارند، اما از آنجا که خانواده های اغلب این کودکان توانمند نیستند و با چالش های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه هستند، پس از تحویل کودکان خیابانی به والدین شان توسط بهزیستی، این کودکان مجدداً به خیابان ها بازمی گردند. شهرزاد نیوز 09 اردیبهشت 1390

6 // زمانی گفته می شد مایعاتی که در اسباب بازی ها ساخت چین استفاده می شود از فاضلاب است و حالا گفته می شود که این اسباب بازی ها از مواد بازیافتی تهیه می شوند و آلوده به آرسنیک و سرب و چیزهای دیگر است. واسفبار اینکه براساس اظهار نظرات رسمی بیش از 95 درصد اسباب بازی هایی که در ایران به فروش می رسد از چین وارد میشود. روزنامه سیاست روز 11 اردیبهشت 1390

7 // دبیر انجمن روانپزشکان ایران گفت: یک پنجم درآمدی که کودکان کار به دست می آورند به خود کودک و خانواده اش تعلق می گیرد و بقیه درجیب افرادی که آنها را به کار می گمارند می رود. خبرگزاری فارس 19 اردیبهشت 1390

8 // بنا بر گزارش های غیر رسمی 9 نفر را به اتهام قتل ماموران نیروی انتظامی و ارتکاب عمل منافی با عفت عمومی اعدام کرده است. سایت خبری اهواز نیوز روز شنبه 17 اردیبهشت ماه نام 8 تن از این افراد را منتشر کرده و تاکید کرده است سه تن از اعدام شدگان برادر بودند و در ملاعام در سه راه حمیدیه در غرب اهواز به دار آویخته شدند. نام این سه برادر علی حیدری (25 ساله) ، جاسم حیدری 23 ساله و ناصر حیدری 21 ساله اعلام شده است. بر اساس این گزارش 6 شهروند عرب دیگر نیز در زندان کارون اهواز به دار آویخته شدند که نام های آنها امیر معاوی ، علی نعیمی ، امیر بدوی ، احمد ناصری 22 ساله و هاشم حمیدی 16 ساله است. آژانس ایران خبر 19 اردیبهشت 1390

9 // کارشناسان معتقدند افزایش روزافزون فشار های اقتصادی در کشور ما سبب تشدید بروز مشکلات و آسیب های اجتماعی نظیر کودک آزاری و همسر آزاری و خانواده آزاری شده است. خبرگزاری هرانا 20 اردیبهشت 1390

10 // در پی یک حادثه دلخراش که در کرج روی داد، کودکی 3 ساله با سوختگی بیش از 85 درصد به بیمارستان کرج منتقل شد که حالش به شدت وخیم است و پزشکان امیدی به زنده ماندن وی ندارند. اختلافات خانوادگی این فرد با همسرش و اعتیاد به مواد مخدر از نوع شیشه علت اصلی سوزاندن این کودک 3 ساله بوده است. خبرگزاری هرانا 22 اردیبهشت 1390

11 // مدیر آموزش و پرورش گنبدکاووس می گوید 54 مدرسه مقطع ابتدایی این شهرستان تخریبی و نیازمند نوسازی است. نبی الله آخوندی در جمع خیران شهرستان افزود: این شهرستان نیازمند ساخت 139 مدرسه در مقاطع مختلف تحصیلی است. خبرگزاری هرانا 22 اردیبهشت 1390

12 // زن جوانی در شهرستان تربت جام، به علت فقر شدید و اعتیاد به مواد مخدر نوزادش را در ازای دریافت 600 هزار تومان فروخت. این زن پس از توافق با یک زوج نابارور، نوزاد خویش را در قبال پرداخت هزینه های درمانی و 600 هزار تومان پول نقد به ایشان فروخت. خبرگزاری هرانا 25 اردیبهشت 1390

13 // ارزیاب مربیان پیش دبستانی بندرعباس گفت: طبق بررسی که در ارزیابی مربیان صورت گرفت، 90 درصد مربیان پیش دبستانی در هرمزگان که نشاط آوران جامعه کودکان هستند خود دچار

افسردگی شده اند. آنان هر ماه باید به سراغ مدیر رفته و طلب حقوق کنند که بعضا تاریخ مشخصی ندارد. خبرگزاری مهر 25 اردیبهشت 1390

14 // پسر بچهای چهار ساله به علت صدمات ناشی از ضرب و جرح شدید توسط والدینش به بیمارستان کودکان مفید منتقل شد، این کودک دچار ضرب و جرح، سوختگی شدید در نقاط مختلف بدن از جمله آلت تناسلی و نیز کبودی شدید دو چشم گردیده است. خبرگزاری هرانا 25 اردیبهشت 1390

15 // رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران گفت: دومین مورد کودک آزاری که چند روز پیش اعلام شد پس از آنکه از بیمارستان مفید به شیرخوارگاه آمنه منتقل شد دیروز پس از دو روز اقامت در این مرکز با حکم قاضی تحویل پدرش شد. در این میان هیچ کمکی به این کودک نشده است حتی ممکن است موجب این شود که این کودک که با لو دادن والدینش به اذیت و آزارش، پس از بازگشت به خانه بیشتر از این به خاطر دردمندی که ایجاد کرده، تنبیه شود. خبرگزاری هرانا 28 اردیبهشت 1390

16 // هانیه دختر هشت ساله‌ای که توسط ناپدری معتادش مورد شکنجه قرار گرفته بود از ناحیه ساعد مورد اصابت جسم سخت قرار گرفته. از ناحیه باسن با آبجوش سوزاننده شده و کف پای این دختر با سیگار و قاشق داغ سوخته است. علامت سوختگی میان دو کتف این دختر که نشان‌دهنده جسم داغ روی کتف اوست جای ضربه‌های شدید در کمر و پشت دخترک و نیز آثار سوختگی در پاهای هانیه مشهود است. هر دو دست این دختر توسط جسمی سخت شکسته شده و شکستگی به‌گونه‌ای است که استخوان‌های دست او جابه‌جا شده است. به گفته پزشک وی، این دختر از لحاظ روحی بسیار آسیب‌دیده به‌گونه‌ای که باید مدت‌ها تحت روان‌درمانی قرار گیرد. پزشکان با بررسی آثار جراحات در پیکر این دختر دریافتند هانیه حداقل دو هفته مورد آزار و اذیت ناپدری‌اش قرار گرفته است. روزنامه جهان صنعت 29 اردیبهشت 1390

17 // ایوب قنبرپوریان ۲۰ ساله و روح الله میرزاخانی ۱۹ ساله، جوانترین زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین محسوب می‌شوند. قنبرپوریان به تازگی به رجایی شهر منتقل شده است و روح الله میرزاخانی به اتهام اجتماع و تبانی بر ضد امنیت ملی زندانی است که بلا تکلیف بسر مبرد و به اتهام اخلاف در نظم و اقدام علیه امنیت ملی به سه سال و چهار ماه حبس محکوم شده است. خبرگزاری هرانا 29 اردیبهشت

18 // محمدرضا کاظم زاده، مدیرکل بهزیستی خراسان شمالی، که در جلسه ستاد ساماندهی کودکان خیابانی سخن می‌گفت، ضمن اعلام اعتیاد 33 درصد کودکان خیابانی به مواد صنعتی در خراسان شمالی اظهار داشت که آن‌ها افراد زیر 18 سالی هستند که به شهرهای بزرگ رفته و در خیابان کار می‌کنند و به صورت هفته‌ای و یا سالی یک بار با خانواده‌های خود تماس می‌گیرند. آنان خیابان را سرپناه خود می‌دانند و خانواده‌ها را در خیابان جستجو می‌کنند و تا وقتی که فقر هست، کودکان خیابانی هم وجود دارند، شهرزاد نیوز 30 اردیبهشت 1390

19 // محمد پدر باربد، معتاد به مواد مخدر از نوع شیشه و بدلیل اختلاف با همسر، چندین بار با وی تماس گرفته و با تهدید آسیب زدن به باربد، از مادر درخواست بازگشت میکند و در ادامه، باربد را با خود به درون اتاقی برده و بنزینی که داخل یک شیشه نوشابه با خود آورده بود را بر پیکر باربد ریخته و وی را به آتش می‌کشد، به اذعان پرستاران، احتمال زنده ماندن این کودک ۳ ساله با ۷۰ درصد سوختگی، بسیار اندک است. خبرگزاری هرانا 31 اردیبهشت 1390

20 // موسی قربانی دیگر عضو این کمیسیون حقوقی و قضایی با بیان اینکه کودک آزاری از جرائم عمومی محسوب می‌شود و احتیاجی به شاکی خصوصی ندارد، افزود: در بخش تعزیرات حکومتی در این رابطه مسائل ویژه‌ای مطرح شده است و در بخش قانون مجازات اسلامی، جرم انگاری نیز در این

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

رابطه صورت گرفته است بنابراین در لایحه حمایت از خانواده که بخش حقوقی مسائل خانواده بررسی می‌شود برای بحث کودک آزاری جایگاهی وجود نخواهد داشت و لذا از لایحه حمایت از خانواده حذف شد. خبرگزاری هرانا 31 اردیبهشت 1390

فهرستی کوتاه از کانون های موثر در نقض حقوق کودک و نوجوان ایرانی در اردیبهشت ماه 1390
کانون خانواده

دختران بیشتر مورد تنبیه بدنی و کودک آزاری قرار می گیرند هرانا 1390 / 02 / 03

پدری کودک 3 ساله اش را به آتش کشید! هرانا 1390 / 02 / 22

زن معتاد، نوزادش را در ازای دریافت ۶۰۰ هزار تومان فروخت هرانا 1390 / 02 / 25

شکنجه یک کودک دیگر توسط والدین هرانا 1390 / 02 / 25

سومین قربانی کودک آزاری در یکماه اخیر هرانا 1390 / 02 / 31

آسیب های اجتماعی

اسباب بازی چینی؛ سم های مهلک در دستان کودکان ایرانی سیاست روز 1390 / 02 / 11

فقط یک پنجم درآمد کودکان کار به جیب خانواده شان می رود فارس 1390 / 02 / 19

اعتیاد 33 درصد کودکان خیابانی به مواد صنعتی در خراسان شمالی شهرزاد نیوز 1390 / 02 / 30

نهاد های مسئول

افزایش شمار کودکان خیابانی در فصل گرما شهرزاد نیوز 1390 / 02 / 09

قوانین کیفری در حمایت از کودکان نقض دارد ابتکار 1390 / 02 / 06

دو تن از اعدام شدگان هفته گذشته در بندرعباس نوجوان بودند هرانا 1390 / 02 / 06

یک سوم کودکان ایرانی سوءتغذیه دارند مهر 1390 / 02 / 08

استفاده از آب کشاورزی در مدارس ریگان زلزله زده مردمسالاری 1390 / 02 / 08

سه نوجوان 16 و 21 و 22 و 23 ساله در اهواز اعدام شدند (گزارشات غیر رسمی) آژانس ایران خیر

1390 / 02 / 19

۵۴ مدرسه ابتدایی گنبدکاووس تخریبی است هرانا 1390 / 02 / 22

نود درصد مریبیان پیش دبستانی در هرمزگان بیماری افسردگی دارند مهر 1390 / 02 / 25

دومین کودک آسیب دیده بدون تکمیل درمان دوباره به خانواده اش تحویل داده شد! هرانا 1390 / 02 / 28

1390

حلاء قانونی علیه کودک آزاری و کودکان قربانی در آرزوی امنیت جهان صنعت 1390 / 02 / 29

جوانترین زندانیانی: ایوب قنبرپوریان ۲۰ ساله و روح الله میرزاخانی ۱۹ ساله هرانا 1390 / 02 / 29

کودک آزاری از لایحه حمایت از خانواده حذف شد هرانا 1390 / 02 / 31

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان

جعفری

نبود کارهای زیربنایی درخصوص اعتیاد

محمد جواد نظری مهر: عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی: نبود کارهای زیربنایی درخصوص اعتیاد، سبب شده گرایش به مواد مخدر تا مدارس راهنمایی نیز پیش رود.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفت: متأسفانه نبود کارهای زیربنایی درخصوص اعتیاد باعث شده که سن گرایش به مواد مخدر در کشور ما پایین آمده و حتی تا مدارس راهنمایی نیز پیش رود.

محمد جواد نظری مهر در گفت و گو با خبرنگار خانه ملت درباره وضعیت نامناسب کمپ های ترک اعتیاد گفت: متأسفانه درباره بهبود وضعیت این مراکز شعار زیاد است و عمل بسیار ضعیف است. وی در ادامه اظهار داشت: متأسفانه عدم حضور این کمپ ها زیر نظر وزارتخانه های مربوطه موجب شده تا برخی از آنها موجبات به وجود آمدن هزاران مشکل را فراهم کنند. نماینده مردم کردکوی و ترکمن عنوان کرد: باید تمهیداتی از سوی دولت اندیشیده شود تا معتادان در مراکزی مجاز و دارای مجوز اعتیاد خود را ترک کنند.

نظری مهر با اشاره به لزوم انجام کارهای زیر بنایی گفت: در خصوص بحث مواد مخدر و جلوگیری از پیشرفت اعتیاد قوانین بسیاری داریم اما اجرا و عمل به این قوانین متأسفانه، ضعیف است.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی مرکز بهزیستی را مسئول نظارت بر کمپ های ترک اعتیاد دانست و افزود: خانواده ها برای اینکه بتوانند اعضای معتاد خود را از اعتیاد رهایی بخشند به کمپ ها معرفی می کنند و اگر این کمپ ها از استانداردهای لازم برخوردار نباشند، نه تنها مشکل آنها رفع نمی شود بلکه وضعیت معتادان بدتر خواهد شد.

نظری مهر در بخش پایانی اظهارات خود گفت: دولت خودش می تواند به صورت کارشناسی شده مسئولیت رسیدگی به مراکز ترک اعتیاد را بر عهده گیرد. تابناک 12 خرداد

قتل دختر نوجوان به دلیل تاخیر در ورود به منزل

کتک های پی در پی و چند ضربه به سر این دختر را به کام مرگ می کشاند

یک دختر 16 ساله در یکی از روستاهای زرین شهر به خاطر تعصب بیجا و کور پدرش کشته شد این دخترکه تنها جرمش این بود که یک شب نیم ساعت دیرتر به خانه آمده بود و پدرش احتمال می داد با پسر همسایه رابطه جنسی داشته باشد کشته شد.

از قرار معلوم پدر این دخترکه حسین ایزد پناه نام دارد عضو فعال بسیج محل بوده و همسایه ها هم از دست او به خاطر همین تعصبش آسایش نداشتند در شب حادثه دختر بی گناه نیم ساعتی را در منزل یکی از دوستانش معطل میشود تا با هم یک جزو تحقیق درسی را آماده کنند و به محض برگشت با خشم پدر روبرو شده و کتک های پی در پی و چند ضربه به سر دختر را به مرگ میکشاند خبر نامه زنان ایران 12 خرداد

باربد پسر بچه 3 ساله‌ای که قربانی آتش اعتیاد پدرش



باربد پسر بچه 3 ساله‌ای که قربانی آتش اعتیاد پدرش به شیشه شد بعد از 18 روز مبارزه برای زنده ماندن در ساعت 10 صبح جمعه فوت کرد.

مادر باربد در 27 اردیبهشت‌ماه پس از پنج‌ماه ندیدن پسرش با بدن سوخته او در بیمارستان مفید کرج مواجه شد و حالا برای دیدن او راهی جز قبرستان و سنگ قبری سخت و سرد ندارد.

و اما پدرش! پدری که آغوشش جز در موقع به آتش کشیدن بدن کوچک باربد و برای ساکت کردن فریادهایش گشوده نشد، حالا با سوختگی 50 درصدی بر تخت بیمارستان مفید خیر مرگ کودکی را می‌شنود که خودش او را به آتش کشید و به کام مرگ برد.

پدر شیشه‌ای که وقتی دید تلاش‌هایش برای بازگرداندن همسرش به زندگی مشترک بی‌نتیجه است به خانه پدر همسرش رفت و در مقابل چشمان مادر بزرگ باربد، نخستین بار یک شیشه بنزین بر روی باربد ریخت و او را از هستی و زندگی ساقط کرد.

باربد توسط مادر بزرگش و با کمک همسایه‌ها به بیمارستان شهید مدنی کرج منتقل و پس از گذشت یک هفته با کمک انجمن‌های حمایت از کودکان در حالی به بیمارستان مطهری تهران منتقل شد که تمام پوست‌اش سوخته بود و داروها و مواد غذایی از طریق بینی‌اش به او منتقل می‌شد. پسرک آرام بود و در برابر درد، دم بر نمی‌آورد اما کم کم عفونت گسترش پیدا کرد و بدن نحیفش ورم کرد. باربد کوچولو در برابر حجم بالای سوختگی 70 درصد کم آورد و تمام تلاش‌ها برای بازگرداندنش به زندگی با قطع امید پزشکان ناکام ماند.

فاطمه دانشور مدیرعامل مرکز حمایت از کودکان مهرآفرین، موسسه‌ای که بعد از بستری شدن باربد در بیمارستان شهید مطهری هزینه‌های درمان او را بر عهده گرفته بود با بیان اینکه وقتی به بیمارستان مطهری مراجعه کردیم نسخه‌های باربد بیش از دو روز بود که پرداخت نشده بود، اظهار کرد:

باربد در برابر درد صبور و مقاوم بود و با وجود اینکه در بخش، درجه سوختگی‌اش از دیگران بیشتر بود اما کمتر از دیگر کودکان ناله و فریاد می‌کرد.

وی با اشاره به اینکه باربد قربانی اعتیاد پدر و ورشکستگی او شد، گفت: پدر باربد چندسال پیش ورشکست و تمام لوازم شخصی، پول پیش‌خانه و سایر دارایی‌های آنان توسط طلبکاران ضبط و این شکست مالی باعث اعتیاد پدر باربد به شیشه شد.

دانشور ادامه داد: وقتی پدر باربد با مادرش در ترک اعتیاد همکاری نکرد، مادرش پدر را ترک و پدر باربد مجهول‌المکان شد.

مینا مادر باربد بیش از 5 ماه از کودکش خبر نداشت و بعد تهدیدهای پدر باربد برای بازگرداندن مینا شروع شد که یا برمی‌گردد یا دست باربد را برایت می‌فرستم، یا برمی‌گردد یا گوش باربد را برایت می‌فرستم و مادر به این تهدیدها توجه نمی‌کند تا اینکه با بدن سوخته باربد در بیمارستان مواجه می‌شود. مدیرعامل مرکز حمایت از کودکان مهرآفرین در ادامه با اشاره به تلاش‌های مادر باربد پیش از این اتفاق برای اخذ حق نگهداری باربد گفت: یکی از گلایه‌های مادر باربد این است که او می‌دانسته کودکش در شرایط بدی قرار دارد و بارها برای گرفتن حضانت او شکایت کرده اما قانون حضانت باربد را به او نداده است.

دانشور ادامه می‌دهد: ما پیش از این برای انتقال باربد به بیمارستان چمران که خصوصی است اقدام کردیم اما مسئولان این بیمارستان برای هر درصد سوختگی یک میلیون و در کل 70 میلیون مطالبه کردند که پرداختنش برای ما مقدور نبود.

به گفته وی باربد درس تلخی بود تا جامعه و مردم در برابر کودک‌آزاری حساس شوند.

باربد این کودک سه ساله در حالی جان باخت که این پرسش در اذهان باقیست که چه کسی مسئول مرگ باربد و کودکانی همچون باربد است؛ خانواده، جامعه و خلا قانونی و...

خبرگزاری ایسنا، 13 خرداد

مشکلات کودکان زندانیان



کودکان زندانیان (افراد زیر 18 سال)، علاوه بر رویارویی با مشکلات مشابه کودکان هم سن و سال خود، با سختی‌های دیگری هم روبرو هستند:

افزایش آمار زندانیان در ایران، چه سیاسی و چه غیرسیاسی، نه تنها نگرانی‌ها را نسبت به کاهش استانداردهای بهداشتی، تغذیه و در مجموع سلامتی آنان را افزایش داده، بلکه بیش از آن نگرانی نسبت به تاثیر مخرب و چند وجهی - و اغلب جبران ناپذیر - که در روح و روان کودکان این زندانیان و در نهایت آینده آنان بر جای می‌گذارد را صدچندان کرده است. از همین روست که نزدیک به 350 تن از کنشگران مدنی، طی نامه‌ای سرگشاده، دغدغه‌ها و نگرانی‌های خود را نسبت به شرایط ناگوار چنین کودکانی، اظهار داشته‌اند.

متن کامل بیانیه این کنشگران به شرح زیر است:

بیانیه حمایت از حقوق کودکان زندانیان زندان: تنبیه زندانی یا فرزند او؟

بالا رفتن آمار زندانیان -- صرف نظر از جرم و اتهامی که به آن محکوم شده‌اند -- جنبه‌ای پنهانی و نگران‌کننده به دنبال دارد: کودکان این زندانیان خود به قربانیان فراموش شده تبدیل شده‌اند. با توجه به اینکه آمار دقیقی از تعداد زندانیان موجود نیست، به دست آوردن تخمینی از تعداد کودکان زندانیان در ایران دشوار و حتی ناممکن است.

کودکان زندانیان (افراد زیر 18 سال)، علاوه بر رویارویی با مشکلات مشابه کودکان هم سن و سال خود، با سختی‌های دیگری هم روبرو هستند: دوری از پدر یا مادر زندانی برای مدتی نامعلوم، دوری از محیط آشنای خانه (برای آنکه تحت مراقبت نزدیکان خود قرار گیرند)، حس اندوه، تنهایی، ترس از دست دادن پدر یا مادر زندانی برای همیشه، گناه، شرم، بی‌اعتمادی، اضطراب، و افسردگی. با توجه به اینکه این کودکان نزدیکترین مراقبین‌شان را در کنارشان ندارند امور روزانه آنها هم دچار اختلال می‌شود و این وضعیت برای کودکان زنان زندانی (که غالباً مراقبت‌های روزمره کودک بر عهده آنهاست) شدیدتر است. کودکانی که سن کمتری دارند گاه با مادر خود در زندان به سر می‌برند و تحت تاثیر مستقیم فضای نامناسب زندان و فشارهای روانی که به مادرشان وارد می‌شوند هستند. علاوه بر این اگر پدر یا مادر زندانی نان‌آور خانواده نیز باشد، این کودکان ممکن است در معرض مشکلات اقتصادی نیز قرار گیرند. در نتیجه کودکان زندانیان به واسطه شرایط اجتماعی و روحی متفاوتی که تجربه می‌کنند نیازمند مراقبت‌های ویژه‌ای هستند و تامین حقوق آنها می‌بایست به طور جداگانه مورد توجه قرار گیرد.

زندانی بودن پدر یا مادر نمی‌تواند دستاویزی برای تنبیه فرزند او نیز باشد. طبق ماده ۹ پیمان‌نامه حقوق کودک، که ایران نیز به آن ملحق شده است، «کودک نمی‌باید بر خلاف میل‌اش از والدین خود جدا شود»، مگر اینکه مسئولان معتمد تصمیم بگیرند که چنین «جدایی منافع عالی کودک را برآورده می‌کند». نص پیمان‌نامه حقوق کودک بر «منافع عالی» او استوار است و هرگونه اقدامی به این منافع خلل وارد نماید خلاف نیت قانون‌گذار است. به همین خاطر مسئولین زندان می‌باید اقدامات جداگانه‌ای در نظر بگیرند تا کودکانی که به ملاقات والدین خود به زندان می‌روند آسیب روحی کمتری ببینند. ما امضاکنندگان این بیانیه برای به حداقل رساندن آسیب‌های روحی و روانی که به این کودکان وارد می‌شود خواهان برقراری امکانات زیر برای کودکان همه زندانیان -- اعم از سیاسی و غیرسیاسی -- توسط قوه قضاییه و صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران هستیم.

- امکان برقراری ملاقات‌های حضوری مرتب برای کودکان زندانیان با پدر یا مادر زندانی‌شان
- ایجاد فضای مناسب کودکان برای ملاقات - از جمله عدم حضور مأمورین با لباس فرم در سالن ملاقات

- ورودی مجزا برای کودکان ملاقات‌کننده، برای آنکه کودکان با نرده‌های زندان مواجه نشوند
- فراهم آوردن حداقل امکان وسایل بازی در سالن ملاقات
- استفاده از از رنگ‌های شاد در فضای سالن ملاقات
- امکان ملاقات زندانی با کودکش با لباس شخصی
- امکان ملاقات‌های ویژه طی روزهایی که کودک به دیدار والدینش بیشتر احتیاج دارد (روز تولد کودک یا والدین زندانی، سال نو، ...)
رونوشت به:

ریاست قوه قضاییه، دفتر یونیسف در تهران، دفتر منطقه ای یونیسف - اردن، کمیسر عالی حقوق بشر - ژنو، سازمان عفو بین‌الملل، دیدبان حقوق بشر

امضا کنندگان این بیانیه:

ابراهیم مهتری / ابوالفضل اردوخانی / آتوسا میرحسینی / احمد عبدلی / احمد مدادی / احمد نجاتی / آذر عرفا زاده / آذر کریمی / آرات راتوسیان / آراز م. فانی / ارژنگ برهان / آزاده خسروشاهی / آزاده دواچی / آزاده رحیم پور / اساره زانیار / اسماعیل خطایی / آسیه امینی / اشکان منفرد / اصغر برزو / اکرم خیرخواه / الناز باجوری / الهه فراهانی / الیزابت مکدونالد / امید زمانی / امید نصیری / امیر رشیدی / آناماری ریس / اندیشه جعفری / انور میر ستاری / انیسه سامانی / اوا تنز / اولیا وندن / اویس اخوان / آیدا ابروفراخ / آیدا سعادت / ایران دموکراتیک / آینده آزاد / بدی واری / بشیر احسانی / بلال مرادویسی / بنفشه جمالی / بهرام توکلی / بهروز سورن / بهمن امینی / بهناز فرمانبر / بهناز مهرانی / پائولو مرولا / پترا پلوتز / پردیس درخشنده / پرنیان ا. / پرواز داورپناه / پروانه معادی / پروشات شکرلو / پروین اردلان / پروین ضرابی / پروین محسنی / پری عظیمی / پریسا کاکایی / پریسا کریمی / پوران رضایتی / پیمان مجید زاده / تارا احمدی / تری وایت / توران ناظمی / ثریا ضرغام / جان کاو / جلوه جواهری / جواد موسوی خوزستانی / حجت نارنجی / حسام حیدری / حسن جعفری / حسن نایب هاشم / حسین ماهوتیها / حمید حمیدی / حمیده نظامی / خدیجه مقدم / خرسند ستوده / داوود منطق / داوود نواییان / درنا بندری / دلارام اکار / دلارام علی / دلشاد امامی / رضا احمدی / رضا سلیمانی / رضا کریمی / رضا هیوا / رضوان مقدم / روحی شفیع / رویا شاعری / رویا کاشفی / زهره اسد پور / زهره کریم زاده / زویا اسکندریان / زینب پیغمبر زاده / ژاله مظاهری / ساتگین ایران زمین / سارا جلوه / سارا مغمومی / ساسان امجدی / ساعد آل آقا / سالومه رحیمی / سامان زمان زاده / سامان شاه محمدی / سپهر عاطفی / سپیده یوسف زاده / ستاره شاهرویی / ستاره هاشمی / سحر ایرانی / سحر سجادی / سحر مفخم / سعید آرمانفر / سعید حبیبی / سعید رحیمی / سمرند فتوحی / سمیرا پوراندخت / سمیه بهادری / سهراب مهدوی / سهیلا پرهیزی / سهیلا موسوی / سوده راد / سوسن طهماسبی / سوفیا صدیق پور / سولماز ایکدر / سیامک فرید / سیما حسین زاده / سیما دینا / سیمین مرعشی / ش. ایرانی / شادی صدر / شادی کلینس شمیت / شاهین انزلی / شاهین محمودی / شایان وحدتی / شری فرامرزی / شکوفه شادابی / شمس تولایی / شهاب الدین شیخی / شهریار قانع / شهزاد حسینی / شهلا بهار دوست / شهلا شفیق / شهلا فروزانفر / شهلا لاهیجی / شهناز بیات / شهناز سخن سنج / شورانگیز داداشی / شیلا کرباسیان / شیوا سخن / شیوا نجو / صبری نجفی / طلا خوش کلام / طلعت تقی نیا / عاطی علوین / عباس مظاهری / عسل دورانوا / عسگر آهنین / عشا مومنی / عفت صفوی / عفت ماهباز / علی پورنقوی / علی رحیمی / علی طایفی / علی عبدی / علی فتوتی / علی ماهباز / علی مضمولی / علی نیکویی / علی صمدپوری / غلام حسین اصغری / غلام علی خوش سرور / فاطمه آرام نژاد / فاطمه والا / فخری شادفر / فخری نامی / فرح طاهری / فرح روز رنجبر / فرحناز محمدی / فرخنده احتسابیان / فرزانه جوان / فرشاد محمدی / فرشته شیرازی / فرشته فراهانی / فرشته قاضی / فرناز سیفی / فرناز کمالی / فرنوش تهرانی / فریبرز مهران ادیب / فلامینیا لیزانی / فلورا رونبرگ / فهیمه فیض / فیروزه مهاجر / فیلیپ هوستر / قاصدک ق / قدسی ابوالقاسمی / کاران صدر / کامران کامکار / کامیار گیاهیچی / کاوه رضایی شیراز / کاوه کرمانشاهی / کتایون عظیمی فرد / کریستین چنی / کوروش افتاصی / کیانا کریمی / گلنیس سندلنت / گیل آوایی / گیو زاد / لادن اسماعیلی / لیلا کریمی / لیلا مجتهدی / لیلی ج / لینا ورم / مارتی گونتیر / مارکو کوراتلو / ماندانا کمالی / مانوئل ب / محبوبه عباسقلی زاده / محمد شوراب / محمود باقر صمیمی / محمود پسندیده / مرجان قهرمانی / مرجان واعظ / مرجان وحدت / مرصده هاشمی / مریم امینیان / مریم اهری / مریم

ایرانی / مریم حسین خواه / مریم رحمانی / مریم زندی / مریم شریف / مریم شکرانی / مریم طهماسبی / مریم هوندر / مزدک نصیری / مژگان ثروتی / مژگان قاسمیان / مسعود معمار / مصطفی عزیزی / ملودین م / منصوره شجاعی / منصوره کاوه ای / منوچهر فاضل / منیره کاظمی / مهدیه فراهانی / مهران دیوان بیگی زند / مهرنوش اعتمادی / مهری جعفری / مهری قراخانلو / مهری کرمانی / مهسا ایرانی / مهسا شکرلو / مهسا صارمی / مهشید راستی / مهین امامی / میترا شجاعی / میترا محمودی / میترا نجفی / میلاد فدایی اصل / میلاد ملک / مینا انصاری / مینا ربیعی / مینا محرر / نادر حاج محسن / نادر فرخ / نادر فرناندز / نازلی فرخی / نازی ساسانی / نازی عظیما / ناهید توسلی / ناهید جعفری / ناهید خوش کلام / ناهید خیرابی / ناهید سلیمانی / ناهید کشاورز / ندا شهبازی / ندا فرخ / نرجس بارانیان / نرگس شریعت نیا / نرگس طیبات / نرگس مقدم / نسرین الماسی / نسرین محمص / نسیم سلطان بیگی / نسیم طبیبانیان / نسیم هشترودی / نسیم شریعت / نفیسه آزاد / نوری شهری / نوشین احمدی خراسانی / نوید محبی / نوید منوچهرآبادی / نیره توحیدی / نیکزاد زنگنه / نیلوفر کشمیری / نیما دارابی / نیما محمد زاده / نیما نیما / هاله قریشی / هایده تابش / هدی هاشمی / هنگامه هویدا / یاس م. / وحید حبیب پناه / ویدا بیگلری . /

شکنجه پسر بچه ۳,۵ ساله در شهر شیراز

ضربات متعدد مشت و لگد را در نواحی مختلف بدن . کودک قادر به راه رفتن نیست، کف پا آسیب دیده، گازگرفتگی در کف پا

خبرجنوب: در پی شکنجه پسر بچه ۳,۵ ساله در شهر شیراز مادر این کودک و مردی که با وی در ارتباط بود بازداشت شدند.

پدر و مادر این پسر بچه از مدتها قبل به دلیل اختلافات خانوادگی قصد جدایی از یکدیگر را داشته اند. بر اساس گزارشات رسیده پدر این قربانی به دلیل اعتیاد شدید به موادمخدر با همسرش اختلاف داشته به گونه ای که حتی قادر به نگهداری از فرزند خود نبوده و به همین دلیل همسرش برای جدایی از وی اقدام می کند. در حالی که روند رسیدگی به پرونده این زن و مرد برای جدایی در حال پیگیری بوده سرپرستی پسر بچه ۳,۵ ساله که قربانی سهل انگاری پدر و مادرش است به مادر سپرده می شود.

محتویات پرونده زن ۳۰ ساله ای چند روز قبل با مراجعه به دادسرای جنایی شیراز مدعی شد که پس خردسال وی توسط مرد مورد علاقه اش ربوده شده است. به دنبال اعلام این گزارش با توجه به حساسیت موضوع، پرونده ای تشکیل و تحقیقات برای مشخص شدن موضوع آغاز شد. در گام اول

تحقیقات ماموران به بازجویی از مادر پسر بچه پرداختند. وی در این خصوص گفت: من و پدر فرزندم چند سال قبل با یکدیگر ازدواج کردیم. در حالیکه زمان زیادی از ازدوایمان نمی گذشت متوجه شدم که همسرم به موادمخدر اعتیاد شدید دارد. او حتی قادر به تامین مخارج زندگیمان نبود. در حالیکه یک پسر داشتم تصمیم گرفتم که از او جدا شوم به همین دلیل وسایلم را برداشته و از خانه همسرم رفتم تا مراحل قانونی طلاق سپری شود.

وی افزود: در این مدت سرپرستی فرزندم به من داده شد. الان نزدیک به دو سال و نیم است که با مردی آشنا شده و به دلیل علاقه ای که به هم داریم قرار است پس از جدایی قانونی از همسرم با او ازدواج کنم. آن مرد مخارج من و فرزندم را تامین می کند. روز حادثه من و فرزندم از مسافرت برگشته بودیم و آن مرد به فردگاه آمد تا ما را به خانه ببرد.

در بین راه با یکدیگر بحثمان شد و من در حالیکه فرزندم در خودرو بود تک و تنها پیاده شدم. آن مرد فرزندم را با خودش برد و از او اطلاعی ندارم. با توجه به اظهارات این زن ماموران برای مشخص شدن موضوع وارد عمل شده و در حالیکه زمان زیادی از اعلام این گزارش نمی گذشت آن مرد را دستگیر کردند.

ماموران پس از دستگیری آن مرد با صحنه دلخراشی روبرو شدند چراکه وضعیت پسر بچه ۳,۵ ساله آنقدر وخیم بود که حتی قادر به راه رفتن نبود. در تحقیقات تکمیلی پیرامون این موضوع مشخص شد که این کودک بی گناه توسط آن مرد مورد شکنجه و آزار و اذیت جسمی قرار گرفته است. با توجه به وضعیت جسمانی کودک به دستور بازپرس پرونده وی به پزشکی قانونی معرفی شد.

در معاینات صورت گرفته کارشناسان پزشکی قانونی آثار ضربات متعدد مشت و لگد را در نواحی مختلف بدن وی مشاهده کردند. در ادامه با توجه به اینکه کودک ۳,۵ ساله قادر به راه رفتن نبود به بررسی موضوع پرداخته و پی بردند که کف پای وی نیز آسیب دیده و آثار گازگرفتگی در کف پا نیز مشهود است.

معاینات بعدی سرنخهای دیگری نیز در اختیار کارشناسان قرار داد چراکه فاش شد ۳۵ درصد از موهای سر این کودک از ریشه کنده شده است. در نهایت به توجه به عمق فاجعه و شکنجه کودک بی گناه ماموران به تحقیق از آن مرد سنگدل پرداختند.

وی در ابتدا قصد گمراه کردن ماموران را داشت اما در نهایت که راهی برای فرار وجود نداشت به شکنجه پسر بچه اقرار کرد و مدعی شد که به دلیل استفاده از مشروبات الکلی در شرایط مناسبی نبوده و اقدام به شکنجه پسر بچه کرده است.

وی در ادامه تحقیقات مدعی شد که قصد ازدواج با مادر کودک را داشته است. به دنبال اقرار متهم ماموران به بازجویی از مادر کودک پرداختند. وی نیز مدعی شد که قصد داشته پس از جدایی از همسرش با این مرد ازدواج کند.

پس از اقرار این زن و مرد مسیر تحقیقات ماموران وارد مرحله تازه ای شد. این کودک بی گناه هم اکنون تحت درمان قرار دارد. گفتنی است بازپرس پرونده برای مرد سنگدل قرار بازداشت موقت به اتهام آدم ربایی و کودک آزاری صادر کرد. همچنین برای مادر کودک نیز به اتهام رابطه نامشروع و سهل انگاری در نگهداری کودک قرار صادر شد که هم اکنون با سپردن وثیقه آزاد است. این پرونده هم اکنون در دادسرای جنایی شیراز در جریان رسیدگی است.

روزهای جاودانه جهانی، از منظر حقوق بشر و سازمان ملل متحد

27 ژانویه	روز بین المللی بزرگداشت خاطره قربانیان هولوکاست
4 فوریه	روز جهانی سرطان (سازمان جهانی بهداشت)
20 فوریه	روز جهانی عدالت اجتماعی
21 فوریه	روز بین المللی زبان مادری
8 مارس	روز سازمان ملل متحد برای حقوق زنان و صلح بین المللی
21 مارس	روز بین المللی نوروز
21 مارس	روز بین المللی رفع تبعیض نژادی
21 مارس	روز جهانی شعر (یونسکو)
شروع از 21 مارس	هفته همبستگی با ملتهای در حال مبارزه علیه نژاد پرستی و تبعیض نژادی
22 مارس	روز جهانی آب
23 مارس	روز جهانی هواشناسی
24 مارس	روز جهانی بیماری سل (سازمان جهانی بهداشت)
24 مارس	روز بین المللی حق بر صحت و درستی درباره نقض فاحش حقوق بشر و منزلت قربانیان
25 مارس	روز بین المللی یاد بود قربانیان بردگی و تجارت برده ار آن سوی اقیانوس اطلس
2 آوریل	روز جهانی آگاهی درباره اوتیسم
4 آوریل	روز بین المللی آگاهی از مین و کمک به اقدام علیه مین
7 آوریل	روز یادبود قربانیان نسل کشی رواندا
7 آوریل	روز جهانی بهداشت

وضعیت حقوقی کودک و نوحوان در ایران در 1390

23 آوریل	روز جهانی کتاب و حق پدید آورنده
25 آوریل	روز جهانی مالاریا (سازمان جهانی بهداشت)
26 آوریل	روز جهانی مالکیت معنوی (سازمان بین المللی مالکیت معنوی)
28 آوریل	روز جهانی ایمنی و سلامت در محیط کار (سازمان بین المللی کار)
3 مه	روز جهانی آزادی مطبوعاتی
8 و 9 مه	زمان بزرگداشت و آشتی برای کسانی که زندگی خود را در جریان جنگ جهانی دوم از دست دادند
9 و 10 مه	روز بین الملل پیرندگان مهاجر
15 مه	روز بین المللی خانواده‌ها
17 مه	روز جهانی ارتباطات
17 مه	روز جهانی جامعه ارتباطات
21 مه	روز جهانی تنوع فرهنگی برای گفت و گو و توسعه
22 مه	روز جهانی تنوع زیستی
از 25 مه	هفته همبستگی با مردان سرزمین های غیر مستقل
29 مه	روز بین المللی حافظان صلح ملل متحد
31 مه	روز جهانی خودداری از مصرف دخانیات
4 ژوئن	روز بین المللی کودکان بی گناه قربانی تجاوز و تعرض
5 ژوئن	روز جهانی محیط زیست
8 ژوئن	روز جهانی اقیانوس ها
12 ژوئن	روز جهانی علیه کار کودک (سازمان بین المللی کار)
14 ژوئن	روز جهانی اهداکنندگان خون (سازمان جهانی بهداشت)
17 ژوئن	روز جهانی مبارزه با گسترش کویر و خشکسالی
20 ژوئن	روز جهانی پناهندگان
23 ژوئن	روز خدمات عمومی ملل متحد
23 ژوئن	روز بین المللی بیوه ها
25 ژوئن	روز دریانوردان
26 ژوئن	روز بین المللی مبارزه با سوء استفاده و قاچاق مواد مخدر
26 ژوئن	روز بین المللی حمایت از قربانیان شکنجه
اولین شنبه ژوئیه	روز بین المللی تعاونیها
11 ژوئیه	روز جهانی جمعیت
18 ژوئیه	روز بین المللی نلسون ماندلا
9 اوت	روز بین المللی مردم بومی جهان (تا 2014)
12 اوت	روز بین المللی جوانان

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

19 اوت	روز جهانی انساندوستی
23 اوت	روز بین المللی یادبود و الغاء تجارت برده
26 اوت	روز نامیبیا
29 اوت	روز بین المللی علیه آزمایش های هسته ای
8 سپتامبر	روز بین المللی سواد آموزی
10 سپتامبر	روز جهانی پیشگیری از خودکشی (سازمان جهانی بهداشت)
15 سپتامبر	روز بین المللی دموکراسی
16 سپتامبر	روز بین المللی حفظ لایه اوزون
21 سپتامبر	روز بین المللی صلح
25 سپتامبر (آخرین یکشنبه سپتامبر)	روز جهانی قلب (سازمان جهانی بهداشت)
21 سپتامبر	روز جهانی گردشگری
28 سپتامبر	روز جهانی بیماری های (سازمان جهانی بهداشت)
29 سپتامبر (هفته آخر سپتامبر)	روز جهانی دریانوردی
1 اکتبر	روز بین المللی سالمندان
2 اکتبر	روز بین المللی عدم خشونت
3 اکتبر	روز جهانی اسکان بشر
5 اکتبر	روز جهانی آموزگاران
اولین دوشنبه اکتبر	روز جهانی اسکان بشری
9 اکتبر	روز جهانی پست
10 اکتبر	روز جهانی بهداشت روان
دومین چهارشنبه اکتبر	روز جهانی کاهش مصایب طبیعی
13 اکتبر (دومین پنجشنبه اکتبر)	روز جهانی بینایی (سازمان جهانی بهداشت)
15 اکتبر	روز بین المللی زنان روستایی
16 اکتبر	روز جهانی غذا
17 اکتبر	روز بین المللی ریشه کنی فقر
20 اکتبر	روز جهانی آمار
24 اکتبر	روز ملل متحد
24 اکتبر	روز جهانی اطلاعات توسعه
24 - 30 اکتبر	هفته خلع سلاح
6 نوامبر	روز بین المللی پیشگیری از سوء استفاده از محیط زیست در جنگ و

وضعیت حقوقی کودک و نوحوان در ایران در 1390

	مناقشه مسلحانه
10 نوامبر	روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه (یونسکو)
14 نوامبر	روز جهانی دیابت
16 نوامبر	روز بین المللی بردباری
17 نوامبر	روز جهانی بیماری های مزمن انسداد ریوی (سازمان جهانی بهداشت)
17 نوامبر	روز جهانی فلسفه (یونسکو)
20 نوامبر	روز صنعت گستر آفریقا
20 نوامبر	روز جهانی کودکان
21 نوامبر	روز جهانی تلویزیون
سومین یکشنبه نوامبر	روز جهانی یادآوری قربانیان ترافیک جاده ها
25 نوامبر	روز بین المللی حذف خشونت علیه زنان
29 نوامبر	روز بین المللی همبستگی با مردم فلسطین
1 دسامبر	روز جهانی ایدز
2 دسامبر	روز بین المللی لغو برده داری
3 دسامبر	روز بین المللی معلولان
5 دسامبر	روز بین المللی داوطلبان برای توسعه اقتصادی و اجتماعی
7 دسامبر	روز بین المللی هواپیمایی غیر نظامی
9 دسامبر	روز بین المللی مبارزه با فساد
10 دسامبر	روز جهانی حقوق بشر
11 دسامبر	روز بین المللی کوهستان
18 دسامبر	روز بین المللی مهاجران
19 دسامبر	روز ملل متحد برای همکاری جنوب - جنوب
20 دسامبر	روز بین المللی همبستگی بشر
روزهای بین المللی دیگر در مجموعه نظام سازمان ملل متحد	
8 مارس	روز بین المللی زنان
23 مارس	روز جهانی هوا شناسی
7 آوریل	روز جهانی بهداشت
17 مه	روز جهانی مخابرات
31 مه	روز جهانی امتناع از مصرف دخانیات
8 سپتامبر	روز بین المللی با سواد
آخرین هفته سپتامبر	روز جهانی کشتیرانی
9 اکتبر	روز جهانی پست

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

24 اکتبر	روز جهانی اطلاعات توسعه
20 نوامبر	روز جهانی کودک (این تاریخ متغیر است)
1 دسامبر	روز جهانی ایدز
5 دسامبر	روز بین‌المللی داوطلبان برای توسعه اقتصادی و اجتماعی
مناسبت‌های خاص سازمان ملل متحد دهه‌ها و سالهای بین‌المللی	
1996 – 1985	دهه حمل و نقل و ارتباطات برای آسیا و اقیانوس آرام
1997 – 1988	دهه جهانی توسعه فرهنگی
دهه 1990	سومین دهه خلع سلاح
دهه 1990	دهه بین‌المللی برای کاهش مصائب طبیعی
1999 – 1990	دهه حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد
2000 – 1990	دهه بین‌المللی ریشه کنی استعمار
2000 – 1991	چهارمین دهه توسعه ملل متحد
2000 – 1991	دومین دهه حمل و نقل و ارتباطات برای آفریقا
2000 – 1991	دهه ملل متحد بر علیه سوء استفاده از مواد مخدر
2002 – 1993	دومین دهه توسعه صنعتی برای آفریقا
2002 – 1993	دهه معلولان آسیا و اقیانوس آرام
5 دسامبر	سومین دهه نژاد پرستی و تبعیض نژادی
2005 – 1994	دهه ملل متحد برای آموزش حقوق بشر
1994	سال بین‌المللی خانواده
1994	سال ملل متحد برای بردباری (عقیدتی)
1995	سال جهانی بزرگداشت خاطره قربانیان جنگ جهانی دوم
1996	سال بین‌المللی ریشه کنی فقر
1998	سال بین‌المللی اقیانوس
1999	سال بین‌المللی سالمندان
2000	سال بین‌المللی فرهنگ صلح
2000	سال بین‌المللی شکر گزاری
2001	سال بین‌المللی گفتگوی تمدنها
2001	سال بین‌المللی داوطلبان
2001	سال بین‌المللی بسیج علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه پرستی و نابردباری‌هایی که در این زمینه است
2010 – 2001	دهه بین‌المللی برای فرهنگ صلح و عدم خشونت برای کودکان جهان
2002	سال بین‌المللی کوهها

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

2002	سال بین المللی گردشگری زیست محیطی
2003	سال بین المللی آب شیرین
2004	سال بین المللی یادبود مبارزه با برده داری و لغو آن
2004	سال بین المللی برنج
2015-2005	دهه بین المللی برای اقدام : آب برای زندگی
2005	سال بین المللی اعتبارات خرد
2005	سال بین المللی فیزیک
2005	سال بین المللی ورزش و تربیت بدنی
2006	سال بین المللی کویر و کویر زدایی
2008	سال بین المللی سبب زمینی
2008	سال بین المللی تاسیسات بهداشتی
2008	سال بین المللی کره زمین
2008	سال بین المللی زبان ها
2009-2008	سال بین المللی آموختن حقوق بشر (برای یکسال ، از 10 دسامبر 2008)
2009	سال بین المللی آشتی
2009	سال بین المللی الیاف طبیعی
2009	سال بین المللی نجوم
2010	سال بین المللی تنوع زیستی
2010	سال بین المللی نزدیکی فرهنگ ها
2010	سال بین المللی جوانان : گفتگو و تفاهم متقابل
2011	سال بین المللی جنگل ها
2011	سال بین المللی علم شیمی
2011	سال بین المللی افراد با اصل، نسب و نژاد آفریقایی
2012	سال بین المللی انرژی پایدار برای همه
2013	سال بین المللی همکاری درباره آب



بالا رفتن آمار مرگ مادران باردار

شهرزادنیوز: پیرفلاح، رئیس سازمان نظام پزشکی کردستان، در گفتگو با خبرگزاری مهر اعلام کرد که 2 درصد آمار مرگ مادران باردار در ایران مربوط به مادران باردار زیر 18 سال است. 99 درصد مرگ و میر مادران باردار در سطح جهان در کشورهای در حال توسعه است. بیماری های عفونی و فقدان استانداردهای اولیه بهداشتی از جمله علل اساسی مرگ و میر مادران باردار می باشد.

کودک آزاری دیگر



حدیثه زمانی به بیمارستان شفا یحیاییان منتقل شد که این عضو بدن او از بین رفته بود

درست همان روزهایی که اخبار تلخ کودک آزاری «هانیه»، افکار عمومی را درگیر کرده بود، در گوشه دیگری از شهر، دست راست دختری پس از ضرب و شتم شدید از سوی پدرش و سهل انگاری در مداوا، علیرغم انجام ۹ عمل جراحی از آرنج قطع شد. به گزارش ایسنا، شیرین صدر نوری - مددکار انجمن حمایت از حقوق کودکان - درباره جزئیات این پرونده، اظهار کرد: آن گونه که حدیثه گفته است، در واپسین روزهای فروردین ماه امسال زمانی که

مشغول ارسال پیامکی از تلفن همراه خود بود، پدر و پدربزرگش نسبت به او حساس شده و او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، و از آن زمان است که دردهای مکرر دست راست حدیثه آغاز می‌شود و مراجعه به شکسته‌بند خانگی توسط مادر بزرگش هم فایده نداشت.

وی با اشاره به اینکه حدیثه فرزند طلاق است و حضانت او با مادرش بود، گفت: حدیثه به صورت موقت و تا پایان ایام امتحانات به همراه دو برادر کوچکترش نزد پدرش زندگی می‌کرد، پدری که سابقه اعتیاد را در پرونده زندگی خود دارد.

صدر نوری گفت: با گذشت دو هفته درد دست حدیثه نه تنها قطع نشد بلکه در ۱۱ اردیبهشت‌ماه به دلیل تشدید درد، پدرش او را به بیمارستان فیاض‌بخش منتقل می‌کند، اما بنا به گفته حدیثه، به دلیل هزینه درمان، پدرش او را به خانه بازمی‌گرداند.

به گفته وی، پدر حدیثه چهار روز بعد و زمانی که دست او تا بالای مچ سیاه شده بود، او را به بیمارستان شفای یحییان منتقل می‌کند.

مددکار انجمن حمایت از حقوق کودکان ادامه داد: حدیثه زمانی به بیمارستان شفا یحییان منتقل شد که این عضو بدن او از بین رفته بود و علیرغم تلاش پزشکان و قرار دادن دست او در یخ برای احیای عضو، در نهایت پس از انجام ۹ عمل جراحی ناموفق، ناچار به قطع دست او از آرنج می‌شوند. حضانت حدیثه به مادرش سپرده شده بود و او موقتا نزد پدر مانده بود صدرنوری در ادامه، به گذشته زندگی خانوادگی حدیثه پرداخت و با بیان اینکه پدر و مادر حدیثه از یکدیگر جدا شده بودند، عنوان کرد: در حالی که قاضی پرونده حضانت حدیثه و دو برادر کوچکترش را به علت عدم صلاحیت پدر، به مادر سپرده بود، اما از آنجا که مادر در تهران جایی برای سکونت نداشت، به همدان نزد اقوام خود می‌رود و قرار بوده که بچه‌ها نیز تا زمان اتمام ایام امتحانات نزد پدرشان بمانند.

اما این فاجعه در ایام غیبت مادر رخ می‌دهد. مددکار انجمن حمایت از حقوق کودکان با اشاره به کوتاهی و سهل‌انگاری پدر و همچنین مادری که به تماس و شکایت‌های ناشی از درد کودکش توجه نمی‌کند، افزود:

با توجه به سابقه بیماری عفونی حدیثه، والدین باید نسبت به درد این دخترک حساسیت بیشتری نشان می‌دادند، چرا که بنابر اظهار نظر پزشکان معالج وی، این احتمال وجود دارد که ضرب و شتم «حدیثه» منجر به آسیب‌دیدگی عروق دست وی شده و در نهایت، گسترش عفونت در دست راست او به دلیل غفلت از مراجعه به پزشک، منجر به قطع دست وی شده باشد.

صدر نوری با اعلام پذیرش وکالت این پرونده از سوی انجمن حمایت از کودکان، عنوان کرد:

با توجه به مدارک موجود، در حال تنظیم دادخواستی علیه پدر حدیثه هستیم و این موضوع را از طریق مراجع قضایی پیگیری می‌کنیم. و امروز حدیثه در حالی در کنار هانیه، نیما و باریدی که دیگر در میان ما نیست، قرار می‌گیرد که شمار اخبار کودک‌آزاری‌ها در جامعه رو به افزایش است. فریادهای این کودکان در ضعف‌های قانونی و اعتباری به گوش مسئولان ذیربط نمی‌رسد یا آن را هم می‌توان به گردن مشکلات فرهنگی و اقتصادی جامعه انداخت و وجدان خود را آرام کرد؟

زندگی فروخته و رنج کودکان کار در ایران



زندگی فروخته و رنج کودکان کار در ایران

در سراسر جهان حدود ۲۱۵ میلیون کودک مجبورند کار کنند. بخشی از آنان به کارهایی بس خطرناک مشغولند. در ایران چگونه است؟ چه بایست بشود تا این کودکان از چرخه فقر درآیند و زندگی‌ای انسانی، عاری از درد و خشونت را تجربه کنند؟

سازمان ملل متحد روز ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) را روز مبارزه با کار کودک اعلام کرده است. بدین مناسبت دویچه وله از نادر طالبی، مسئول واحد پژوهش "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان"، دعوت به مصاحبه کرد.

"جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان" سازمانی غیردولتی است که در سال ۱۳۸۲ و به منظور حمایت از "کودکان کار در ایران" تأسیس شد. این سازمان هدف کلی خود را «محو کار و تمامی اشکال سوءاستفاده از کودکان با جلب حمایت و تشکل نیروهای اجتماعی به مثابه نیروی فشار مستقیم بر دولت‌ها و سیستم اجتماعی حاکم بر ایران و جهان» اعلام کرده است.

اهداف اختصاصی این سازمان عبارتند از «ایجاد مراکز امن و ماندگار با ویژگی قابل دسترس بودن برای کودکان کار و خیابان جهت حمایت و توانمندسازی از کودکان کار و خیابان».

نادر طالبی: البته ما در ایران، کلاً راجع به آمار داشتن، مشکل داریم. تقریباً راجع به چیز خاصی آمار نداریم. به شتر می‌گویند: چرا گردنت کج است؟

می‌گوید: کجایم صاف است که گردنم صاف باشد؟!

ما راجع به هیچ مسئله‌ای در ایران آمار دقیق نداریم، راجع به پدیده‌ای مانند کودکان کار که این همه اشکال مخفی دارد و فرم‌هایی دارد که به راحتی نمی‌توان آن را دید، مشکلات بسیار بیشتر است. ولی مانند هر مسئله‌ی دیگری، آمارهای مختلفی راجع به این قضیه داده می‌شود.

اتفاقاً آمار کودکان کار، بخشی از مبارزه‌ی اجتماعی برای لغو کار کودک است. یعنی این‌که بتوانیم به دولت بقبولانیم که این تعداد کودک کار وجود دارد، خود بخشی از مبارزه است و می‌تواند قضیه را تبدیل به مسئله کند.

سازمان بهزیستی در آخرین آمار خود، نزدیک به هفتصد هزار تا یک میلیون کودک کار برای ایران اعلام کرده است. ولی اداره‌ی آمار ایران گفته که ما نزدیک به دوونیم میلیون کودک کار، یعنی افراد زیر ۱۵ سال داریم که در ایران کار می‌کنند. مانند هر مسئله‌ی آماری دیگر، موضوع این است که اصلاً تعریف این دوستان از کودک کار چیست. تعریف آن‌ها ممکن است مقداری با تعریف سازمان‌های غیردولتی متفاوت باشد.

به نظر ما، اگر بچه‌ای پاره‌وقت کار می‌کند، اگر بچه‌ای با خانواده‌اش کار می‌کند، اگر بچه‌ای در شرایط مهاجرت است و کار می‌کند، همه جزو نیروی کار کودکان در ایران حساب می‌شوند. بر مبنای تخمین ما، با حساب همه‌ی این چیزها و مثلاً تعداد کارگاه‌هایی که در ایران ثبت شده، در خوش بینانه‌ترین حالت حدود سه و نیم تا چهار میلیون کودک کار در ایران داریم که مقداری با آمارهای دولتی تفاوت دارد.

اصولاً راجع به آمار کودکان کار همه‌ی این‌ها روش‌های تخمینی هستند. مثلاً تعداد شاغلین به تحصیل را حساب می‌کنند و از افرادی که در سن کودکی هستند کم می‌کنند، تعدادی که باقی می‌مانند، می‌شوند کودکانی که کار می‌کنند. در صورتی‌که خیلی از بچه‌ها هستند که درس می‌خوانند و کار می‌کنند، خیلی از بچه‌ها هستند که مهاجرت و اصلاً جزو آمارها نیستند.

مسئله‌ی دیگر نیز این است که معمولاً این آمارها را به این شکل درمی‌آورند که مثلاً می‌روند به کارگاه سرکشی می‌کنند، یک فرم هم دست‌شان است، خودشان را معرفی می‌کنند که از اداره‌ی کار یا فلان اداره‌ی دیگری آمده‌ایم. بعد می‌پرسند: آیا شما این‌جا بچه‌ی کار دارید؟ خُب مانند همه‌ی مسائل دیگر، همه دروغ می‌گویند و می‌گویند: نه!

در صورتی‌که ما خودمان در سرکشی به کارگاه‌های محله‌های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ تهران، تجربه داریم و می‌دانیم این‌که ما بتوانیم آمار دقیق از توی کارگاه‌ها دربیآوریم (چون همان‌طور که می‌دانید، بیشتر بچه‌های کار در کارگاه‌ها کار می‌کنند، نه در خیابان)، خیلی کار سختی است. برای نمونه، همکارهای من رفته بودند و پرسیده بودند که آیا در این‌جا بچه‌ای هست که کار بکند، صاحب کارگاه می‌گفت: نه! در حالی‌که سه‌تا بچه جلوی خود آن‌ها داشتند کار می‌کردند. دوستان پرسیده بودند:

پس این بچه‌ها چی هستند؟

گفته بودند: افغانی‌اند! یعنی اصلاً جزو آدم‌هایی که به آن‌ها به عنوان بچه‌های کار فکر کنند، حساب نمی‌شوند.

در این جا ایراد از کارفرما نیست، منظور من، ایراد مکانیسمی است که می‌خواهند تعداد کودکان کار را بر آن اساس تخمین بزنند. خلاصه‌ی کلام این است که خیلی آدم‌ها جا می‌مانند و به همین دلیل، آمار سازمان‌های غیررسمی، بیشتر از آمار دولتی است.

ممکن است به اختصار وضعیت این کودکان را در ایران برای ما توصیف کنید؟

وضعیت کودکان کار در ایران، جدا از وضعیت کودکان کار در همه‌ی دنیا نیست. یک‌سری چیزهای مشترکی وجود دارد، مانند محرومیت از کودکی، بازماندگی از تحصیل و آسیب‌های جسمانی و روانی‌ای که به آن‌ها وارد می‌شود. مانند آثار فیزیولوژیکی‌ای که کار بر بدن کودک می‌گذارد. مثال ساده‌اش که برای همه ملموس است، کودکان زباله‌گردی هستند که همیشه کوهی از زباله روی کمرشان است و این‌ها قطعاً در آینده، ستون فقرات مشکل‌داری خواهند داشت.

از طرف دیگر هم محیط کار کودکان، چه در خیابان و چه در کارگاه‌ها، بسیار محیط پرآسیب و پرتنش است. پر از کتک، تجاوز، خشونت، فحاشی و... است. این محیط طبعاً امکان رشد سالمی را که کودک بتواند استعدادهای خود را بروز بدهد، یا در واقع، بتواند مهارت‌های لازم برای زندگی اجتماعی را کسب کند از او می‌گیرد.

آن‌چه می‌خواهم روی آن تاکید کنم، این است که همین بلایی که در کودکی بر سر کودک کار می‌آید، باعث می‌شود، به احتمال خیلی بیشتری، در آینده، جزیی از طبقه‌ی فرودست جامعه باشد. چون فرصت نکرده تحصیل کند، چون فرصت نکرده مهارت کلامی کسب کند، چون فرصت نکرده مدارک فنی-حرفه‌ای بگیرد و همه‌ی این‌ها دست به دست هم می‌دهند که در آینده مجبور بشود پست‌ترین و ساده‌ترین کار را انجام بدهد و خود به‌خود احتمال بیشتری دارد که همین کودکی که به این شکل بزرگ شده، والد یا والدی یک بچه‌ی کار دیگر بشود. منظورم این است که با کار کودکان، ما یک فرآیند بازتولید نابرابری اجتماعی داریم.

"جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان" که شما مسئول واحد پژوهش آن هستید، حدود یک دهه است که فعال است. فعالیت شما، چه زمینه‌هایی را در بر می‌گیرد؟

فعالیت‌های "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان" را می‌توانم به دو قسمت اساسی تقسیم کنم. یک بخش آن معطوف به کودکان کار است. ما سعی کردیم برای تعداد محدودی از کودکان کار، آسیبی را که دارند روزمره، و همین امروز از شرایط زندگی‌شان می‌بینند، کم کنیم. مثلاً برای‌شان آموزش سوادآموزی داریم، خدمات بهداشتی، خدمات مددکاری، کلاس‌های هنری، کتاب‌خانه و چیزهایی از این قبیل داریم.

هدف ما این نیست که با این کارها، بتوانیم کار کودک را لغو کنیم. ما باور داریم که با گسترش کمی مراکزی مانند جمعیت دفاع، مسئله‌ی کودکان کار حل نمی‌شود. یعنی این‌که جمعیت دفاع، ۲۵۰ در مدرسه‌اش دارد، واحد بهداشت‌اش با ۵۰۰ نفر ارتباط دارد و واحد مددکاری‌اش ۱۰۰۰ نفر را حمایت می‌کند، ولی جمعیت کودکان کار در ایران سه میلیون نفر است. ما برنامه‌مان این نیست که مثلاً سه هزار مرکز، مانند جمعیت دفاع راه‌اندازی شود تا این مسئله حل شود.

در واقع، نتیجه‌ای که ما از کار عملی‌مان گرفته‌ایم این است که احساس می‌کنیم سازمان‌هایی که در همین امورات روزمره و در همین کارهای واکنشی می‌مانند، به شکلی دارند آب در هاون می‌کوبند. پس آمدم بخش دیگری در فعالیت‌های جمعیت درست کردیم؛ "رو به جامعه". در فعالیت‌های رو به‌جامعه‌مان سعی می‌کنیم جامعه را متشکل کنیم و آگاه کنیم تا بخواهد و پای حرف‌اش بایستد، برای

این‌که کار کودکان در جامعه نباشد. این خلاصه‌ی کار جمعیت دفاع است در دو حوزه‌ای که دارد فعالیت می‌کند.

در این میان، شما نقش دولت را چه می‌دانید؟

واقعیت این است که طرف مقابل خیلی از خواسته‌های ما دولت است. یعنی یک سری امکاناتی که باید فراهم بشود، برای این‌که عملی باشد که هیچ کودکی کار نکند، نه تنها در ایران، در همه جای دنیا، احتیاج به دخالت شدید دولت دارد. سه شرط بسیار بدیهی و ابتدایی آن هم عبارتند از آموزش اجباری رایگان، حق هویت و تأمین اجتماعی. یعنی هر انسانی تا ۱۸ سال، از حداقل‌های زندگی بهره‌مند باشد. وقتی می‌گوییم حق هویت، یعنی هر کودکی که در این جامعه دارد زندگی می‌کند و در حوزه‌ی قضایی این جامعه است، هویت داشته باشد. نپرسند که پدرت افغانی است یا ایرانی، نپرسند که از دواج پدر و مادرت چطوری بوده و خیلی مسائل دیگر.

وقتی هم می‌گوییم آموزش اجباری و رایگان، منظورم این است که واقعاً این‌طور باشد. نه این‌که در قانون اساسی آمده است "آموزش اجباری و رایگان"، ولی خود دولت اعلام می‌کند که مثلاً یک میلیون نفر از بچه‌ها، از تحصیل بازمانده هستند. خُب این چه آموزش اجباری و رایگانی است. می‌توانم این‌طور بگویم که شرایط مادی زندگی‌ای باید فراهم باشد که کودک مجبور نباشد کار کند...

یعنی دولت در این زمینه سرمایه‌گذاری کند. نیاز به تأمین مالی از طرف دولت هست.

بله؛ این حداقل کاری است که دولت می‌تواند انجام بدهد. حداقل کار دولت این است که این هزینه را برای کودکان که سرمایه‌ی جامعه هستند، بپردازد و در این زمینه سرمایه‌گذاری کند. آن‌چه در این مدت می‌توان دید این است که به دلیل فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی، مقداری در یک سری مسائل پیش رفته‌ایم. ولی واقعیت این است که در خیلی جاها، همچنان در قدم اول هستیم.

من در پاسخ به یکی از دوستان که می‌پرسید، «شما در این ۱۰ سال چه‌کار کرده‌اید؟ هنوز که این همه کودک کار در جامعه وجود دارد»، گفتم: ما در این ۱۰ سال، حداقل توانسته‌ایم جامعه و مسئولین جامعه را قانع کنیم، از این‌که می‌گفتند کودک کار وجود ندارد و ما کودک کار نداریم، به این‌جا برسند که خودشان بیایند بگویند: ما دوونیم میلیون کودک کار داریم. از این‌که همه جا تبلیغ کنند که کار کردن کودکی را می‌سازد و آدم را برای زندگی در بزرگسالی آماده می‌کند، برسند به این‌جا که شهرداری تهران بیلبورد و تابلو بزند که «تحصیل حق همه‌ی کودکان است»، یا «هیچ کودکی نباید کار کند» و... در حالی‌که قبلاً این مسائل در حوزه‌ی فرهنگی دولتی اصلاً مطرح نبوده است. امروز خوشبختانه به این‌جا رسیده و امیدواریم به اقدامات عملی منجر شود و فقط در حد ژست و شعار نماند.

فکر می‌کنید، در این میان، مردم چه نقشی می‌توانند بر عهده داشته باشند؟

یعنی آن‌ها چه‌کار می‌توانند انجام بدهند؟

ما الان در جمعیت دفاع، در یک حالت نطفه‌ای نسبت به این قضیه قرار داریم. راجع به این‌که چه فرم‌هایی می‌تواند بگیرد، من نمی‌توانم نظری بدهم. اما ممکن است شما از من بپرسید که من به عنوان خبرنگار چه‌کار می‌توانم در این زمینه انجام بدهم؟

من می‌گویم که شما به عنوان خبرنگار، می‌توانید پوشش خبری این قضیه را زیاد کنید. یا اگر یک پزشک از من بپرسد که چه‌کار می‌تواند بکند، من می‌گویم که شما چهارتا مقاله بنویس راجع به این قضیه که کار کودک چه آسیب جسمانی‌ای وارد می‌کند. همه‌ی ما می‌دانیم که کودک آسیب جسمانی خواهد خورد، اما هیچ‌وقت دقیق مطرح نشده که کودک چه آسیب جسمانی‌ای از کار کردن می‌بیند.

هرکسی به فراخور جایگاه اجتماعی‌ای که دارد، می‌تواند برای این قضیه تلاش کند.

حال این تلاش می‌تواند تا تظاهرات پیش برود، می‌تواند اقدامات کوچک‌تری باشد که به غلط در جامعه‌ی ما به آن آگاه‌سازی می‌گویند... یا کمک به کانون‌هایی مانند شما که فعال هستند. قطعاً این‌طور است. کانون‌هایی مانند ما که فعال هستند، قاعدتاً وظیفه‌شان این است یا می‌خواهند این کار را بکنند که جنبش اجتماعی برای لغو کار کودک را راه‌اندازی کنند. می‌خواهند تغییراتی در قانون یا ساختارهای اجتماعی ایجاد شود که شرایط زندگی بهتری را فراهم کند. هر قدر این کانون‌ها تقویت بشوند، بیشتر می‌توانند پای حرف‌شان بایستند. مثلاً وقتی ما یک سیمینار برای لغو کار کودک برگزار می‌کنیم، اگر به جای ۲۰۰ نفر، ۲۰۰ هزار نفر شرکت کنند که خیلی بهتر است. این نشان می‌دهد که لابد حرف ما بهتر شنیده می‌شود و آن فشار اجتماعی‌ای که لازم است، بهتر می‌تواند منتقل بشود.

آیا امکانی هست که خود خانواده‌ها بتوانند نقشی را برای تغییر این اوضاع بر عهده بگیرند؟ خانواده‌ها، خودشان قربانی این قضیه هستند. متأسفانه ما همیشه عادت داریم که شرایط بد را برای خودمان توجیه کنیم. این یک قضیه‌ی انسانی است و به ایران ربطی ندارد، انسان‌ها همیشه می‌خوانند آنچه را بد است و نمی‌توانند کاری برای آن انجام بدهند، به شکلی توجیه کنند. برای این‌که کمتر اذیت بشوند و به اصطلاح وجدان‌شان از دیدن این قضیه آزرده نشود. کودکان کار هم وجدان همه‌ی ما را آزرده می‌کند و برای آن هم سری توجیهاست وجود دارد.

مثلاً می‌گویند: این‌ها همه‌شان باند هستند که دارند کار می‌کنند. فردی این‌ها را شب می‌آورد، نیمه‌شب می‌برد و... از طرف دیگر می‌گویند: خانواده‌های این کودکان مسئول هستند. یعنی مسئولیت مسئله‌ای را که بر عهده‌ی جامعه و دولت است، بر گردن خانواده می‌اندازند. از طرف دیگر می‌گویند: این‌ها کودکان خیابانی هستند. آن‌ها در خیابان به دنیا آمده‌اند، در آن‌جا زندگی می‌کنند و در همان‌جا هم می‌میرند. ما نمی‌توانیم کاری بکنیم، فوق‌اش می‌توانیم مانند برزیل بزیم این‌ها را بکشیم که فایده هم نداشت و...

اما نه! هیچ‌کدام از این‌ها نیست. به نظر من، خانواده‌ها خودشان قربانی هستند. وقتی من از تأمین اجتماعی صحبت می‌کنم، بخشی از آن، به خانواده برمی‌گردد. منظور من این نیست که بچه تأمین باشد، ولی پدر خانواده از گرسنگی دارد می‌میرد و کار نمی‌تواند بکند.

ما خیلی کیس‌ها را دیده‌ایم که پدر و مادر از کار افتادگی دارند، مثلاً توی کار دست یا پای‌اش قطع شده و یا کور شده است و نمی‌تواند زندگی را تأمین کند، خانواده مانده است و در نتیجه، کودک‌اش باید کار کند. وقتی پدر خانواده این‌طور می‌شود، خانواده دوتا انتخاب دارد، یا مادر باید خودفروشی کند یا بچه باید کار کند. البته فکر می‌کنم، بعد از هدف‌مندی یارانه‌ها، هر دوی‌شان باید این کار را بکنند تا امورات‌شان بگذرد. ولی این واقعیت مادی زندگی‌شان است. مجبورند کار کنند.

متأسفانه یا خوشبختانه، مسئله اصلاً فرهنگی نیست. این که قضیه را فرهنگی جلوه می‌دهند، بخشی به‌خاطر انحراف افکار عمومی از واقعیتی است که دارد اتفاق می‌افتد. مسئله فقر است. تا مشکل فقر هست، هیچ کاری نمی‌توان کرد. نه خانواده می‌تواند کاری بکند، نه مسجد محل می‌تواند کاری بکند، نه معلم و نه سازمان‌هایی مانند ما. مهم‌ترین قضیه فقر است، تا فقر حل نشود، هیچ کاری نمی‌شود کرد. اگر فقر حل شد، بعد می‌توانیم بگوییم که فلان پدر و مادر از نظر فرهنگی متوجه نیستند که کار کودک برای‌اش خوب نیست و بچه را گذاشته‌اند سر کار. بعد می‌شود با این مسئله برخورد کرد. چون محتاج نان شب نیست، به‌خاطر کار کودک.

چه اولویتی وجود دارد که باید تغییر کند تا شمار کودکان کار کمتر بشود؟

من برای این که جمع‌بندی کنم، می‌توانم بگویم که کار کودکان معضل جامعه‌ی ما نیست. ما در یک نظام اجتماعی- اقتصادی جهانی زندگی می‌کنیم که به آن نظام سرمایه‌داری می‌گویند. قضیه‌ی کار کودکان زائیده این نظام و زائده‌ی لازم آن است. مانند چرخ پنجم آن است. کار کودکان نتیجه‌ی شرایط مادی زندگی‌شان است. وقتی می‌گویم شرایط مادی، منظورم تاکید روی شرایط اقتصادی است. تا موقعی که مسئله‌ی اقتصادی حل نشود، کار کودکان از بین نخواهد رفت. اگر سازمان یا دولتی بخواهد اقدام واقعی انجام بدهد، باید برای شرایط مادی بهتر تلاش کند. کار فرهنگی کردن، روضه خواندن و سمینار گذاشتن، هیچ‌کدام فایده‌ای ندارد. چون در نهایت، شب باید غذا سر سفره باشد و پولی برای اجاره‌ی خانه وجود داشته باشد و از هیچ‌کدام از این مسائل، پول برای این دو در نمی‌آید. تنها چیزی که می‌تواند قضیه را تغییر بدهد، فعالیت جدی برای شرایط مادی واقعی زندگی کودکان کار است.

شکجه به دلیل عدم شرکت در نماز جماعت

معلم به دلیل شرکت نکردن در نماز جماعت مدرسه، قاشقی را در آشپزخانه داغ کرده و روی دست آناهیتا زهرانی گذاشته و اینک به این عمل خود مفتخر است

یک کودک بهائی، در شیراز بعثت امتناع از شرکت در نماز جماعت، توسط معلم خود مورد آزار بدنی قرار گرفت.

به گزارش سرویس خبری جامعه بهائی، اخیراً آناهیتا زهرانی ساکن شیراز که در یکی از مدارس دولتی شیراز در پایه اول ابتدایی درس می‌خواند، به خاطر شرکت نکردن در نماز جماعت مدرسه، توسط معلم خود مورد آزار بدنی قرار گرفت.

معلم با وسیله تحریر به شدت روی دست او زد و سپس قاشقی را در آشپزخانه داغ کرده و روی دست او گذاشت. وقتی مادرش به این آزار اعتراض کرد، معلم در حضور مدیر و دیگر معلمان به کار خودش افتخار کرد. آقای زهرانی از طریق قانونی اقدام کرد و همچنین توانست نامه ای از پزشک قانونی در تأیید جراحت کودک بگیرد. در نتیجه معلم مورد توبیخ قرار گرفت.

پایان پیام خبرگزاری رهانا 26 خرداد 1390

دستگیری نوجوان زیر 17 سال

علی نصیری متولد سال 1371، زمان دستگیری 17 سال سن داشت.

بنابه گزارشات رسیده به "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" دروغ‌پردازیهای خبرگزاری سپاه پاسداران (فارس) علیه یک نوجوان بی‌گناه و محاکمه او در دادگاه که بیش از 2 سال در زندان به اتهام دروغین زیر گرفتن یک بسیجی در حالت بلاتکلیفی بسر می‌برد. نوجوان زندانی علی نصیری متولد سال 1371 که در زمان دستگیری 17 سال سن داشت. در جریان اعتراضات گسترده مردم ایران در تاریخ 24 خرداد 1388 حوالی ساعت 23:30 در بلوار پاک نژاد سعادت آباد همراه با دوستانش در ماشین شخصی اش دستگیر می‌شوند. آنها را همان شب به بازداشتگاه آگاهی شاهپور منتقل می‌کنند و پس از 8 روز بازداشت با فیش حقوقی آزاد می‌شود ولی ماشین وی همچنان در توقیف اداره آگاهی شاهپور باقی می‌ماند. همان شب در حالی که چند ساعت قبل از آن علی نصیری در بازداشتگاه اداره آگاهی شاهپور بود. بامداد 25 خرداد ماه حوالی ساعت 02:30 تعدادی بسیجی که در میدان کاج وسایل نقلیه شخصی مردم را متوقف می‌کردند و آنها را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند. توسط یک خودروی ناشناس، بسیجیهای مذکور در میدان کاج زیر گرفته می‌شوند که یکی از آنها بنام حسین غلام کبیری کشته می‌شود. پس از مدتی نوجوان زندانی علی نصیری نامه ای از اداره آگاهی شاهپور دریافت می‌کند مبنی بر اینکه در تاریخ 9 مرداد 1388 برای باز پس گرفتن خودروی توقیف شده به اداره آگاهی مراجعه نماید. هنگامی که این نوجوان به اداره آگاهی مراجعه می‌کند او را مجدداً دستگیر و بازداشت می‌کنند. او پس از بازداشت در آگاهی شاهپور، به کانون اصلاح و تربیت و سپس به زندان گوهردشت کرج منتقل می‌گردد. پس از 2 سال بلاتکلیفی در زندان در خرداد ماه جاری وی را به دادگاه منتقل و توسط فردی بنام عزیز محمدی که تقریباً اکثر احکام اعدام در استان تهران توسط این جنایتکار صادر می‌شود مورد محاکمه قرار می‌گیرد. علی نصیری بر مبنای 2 اتهام مباشرت در قتل و نداشتن گواهینامه مورد محاکمه قرار گرفت. علیرغم فاصله زمانی بین دستگیری این نوجوان و روی دادن حادثه تصادف که چندین ساعت بعد می‌باشد، باز هم اصرار بر محکوم شناختن این نوجوان را دارند. پس از 2 سال بلاتکلیفی در بازداشت در آستانه مناسبتهای خونین خرداد ماه که توسط سرکوبگران بر مردم ایران تحمیل کردند خبرگزاری سپاه پاسداران معروف به فارس با دروغ‌پردازی و وارونه جلوه دادن واقعیتها سعی دارد که این نوجوان را گناهکار معرفی نماید.

علی نصیری که در سن 17 سالگی دستگیر شده است و بیش از 2 سال در بلاتکلیفی در زندان بسر می‌برد در حال حاضر در بند 5 زندان گوهردشت کرج بند جوانان زندانی است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، نسبت دادن اتهامات دروغین به نوجوان زندانی برای صدور احکام اعدام را محکوم می‌کند و از کمیسیون عالی حقوق بشر و سایر مراجع بین المللی خواستار تسریع در ارسال گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای تهیه گزارش مستقل از جنایتهای رژیم ولی فقیه علی خامنه ای و ارائه آن به سازمان ملل برای گرفتن تصمیمات لازم اجرا می‌باشد.


فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران 25 خرداد 1390 برابر با 15 ژون 2011 گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:







کمیسیون عالی حقوق بشر - کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا - سازمان عفو بین الملل

از روز جهانی حقوق بشر

سلیمان چوگلی



در اعتراض به اعدام و حمایت از زندانیان سیاسی و مدنی در ایران



"سلیمان چوگلی" فعال مدنی کرد ساکن تروژ در آستانه 20 ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی و مدنی در ایران و در اعتراض به اجرای احکام روز افزون اعدام و با اعلام حمایت از نامزدی "محمد صدیق کبوندوژ" رئیس سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، جهت دریافت جایزه صلح نوبل 2011 آکسفورد از شهر "تروندهایم" در تروژ به مقصد "پارلمان اروپا در بروکسل" انجام خواهد داد.

طی این آکسیون که با دوجرخه انجام خواهد گرفت، مسافتی قریب به 2200 کیلومتر را در طول یک ماه طی خواهد نمود. وی با این اقدام خود سعی خواهد کرد تا افکار عمومی جهان و غرب را به مسئله ی حقوق بشر در ایران معطوف نماید.

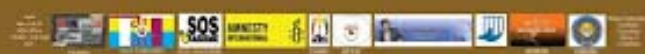



همگام با

رکاب زدن های

یک فعال مدنی کرد

- تاریخ و محل حرکت
- شنبه 18 ژوئن 2011 _ 12 ظهر به وقت اروپا، مرکز شهر تروندهایم (تورگه)
- نقطه پایانی
- بلژیک، بروکسل، پارلمان اروپا



خواهد رسید روزی که آه مظلوم دامنگیر شود



صبح امروز، در مسیر منزل تا به دفتر کار را با رادیو جوان، گریستم، اشک امانم را بریده بود، از زندگی بیزار شده بودم و هر چه نفرین بلد بودم، در دلم نثار مسوولانی کردم که خوب پست می‌گیرند، خوب سفر می‌روند، خوب جلسه می‌گذارند، خوب پاراف می‌کنند، خوب کت و شلوار می‌پوشند، خوب مصاحبه می‌کنند و البته خیلی خوب هم حقوق و حق مأموریت و اضافه کار و حق مدیریت و پاداش و... می‌گیرند و صد البته خیرشان هم به هیچ بنی بشری نمی‌رسد.

خبری که صبح امروز مرا به تلخی زهر مبدل کرد، این بود:

در استان کرمانشاه، مادری فرزند معلول خود را هر روز، بر روی فرغون به مدرسه‌ای که چهار کیلومتر با خانه استیجاریشان فاصله دارد می‌برد و می‌آورد؛ صاحبخانه هم جوابشان کرده و در همین هفته، باید خانه را تخلیه کنند. البته خیر و فیلمش را حدود ۲۰ روز پیش تلویزیون پخش کرد، اما نه به عنوان خبری در باره فقر و تبعیض که به عنوان خبری درباره مهر مادری و اینکه مادر یعنی عشق و ایثار! رادیو جوان هم گویا آن را به طور جدی پیگیری کرده بود و در پی آن، مسوولان استان تنها کاری که آن هم بعد از رسانه‌ای شدن ماجرا و درآمدن اشک ملت انجام داده‌اند این بود:

رفته‌اند خانه این کودک معلول و ۵۰ هزار تومان داده‌اند و برگشته‌اند؛ واقعاً خسته نباشند! آنچه اشک آدمی را در می‌آورد، نه فقط وضع نامناسب این خانواده، که برخورد حقیرانه مسوولان در این خصوص است.

حتی تصورش هم برای ما سخت است: مادری رنجور، هر روز کودک معلول خود را در فرغون می‌گذارد و چهار کیلومتر می‌کوبد و می‌رود تا بچه را به مدرسه برساند و بعد از ظهر هم همین مسیر را با فرغون خالی می‌رود تا بچه علیلش را بازگرداند و تازه در این گیر و دار، صاحبخانه هم جوابشان کرده و...!

آدم واقعاً می‌ماند که در این کشور، نهادهایی مانند بهزیستی و کمیته امداد چه کار می‌کنند؟ مسوولان کشوری و استانی مگر مسوولیتی مهم‌تر از رسیدگی به حال محرومان دارند؟

به خدا سوگند حال و روز این خانواده فقیر کرمانشاهی، در قیاس با بسیاری از خانواده‌های دیگر که حتی محتاج نان شبشان هم هستند و آن یک فرغون را هم ندارند، بسیار بهتر و شاهانه است! واقعاً شرم آور نیست در کشوری که مسوولانش دغدغه فقرای تاجیکستان و دختران دم بخت کومور و یتیمان عراق و معلولان جمهوری آذربایجان و... را دارند، مادری فقیر، بچه معلولش را با فرغون به مدرسه ببرد و بیاورد و آقایان، بعد از رسانه‌ای شدن موضوع، تنها یک تراول ۵۰ هزار تومانی بیندازند جلوی آن‌ها و بعد هم مصاحبه کنند و آمارهای کذایی دهند که بله ما برای محرومان چنین و چنان می‌کنیم!

بهزیستی این وسط چه کاره است؟

اگر رسیدگی به حال معلولان، مخصوصاً کودکان معصوم معلول و فقیر وظیفه بهزیستی نیست، پس وظیفه کیست؟

کمیته امداد پول‌هایی که هر روز از مردم می‌گیرد چه می‌کند؟ منکر زحمات و کارهای مثبتی که تاکنون انجام داده‌اند نیستم ولی در برابر ثروت و امکاناتی که دارند و کمک‌هایی که از مردم می‌گیرند و پول نفت مملکت که باید صرف فقرزدایی شود، آیا وضعیت کنونی کشور قابل قبول است؟

آیا اگر کمیته امداد امام خمینی (ره) به جای تهیه جهیزیه برای دختران فقیر جزیره «آنژروان» کشور کومور، به این مادر فقیر کرمانشاهی و کودک معلولش و امثال این‌ها کمک می‌کرد، فقرای مملکت خودمان حال و روز بهتری نداشتند؟

به این آمار که خود کمیته امداد به عنوان بخشی از عملکردش در سایت خود قرار داده نگاه کنید:

فعالیت‌های کمیته امداد در کشور آفریقایی کومور:

- افتتاح دفتر نمایندگی در جزیره آنژروان کشور کومور
- برگزاری میزگرد تخصصی هم‌اندیشی در مورد آفریقا با همکاری وزارت امور خارجه (واقعاً معلوم نیست برگزاری میزگرد تخصصی درباره آفریقا چه ربطی به کمیته امداد دارد؟)
- آغاز فعالیت احداث مسکن برای دختران یتیم در آستانه ازدواج در کشور کومور
- تحت پوشش قرار دادن ۳۲۰ روستا در کومور
- در پایان سال ۱۳۸۸ تعداد ۵۵۵ خانوار با جمعیت ۲۹۸۷ نفر شامل ایتام، معلولان و بیماران را بصورت دائمی مورد حمایت کمیته امداد کشور کومور قرار داشته است. مجموعه کمک‌های پرداختی به مددجویان و هزینه‌های اداری و عملیاتی کمیته امداد کشور کومور در سال ۱۳۸۸ مبلغ ۵ میلیارد ریال معادل ۴۹۹۳۵۲ دلار بوده است.

فعالیت‌های کمیته امداد در تاجیکستان:

- رفع مشکل مسکن محرومان تاجیک: نسبت به ترمیم و تعمیر و بازسازی ۳۲۰ واحد منزل مسکونی اقدام شده است که ۸۵۸۴۴ دلار هزینه دربرداشته است.
- در پایان سال ۸۸ تعداد ۶۲۶۴ خانوار با جمعیت ۲۴۲۲۶ نفر از ایتام، بی‌سرپرستان، معلولان، ازکارافتادگان و سالمندان مورد حمایت کمیته‌های امداد امام خمینی (ره) این کشور قرار داشته‌اند که اکثریت آن‌ها از خانواده‌های بی‌سرپرست و مهاجرین مسلمان می‌باشند. ضمن اینکه تعدادی از خانواده‌های روس تبار هم از حمایت‌های این نهاد برخوردارند. یکی دیگر از خدمات کمیته امداد امام خمینی در این کشور کمک به امر ازدواج و تهیه جهیزیه برای نوعروسان می‌باشد. در این راستا طی

سال ۱۳۸۸ مبلغ ۲۹۵۴۶۹ سامانی (واحد پول تاجیکستان) جهت تهیه تجهیزات نوعروسان هزینه شده است.

- دایر نمودن مطب در داخل ساختمان کمیته امداد شهر دوشنبه و بکارگیری دو نفر پزشک زن، عقد قرارداد با بزرگترین بیمارستان دوشنبه، یک پزشک عمومی و یک پزشک متخصص و معالجه ۱۴۸۹۶ نفر مددجو با هزینه سالانه ۵۲۵۴۱ دلار در سال ۸۸.

فعالیت‌های کمیته امداد در جمهوری آذربایجان:

- تعداد واحدهای کمیته امداد امام خمینی در جمهوری آذربایجان ۵۵ واحد شامل ۱ اداره کل مستقر در شهر باکو، ۴ شاخه اصلی (در شهرهای باکو، لنکران، گویچای و گنجه)، ۱۶ کارگاه آموزشی، ۱۹ شعبه توزیع، ۵ واحد فرهنگی، ۵ واحد درمانی و ۵ واحد دیگر می‌باشد. کمیته امداد در این کشور تعداد ۴۶۴ شهر و روستا را تحت پوشش قرار داده است.

- مجموع کمک‌های پرداختی به مددجویان و هزینه‌های اداری و عملیاتی کمیته‌های امداد جمهوری آذربایجان در سال ۱۳۸۸ هـ. ش مبلغ ۱/۵۳ میلیون منات جدید (معادل ۱۷۳۸۶۵۷ دلار، معادل ۱۶/۸ میلیارد ریال) بوده است.

- میزان کمک‌های کالایی به مددجویان موردحمایت طی سال ۱۳۸۸ شامل ۴۸۳۰۲ بطری روغن، ۸۶۲ بسته ماکارونی، ۹/۳ تن برنج، ۶/۶ تن گوشت، ۱۷۴/۵ تن آرد، ۲۴/۴ تن قند و شکر، ۱۰۷ بسته چای، ۱۰۰ تخته فرش، ۱۰۰ دستگاه یخچال و ۵۰۰ میز و صندلی.

فعالیت‌های کمیته امداد در افغانستان:

- میزان کالاهای تحویلی به مددجویان موردحمایت طی سال ۱۳۸۸ شامل ۹۷۶/۱ تن مواد خوراکی نظیر برنج ۱۷۰/۲ تن، قند و شکر ۵۲/۷ تن، ماکارونی ۳۹/۵ تن، روغن ۱۰۶/۱ تن و آرد ۶۰۷/۶ تن بوده است. علاوه بر این تعداد ۴۵۸ عدد کیف، ۱۸۱۹ متر مربع موکت، ۱۴۴ دستگاه اجاق گاز، ۱۲۳/۳ هزار قلم لوازم‌التحریر، ۸۲/۸ هزار قوطی پودر شوینده، ۱۴۹۲ دست پوشاک، ۱۱۷ جفت کفش و ۱۴۳ قلم سایر لوازم خانگی از دیگر کمک‌های این نهاد به مددجویان مورد حمایت می‌باشد. مجموع کمک‌های پرداختی به مددجویان و هزینه عملیاتی کمیته امداد امام خمینی (ره) افغانستان در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۶۶۷۷۶۲ دلار بوده است.

- دایر نمودن مطب در شهر کابل و ارائه خدمات درمانی با هزینه‌ای معادل ۳۰۰۳۵ دلار.

- کمک به امر ازدواج و تهیه تجهیزات برای نوعروسان با صرف ۱۱۰۸۵۴ دلار.

- تحت پوشش قرار دادن ۱۰۰۵۰ نفر دانش آموز با هزینه‌ای معادل ۱۰۹۴۷۴ دلار.

البته آنچه خواندید، فقط بخشی از کمک‌ها در تعدادی از کشورها و فقط در طول سال ۸۸ بوده است و الا رقم کمک‌هایی که از جیب ملت ایران به سمت کشورهای دیگر سرازیر می‌شود بسیار بیشتر از اینهاست. البته کمک به نیازمندان، فارغ از ملیت و دین و مذهب، امری پسندیده است اما وقتی در داخل کشورمان هستند کسانی که برای معالجه کودکان، حاضرند اعضای بدنشان را بفروشند یا وقتی زنان ناگزیر به تن فروشی می‌شوند و کودکان در چهار راه‌ها اسپند دود می‌کنند، آیا رواست چراغ خانه را به بیرون خانه ببریم؟!

بدبختی مملکت اما یکی دو تا که نیست! ای کاش فقط همین مشکل را داشتیم اما فساد و تبعیض و بی‌عدالتی، خیلی عمیق‌تر از این هاست؛ همین چند روز اخیر را ببینید که فصل نقل و انتقال باشگاه‌های فوتبال است و بازیکنان و مربیان بسیاری داد و قالشان به هوا رفته که تعیین سقف قرارداد یعنی چه؟

و معترض‌اند که چرا نباید حقوق سالانه‌شان از ۳۵۰ میلیون تومان بیشتر نباشد (ماهی ۲۹ میلیون تومان!)، تازه این ۳۵۰ میلیون تومان جدا از مزایای دیگری مانند ۷۰ میلیون تومان پاداش و... است. به خداسوگند درآورد و زجر دهنده است که در کشوری، بازیکن تازه به دوران رسیده‌ای که نه اخلاق دارد، نه تحصیلات و نه شایستگی و نه...، سالی یک میلیارد تومان از بیت المال بگیرد و هر روز با ماشین آخرین مدلش، عکس بگیرد و در روزنامه‌های ورزشی چاپ کند و آه از نهاد جوانانی که لنگ ۵ میلیون تومان برای ازدواج هستند در آورد و درست در همان حال، مادری هر روز، کودک معلولش را با فرغون به مدرسه ببرد و بیاورد!

اگر از آن مادر بپرسند که آیا راضی هستی پولی که تو و کودک معصومت هم در آن سهم دارید را به فلان بازیکن فوتبال بدهیم تا بتواند ماشین بی‌ام و خود را به بنز تبدیل کند، چه خواهد گفت؟ مسوولانی که پول آن مادر و کودک را مثل گوشت قربانی بین چند فوتبالیست پخش می‌کنند و لابد خودشان هم سهمی از آن دارند، چگونه می‌توانند در چشمان معصوم آن کودک در حالی که روی فرغون قرار دارد، نگاه کنند؟

قبر و قیامتی هم که برای آقایان نیست!

نمایندگان مجلس و دولتمردان ما هم که گویا نه می‌بینند و نه می‌شنوند؛ انگار نه انگار که جلوی چشم ملت، ده‌ها میلیارد تومان از پول ملت را بین چند جوان پا به توپ، مانند غنائم جنگی به دست آمده از کفار حربی، تقسیم می‌کنند!

بله! وقتی در کشوری، از مردم اعانه جمع می‌کنند و به فقرای آن سوی دریاها می‌دهند، وقتی تازه به دوران رسیده‌های فوتبالیست، پول ملت را در ارقام میلیاردی می‌گیرند و دو قورت و نیمشان هم باقی است، وقتی فلان مسوول دولتی، به خود اجازه می‌دهد بدون حتی عقد قرارداد، ۵ میلیارد تومان به یک شرکت خلق الساعه بدهد تا رئیسش بعد از چند روز راهی واشنگتن شود و به ریش ملت ایرن بخندد، وقتی پرونده میلیاردی سوء استفاده مالی در بیمه ایران، به دلیل نفوذ دولتی آقایان، مسکوت بماند و رئیس جمهور هم مانع محاکمه متهمان مالی آن شود، وقتی پول‌هایی که آقایان جابجا می‌کنند، در ارقامی است که حتی شهرام جزایری هم شوکه می‌شود و... معلوم است که در این کشور، بانوی مستمند کرمانشاهی، که مانند همه مادرها، عاشق کودک معلولش هست، مجبور می‌شود هر روز ۱۶ کیلومتر، را با فرغون راه برود و کودکش را به مدرسه برساند و برگرداند... گریه دیگر مجال نمی‌دهد؛ امان از روزی که آه مظلوم دامنگیر شود! تابناک 29 خرداد 1390

از نه سالگی مداوماً مورد شکنجه، تجاوز و آزار شدید جنسی پدر قرارداداشت

کودکی که از نه سالگی مداوماً مورد شکنجه، تجاوز و آزار شدید جنسی پدر قرارداداشت:

نام: شادی نام خانوادگی: شهریاری

نام پدر: مهدی نام مادر: فهیمه ساکن: مشهد

عمو: مهندس شاغل در یک شرکت کاشی سازی

زنده ام که شادی شهریاری را روایت کنم

ساعت حول یازده شب است. یکی از بچه ها زنگ می زند. گریه امانش نمی دهد. قطع می کند و دقایقی بعد تماس می گیرد. نگران، احوالش را می پرسم. روایتی می کند گریان که کمرم را می شکند. دوست همسرش از سر ناچاری و بی خوابگاهی و به رسم دانشجویی به پانسیون در مشهد رحل می افکند تا ایام امتحاناتش سپری شود و در این مکان به فاجعه ای انسانی برمی خورد. بی درنگ به همه ی کسانی که چاره ساز می شمارد پیغام می دهد. از دخترکی چهارده ساله سخن می گوید که از نه سالگی مورد تجاوز پدرش قرار می گرفته و هفته ای است ناگزیر در این پانسیون سکونت گزیده است. شادی شهریاری با شکایت مادرخوانده اش به دادگاه می رود تا هر دو راز جنایتی را بازگو کنند که شش سالی می شود مدام اتفاق می افتد.

دادگاه قضیه را به پزشکی قانونی ارجاع می دهد و پزشکی قانونی تایید می کند که دخترک بارها از ناحیه واژن و مقعد مورد تجاوز قرار گرفته است؛ به نحوی که پرده بکارت اصلاً در او شکل نمی گیرد.

قاضی ابله پرونده به گمان سر به مهر گذاشتن چنین رویداد هولناکی و نیز توهم سرپوش گذاشتن بر فساد اجتماعی، دخترک را برحسب سنش فاقد صلاحیت طرح دعوی می شمارد و در رای نهایی به تاییدیه ی پزشکی قانونی ارجاع نمی دهد.

پس از اتمام حجت دادگاه، پدر جری تر می شود و تصمیم به فروش دخترک می گیرد. ضعف جسمی شادی در نتیجه ی سوء تغذیه و بدرفتاری، چندان رغبت در میان خریداران بر نمی انگیزد و در راه بازگشت، مهدی شهریاری دخترک را به زیر اتوبوس شرکت واحد هل می دهد که جان سالم به در می برد. مهدی شهریاری، پدر شادی، وقاحت را به آن حد می رساند که در گفتگویی دوطرفه شرط بازگشت شادی به خانه را استمرار تطمیع خویش قرار می دهد... شادی که می گوید خون گریه می

کنم، فشارم می افتد و به کمک آب قند سر پا می ایستم... می گوید که پدرش می گفته همه ی پدران با دخترانشان چنین سر و سری دارند.

بزرگتر که می شود و با دوستانش در میان می گذارد که به ورطه ی چه رخداد هولناکی گرفتار آمده است... شبانه از خواب می پرد، خواب می بیند که پسری روی سینه اش نشسته و به او تجاوز می کند؛ کابوسی که هر شب بختک وار دست از سرش برنمی دارد... مسئول پانسیونش با درد از جیغ های گاه و بیگاه شبانه اش می گوید... به زحمت از پشت تلفن قضیه را به هر کسی که می شناسم در میان می گذارم. همه می ترسند. برخی دخالت نهادهای مدنی را موجب حساسیت دادگاه می دانند و بعضی سعی دارند منصرف کنند... سرم دارد می پُکد، چشم هایم سرخ شده و پلک هایم به رسم مطالع ی شبانه -بی هیچ مطالعه ای- پُف کرده اند... از خانواده اش سراغ می گیرم. مادرش پس از تولد، او را رها کرده و عمویش با وجود آگاهی از موضوع کلاه دیوسی بر سر گذاشته است.

عمه اش نیز برحسب وظیفه ای حداقلی او را به پانسیون سپرده است؛ بی آنکه حتی لیوان یا بشقابی به همراه داشته باشد... «پدرم مرا به اتوبوسی سپرد تا به عمویم در تهران تحویل دهد و به راننده به جای کرایه مرا پیشنهاد کرد و گفت هر کاری دلت می خواهد با او بکن... عمویم از ترمینال با 25 هزار تومان پول و تشر مرا پس فرستاد...»... زنان خیابانی ساکن پانسیون دل به حالش می سوزانند و خوراک و پوشاکش را بر عهده گرفته اند.

نگهبان پانسیون پیرمرد خراسانی مهربانی است که با درد از وضعیت شادی با من سخن می گوید و مدارک پزشکی قانونی و رای دادگاه را نگه می دارد.

پیشتر هر وقت لای روزنامه را باز می کردم، با تاسفی سطحی از کنار اخباری از این دست می گذشتم؛ چرا که خود، رو در رو چنین رویدادی را تجربه نکرده بودم.

عمق فاجعه به حدی است که چند تن از دوستانی که همدم گفتگوهای شبانه ی من اند به گریه می افتند. حمید که روانشناسی است مطب دار، از دیروز هق هق گریه امانش را بریده است، احسان گاه و بیگاه بغضش می ترکد و ناصر کارش را به امان خدا رها کرده است.

برای کمک به شادی حاضریم همه ی دستاوردها و امتیازاتی را که عمری برایشان زحمت کشیده ام فدا کنم؛ چرا که شادی را همه ی مادران، خواهران، همسران و دختران کشورم و بشریت می پندارم. بی تفاوتی در برابر جنایتی که بر شادی رفته است، بی تفاوتی در برابر ارزش هایی است که همه مان با هر جهتگیری فکری بدانها باور داریم... زنده ام که شادی شهریاری را روایت کنم...

نام: شادی نام خانوادگی: شهریاری نام پدر: مهدی نام مادر: فهیمه ساکن: مشهد شغل: مهندس
شاغل به کار در یک شرکت کاشی سازی

.....

گزارشی از وضعیت شادی دختر 14 ساله مشهدی

به نام غمین ترین نام ها: شادی

روزگاری کودکان این سرزمین بهترین فردها را انتظار می کشیدند و اما اینک...

سخن از شادی است. دختر 14 ساله ای در مشهد که از 9 سالگی مورد تجاوز پدرش قرار می گیرد و اینک در شرف تکمیل فاجعه زندگی اش است.

شادی به روایت خود با پدر و نامادری اش زندگی میکرده. مادرش سالها پیش، پیشتر از آنکه به یاد آورد، بدلیل اعتیاد شدید پدر و بدرفتاریهایش، خانه و دختر را رها می کند. شادی محروم از مهر مادر، از نه سالگی مداوماً مورد شکنجه و آزار شدید جنسی پدر قرار می گیرد.

شادی اینک در پانسیون در شهر مشهد در شرایطی به غایت سخت و دهشتناک روزگار می گذراند، میان دخترانی که سالها از او بزرگتر اند. پدر معتاد به شیشه، دختر را مورد تعرض جنسی قرار می داده است، و با تلقین اینکه همه پدران اینکار را با دختران خود می کنند، مانع از افشای تلخی این حادثه تکان دهنده می شود.

نامادری شادی، اما تکیده از فاجعه، افشای راز می کند تا شاید شادی، راهی به رهایی یابد. علیرغم واقعیات غیر قابل کتمان اما، دادگاهی در مشهد با چشم بستن بر ابعاد فاجعه ای انسانی، تنها حکم به گرفتن تعهدی از پدر می کند تا شاید پدر را از فاجعه ای که مداوماً رخ می دهد، بازدارد! دخترک حتی متهم به خیال پردازی و دروغ گویی می گردد. تنها به استناد آزمونی تا بدان حد طولانی و فرسایشی که شادی در طول آزمون خوابش میبرد! بناچار فردی در کنار شادی می نشیند تا به دخترک کمک کند، پاسخ انبوه سوالات گنگ و عجیب را بدهد. پاسخی که در نهایت ادله قاضی شد برای خیال پرداز معرفی کردن شادی! فاجعه اما ادامه داشت. . . پدر معتاد به شیشه، قصد فروش دختر را می کند. نحیفی و نزاری شادی اما سودای هیچ خریداری را بر نمی انگیزاند. پندار جنون و شهوت پدر اما سیری نداشت... قصد جان اینبار در ذهن تباهی ها مجال می یابد. زمانیکه پدر برای خلاصی از شادی و شاید عذاب خویش، او را به زیر اتوبوسی هل میدهد. شادی، اما نمرد. . . ماند، تا روح و جسم رنجورش، هتک بیشتری را تحمل کنند. نامادری به رقت آمده از وضعیت موجود دست به دامان بهزیستی و خانواده پدري می شود.

جواب بهزیستی اما ساده بود و کوتاه: «نه! پدر و مادرش زنده اند، جایی و پولی برای کودکان بد سرپرست نداریم!!!». و خانواده پدر: عمه و عمو دامان خویش برچیدند که مبادا لکه ننگی دامانشان را بیالاید. دخترک توسط پدر با اتوبوسی و در اختیار راننده!!! راهی تهران می شود.

عمویش اما تنها با 25 هزار تومان او را دوباره همان صبح به مشهد بازمی گرداند. شادی تلخ ترین نامی که برایش می توانست انتخاب شود شد. روزگاری بهترین فردها را کودکانمان انتظار می کشیدند. این روزها اما تنها هول تنهایی و هیولای آزار جنسی خلوت شبش را پر می کند.

پندار رهایی شادی را، نوری بر دل تابانده و استواری بر پاهایش بخشانده. صدای لرزان دختر آخرین امیدها را می کاود. چشم به آسمان دوخته، امیدی در قلب و دل، شادی را آیا به فردها می رساند؟! از هر انسانی و هر نهاد بخششگری طلب کمک داریم

مدارسی که افکار انجمن حجتیه و اسلام طالبانی را تبلیغ می کنند.

در تهران مدارسی به نام مدارس اسلامی و غیر انتفاعی وجود دارند که کارشان بی شباهت به برخی فرقه های افراطی نیست. این مدارس با تشکیل اردوهای مذهبی طولانی و اعتکاف های چند روزه، دانش آموزان را منزوی کرده و یک جو سنگین مذهبی برایشان ایجاد می کنند.

به گزارش برخی رسانه ها، در این اردوها و مراسم اعتکاف (گوشه نشینی برای عبادت)، ارتباط دانش آموزان با خانواده و جامعه قطع می شود. در این مدارس رشته علوم انسانی اصلاً تدریس نمی شود و بحث در خصوص مسائل و اتفاقات روز جامعه و مسائل سیاسی که به خصوص در دبیرستان ها رایج

است و معلمان هم اوقات فراغت شان را با پرداختن به این مسائل با دانش آموزان سپری می کنند، وجود ندارد.

از جمله تبلیغات رایج در این مدارس و نیز خانواده دانش آموزان، فضیلت نداشتن تلویزیون است و استفاده از کمپیوتر نیز به استفاده از نرم افزار های قرآنی محدود می شود.

این مدارس اغلب در قلب مذهبی ترین محلات پایتخت، که محل زندگی خانواده بسیاری از مسئولان و چهره های منتقد نیز می باشد، دایر هستند و شاگردان آن ها را بیشتر دختران دانش آموز تشکیل می دهند.

به گمان برخی سایت های داخلی، مدارس مذکور افکار "انجمن حجتیه" و نوعی اسلام طالبانی را تبلیغ می کنند. شهرزاد نیوز 30 خرداد

دام سیاه مرد همسایه برای پسر 17 ساله

دام سیاه مرد همسایه برای پسر 17 ساله آیا باز هم دستگاه قضا بمنظور کنترل شدت بخشیدن به احکام شرعی را توصیه می کند؟

مردی که به انگیزه نامعلوم، پسر 17 ساله همسایه اش را در دام شیطانی 2 دوستش گرفتار کرده بود به همراه همدستانش تحت تعقیب پلیس شهرستان شهریار قرار گرفت.

هفته گذشته این جوان 17 ساله با حضور در اداره آگاهی شهریار از 2 جوان آزارگر شکایت کرد و به پلیس گفت: چند روز پیش در منطقه پل فردیس کرج منتظر تاکسی بودم که خودرویی مقابلم توقف کرد.

در همین موقع با مشاهده راننده که پسر همسایه مان بود، سوار خودرو شدم. شاکي اضافه کرد: دقیقی بعد از حرکت راننده، او مرا به 2 مرد مسافر که از دوستانش بودند، معرفی کرد اما پس از طی مسافتی راننده پس از گفت و گوی تلفنی با فردی خود را بشدت عصبانی نشان داد و ادعا کرد پدرش بیمار شده و باید به بیمارستان شهر برود.

شاکي با اشاره به ربنده شدن خود از سوی 2 مسافر - دوستان راننده - گفت: راننده پس از آن از من خداحافظی کرد و با سوار شدن به یک خودروی عبوری از محل دور شد و یکی از دوستانش رانندگی خودرو را به عهده گرفت تا مرا به مقصد برساند.

وی افزود: در میانه راه، مرد جوان به بهانه این که ترافیک است، تغییر مسیر داد و به درخواست های من برای متوقف کردن خودرو توجهی نکرد و با سرعت به سمت بیابان های شهر رفت. شاکي ادامه

داد: در همین موقع همدست راننده با چاقویی که در اختیار داشت، مرا تهدید به مرگ کرد. با توقف خودرو هر دو نفر مرا مورد آزار و اذیت قرار دادند و از من فیلم تهیه کردند.

تهدید شاکي به پخش فیلم سیاه

شاکي ادامه داد: متهمان پس از آن در مقابل يك ساختمان نیمه‌کاره مرا از خودرو بیرون انداختند و متواري شدند.

آنها چند روز بعد نیز در تماس تلفنی از من خواستند چند میلیون تومان به يك شماره حساب واریز کنم، در غیر این صورت فیلم تهیه شده را در شهر پخش می‌کنند. با تشکیل پرونده‌ای در این زمینه و آغاز تحقیقات، ماموران ابتدا با حضور در خانه جوان همسایه - یکی از متهمان فراری - و تحقیق از خانواده‌اش متوجه شدند پدرش بیمار نبوده و چند روزی است فرزندشان به خانه مراجعه نکرده است. تلاش برای دستگیری 3 متهم فراری ادامه دارد. تابناک 5 تیر

اسید پاشی و دلایل اجتماعی آن

محمد مصطفایی وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر:

تا زمانی که وضعیت اقتصادی شهروندان ایرانی، مشکلات کار، روابط جنسی و دغدغه های آینده آنها، مسکن و تفریحاتشان رو به وخامت رود و توجهی به آنها نگردد، مطمئناً باز هم در آینده شاهد اینگونه حوادث خواهیم بود.

در ماه گذشته، قرار بود چشم اسیدپاشی توسط دستگاه قضایی کور شود، اخبار مربوط به صدور این حکم و مجازاتی که برای این جرم در نظر گرفته شد، این امید را به مسئولینی که مجازات را تنها عامل برای رهایی از ارتکاب جرم می دانند، می داد تا دیگر شاهد ارتکاب جرم اسیدپاشی نباشیم. اما باز در چند روز گذشته فاجعه ای دیگر رخ داد:

موضوع از این قرار بود که: شامگاه چهارشنبه یکم تیرماه امسال ساکنان محله‌ای در سمره جمهوری با فریادهای «سوختم، سوختم» دختر جوانی از خانه‌هایشان بیرون ریختند و این در حالی بود که جوان موتورسوار با سرعت زیاد صحنه جرم را ترک کرد و گریخت. همه دیدند که دختر 21 ساله به اطراف می‌دود و با دست و صورتی سوخته کمک می‌خواهد، وقتی چند زن و مرد به سمت وی دویدند و با ریختن آب روی آثار سوختگی به کنترل درد وی پرداختند، پلیس و اورژانس نیز در جریان این اسیدپاشی قرار گرفتند. ماموران کلانتری 129 جامی که اطلاع یافته بودند دختر جوان به بیمارستان سوانح سوختگی شهید مطهری انتقال یافته با دستور بازپرس شاهنگیان از شعبه دوم دادسرای امور

جنایی تهران به تحقیقات میدانی دست زدند. قربانی این اسیدپاشی دختری به نام «المیرا» است که فروشنده پوشاک بوده و شب حادثه با تعطیلی محل کارش در حال رفتن به خانه بوده که ناگهان هدف حمله اسیدپاشی قرار گرفته است. خانواده المیرا در تحقیقات پلیسی و قضایی گفتند که دخترشان یک خواستگار سمج دارد اما مشخص نیست اسیدپاشی کار وی بوده باشد. بدین ترتیب، ماموران خود را به بالای سر المیرا در بیمارستان رساندند و در حالی که وی از ناحیه چشم، گوش، گردن و دست چپ بشدت سوخته بود به تحقیق از این دختر غمگین پرداختند.

المیرا که بغض بشدت گلپوش را می‌فشارد، گفت: «من و پسری به نام «بشیر» هر دو فروشنده پوشاک بودیم تا اینکه او به من ابراز علاقه کرد و من از همان ابتدا نپذیرفتم. دوبار هم به صورت غیررسمی از خانوادم خواستگاری کرد که باز قبول نکردیم و اصلاً باور نمی‌کردم این پسر دست به اسیدپاشی بزند».

وی افزود: شب بود و با تعطیلی فروشگاه من راه افتادم تا به خانه‌مان بروم، «بشیر» در تعقیب من بود، خودش به تنهایی سوار موتورسیکلتی شده بود و از من می‌خواست با او ازدواج کنم، خیلی اذیت شدم. یک لحظه که به سمت وی برگشتم و با ناراحتی خواستم دست از سرم بردارد ناگهان ظرفی از زیر لباسش بیرون آورد و مایعی را روی صورتم ریخت. با احساس سوزش در سر و صورتم فهمیدم به صورتم اسید پاشیده است. بشیر فرار کرد و من با فریاد از همسایه‌ها کمک خواستم». (تابناک) اینگونه جنایات و فجایع در حالی رخ می‌دهد که رئیس دستگاه قضا صرفاً شدت بخشیدن در اجرای احکام شرعی را توصیه می‌کند و حال از پلیس خواسته است که با همکاری نیروهای امنیتی، با اینگونه جرایم مقابله کنند. تابناک 5 تیر

هر کودکی حق زندگی دارد

هر کودکی حق زندگی دارد و این حق مادرزادی اوست که باید از طرف همه حکومت‌های عضو پیمان به رسمیت شناخته شود

1- یک استاد دانشگاه معتقد است: طلاق، فقر، بیکاری والدین و خشونت‌های خانوادگی از مهمترین عللی است که زمینه را برای بروز پدیده فرار از خانه فراهم می‌کند و تحقیقات انجام شده در این زمینه رشد روزافزون این آسیب اجتماعی در ایران را نشان می‌دهد به گونه‌ای که سن فرار دختران از 16 سال به 14 سال کاهش یافته است. خبرگزاری ایسنا 4 خرداد 1390

2- محمد صابر ملک رئیسی نوجوان بلوچ که ۲۰ ماه پیش تا کنون ب صورت گروگان بازداشت شده است همچنان در سلول انفرادی نگهداری می‌شود. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، این نوجوان بلوچ به دلیل عدم همکاری برادرش با وزارت اطلاعات در اواخر سال ۸۸ در شهرستان چابهار بازداشت و از آن زمان تا کنون در سلول انفرادی بازداشتگاه اداره اطلاعات زاهدان به صورت یک گروگان نگهداری می‌شود. خبرگزاری هرانا 5 خرداد 1390

3- بر اساس اعلام وزارت بهداشت، نتایج آخرین مطالعات در کشور نشان می‌دهد شیوع مصرف قلیان طی سالهای 82 تا 86 در بین پسران 13 تا 15 ساله از 16 به 32 درصد و در بین دختران همین رده سنی از 8.9 به 19 درصد افزایش پیدا کرده است. خبرگزاری مهر 5 خرداد 1390

4- وکیل دادگستری اکرم پورنگ نیا گفت: والدین کودک آزار از طبقه و قشر خاصی از جامعه نیستند، فرهنگ و اخلاق حاکم بر خانواده باعث یا مانع این امر می‌شود. ایسنا 6 خرداد 1390

5- مسوول دبیرخانه کنترل دخانیات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: سن کشیدن سیگار در بین جوانان ایرانی به 13 سال رسیده است. ایرنا 6 خرداد 1390

6- شیرین صدر نوری، مددکار انجمن حمایت از حقوق کودکان در گفتگو با سایت انجمن گزارش داد که با اشاره به پیشنهاد انتقال باربد به بیمارستان مجهزتری توسط انجمن حمایت از حقوق کودکان و با موافقت و دستور قاضی پرونده، باربد به بیمارستان شهیدمطهری تهران منتقل شد. وی همچنین اظهار داشت بنا به گفته پرستاران بیمارستان با اشاره به بروز عفونت در سوختگی‌های بدن باربد، حال عمومی این کودک آزار دیده رضایت بخش نبوده و با توجه به سوختگی 70 درصدی بدن این کودک سه ساله، موادغذایی و دارو همچنان از طریق بینی به بدن باربد تزریق می‌شود. انجمن حمایت از حقوق کودکان 6 خرداد 1390

7- معاون دفتر توانمندسازی خانواده، زنان و کودکان سازمان بهزیستی گفت 85 درصد کودکانی که پذیرش می‌شوند دارای والدین و جد پدری هستند که به دلایل مختلفی مانند صلاحیت نداشتن، زندانی بودن، طلاق، فساد، دارا بودن بیماری صعب‌العلاج و... شرایط نگهداری از کودکانشان را ندارند و با حکم قضایی کودک به مراکز نگهداری بهزیستی سپرده می‌شوند این درحالی است که فقط 15 درصد آنها والدین ندارند. خبرگزاری مهر 7 خرداد 1390

8- مهدی چمران - رئیس شورای عالی استان‌ها - با تاکید بر اینکه طرح مشارکت و همکاری شهرداری‌ها در برنامه‌های ساماندهی کودکان کار و خیابان روی زمین مانده است، اظهار کرد: این موضوع تنها برعهده شهرداری نیست و باید بهزیستی، نیروی انتظامی، دادستانی و دادگستری نیز به کمک شهرداری بیایند. ایسنا 7 خرداد 1390

9- پدر علی فتحعلیان جوان ۲۰ ساله ای است که با بنا به گفته ی شاهدان عینی، در نا آرامی های پس از انتخابات، در تاریخ سی خرداد با شلیک مستقیم گلوله جان داد میگوید: چه بگویم... جوان ۲۰ ساله ام، تنها پسر م را از دست دادم. علی فرزند بزرگم بود، الان که با شما دارم حرف می‌زنم و اتفاقاتی که بر من گذشت وقتی یادآوری می‌کنم ادامه ی صحبت برای من مشکل میشود... پسرم پشتیبان آینده ام بود، همه ی زندگی ام بود، چیزی نمی‌توانم بگویم... فکر می‌کنم حاصل همه عمرم رفته بر باد... خبرگزاری جرس 8 خرداد 1390

10- رئیس کانون وکلای دادگستری با انتقاد از قوانین موجود در رابطه با مجازات در نظر گرفته شده برای والدینی که دست به کودک آزاری می‌زنند؛ به این مهم اشاره کرد که طبق قوانین جمهوری اسلامی، تا وقتی رنگ پوست کودک عوض نشود، تنبیه قانونی تلقی می‌شود. خبرگزاری هرانا 09

- 11- عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفت: متأسفانه نبود کارهای زیربنایی در خصوص اعتیاد باعث شده که سن گرایش به مواد مخدر در کشور ما پایین آمده و حتی تا مدارس راهنمایی نیز پیش رود. سایت خبری تابناک 12 خرداد
- 12- یک دختر 16 ساله در یکی از روستاهای زرین شهر به خاطر تعصب بیجا و کور پدرش کشته شد این دختر که تنها جرمش این بود که یک شب نیم ساعت دیرتر به خانه آمده بود و پدرش احتمال می داد با پسر همسایه رابطه جنسی داشته باشد خبرنامه زنان ایران 12 خرداد 1390
- 13- باربد سومین قربانی کودک آزاری طی ماههای اخیر بر اثر شدت عفونتهای ناشی از سوختگی در بیمارستان شهید مطهری جان باخت. خبرگزاری هرانا 13 خرداد 1390
- 14- آتنا قجر کودک سه ساله سنندجی که روز سوم خرداد ماه سال جاری در کلینیک آرا سنندج تحت عمل جراحی لوزه قرار گرفته و دچار مرگ مغزی شده بود بعد از گذشت 12 روز صبح یکشنبه در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان بعثت سنندج دار فانی را وداع گفت خبرگزاری مهر 15 خرداد
- 15- در پی شکنجه پسر بچه ۳/۵ ساله در شهر شیراز مادر این کودک و مردی که با وی در ارتباط بود بازداشت شدند. در معاینات صورت گرفته کارشناسان پزشکی قانونی آثار ضربات متعدد مشت و لگد را در نواحی مختلف بدن کودک مشاهده کردند. در ادامه با توجه به اینکه کودک ۳/۵ ساله قادر به راه رفتن نبود پی بردند که کف پای وی نیز آسیب دیده و آثار گازگرفتگی در کف پا نیز مشهود است. همچنین فاش شد ۳۵ درصد از موهای سر این کودک از ریشه کنده شده است. خبرگزاری هرانا 17 خرداد 1390
- 16- پیرفلاح، رئیس سازمان نظام پزشکی کردستان، در گفتگو با خبرگزاری مهر اعلام کرد که 2 درصد آمار مرگ مادران باردار در ایران مربوط به مادران باردار زیر 18 سال است. خبرگزاری مهر 19 خرداد 1390
- 17- پدر يك خانواده در روستاي قلات نيلو در شهرستان كازرون، خود و 2 فرزند خردسالش را به دليل اختلافات خانوادگي قرباني كرد. مرد 27 ساله ابتدا پسر يكساله و دختر 3 ساله اش را با سلاح كلاشينكف به قتل رساند و بعد از آن با همين سلاح به زندگي خود پايان داد. خبرگزاری ایران 19 خرداد 1390
- 18- دست راست دختری پس از ضرب و شتم شدید از سوی پدرش و سهل انگاری در مداوا، علیرغم انجام ۹ عمل جراحی از آرنج قطع شد. "حدیثه" گفته است، در واپسین روزهای فروردین ماه امسال زمانی که مشغول ارسال پیامکی از تلفن همراه خود بود، پدر و پدربزرگش نسبت به او حساس شده و او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار می دهند، خبرگزاری هرانا 21 خرداد 1390
- 19- نادر طالبی، مسئول واحد پژوهش "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان" میگوید: محیط کار کودکان، چه در کارگاهها، بسیار محیط پرآسیب و پرتنشی است. پر از کتک، تجاوز، خشونت، فحاشی و... است. این محیط طبعاً امکان رشد سالمی را که کودک بتواند استعدادهای خود را بروز بدهد، یا در واقع، بتواند مهارت های لازم برای زندگی اجتماعی را کسب کند از او می گیرد. از مصاحبه با دویچه وله 22 خرداد 1390
- 20- دکتر قرایی رییس انجمن جامعه شناسی ایران معتقد است که در حال حاضر سن روسپیگری در ایران حدود 8-10 سال کاهش یافته و از سن 20 تا 30 سال به 12 تا 18 سال رسیده است. او این کاهش سن را مربوط به افزایش برخی آسیب های اجتماعی نظیر افزایش طلاق، تنوع طلبی مرد ها، عدم امکان ازدواج، اعتیاد، بیکاری و می داند. پایگاه خبری انتخاب 22 خرداد 1390

21- "علی نصیری" که در زمان بازداشت ۱۷ سال سن داشت، اکنون در بند ۵ زندان رجایی شهر کرج محبوس است و به علت پرونده سازی توسط مسئولان قضایی- امنیتی در خصوص زیر گرفتن یکی از اعضای بسیج به وسیله اتومبیل، دو سال است که در بلاتکلیفی به سر می‌برد. نامبرده پس از ۲ سال بلاتکلیفی در زندان در خرداد ماه جاری، توسط قاضی عزیز محمدی به اتهام مباشرت در قتل و نداشتن گواهینامه مورد محاکمه قرار گرفت. نکته ی قابل توجه این است که علیرغم فاصله زمانی بین دستگیری این نوجوان و روی دادن حادثه، در جلسه دادگاه قاضی اصرار بر محکوم شناختن این نوجوان را داشته است. خبرگزاری هرانا 26 خرداد 1390

22- آناهیتا زهرائی ساکن شیراز که در یکی از مدارس دولتی شیراز در پایه اول ابتدایی درس می خواند، به خاطر شرکت نکردن در نماز جماعت مدرسه، توسط معلم خود مورد آزار بدنی قرار گرفت. معلم با وسیله تحریر به شدت روی دست او زد و سپس قاشقی را در آشپزخانه داغ کرده و روی دست او گذاشت. وقتی مادرش به این آزار اعتراض کرد، معلم در حضور مدیر و دیگر معلمان به کار خودش افتخار کرد خبرگزاری هرانا 28 خرداد 1390

23- مادری رنجور، هر روز کودک معلول خود را در فرغون می‌گذارد و چهار کیلومتر می‌کوبد و می‌رود تا بچه را به مدرسه برساند و بعد از ظهر هم همین مسیر را با فرغون خالی می‌رود تا بچه علیراش را بازگرداند و تازه در این گیر و دار، صاحبخانه هم جوابشان کرده و سایت خبری تابناک 29 خرداد 1390

24- شادی دختر 14 ساله ای در مشهد که از 9 سالگی مورد تجاوز پدرش قرار می گیرد. پدر معتاد به شیشه، دختر را مورد تعرض جنسی قرار می داده است، و با تلقین اینکه همه پدران اینکار را با دختران خود می کنند، مانع از افشای تلخی این حادثه تکان دهنده می شود. نانشجو آنلاین 30 خرداد 25- در تهران مدارسی به نام مدارس اسلامی و غیر انتفاعی وجود دارند که کارشان تشکیل اردوهای مذهبی طولانی و اعتکاف های چند روزه، دانش آموزان و یک جو سنگین مذهبی است. در این اردوها و مراسم اعتکاف (گوشه نشینی برای عبادت)، ارتباط دانش آموزان با خانواده و جامعه قطع می شود. از جمله تبلیغات رایج در این مدارس و نیز خانواده دانش آموزان، فضیلت نداشتن تلویزیون است و استفاده از کمپیوتر نیز به استفاده از نرم افزار های قرآنی محدود می شود. شهرزاد نیوز 30 خرداد 1390

آسیب های اجتماعی

سن فرار دختران از 16 سال به 14 سال کاهش یافته است خبرگزاری ایسنا 04 خرداد افزایش 2 برابری مصرف قلیان در بین نوجوانان ایرانی خبرگزاری مهر 05 خرداد سن کشیدن سیگار در بین جوانان ایرانی به 13 سال رسید خبرگزاری ایرنا 06 خرداد سن اعتیاد به مدارس راهنمایی رسید. سایت تابناک 12 خرداد

نهاد های دولتی

گروگانگیری یک نوجوان بلوچ توسط وزارت اطلاعات خبرگزاری هرانا 05 خرداد ورود شوراهای شهر به چرخه ساماندهی کودکان کاروخیابان خبرگزاری ایسنا 07 خرداد پدر علی فتحعلیان هم سکوتش را شکست: خبرگزاری جرس 08 خرداد تنبیه کودکان تا وقتی رنگ پوست شان عوض نشود، قانونی است خبرگزاری هرانا 09 خرداد اهمال پزشکان و نبود تجهیزات عامل مرگ مغزی کودک سنندجی خبرگزاری مهر 15 خرداد قلب آتنا قجر 3 ساله از طپش افتاد خبرگزاری مهر 15 خرداد

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

دو درصد مرگ و میر مادران باردار در میان باردار های زیر 18 ساله است خبرگزاری مهر 19 خرداد
مصاحبه دویچه وله با نادر طالبی، مسئول واحد پژوهش جمعیتدفاع از کودکان کار و خیابان دویچه وله 22
خرداد

کاهش شدید سن روسپی‌گری در ایران پایگاه خبری انتخاب 22 خرداد
نوجوان زندانی با اتهام دروغین در خطر اعدام قرار دارد خبرگزاری هرانا 26 خرداد
اذیت و آزار یک کودک بهائی در شیراز خبرگزاری هرانا 28 خرداد
پول کودک معلول روی فورغون کجا می‌رود؟ سایت تابناک 29 خرداد

کانون خانواده

کودک آزاری از نوع تحقیر و تبعیض اثرات مخرببیر جامعه دارد. خبرگزاری ایسنا 06 خرداد
حال عمومی "باربد" رضایت بخش نیست انجمن حمایت از حقوق کودکان 06 خرداد
85 درصد والدین کودکان بهزیستی صلاحیت نگهداریفرزندانشان را ندارند. خبرگزاری مهر 07 خرداد
قتل یک دختر شانزده ساله توسط پدر بسیجی خبرنگارمه زنان ایران 12 خرداد
«باربد»، سومین قربانی کودک‌آزاری درگذشت خبرگزاری هرانا 13 خرداد
شکنجه پسر بچه 3/5 ساله این بار در شیراز خبرگزاری هرانا 17 خرداد
پدری، خود و فرزندانش را کشت خبرگزاری ایرنا 19 خرداد
باز هم کودک‌آزاری: دست دختر قطع شد! خبرگزاری هرانا 21 خرداد
زنده ام که شادی شهریاری را روایت کنم دانشجو آنلاین 30 خرداد
شستشوی مغزی دانش آموزان با ارودهای مذهبی طولانی و "اعتکاف" شهرزاد نیوز 30 خرداد

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان

جعفری

تحقیق پیرامون کودکان زندانی در زندان

طرح یک تحقیق پیرامون کودکان زندانی در زندانهای سیاسی جمهوری اسلامی در دهه 60 خورشیدی
نگارنده: غلامرضا بقایی

زندانیان، برای رشد کودکان تأثیر منفی و ویرانگری بجای گذاشته، حیات عاطفی، فکری، اجتماعی و روانی آنان را با مخاطرات جدی روبرو خواهد ساخت. در دانش روانشناختی ی کودک یک ترم اساسی داریم بنام کاوش یا جستجو در زندگی ی ایام خردسالی ی انسان. روان شناسان کودک معتقدند که بخش چشمگیری از آموخته های خود انگیزته ی کودک نسبت به جهان پیرامون خویش از طریق همین کاوش آزادانه ی او در محیط اطراف و نقش مربیان او در فراهم آوردن آن محیط هایی که برای یاد گیری ی کودک خردسال ضروری ست؛ صورت می گیرد. اشاره : نوشتار حاضر، گفتار نگارنده ست درگردهمایی هایی در فرانسه (پاریس) ، هلند (رتردام) و ایتالیا (کارله) که در هفته های گذشته و بدعوت انجمن های علمی و فرهنگی ی ایرانیان در این کشورها برگزار شد.

پارسا کودک چهارساله آزار والدینش و سوختگی شدید

خبرگزاری هرانا - پارسا کودک چهارساله شب گذشته در اثر آزار والدینش و سوختگی شدید به بیمارستان فیاض بخش (شماره ۲) منتقل شده است.

یکی از پرسنل بیمارستان فیاض بخش در این ارتباط به مهر گفت: این کودک که در اثر سوختگی شدید دچار شوک شده بود دیشب به بیمارستان منتقل شد که با تلاش همکاران قلبش بازگشت اما به احتمال زیاد دچار مرگ مغزی شده است. به گفته وی، علائمی از سوختگی با سیخ داغ در تمامی بدن این کودک مشاهده می شود و مشخص است که به شدت مورد آزار و اذیت قرار گرفته است. به گفته این پرسنل بیمارستان، شواهد امر نشان می دهد مادر پارسا معتاد به کراک است. 15 تیرماه



در خانه مان یخچال و تلویزیون و تلفن نداریم



در خانه مان یخچال و تلویزیون و تلفن نداریم

آفتاب: دنیای اقتصاد نوشت: یکی از خوانندگان روزنامه دنیای اقتصاد روز گذشته در تماس با خبرنگار ما از فعالیت یک دختر بچه 5 ساله در قالب یک کارگر ساختمانی در سطح شهر تهران خبر داد. خبرنگار دنیای اقتصاد برای پیگیری ماجرا به محل فعالیت این کودک مراجعه کرد و مشخص شد که به علت فقر مالی این دختر بچه روزانه 8 ساعت به همراه پدرش در ساختمان‌های در حال ساخت در نقش یک کارگر ساختمانی فعالیت می‌کند.

پدر این دختر بچه -یگانه - می‌گوید: چون کسی را ندارم مجبورم دخترم را روزانه به سر ساختمان بیاورم که با توجه به اینکه زمان رفت و آمد به شهر مامازن 6 ساعت است به شدت دخترم خسته و اذیت می‌شود.

او می‌گوید: در مامازن یک اتاق اجاره کرده که ماهانه 100 هزار تومان اجاره می‌دهد. پدر یگانه می‌گوید: به دلیل اینکه یگانه را روزها سر ساختمان می‌آورم، او نیز پا به پای من کار می‌کند و فعالیت‌های سبکی همچون حمل کیسه‌های مصالح ساختمانی را انجام می‌دهد. او می‌گوید: یگانه چند روز پیش به خاطر گرد و خاک ناشی از گچ و سیمان مریض شده و يك شب تمام تب کرده است. این کارگر کوچک ساختمانی امیدوار است که مسوولان و شرکت‌های ساختمانی برای استخدام پدرش به عنوان یک سرایدار از خانواده‌اش حمایت مالی کنند. متن زیر گفت‌وگو با این کودک 5 ساله است، دختری که اگر چه فقیر است، اما پدرش برای تربیت او نهایت تلاش خود را کرده است.

یگانه! چرا اینجا کار می‌کنی؟

پدرم مریض است و پول نداریم. من هر روز با او می‌آیم که در خانه تنها نباشم. پدرم پایش درد می‌کند هر وقت کیسه‌های سیمان را بلند می‌کند اذیت می‌شود و شب‌ها از شدت درد خوابش نمی‌برد. من زور ندارم، اما کمکش می‌کنم که کمتر اذیت شود.

خانه‌تان کجاست؟

خیلی دور است ما در خانه‌مان یخچال و تلویزیون و تلفن نداریم.

چرا پیش مادر بزرگ یا خاله‌ات نمی‌روی؟

مادرم مرده است. تازه مادر بزرگم هم مرده و خاله و عمه هم ندارم.

چه درخواستی از مسوولان داری؟

پدرم نمی‌تواند کار کند، اما اگر کار نکند پول نداریم. هیچ کس کمک‌مان نمی‌کند. پدرم می‌گوید اگر سرایدار یک ساختمان شود زندگی‌مان خوب می‌شود.

تلفن تماس و آدرس محل سکونت پدر یگانه در گروه مسکن دنیای اقتصاد موجود است. 16 تیر ماه

بیانیه عفو بین الملل ابوالفضل عابدینی نصر



عفو بین الملل در بیانیه خود از همگان خواسته است تا متن خود را به زبان‌های فارسی، انگلیسی و یا آلمانی به صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه و همزمان یک کپی از متن خود را به آدرس سفارت جمهوری اسلامی در همان کشوری که در آن زندگی می‌کنید، ارسال نمایند.

خبرگزاری هرانا : متن این بیانیه به شرح زیر است:

ابوالفضل عابدینی نصر، خبرنگار و مدافع حقوق بشر در حال حاضر در زندان اوین محکومیت ۱۲ ساله خود را طی می‌کند. از نظر سازمان عفو بین الملل عابدینی نصر یک زندانی صلح طلب و سیاسی است. عابدینی نصر ۱۸ روز پس از انتخابات مناقشه برانگیز ریاست جمهوری در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۹ دستگیر و در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۹ وی به قید وثیقه از زندان آزاد شد، اما در سوم مارس ۲۰۱۰ و در جریان موج دستگیری مدافعان حقوق بشر او بار دیگر دستگیر گردید.

در حین دستگیری دفعه دوم، گویا وی مورد ضرب و شتم ماموران امنیتی قرار گرفته است. عابدینی نصر چهار روز پس از دستگیری به زندان اوین منتقل شد و طبق گزارش‌های موجود در زندان با وی بدرقتاری شده است. سه ماه بعد از آن ماموران امنیتی او را به زندان کارون اهواز منتقل کردند و در سپتامبر ۲۰۱۰ بار دیگر وی را به اوین برگرداندند.

در ۲۹ مارس ۲۰۱۰ به وکیل ابوالفضل عابدینی نصر اطلاع داده شد که موکل وی به جرم شرکت در یک «سازمان غیر قانونی» و «تماس با دولت‌های دشمن» به دو ۵ سال زندان محکوم شده است.

علاوه بر آن به جرم مصاحبه با رسانه‌های خارجی به یکسال زندان محکوم شده است. به نظر می‌رسد که اتهامات ابوالفضل عابدینی نصر بخاطر فعالیت و تبلیغ برای "مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران" است.

در مارس ۲۰۱۰ بیش از ۳۰ تن از اعضای این سازمان دستگیر شدند. در ماه مه ۲۰۱۰ دادگاه تجدید نظر عابدینی نصر تشکیل شد و در این دادگاه ۱۱ سال زندان حکم قبلی وی مورد تایید قرار گرفت. طبق گزارش‌های رسیده، در ماه مه ۲۰۱۰ عابدینی نصر به جرم "تبلیغ علیه نظام" به یک سال دیگر محکوم شد.

سازمان عفو بین الملل از همه مردم تقاضا می‌کند که به رییس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایمیل و یا نامه ارسال کنند و در آن بر آزادی بدون قید و شرط ابوالفضل عابدینی نصر تاکید شود.

هم چنین در نامه و ایمیل تقاضا شود که در مورد گزارش‌های مربوط به ضرب و شتم ابوالفضل عابدینی تحقیقات کامل، بی‌طرفانه و فوری صورت گیرد و از مقامات جمهوری اسلامی خواسته شود که عاملین شکنجه و اذیت و آزار ابوالفضل عابدینی نصر بی‌درنگ و در یک دادگاه عادلانه محاکمه شوند.

عفو بین الملل در بیانیه خود از همگان خواسته است تا متن خود را به زبان‌های فارسی، انگلیسی و یا آلمانی به صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه و همزمان یک کپی از متن خود را به آدرس سفارت جمهوری اسلامی در همان کشوری که در آن زندگی می‌کنید، ارسال نمایند. 11 تیر ماه

سکوت وزارت آموزش و پرورش در قبال کودک آزاری



سکوت وزارت آموزش و پرورش در قبال این حوادث همچنان ادامه دارد.

در روزهای گذشته دو فیلم ویدیویی از شیوه برخورد دو معلم با دو دانش آموز در فضای مجازی منتشر شد و در یکی از این فیلم‌ها معلم ضمن ضرب و شتم دو دانش آموز آن‌ها را مجبور می‌کند که نوبتی به صورت هم دیگر سیلی بزنند.

به گزارش ایلنا، در حالی که رسانه‌ها بر وقوع این حوادث در یک مدرسه روستای بشاگرد و دیگری در شهرستان جیرفت تاکید می‌کنند، سکوت وزارت آموزش و پرورش در قبال این حوادث همچنان ادامه دارد.

گرچه پیگیری‌ها برای ارتباط با مسوولان اداره کل آموزش و پرورش کرمان در این زمینه بی‌نتیجه ماند اما یکی از کارشناسان حراست این اداره کل با امکان غیر واقعی بودن این تصاویر تاکید کرد تا

این لحظه هیچگونه گزارش در رابطه با وقوع این حادثه در استان کرمان به حراست این اداره کل مخابره نشده است.

مسوول روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان نیز ضمن خودداری از دادن اطلاعات بیشتر در مورد حادثه روستای انگهران بشاگرد استان هرمزگان این حادثه را مربوط به دو سال پیش خواند و دادن هرگونه اطلاعات را منوط به هماهنگی با حراست اداره کل عنوان کرد.

در همین ارتباط، اعظم محمدپور، پژوهشگر حوزه کودک گفت: "فردی که اقدام به این کار کرده به طور حتم مشکلات شخصیتی بسیاری داشته است، و این در حالی است که به نظر می‌رسد هنگام استخدام معلمان این موضوع آن طور که لازم است مورد بررسی قرار نمی‌گیرد."

وی ادامه داد: "متأسفانه هنوز هم با اجرای کامل شیوه‌های نوین تربیتی بسیار فاصله داریم به گونه‌ای که نبود آموزش راهکارهای نوین تربیتی به معلمان، موجب شده تنبیه بدنی همچنان جایگاه خود را به عنوان شیوه موثر تربیتی حفظ کند."

در همین حال کتایون خوشابی، روانپزشک کودک نیز مورد اتفاق افتاده را از بین بردن حقوق کودک و کودک آزاری عنوان کرد و افزود: "آزارهای جسمی، جنسی و سوء استفاده‌های عاطفی، همچنین غفلت و بی‌توجهی از جمله شیوه‌های کودک آزاری است که متأسفانه هنوز هم ادامه دارد."

وی افزود: "آنچه باید در خصوص کودک آزاری مورد توجه قرار گیرد از بین رفتن و خرد شدن هویت و کاهش اعتماد بنفس کودک است؛ در این راستا آموزش حقوق کودک در دوران دبستان و پیش دبستان از جمله راهکارهای کاهش کودک آزاری تلقی می‌شود."

این استاد دانشگاه افزود: "در سالهای پیش طرح‌های نوین از طرف یونسف جهت آموزش حقوق کودک ارایه و در کشور اجرا شد که البته در سال‌های اخیر این برنامه‌ها که با عنوان مهارت زندگی به کودکان در حال اجرا بود متوقف شده است."

در همین حال امیر رضا حق پرست، کارشناس مسایل حقوقی می‌گوید: "با توجه به اینکه تصویر افراد در این فیلم‌ها به وضوح مشخص است و خوشبختانه قوانین کودک آزاری در کشور ما تصویب شده پیگیری قضایی متهمان به راحتی امکان پذیر است." هرانا 14 تیر

انواع بهره‌کشی‌ها از کودکان مدرسه



عبدالله، هاشم و هم‌کلاسی‌هایش کودکانی هستند که مورد انواع بهره‌کشی‌ها واقع می‌شوند و در نهایت تمام روزها و لحظات کودکی‌شان تلف می‌شود.

باز هم تابستان فصل بستنی، پارک ارم، رفتن به سرزمین عجایب، مسافرت‌های خانوادگی و ... رسید؛ فصلی سرشار از هیجان و خاطره ... البته برای آنها که اندوخته‌ای هرچند مختصر برای کودکانشان دارند! تابستان از نگاه دیگر، فصلی برای نشانه رفتن و تهدید کودکانی بوده که قرار است در سال تحصیلی جاری از مدرسه و تحصیل عقب بمانند و متمه‌ی سال را همچون تابستان کار کنند! برای عبدالله، هاشم و هم‌کلاسی‌هایش که فقط شب‌ها فرصت درس خواندن و مطالعه دارند، تابستان با زمستان فرقی ندارد ... همه وقت کار می‌کنند تا چشم نگران مادر و خواهرانشان هیچ وقت بر روی دستانشان نماند و جیبشان رزقی باشد برای سفره کوچکشان.

اما امثال وحیده فقط تابستان‌ها کار می‌کنند تا مبادا ناپدری به بهانه (بی‌پولی) فرصت درس خواندن را بگیرد. او شب‌ها درس می‌خواند اما ناپدری هر سال به زور شلاق و کتک، کتاب‌های کهنه‌اش را پاره و او را خانه‌نشین می‌کند. وحیده حالا باید کلاس چهارم ابتدایی باشد اما تا دوم دبستان درس خوانده و از هم سن و سالانش عقب مانده است.

وحیده، آدامس‌های داخل جعبه را بالا و پایین می‌کند و می‌گوید: وقتی مدرسه می‌روم یا از ترس ناپدری و کتک‌هایش به درس‌ها توجهی ندارم یا از خستگی چرت می‌زنم؛ فکر فروش نرفتن آدامس‌ها مثل تک تک ضربه‌های شلاق روی پاها و بدنم، آزارم می‌دهد؛ حتی اغلب در زنگ تفریح هم به بچه‌های مدرسه و یا معلم‌ها آدامس فروختم!

او از تابستان بیزار است، آخر تابستان فصلی پر کار است؛ تا آخر شب باید کار کند و صبح‌ها هم به قول خودش همراه با صدای خروس‌ها باید کار خودش را در سر چهار راه‌ها آغاز کند.

*مسئولانی که تنها نظاره‌گر هستند

باز هم به اول تیر ماه و تابستانی دیگر رسیدیم، فصلی برای کودکان و نوجوانانی که می‌خواهند در این فصل تجربه و مهارت کسب کنند. عده‌ای در کلاس‌های فوق برنامه ثبت نام می‌کنند و درس‌های سال

آینده و یا عقب مانده خود را تقویت می‌کند، عده‌ای دیگر کلاس‌های موسیقی، ورزش و ... را انتخاب می‌کنند اما در این میان تعداد زیادی از کودکان هم از امکانات این چنینی محروم بوده و تمام تابستان را در چهار راه‌ها، کوچه پس کوچه‌ها، کارگاه‌های زیرزمینی، انبار و گاراژهای فاقد استاندارد سپری می‌کنند. در حال حاضر کارفرمایان این کودکان هزاران خواسته و توقع بی‌جا در کارگاه‌های تنگ و تاریک دارند و با انواع و اقسام آزارهای جسمی، روحی، روانی و ... آنها را شکنجه می‌دهند. فاطمه قاسمزاده (عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران) به ایلنا می‌گوید: اگر چه سال‌ها از مصوبه هیات دولت مبنی بر اینکه کارگاه‌های کمتر از ده نفر جمعیت از شمول قانون کار خارج هستند، می‌گذرد اما وجود تعداد زیادی کودک شاغل در کارگاه‌های این چنینی یک نقص بزرگ بوده به طوری که نظارت وزارت کار بر روی کارگاه‌ها هم از نظر کیفی مشکل است و هم از نظر کمی؛ و با وجود کم بودن تعداد نیروهای نظارتی، توانایی نظارت بر کار کودکان نیز از عهده وزارت کار ساقط است. او ادامه می‌دهد: این امکان وجود دارد که کودکان کار ۱۵ سال به بالا مورد نظارت و حمایت قرار گیرند اما چون وزارت کار، نان‌آوری کودکان زیر ۱۵ سال را مجاز نمی‌داند، نظارتی هم بر روند اجرای این قوانین نمی‌کند. در عین حال هیچ نظارتی هم بر کارگاه‌هایی که تعداد کارگرهای شاغل در آن کمتر از ۱۰ نفر بوده، نیست چراکه این کارگاه‌ها را از شمول قانون کار خارج می‌دانند و به این بهانه که تعداد نیروهای نظارتی کم است، از این امر مهم سر باز می‌زنند.

*مانور تضاد میان کودکان در فصل تابستان

تابستان برای مسئولان آموزش و پرورش به فصلی برای مانور کلاس‌های فوق برنامه و تفریحی مدارس تبدیل شده غافل از اینکه عده‌ای، فرصت تفریح و مهارت آموزی را بر اثر اجبار و فقر از دست می‌دهند و عده‌ای دیگر به جای حل مساله با گفتن اظهار نظر مبنی بر اینکه تنها ۳۰ درصد از کودکان کار ایرانی هستند، بار مسئولیت را از دوش خود پایین می‌آورند؛ گویا تابستان به فصل خود نمایی مظاهر گوناگون تضاد طبقاتی تبدیل شده است.

کودکان کار باید بتوانند سهمی از حق خود برای کودکی را ادا کنند و مانند سایر شهروندان از حقوق انسانی مانند آموزش، بهداشت، تغذیه مناسب، اوقات فراغت، تامین اجتماعی و ... برخوردار شوند نه آنکه به واسطه فقر و شرایط نامناسب کاری با سایر معضلات مانند اعتیاد، آزار جنسی و ... دست و پنجه نرم کنند و تابستان‌ها برای آنها فصلی برای جان‌کندن و عرق ریختن تبدیل شود.

پناهی (فعال حقوق کودک و عضو کانوکن فرهنگی - حمایتی کودکان کار) نیز تاکید می‌کند: کودکان خارج از چرخه تحصیل و یا ترک تحصیل کرده‌هایی که چوب فقر خانواده را می‌خورند، در صورتی که نتوانند کار پیدا کنند و یا شانس به آنها رو نکند، شلاق پدر و یا سرکوفت مادر هر ۲۰ روز یک بار آنها را تهدید می‌کند و یا اگر دختر هم باشند؛ نیروی کار خانه محسوب می‌شوند.

این فعال حقوق کودک با اشاره به اینکه دغدغه‌ای در دولت برای حمایت از اقدامات موثر انجمن‌های حمایتی و سازمان‌های مردم‌نهاد وجود ندارد، با انتقاد از این روند می‌افزاید: تمام انجمن و کانون‌های حمایتی مربوط به کودکان مانند جزیره‌های متروک تلاش می‌کنند تا سختی پدیده کار کودک را از طریق پرداخت کمک هزینه تحصیل کم کنند، اما این کار از وظایف مسلم دولت است؛ چراکه ایران از نظر منابع ثروتمند است.

*شب‌های نا آرام تابستان امسال برای کودکان کار

به گزارش خبرنگار ایلنا، بزرگترین معضل فعلی مربوط به این قبیل کودکان خلاءهای آماری است؛ چراکه کار کودک در خانه‌ها نادیده گرفته شده و تعداد بی‌شماری از کودکان در شرایط بسیار نابسامان

کاری و دور از چشم مردم و مسوولان در کوره پزخانه‌های اطراف تهران، انبارها، مغازه‌ها و انواع و اقسام کارخانه و تولیدی‌ها مشغول به کار هستند! در میان همین جان‌کندن‌های بی‌وقفه کودکان، کسی اشاره‌ای به وضعیت کودکان کار، قربانیان جنسی، کودکان حمل‌کننده مواد مخدر و ضرب‌های جبران‌ناپذیر وارد آمده به این کودکان... نمی‌کند.

تابستان امسال برای کودکان نان‌آور، شب‌های آرامی ندارد... امسال هم مانند سال‌های دیگر، چه فرقی می‌کند که چگونه جان‌بکنی و عرق بریزی، کارگاه‌های کم‌نور زیرزمینی، مغازه‌های کوچک صنعتی، واحدهای تولیدی و... هزاران هزاران کودک را در خود می‌بلعد، بی‌آنکه نگاهی نگران، عاقبت آنها را جست‌وجو کند.

مسئولانی که بارها در تریبون‌های گوناگون فرصت ارائه آمار از تحت پوششی‌های ویژه برنامه‌های تابستانی را دارند، کمتر برای ارائه آمار و ارقام و چگونگی وضعیت کودکان کار و بازمانده از تفریح که شب‌ها درس می‌خوانند ظاهر می‌شوند و به این واسطه حق و حقوق تعداد کثیری از کودکان ضایع می‌شود.

این روزها چشم‌ها به روی کودک کار بسته مانده و اذهان پر ادعای مسوولان به روی هزاران کودکی که پنهانی کار می‌کنند، مورد انواع بهره‌کشی‌ها واقع می‌شوند و در نهایت تمام روزها و لحظات کودکی شان تلف می‌شود، خنثی مانده است.

کمیته حقوق کودک قادر به بررسی شکایات کودکان



کمیته حقوق کودک قادر به بررسی شکایات کودکان و وکلای آنها در باره نقض حقوقشان خواهد بود.

خلاصه خبر: شورای حقوق بشر پیش‌نویس نهایی پروتوکل اختیاری را که در مورد فرایند تعاملات در زمینه نقض حقوق کودکان می‌باشد، پذیرفت. این پروتوکل توسط یک کارگروه بین‌دولتی در طی ده روز از دسامبر 2010 تا فوریه 2011 (زمستان سال 1389) تدوین شده بود.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد طرح پیشنهادی اتحادیه حقوق کودک را در مورد روند ارائه شکایات پذیرفت. شورای حقوق بشر پیش نویس نهایی پروتوکل اختیاری را که در مورد فرایند تعاملات در زمینه نقض حقوق کودکان می باشد، پذیرفت.

این پروتوکل توسط یک کار گروه بین دولت ها در طی ده روز از دسامبر 2010 تا فوریه 2011 (زمستان سال 1389) تدوین شده بود.

از طریق این طرح جدید، کمیته حقوق کودک قادر به بررسی شکایات کودکان و وکلای آنها در باره نقض حقوقشان خواهد بود. این فرایند جدید بررسی شکایات، به افراد، گروه ها و وکلایشان که ادعای نقض حقوق خود را توسط دولت های عضو کنوانسیون دارند اجازه می دهد که شکایت خود را در کمیته های وابسته به سازمان ملل مطرح کنند.

منبع: <http://www.crin.org/resources/infoDetail.asp?ID=25223>

عدم دریافت یارانه کودکان تحت پوشش سازمان بهزیستی

پس از 5 مرحله واریز یارانه های نقدی به حساب افراد، کودکان تحت پوشش سازمان بهزیستی در مراکز هنوز یارانه خود را دریافت نکرده اند

به گزارش خبرنگار اجتماعی باشگاه خبری فارس «توانا»، سازمان بهزیستی وعده داده بود که در مرحله پنجم واریز یارانه ها، کودکان تحت پوشش این سازمان که در مراکز تحت حمایت بهزیستی نگهداری می شوند یارانه خود را دریافت می کنند اما بر خلاف وعده های داده شده کودکان تحت پوشش بهزیستی در این مرحله هم یارانه دریافت نکردند.

احمد اسفندیاری، سرپرست سازمان بهزیستی در تاریخ 9 خرداد 90 در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی باشگاه خبری فارس «توانا» اظهار داشت:

با رایزنی های صورت گرفته با سازمان هدفمندی یارانه ها اسامی مددجویان و معلولان در مراکز و آسایشگاه ها ارسال شده است که یارانه نقدی این افراد از مرحله پنجم به حساب آنها واریز می شود. این خبر در حالی منتشر شد که با گذشت 5 مرحله هنوز یارانه های کودکان مراکز سازمان بهزیستی واریز نشده است و مشخص نیست چه زمانی یارانه های نقدی به حساب این افراد واریز می شود؛ این موارد در حالی است که بر اساس قانون هدفمند سازی یارانه ها واریز مبلغ نقدی یارانه ها ماهیانه صورت می گیرد و چنانچه به هر علتی این مبلغ واریز نشود، سازمان هدفمندی سازی در مرحله بعدی یارانه را واریز نخواهد کرد. به گزارش «توانا» تلاش خبرنگار فارس جهت تماس با بهروز مردادی مدیر عامل سازمان هدفمندی سازی یارانه ها در این خصوص بی نتیجه ماند.

منبع: خبرگزاری فارس « 9 تیرماه

پدر با ضربات متعدد چاقو کودک هفت‌ساله خودش را بقتل رساند

یک مرد ایرانی مقیم سوئد با ضربات متعدد چاقو کودک هفت‌ساله خودش را به قتل رساند. این جنایت با بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های سوئد مواجه شده و مقامات قضایی و پلیس در حال انجام تحقیقات ویژه در این‌باره هستند.

وقوع جنایت ساعت هشت‌صبح روز 10 ژوئیه- یکشنبه هفته گذشته- اهالی خیابان «الوانزوگ» واقع در محله «تومته بود» در شهر شمالی «امئو» سوئد با شنیدن صدای فریادهای زن مسنی که درخواست کمک می‌کرد به خیابان آمدند و فهمیدند در خانه دختر این زن واقعه‌ای شوم در جریان است. آنها به سرعت پلیس را باخبر کردند و دقایقی بعد گروهی از ماموران با حضور در محل حادثه وارد خانه موردنظر شدند و خود را در برابر صحنه‌ای فجیع دیدند.

مردی خشمگین در حالی که یک چاقوی خون‌آلود در دست داشت، گوشه‌ای نشسته و پیکر نیمه‌جان یک پسر بچه نیز کمی آن طرفتر نقش بر زمین شده بود. ماموران به محض بازداشت مرد چاقو به دست، کودک هفت‌ساله را به بیمارستان منتقل کردند و پزشکان کوشیدند جلوی خونریزی را بگیرند و جان پسرک را نجات بدهند، اما تعدد ضربات و عمیق بودن آنها باعث شد کاری از دست تیم درمانی ساخته

نباشد و کودک مجروح سه ساعت بعد جانش را از دست داد. پس از آن بود که پلیس تحقیقات ویژه‌ای را در این خصوص انجام داد و معلوم شد، ضارب پدر پسر بچه و مردی ایرانی است.

متهم کیست تحقیقات پلیس فاش کرد، متهم به نام شهرام مردی 53 ساله است که در سال 68 همراه همسرش به سوئد مهاجرت کرده و شهر امئو را برای زندگی برگزیده بود. او سپس به استخدام شرکت پست درآمد و همسرش نیز به عنوان پرستار مشغول به کار شد.

آن دو زندگی آرامی داشتند و جرم و خطایی از آنها سر نزده بود به همین دلیل پنج سال بعد تابعیت سوئد به این زوج اعطا شد. بعد از آن هم در کارنامه شهرام نقطه تاریکی وجود نداشت تا اینکه اخیراً اختلافاتی بین این مرد و همسرش در گرفت به گونه‌ای که همسر شهرام چند ماه قبل از شوهرش به خاطر اعمال خشونت شکایت و خانه‌اش را نیز ترک کرد. این زن که پسر خردسالش به نام سامی را هم همراه خود داشت مدتی را در یک مرکز ویژه نگهداری از زنان به سر برد اما به دلیل اینکه در این مرکز امکانات کافی وجود نداشت و جمعیت زیادی در آنجا زندگی می‌کردند، زن میانسال مجبور شد همراه فرزندش به خانه شهرام بازگردد و از آن پس مادرزن شهرام نیز به جمع آنها پیوست تا از وقوع اتفاقات تلخ جلوگیری کند.

بازجویی‌ها پس از آنکه خانواده ایرانی- سوئدی بار دیگر دور هم جمع شدند، اختلافات قدیمی سر باز کرد و مشاجره و دعوا به بخشی از زندگی روزمره آنها تبدیل شد، به گونه‌ای که همسر شهرام تصمیم به جدایی گرفت و بحث بر سر این موضوع ادامه داشت تا اینکه روز حادثه وقتی مادر سامی به بیمارستان محل کارش رفت، مرد ایرانی بعد از درگیری لفظی با مادرزنش او را به زور از خانه بیرون انداخت و درها را قفل کرد سپس چاقویی را از آشپزخانه برداشت و به جان کودکش افتاد. پس از این اتفاق مادر سامی تلفنی با خبر شد، به خانه آمد ولی هیچ‌کس نتوانست جلوی شهرام را بگیرد تا اینکه پلیس از راه رسید.

ماموران جنایی اداره پلیس امئو تاکنون چندین بار از مرد ایرانی بازجویی کرده‌اند اما او حاضر نیست درباره این جنایت حرفی بزند.

متهم در بازجویی‌ها به اتهامش اعتراف کرده و حتی جزییات قتل را هم شرح داده اما در برابر این سوال که به چه دلیل سامی را قربانی کرده، مهر سکوت بر لب زده است.

نوع جنایت این مرد و همچنین واکنش‌هایش در جریان تحقیقات، پلیس را در برابر این احتمال قرار داده که ممکن است شهرام به بیماری روانی مبتلا باشد به همین دلیل بازپرس پرونده دستور داده مرد ایرانی تحت معاینه‌های روانی قرار بگیرد تا مشخص شود تا چه حد مسوول اعمال خودش است.

بنابر این گزارش، در حالی که تحقیقات پیرامون این پرونده ادامه دارد رسانه‌های سوئدی نیز با حساسیت موضوع را دنبال می‌کنند. پایگاه خبری فرارو

نامه عیسی سحرخیز به احمد شهید



آنچه امروز در زندان های جمهوری اسلامی می‌رود، چیزی کمتر از اقدامات ضد انسانی استالین در اردوگاه های کار اجباری سیبری را ندارد.

عیسی سحرخیز از زندانیان مشهور اسیر در زندان رجایی شهر، از این زندان نامه ای به احمد شهید گزارشگر ویژه ی حقوق بشر سازمان ملل در مورد ایران نوشته است. به گزارش کلمه به نقل از وبگاه فرزند عیسی سحرخیز، متن این نامه به شرح زیر است:
جناب آقای دکتر احمد شهید
با سلام،

اینجانب عیسی سحرخیز، از زندانیان سیاسی بازداشت شده در پی کودتای انتخاباتی سال ۲۰۰۹، که با گذشت نیمی از دوران محکومیت، اجازه برخورداری یک روزه نیز از حق قانونی خود در استفاده از مرخصی، حتی جهت درمان پزشکی خویش نداشته‌ام، می‌باشم.

جناب آقای احمد شهید!

شنیدن خبر انتخاب شما به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در ایران، سبب دلگرمی من و بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی شده است، چرا که امید داریم شما بتوانید اوضاع اسف بار زندان های جمهوری اسلامی را به جهانیان منعکس نمایید و ندای مظلومیت من و هم بندانم را به جهانیان برسانید.

جناب آقای احمد شهید!

آنچه امروز در زندان های جمهوری اسلامی می‌رود، جنایت علیه بشریت است و چیزی کمتر از اقدامات ضد انسانی استالین در اردوگاه های کار اجباری سیبری ندارد. این اقدامات مختص زندانیان سیاسی نیست، و شرایط زندگی زندانیان عادی نیز کم از فاجعه ندارد. حتما مرگ ناگوار هدی صابر، زندانی اعتصاب غذا کرده، در اثر ضرب و شتم زندان بانان را شنیده‌اید و قبل تر نیز از جزییات مرگ محسن دگمه چی خبر دار شده‌اید. حتما مختصری از جزییات پرونده پزشکی اینجانب نیز آگاهی دارید و خود مطلع <http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=39225> هستید که حتی اجازه بستری شدن بنده و مداوا در یک بیمارستان را نمی‌دهند. پس به ذکر جزییات نخواهم پرداخت.

اما هدف از نگارش این سطور آن بوده که به شما گوشزد نمایم که اوضاع آن چنان نابسامان است که هر آن می‌توان انتظار وقوع رویدادهای دلخراش دیگری را داشت. چرا که امروز بر من و دیگر هم بندانم آشکار و بدیهی است که استراتژی این نظام، کشتن بی صدا و تدریجی زندانیان معترض است. آن ها عامدانه تصمیم دارند که ما را نابود کنند و مرگ خاموش ما را تدارک دیده‌اند، چون از زنده بودن ما، حتی در پشت این دیوارها و میله‌ها می‌ترسند.

اما شما به حکم انسانیت، و به حکم مسئولیتی که بر شما تفویض شده است، تعهد دارید که هر آنچه در توان دارید، بکار ببندید، تا سریع تر افکار عمومی دنیا را نسبت به اقدامات شنیعی که در پشت این دیوارها می‌گذرد خبر دار کنید. امیدوارم که متوجه ارزش پربهای زمان در این مورد باشید و بدانید که هرگونه تاخیر در این اقدام، محصولی جز مرگ دیگر زندانیان سیاسی نخواهد داشت. لذا از شما انتظار دارم که هر چه سریع تر جهت مسافرت به ایران اقدام نمایید و در این مهم، تاخیری نداشته باشید. چنانچه حاکمیت از ورود شما به کشور و ملاقات با زندانیان سیاسی ممانعت به عمل آورد، خود به تنهایی طشت رسوایی حاکمیتی خواهد بود که همه چیزش بر دروغ بنا شده است.

عیسی سحرخیز

تیر ۱۳۹۰

رجایی شهر

منبع: <http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=39225>

جمعیت کودک و نوجوان ایران، ۳۰ میلیون نفر



جمعیت کودک و نوجوان ایران، ۳۰ میلیون نفر شمارگان کتاب آنها ۱۵ میلیون نسخه

در حالی که جمعیت کودک و نوجوان ایران، ۳۰ میلیون نفر است، اما شمارگان کتاب‌های کودک و نوجوان ۱۵ میلیون نسخه در سال است، یعنی در هر سال به هر دو کودک ایرانی فقط یک جلد کتاب تعلق می‌گیرد.

مصطفی رحماندوست، شاعر کودک و نوجوان، در گفتگو با ایسنا از پایین بودن شمارگان کتاب کودک و نوجوان در ایران انتقاد کرده و گفته است: "تیراژ کتاب‌های کودک پاسخگوی مخاطبان نیست، حتی در اغلب شهرهای بزرگ در کتابفروشی‌ها کتاب خوب کودک پیدا نمی‌شود که این امر در پایین آمدن سطح مطالعه بی‌تأثیر نیست."

مصطفی رحماندوست با بیان این مطلب، اظهار کرد:

"در حالی که ۳۰ میلیون کودک و نوجوان در کشور زندگی می‌کند، اما فقط تیراژ کتاب‌های کودک و نوجوان ۱۵ میلیون نسخه است که به بیانی روشن‌تر باید عنوان کرد که در هر سال به هر دو کودک ایرانی فقط یک جلد کتاب تعلق می‌گیرد."

وی، مهم‌ترین چالش پیش‌روی ادبیات کودک را پایین بودن سطح مطالعه عنوان کرد و گفت: "مطالعه در کشور هنوز به صورت صنعتی و حرفه‌یی درنیامده است و نه نویسنده از این راه می‌تواند امرار معاش کند و نه ناشر امیدی به سرانجام کار خود دارد و نه خانواده‌ها استقبالی از کتاب‌های منتشره می‌کنند." رحماندوست همچنین از سیاست آموزش و پرورش در زمینه اصول تربیتی کودکان و نوجوانان، انتقاد کرده و گفته است: "اصلاً مایل نیستم در این مورد چیزی بگویم، چون کاری صورت نگرفته است و در واقع چند سالی است که در رکود به‌سر می‌بریم."

"علیرضا" ۱۱ ماهه و "محمدپویا" ۴ ساله در وضعیت وخیمی به سر می‌برند.

پسر ۱۱ ماهه‌ای به نام "علیرضا" و پسر ۴ ساله‌ای نام "محمدپویا" که طی دو رویداد جداگانه پدرانشان به آن‌ها مواد مخدر کراک و شیشه خورنده بودند، اکنون در بیمارستان در وضعیت وخیمی به سر می‌برند.

گفته می‌شود با تلاش پزشکان بیمارستان علیرضا از مرگ حتمی نجات یافته است، اما محمدپویا کودک دیگر، دچار مرگ مغزی شده و علائم حیاتی‌اش رو به تحلیل است و فقط به کمک دستگاه مصنوعی تنفس می‌کند.

به گزارش جامجم، محمدپویا، کودکی ۴ ساله است که مادر وی چند روز پیش او را به اورژانس بیمارستان فوق تخصصی کودکان بهرامی تهران منتقل کرده است.

مسئولان بیمارستان پس از مشاهده وضعیت وخیم کودک و معاینه وی مراتب را پلیس خبر می‌دهند و زن جوان به همراه شوهرش بازداشت می‌شود.

زن جوان در اظهاراتش به پلیس گفت: "شوهرم مواد مخدر کراک مصرف می‌کند و دوستانش را نیز برای مصرف مواد مخدر به خانه‌مان می‌آورد. در جریان این رفت و آمدها بود که شوهرم مرا معتاد کرد و من نیز مواد مصرف می‌کنم."

وی اضافه کرد: "شب حادثه شوهرم بار دیگر دوستان معتادش را به خانه آورده و در حال مصرف مواد مخدر (کراک) بودند."

مادر کودک ادامه داد: "دقایقی بعد چند بار پسر، محمدپویا، را صدا زدم، ولی پاسخی نداد. با ظنن شدن به اوضاع از آشپزخانه به سمت اتاق نشیمن رفتم. در این موقع دیدم شوهرم به سر و صورتش می‌کوبد و محمدپویا بیهوش کناری افتاده است."

در پی اظهارات زن جوان، شوهرش بازجویی شد و گفت: "من و دوستانم در حال مصرف کراک بودیم که پسر به سمتمان آمد و گریست. هرکاری می‌کردم آرام شود بی‌فایده بود. کمی مواد مخدر به خورد او دادم تا آرام شود که دقایقی بعد بیهوش شد."

وی اضافه کرد: "دوستانم با دیدن این وضعیت پسر وحشت کرده و از خانه فرار کردند و ما با انتقال کودک به بیمارستان، از سوی پلیس دستگیر شدیم."

با تشکیل پرونده قضایی در این زمینه، تحقیقات ادامه پیدا کرد تا این‌که در مرحله بعدی مشخص شد، این کودک ۴ ماه پیش نیز در پی خوردن مواد مخدر (کراک) بدحال شده و در بیمارستان بستری بوده است. والدین وی در آن زمان ادعا کرده بودند کودک آن‌ها کراک را به جای شکلات خورده است و با بهبود یافتن کودک، وی را به خانه‌شان برده و به مسئولان اورژانس اجتماعی تعهد داده بودند از فرزندشان به خوبی مراقبت کنند

در همین زمینه پسر ۱۱ ماهه‌ای به نام علیرضا بر اثر خوردن مواد مخدر (شیشه) مسموم شده و چند روزی بی‌هوش بود.

والدین علیرضا وی را وقتی برای درمان به بیمارستان فوق تخصصی کودکان بهرامی آوردند، ادعا کردند مواد مخدر (شیشه) درون بطری شیر کودک افتاده و ناخواسته شیر آلوده به مواد مخدر را به وی خوراندند که فرزندشان بی‌هوش شده است.

تلاش پزشکان برای نجات جان علیرضا آغاز شد و با گذشت دو روز وی از مرگ نجات یافت اما والدین خطاکار بازداشت و به کلانتری منتقل شدند.

در تحقیق از مادر کودک وی ادعا کرد شوهر معتادش به اشتباه مواد مخدر (شیشه) را به فرزندشان خورانده است.

در پی اظهارات زن جوان، شوهرش بازجویی شد و گفت: "شب حادثه مواد مخدر (شیشه) را روی کمد گذاشته بودم تا پیش از خواب آن را مصرف کنم. وقتی همسرم از من خواست تا شیر کودک را درون بطری بریزم و برایش بیاورم به گمان این‌که نبات را درون بطری شیر می‌اندازم، به اشتباه مواد مخدر (شیشه) را درون شیر حل کرده و به خورد فرزندم دادم که به یکباره بدحال شد و با آوردن وی به بیمارستان متوجه شدم او را با مواد مخدر (شیشه) بدحال کرده‌ام."

بنابراین گزارش، این پدر معتاد نیز به اتهام کودک‌آزاری روانه زندان شده است و تحقیقات تکمیلی از آن‌ها در حالی ادامه دارد که محمد پویا دچار مرگ مغزی شده و کودک دیگر - علیرضا - پس از بهبودی تحویل بهزیستی شده است.

پویا بعد از مصرف مواد مخدر (کراک) بیهوش شد!!



پویا بعد از مصرف مواد مخدر (کراک) بیهوش شد!!

کودک خردسالی به نام "محمد پویا" که مورد کودک آزاری قرار گرفته بود، روز چهارشنبه ۲۹ تیرماه در بیمارستان بهرامی تهران تسلیم مرگ شد. محمد پویا کودک ۴ ساله‌ای بود که خانواده‌اش هنگام انتقال او به بیمارستان بهرامی ادعا می‌کردند کودک بعد از مصرف مواد مخدر (کراک) بیهوش شده است. بر اساس گزارش روزنامه جام جم، کادر درمانی بیمارستان تلاش برای نجات وی را آغاز کرده بودند تا این‌که معلوم شد، این کودک همان فردی است که اوایل فروردین سال جاری خانواده‌اش او را به خاطر مصرف مواد مخدر کراک به بیمارستان آورده و این کودک چند روزی بستری بود و خانواده‌اش با تعهد قضایی، او را تحویل گرفته و به خانه برده بودند. با مشخص شدن این موضوع، پرونده‌ای تشکیل و والدین وی بازداشت شدند. آن‌ها در بازجویی یکدیگر را مقصر دانستند تا این‌که مادر کودک گفت، شوهرش مرد معتادی است و مواد مخدر (کراک) را به زور به خورد پسرمان داده تا او آرام شود و خودش بتواند با دوستانش در خانه مواد مخدر مصرف کند. در پی این اظهارات مادر و پدر کودک با دستور قضایی روانه زندان شدند.

بنابراین گزارش، رسیدگی به این پرونده پس از مرگ کودک وارد مرحله جدیدی شده و جسد این قربانی با قرار قانونی به پزشکی قانونی انتقال یافته است. لازم به یادآوری است که "محمدپویا" پس از "باربد" و "پارسا"، دستکم سومین کودکی است که از ماه گذشته تاکنون به علت کودک آزاری جان خود را از دست داده است.

کودکان فراموش شده اند

بزرگترها دغدغه اقتصاد و سیاست دارند و آنچه فراموش می‌شود و زیر پای این دو دغدغه له می‌شود کودکان هستند

مقدمه گزارش: مدنی گفت: بر اساس تحقیقی که بر روی شهر تهران انجام شده است 50 درصد کودکان در تهران زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بر اساس این تحقیق کمترین کودکان فقیر در منطقه 3 زندگی می‌کنند یعنی حدود 15 درصد کودکان منطقه 3 فقیر هستند و بیشترین کودکان فقیر در منطقه 19 روزگار می‌گذرانند یعنی حدود 65 درصد کودکان این منطقه فقیر هستند.

50 درصد کودکان پایتخت زیر خط فقر آمار قتل در ایران به آمار قتل در جهان نزدیک می‌شود همایش تجربیات جهانی و نگاهی همه‌جانبه به پیشگیری از کودک‌آزاری دیروز در فرهنگسرای اندیشه برگزار شد. این همایش شامل دو میزگرد بود که در میزگرد اول تجارب جهانی و لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در دست اقدام مورد بررسی قرار گرفت و در میزگرد دوم در رابطه با پیشگیری، مداخلات و حمایت‌های اجتماعی بحث شد. همچنین در این همایش دکتر سعید مدنی پژوهشگر اجتماعی به جمع‌بندی وضعیت موجود کودک‌آزاری در سطح کشور پرداخت. مدنی در این همایش گفت: شواهد، قرائن و آمارها نشان‌دهنده این است که میزان خشونت در کشور افزایش یافته است و افزایش خشونت افزایش کودک‌آزاری را به دنبال دارد.

او ادامه داد: امروز کودکان ما بیش از هر زمان دیگری به انجمن‌های حمایتی نیاز دارند زیرا بزرگترها دغدغه اقتصاد و سیاست دارند و آنچه فراموش می‌شود و زیر پای این دو دغدغه له می‌شود کودکان هستند. او با بیان اینکه عده‌ای گمان می‌کنند افزایش آمار کودک‌آزاری در روزنامه‌ها سیاه‌نمایی است، تصریح کرد: از اواسط دهه 70 یعنی حدود سال‌های 77 و 78 ارائه گزارش‌های کودک‌آزاری در دستور کار رسانه‌ها قرار گرفت. در آن زمان رسانه‌های زیادی در کشور وجود داشت و تعداد روزنامه‌ها نسبت به حال حاضر بیشتر بود و رسانه‌ها توجه بیشتری به این موضوعات نشان می‌دادند. همچنین در آن زمان مسوولان توجه بیشتری به کودک‌آزاری نشان می‌دادند و قوه مقننه، مجریه و قضائیه بیشتر پیگیر موضوعات کودک‌آزاری بودند اما با وجود اینکه در حال حاضر امکانات

رسانه‌های نسبت به آن زمان محدودتر شده است تعداد گزارش‌هایی که در روزنامه‌ها در مورد کودک‌آزاری منتشر می‌شود، بیشتر است.

به گفته این پژوهشگر اجتماعی در آن زمان سازمان‌های غیردولتی در رابطه با مسائل کودکان بیشتر فعال بودند و این مسائل را بیشتر پوشش می‌دادند و انجمن‌ها تحرک بیشتری داشتند اما امروز با وجود همه محدودیت‌ها گزارش‌های کودک‌آزاری بیشتر شده است.

میزان خشونت در کشور رو به افزایش است مدنی گفت: شاخص‌های خشونت روز به روز در کشور افزایش یافته است و اولین گروهی که در معرض خشونت قرار می‌گیرند کسانی هستند که امکان دفاع کمتری دارند که این گروه اول کودکان و بعد زنان هستند. او با بیان اینکه کودک‌آزاری بیشتر در خانواده‌های فقیر رخ می‌دهد، تصریح کرد: یکی از علل مهم کودک‌آزاری فقر و نابرابری است و در خانواده‌های فقیر وقوع کودک‌آزاری بیشتر گزارش می‌شود. وضعیت فقر و نابرابری در کشور بسیار نامطلوب است و طی هفت یا هشت سال گذشته کشور به سوی فقر و نابرابری بیشتری هم سوق پیدا کرده است. به گفته مدنی 47 درصد خانواده‌های زن‌سرپرست دارای مشاغل رسمی و 53 درصد خانواده‌های زن‌سرپرست دارای مشاغل غیررسمی هستند و در خانواده‌های زن‌سرپرستی که سرپرست خانوار شغل غیررسمی دارد 61 درصد کودکان زیر خط فقر و در خانواده‌های زن‌سرپرستی که سرپرست خانوار شغل رسمی دارد 22 درصد کودکان زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

همچنین در خانواده‌های مرد سرپرستی که سرپرست خانوار شغل غیررسمی دارد 44 درصد بچه‌ها زیر خط فقر و در خانواده‌های مردسرپرستی که سرپرست خانوار شغل رسمی دارد 12 درصد بچه‌ها زیر خط فقر هستند و این آمارها نشان از آن دارد که در کشور ما کودکان زیادی هستند که به خاطر فقر در معرض کودک‌آزاری قرار دارند. این پژوهشگر اجتماعی ادامه داد: هرچه تحصیلات خانواده کمتر باشد، سرپرست خانواده سن کمتری داشته باشد احتمال کودک‌آزاری در آن خانواده بیشتر است. او تعداد زیاد فرزندان در خانواده‌های فقیر را یکی دیگر از دلایل کودک‌آزاری در خانواده‌ها دانست و گفت: سیاست‌های تشویقی دولت برای فرزندآوری باعث می‌شود تعداد کودکان فقیری که در معرض کودک‌آزاری قرار می‌گیرند، افزایش یابد. 50 درصد کودکان تهران زیر خط فقر زندگی می‌کنند مدنی گفت: بر اساس تحقیقی که بر روی شهر تهران انجام شده است 50 درصد کودکان در تهران زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بر اساس این تحقیق کمترین کودکان فقیر در منطقه 3 زندگی می‌کنند یعنی حدود 15 درصد کودکان منطقه 3 فقیر هستند و بیشترین کودکان فقیر در منطقه 19 روزگار می‌گذرانند یعنی حدود 65 درصد کودکان این منطقه فقیر هستند و گزارش‌ها کودک‌آزاری هم نشان از آن دارد که بیشتر کودک‌آزاری‌های تهران در مناطق جنوبی و حاشیه‌ای پایتخت رخ می‌دهد. همچنین بر اساس این گزارش 30 درصد کودکان منطقه یک، 20 درصد کودکان منطقه 6 و 61 درصد کودکان منطقه 15 فقیر هستند. این پژوهشگر اجتماعی گفت: تحقیقات نشان می‌دهد در سال‌های اخیر وضعیت اقتصادی کشور بدتر شده و تعداد بیشتری از افراد زیر خط فقر زندگی می‌کنند و این خود می‌تواند زمینه‌ساز افزایش کودک‌آزاری در کشور باشد. او ادامه داد: بر اساس تحقیقی که در سال 78 در تهران انجام شده است 17 مورد کودک‌آزاری در پزشکی قانونی تهران گزارش شده که مربوط به خانواده‌های فقیر و سطح اقتصادی پایین بوده است.

همچنین بر اساس تحقیقی که در سال 86 در اهواز انجام شده است و دو هزار نمونه داشته است بیشتر کودکانی که مورد آزار قرار گرفته‌اند کودکان فقیر بوده‌اند. مدنی بیان کرد: همچنین تحقیقات نشان داده

است کودکانی که در خانه‌های استیجاری زندگی می‌کنند نسبت به کودکانی که خانواده‌های آنها صاحبخانه هستند بیشتر در معرض کودک‌آزاری هستند.

همچنین هرچه خانه کوچکتر باشد و فضای کمتری در اختیار کودکان باشد و اتاق اختصاصی نداشته باشند بیشتر مورد کودک‌آزاری قرار می‌گیرند و همچنین این کودکان بیشتر مورد آزار جنسی پدر قرار گرفته‌اند. مدنی معتقد است محل سکونت خانواده هم بر آمارهای کودک‌آزاری تأثیر دارد.

خانواده‌هایی که در مناطق جنوبی شهر یا در حاشیه‌های شهر زندگی می‌کنند بیشتر کودکان خود را مورد آزار قرار می‌دهند و از آنجایی که وضعیت اقتصادی جامعه روز به روز بدتر می‌شود و کرایه‌خانه‌ها هم افزایش پیدا می‌کند تعداد بیشتری از خانواده‌ها برای زندگی به مناطق جنوبی و حاشیه‌ای شهرها می‌روند و این خود می‌تواند عاملی برای تشدید کودک‌آزاری در کشور باشد به طوری که 60 درصد از نمونه‌هایی که مورد کودک‌آزاری قرار گرفته‌اند در مناطق جنوبی تهران ساکن بوده‌اند. او ادامه داد: وضعیت اشتغال سرپرست خانوار نیز در میزان کودک‌آزاری تأثیر داشته است. در خانواده‌هایی که سرپرست خانوار بیکار بوده یا درآمد اندکی داشته، کودک‌آزاری بیشتر اتفاق افتاده است. افزایش طلاق افزایش کودک‌آزاری را به دنبال دارد مدنی تصریح کرد: عامل دیگری که باعث افزایش کودک‌آزاری در کشور شده است، افزایش طلاق است زیرا بچه‌های طلاق بیشتر در معرض کودک‌آزاری قرار می‌گیرند. این روزها هم در کشور آمار طلاق آنقدر بالا رفته که دیگر آمار طلاق جزء آمار محرمانه به حساب می‌آید و سازمان ثبت احوال مانند سال‌های گذشته آمار دقیق و درستی از ازدواج و طلاق منتشر نمی‌کند.

این پژوهشگر اجتماعی افزود: در سال 84، 84 هزار طلاق در کشور به وقوع پیوسته است و در سال 89، 137 هزار طلاق یعنی طی پنج سال، 37/5 درصد افزایش طلاق در کشور داشته‌ایم. یعنی در هر سال به طور متوسط 7 تا 8 درصد رشد آمار طلاق بوده است این در حالی است که رشد جمعیت سالیانه حدود یک تا دو درصد است. وقتی شاهد افزایش رشد طلاق در کشور هستیم، باید انتظار داشته باشیم که کودکان بیشتری در معرض کودک‌آزاری قرار بگیرند.

او گفت: عامل دیگری که در افزایش کودک‌آزاری تأثیر دارد، اعتیاد است. شواهد نشان می‌دهد در بیشتر مواردی که کودک‌آزاری اتفاق افتاده است، حداقل یک معتاد در خانواده وجود داشته است. بر اساس برآوردهای رسمی، دو میلیون معتاد دائمی و تفننی در کشور وجود دارند و بر اساس اظهارنظر کارشناسان تعداد معتادان کشور حدود پنج میلیون نفر است. اگر فرض بگیریم از این تعداد معتاد حدود 2/5 تا 3 میلیون نفر سرپرست خانوار باشند، بنابراین فرزندان این خانواده‌ها در معرض کودک‌آزاری قرار دارند. آمار قتل در ایران به آمار قتل در جهان نزدیک می‌شود به گفته مدنی وقتی در جامعه‌ای خشونت افزایش پیدا می‌کند، کودک‌آزاری هم در آن جامعه افزایش می‌یابد. این پژوهشگر اجتماعی تصریح کرد: این روزها آمار تجاوز و جنایت و قتل در کشور افزایش یافته است.

مثلاً قتل دختری دانشجوی در پل مدیریت که با ضربات چاقو به قتل رسید نمونه‌ای از این موارد است. در سال 80 بر اساس گزارش نیروی انتظامی، 1577 پرونده قتل تشکیل شده است در حالی که این میزان در سال 87، به 3164 مورد افزایش یافته است.

یعنی تقریباً تعداد قتل در کشور دو برابر شده است. وقوع قتل در کشور، در هر 100 هزار نفر، حدود 6/5 است در حالی که این میزان در اوایل انقلاب حدود 2/5 تا 3 نفر در هر 100 هزار نفر بود بنابراین روند خشونت در کشور رو به افزایش است.

میانگین قتل در جهان حدود 7/5 در 100 هزار نفر است و اگر روند همین گونه سیر صعودی داشته باشد تا یکی دو سال آینده ایران هم در تعداد قتل به میانگین جهانی دست پیدا می‌کند. پرونده‌های ضرب و جرح در سال 80، 80 هزار نفر و در سال 87 حدود 94 هزار نفر بوده است، چاقوکشی در سال 80، 3800 مورد و در سال 87، 4200 مورد بوده است.

بنابراین شواهد و قرائن زیادی وجود دارد که وضعیت خشونت در کشور افزایش پیدا کرده است. مجموعه این عوامل نشان می‌دهد در جامعه‌ای که عوامل کودک‌آزاری در آن افزایش یافته است، امکان کاهش کودک‌آزاری در آن غیرممکن و غیرمعقول است. بنابراین اینکه این روزها در رسانه‌ها بیشتر شاهد گزارش‌های کودک‌آزاری هستیم، به خاطر این نیست که رسانه‌ها سیاه‌نمایی می‌کنند بلکه به خاطر این است که واقعاً موارد کودک‌آزاری در کشور افزایش یافته است.

همچنین در ایران سن روسپیگری کاهش یافته است و این بسیار خطرناک است و در واقع می‌توان گفت همین مساله نیز به نوعی خود از عواقب کودک‌آزاری است. بر اساس تحقیقی که در سال 86 انجام شده است، 48 درصد کسانی که زیر سن 18 سال وارد بازار تن‌فروشی شده‌اند، در کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند.

منبع: روزنامه روزگار 21 تیرماه «

سه سال است که لایحه حمایت از حقوق کودکان در دولت مانده است

سه سال است که لایحه حمایت از حقوق کودکان در دولت مانده است، لایحه‌ای که قوه قضائیه برای بهبود وضعیت حقوقی کودکان تدوین کرد

مقدمه گزارش: سه سال است که لایحه حمایت از حقوق کودکان در دولت مانده است، لایحه‌ای که قوه قضائیه برای بهبود وضعیت حقوقی کودکان آن را تدوین کرد و بر اساس نظر بسیاری از کارشناسان و حقوقدانان اگر تصویب شود، چتر حمایت قانون کودکان بیشتری را مورد حمایت قرار می‌دهد. دولت نسبت به ارسال این لایحه به مجلس تعلل می‌کند و هر روز کودکان بیشتری در معرض آسیب قرار می‌گیرند.

نتیجه تاخیر سه‌ساله دولت در تقدیم لایحه حمایت از حقوق کودکان به مجلس کودکان قربانی تعلل مسوولان می‌شوند سه سال است که لایحه حمایت از حقوق کودکان در دولت مانده است، لایحه‌ای که قوه قضائیه برای بهبود وضعیت حقوقی کودکان آن را تدوین کرد و بر اساس نظر بسیاری از کارشناسان و حقوقدانان اگر تصویب شود، چتر حمایت قانون کودکان بیشتری را مورد حمایت قرار می‌دهد. دولت نسبت به ارسال این لایحه به مجلس تعلل می‌کند و هر روز کودکان بیشتری در معرض

آسیب قرار می‌گیرند. آراین، باربد، پارسا، لیل و امید نمونه‌هایی از کودکانی هستند که اگر این لایحه زودتر تصویب می‌شد شاید هرگز مورد اذیت و آزار قرار نمی‌گرفتند. انجمن حمایت از حقوق کودکان در نشستی به بررسی این لایحه پرداخته است و نقاط ضعف و قوت این لایحه مورد بررسی قرار گرفته است. حمید طهماسبی مدیرکل تدوین لوایح قوه قضائیه در همایش تجربیات جهانی و نگاهی همه‌جانبه به پیشگیری از کودک‌آزاری درباره لایحه حمایت از حقوق کودکان گفت: تدوین لایحه حمایت از حقوق کودکان در سال 1384 در قوه قضائیه در دستور کار قرار گرفت و با همت کارشناسان این لایحه در 54 ماده نوشته و به دولت ارسال شد. اما اکنون بیش از سه سال است که این لایحه در دولت مانده و دولت آن را به مجلس تحویل نداده است در حالی که بر اساس ماده 3 قانون حدود و اختیارات رئیس قوه قضائیه دولت مکلف است لوایح را ظرف مدت سه ماه به مجلس ارسال کند. همچنین به موجب تفسیر شورای نگهبان از اصل 158 قانون اساسی دولت حق تغییر لوایح را هم ندارد. بنابراین تاخیر دولت در تحویل این لایحه به مجلس تخلف است و سازمان‌های مردم‌نهاد باید به دولت فشار بیاورند تا هر چه سریع‌تر لایحه حمایت از حقوق کودکان به مجلس ارسال شود. به اعتقاد طهماسبی این لایحه می‌تواند تا حدود زیادی وضعیت کودکان در معرض آسیب را بهبود بخشد. او درباره محتوای این لایحه گفت: در بخش اول این لایحه اصطلاحات و وضعیت‌های اطفال تعریف و مشخص شده است که وضعیت مخاطره‌آمیز، سوء رفتار، سهل‌انگاری، بی‌توجهی، بهره‌کشی، فحشا، بزه‌دیدگی و... دقیقاً به چه معناست و در 54 ماده این لایحه از این اصطلاحات استفاده شده است. مدیرکل تدوین لوایح قوه قضائیه پیش‌بینی ایجاد تشکیلاتی برای کودکان بزه‌دیده را یکی از نکات مثبت این لایحه دانست و گفت: بر اساس این لایحه قوه قضائیه مکلف شده است تشکیلاتی برای کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر راه‌اندازی کند، همچنین تشکیلات مشابهی در سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، سازمان زندان‌ها، آموزش و پرورش، شهرداری، وزارت کشور و وزارت بهداشت باید ایجاد کند که از حقوق کودکان حمایت کنند و این می‌تواند گامی مثبت در جهت بهبود وضعیت کودکان باشد. این مقام قضایی جرم‌انگاری‌های جدید در این لایحه را مفید حال کودکان دانست و تصریح کرد: در این لایحه موارد جدیدی جرم‌انگاری شده است و هر کسی که به نوعی سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی کودکان را در معرض خطر قرار دهد، مجرم شناخته می‌شود. کسانی که در مقابل کودک‌آزاری سکوت کنند، مجرم هستند مدیرکل تدوین لوایح قوه قضائیه همچنین گفت: در ماده 22 این لایحه هم آمده است هر کس به هر نحو از وقوع اوضاع و احوال مخاطره‌آمیز یا وقوع جرم علیه کودک و نوجوان مطلع شود و با وجود اینکه خطری متوجه او نیست، مراتب را به مراجع قضایی اطلاع ندهد به 91 روز تا یک سال حبس یا پرداخت جزای نقدی 5 تا 15 میلیون ریال محکوم می‌شود. طهماسبی افزود: هرگاه مطلع شویم کودکی در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار دارد، مددکاران اجتماعی بهزیستی و دادگستری مکلف هستند فوراً در جهت رفع خطر و جلوگیری از وقوع جرم وارد عمل شوند و در موارد ضروری، کودک را از محیط خطر دور کنند و زیر نظر مددکار اجتماعی به مراکز بهزیستی یا سایر مراکز منتقل کنند. به گفته طهماسبی بر اساس این لایحه، حتی ضرب و جرح غیر عمدی کودکان مشمول مجازات است در حالی که در مورد بزرگسالان ضرب و جرح غیر عمدی جرم نیست. مدیرکل تدوین لوایح قوه قضائیه تصریح کرد: بر اساس این لایحه، برای کودکان بزه‌دیده، دادرسی افتراقی در نظر گرفته شده است و دادستان اختیارات اضافه نسبت به موارد عادی دارد. مثلاً در حالت عادی از کودکی که به سن قانونی نرسیده است شهادت پذیرفته نمی‌شود یا این کودک نمی‌تواند علیه کسی اعلام جرم کند اما در این دادرسی‌ها اظهارات کودکی که به سن قانونی نرسیده است

پذیرفته می‌شود. مراقب موازی‌کاری باشیم باقر شاملو عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران نیز در این همایش به بررسی نکات مثبت و منفی لایحه حمایت از حقوق کودکان پرداخت و گفت: این لایحه یکی از دستاوردهای بسیار خوب نظام حقوقی ایران است. او توجه این لایحه به سلامت جسمی، روحی، روانی و اجتماعی کودکان را یکی از نکات مثبت این لایحه دانست و بیان کرد: در فصل اول این لایحه نوآوری خوبی صورت گرفته است و تعاریفی که در فصل اول درباره وضعیت‌های مختلفی که کودکان در معرض آسیب قرار می‌گیرند، آمده بسیار راهگشا است. او ادامه داد: البته در قانون اساسی و قوانین عادی هم در رابطه با خسارت‌های روانی که به افراد وارد می‌شود مطالبی عنوان شده است اما فقط تعداد کمی از قضات هستند که این جسارت و شجاعت و آگاهی را دارند که در مورد افرادی هم که در معرض چنین آسیب‌هایی قرار می‌گیرند، حکم بدهند. بنابراین باید به گونه‌ای عمل شود که در قوه قضائیه هم قضات نسبت به مشکلات روانی که برای افراد پیش می‌آید حساس شوند و حکم‌های مناسب ارائه کنند چون هویت انسان را بخش روانی او تشکیل می‌دهد. شاملو گفت: یکی از دستاوردهای مهم لایحه حمایت از حقوق کودکان، حمایت کیفری از کودکان است به طوری که اگر کودکی مورد تعرض واقع شود، فرد مجرم با تشدید مجازات روبرو می‌شود. به گفته این استاد دانشگاه این برای اولین بار است که در نظام حقوقی ایران چنین تشدید مجازاتی در نظر گرفته شده است و این اتفاق مهمی است. البته در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا سال‌هاست وقتی جرمی علیه افراد ضعیف جامعه یعنی کودکان و سالمندان به وقوع می‌پیوندد، تشدید مجازات برای مجرم در نظر گرفته می‌شود و اینکه ایران هم بعد از سال‌ها تصمیم گرفته حمایت بیشتری از کودکان به عمل آورد بسیار حائز اهمیت است. این حقوقدان تاسیس واحدهای حمایت از حقوق کودکان را که در لایحه پیش‌بینی شده است اقدام بسیار مثبتی دانست اما در عین حال گفت: تاسیس این واحدها در سازمان‌ها و وزارتخانه‌های متعدد باعث موازی‌کاری می‌شود. او توضیح داد: ایجاد واحدهای متعدد موازی‌کاری را به دنبال دارد و نتیجه مطلوب و مورد نظر هم با این شیوه به دست نخواهد آمد. بنابراین باید یک نهاد مستقل حمایت از حقوق کودکان تاسیس شود که احکام و نظراتش برای همه سازمان‌ها حتی قوه قضائیه لازم‌الاجرا باشد. شاملو تصریح کرد: در لایحه حمایت از حقوق کودکان آمده است این نهاد باید در دادگستری‌ها باشد اما به نظر من دادگستری مکان مناسبی برای نهاد حمایتی کودکان نیست زیرا آنچه از دادستان و دادگاه به ذهن می‌رسد کودکان را می‌ترساند، در حالی که کودکان نیاز به حمایت‌های معنوی، عاطفی و غیررسمی دارند و بهتر است مسوولیت دفتر حمایت از حقوق کودکان به نهادی واگذار شود که به کودکان عشق می‌ورزد و وظیفه آن هم باید بیشتر عاطفی و احساسی باشد تا رسمی و قانونی. این استاد دانشگاه با انتقاد از عدم توجه کافی در این لایحه به نقش مددکاران و روانشناسان گفت: متأسفانه در این لایحه جایگاه مددکاران اجتماعی، روانشناسان و مددکاران و جامعه‌شناسان ضعیف است. در صدور حکم برای کودکان یا در مورد کودکان، قاضی باید یک عضو از اعضای تصمیم‌گیرنده باشد و باید یک گروه از متخصصان مختلف درباره کودکان حکم کنند و قاضی فقط یک رای در مقابل سه رای دیگر کارشناسان داشته باشد زیرا روانشناسان و مددکاران و جامعه‌شناسان با نیازهای ذهنی و عاطفی کودکان بیشتر آشنایی دارند. او همچنین در رابطه با مفهوم کودک در نظام حقوقی ایران گفت: کودک در نظام حقوقی ما متأسفانه جایگاه مناسبی ندارد و طفل کودکان زیر 9 سال و 15 سال در نظر گرفته شده است در حالی که طفل باید کسی تعریف شود که به بلوغ جسمی، عقلی، عاطفی و اجتماع رسیده است. مفهوم طفل در نظام حقوقی ما باید یک امر عینی و وضعی باشد نه یک امر شرعی و فقهی. بنابراین افراد زیر 18 سال باید طفل محسوب شوند و همه افراد زیر 18 سال باید از حقوق حمایتی

کودکان برخوردار باشند. عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران یکی دیگر از مشکلات لایحه حمایت از حقوق کودکان را عدم توجه کافی به کودکان دوجنسیتی دانست و تصریح کرد: با توجه به اینکه احتمال تعرض به کودکانی که جنسیت مشخصی ندارند و دوجنسیتی محسوب می‌شوند در دوران کودکی بسیار زیاد است، این لایحه باید به این کودکان توجه بیشتری نشان می‌داد و شرایطی را ایجاد می‌کرد که این کودکان در همان دوران طفولیت مورد درمان قرار می‌گرفتند و عمل جراحی روی آنها انجام می‌شد، تا این کودکان وقتی به سن بزرگسالی می‌رسند با انواع و اقسام مشکلات مواجه نشوند. به اعتقاد شاملو در بخش‌هایی از لایحه، حمایت کافی از کودکان صورت نگرفته است به طوری که در بخشی از لایحه آمده است اگر کسی کودکی را تشویق به خودکشی کند به شش ماه تا سه سال زندان محکوم می‌شود در حالی که این مجازات برای چنین فردی بسیار کم است چون کودکان از بلوغ عقلی کافی برخوردار نیستند و کسانی که آنها را به خودکشی ترغیب می‌کنند حداقل باید مجازات‌شان قتل غیر عمد باشد یا به 20 سال زندان محکوم شوند. این استاد دانشگاه همچنین نسبت به قوانینی که در این لایحه درباره بستری کودکانی که مورد کودک‌آزاری قرار می‌گیرند، پیش‌بینی شده است، انتقاد کرد و گفت: در لایحه آمده است هزینه بستری کودکان بزه‌دیده در بیمارستان‌ها باید یا از مجرم یا سرپرست کودک یا نهادهای اجتماعی اخذ شود در صورتی که این باعث تلف شدن وقت در بستری کودکان می‌شود. چون ممکن است کودک بزه‌دیده‌ای به بیمارستان آورده شود که کسی هزینه درآمد او را نپردازد، بنابراین باید قانون به گونه‌ای باشد که هنگامی که طفل بزه‌دیده‌ای به بیمارستان آورده می‌شود بدون محاسبه و صرف وقت او را بستری کنند و بعد هزینه بیمارستان از مراجع ذی‌ربط دریافت شود.

دو میلیون نفر در کشور به صورت رسمی از مواد مخدر مصرف میکنند



سید رضا نقیب السادات عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی: دو میلیون نفر در کشور به صورت رسمی از مواد مخدر مصرف میکنند

سید رضا نقیب السادات در همایش بزرگ پیشگیری از آسیب های اجتماعی پدیده اعتیاد و طلاق که در ساری برگزار شد اظهار کرد: در حال حاضر شکل آسیب های اجتماعی تغییر کرده و دامنه پدیده اعتیاد گسترده شده است.

وی با بیان اینکه دو میلیون نفر در کشور به صورت رسمی از مواد مخدر مصرف می کنند، گفت: در حال حاضر سن اعتیاد در کشور به 13 سال رسیده است و اکثر معتادان کشور زیر 19 سال هستند. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی تهران تصریح کرد: فرد به دلیل فرار از برخی مشکلات معتاد می شود که در صورت کاهش یا قطع مواد مخدر دچار مشکلات ناراحت کننده ای می شود.

به گفته نقیب السادات، اعتیاد در سه مرحله آشنایی، میل به افزایش مواد مخدر و اعتیاد شکل می گیرد. وی با اشاره به اینکه احساس تنهایی افراد در خانواده مهمترین علت گرایش افراد به اعتیاد است افزود: نوع تعامل والدین با فرزندان، احساس تعارض با اعضای خانواده، اضطراب شدید حتی اشتغال والدین از دیگر علل گرایش افراد به اعتیاد است.

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی افزود: تسکین آلام و دردها از دیگر علل گرایش به اعتیاد است که این مساله سبب تقویت انگیزه افراد به مواد مخدر می شود.

نقیب السادات خاطرنشان کرد: تقویت ارزشها و باورهای دینی در کاهش گرایش افراد به مواد مخدر بسیار موثر است.

وی با بیان اینکه عمده ترین راهکار در ترک اعتیاد پیشگیری است افزود: باید آسیب های اجتماعی از قبیل اعتیاد را در جامعه کنترل کنیم.

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی تهران اظهارداشت: گرایش به الکلسم، مواد مخدر، روسپیگری و هم جنس بازی به شدت در حال افزایش است و رسانه های مدرن نیز بر شدت این امر دامن می زنند.

نقیب السادات افزود: اعتیاد سبب می شود تا جامعه پذیری افراد دچار اختلال شود.

وی با اشاره به اینکه نیاز به شورایی هماهنگ کننده مبارزه با اعتیاد در هر استانی احساس می شود افزود: مرکز سیاست گذاری در بخش سلامت اجتماعی در استان باید ایجاد شود. منبع: خبرگزاری ایسنا 6 مرداد

منتظر واکنش دولت به افزایش کودک آزاری ها

فعالان حقوق کودک همچنان منتظر واکنش دولت به افزایش کودک آزاری ها در ماههای اخیر هستند.

فرمانده انتظامی استان همدان از خفه شدن یک دختر بچه پنج ساله به دست مادرش خبر داد. سرهنگ ذبیح الله محمدی در گفتگو با ایسنا، در این باره افزود: روز چهارشنبه ۲۹ تیرماه در پی تماس فردی با کلانتری مینی بر یک مورد مرگ مشکوک، ماموران به محل اعزام شدند و با جسد دختر بچه‌ای مواجه شدند.

وی اضافه کرد: تحقیقات نشان داد دختر بچه پنج ساله با روسری توسط مادرش خفه شده و این زن اقدام به خودکشی کرده است. مادر این کودک به بیمارستان منتقل شد و پس از بهبود به قتل اعتراف کرد.

فرمانده انتظامی استان همدان تصریح کرد: این زن ۳۰ ساله مدعی است که بیماری روانی داشته و بر اثر اختلافات خانوادگی دست به این کار زده است. هرانا 3 مرداد

التماس کودکان برای کمتر چوب خوردن



هر روز شاهد التماس کودکانی بودیم که سعی می کردند کمتر چوب بخورند

وقتی اولین بار فیلم آزار بیمارگونه کودکان دانش آموز توسط معلم را از اینترنت دیدم ناخود آگاه یاد و خاطره سالهای دور در ذهنم مجسم شد:

روستای ما از نظر مدرسه در مرکزیت روستاهای اطراف بود. دانش آموزان زیادی از روستاهای اطراف با پای پیاده به روستای ما می آمدند که این مدرسه در دو شیفت پذیرای دانش آموزان بود. در حالی که معلم های ما اغلب مهربان بودند و حتی اتفاق می افتاد که کتاب های داستان را در بین دانش آموزان توزیع می کردند و گاهی هم به دعوت والدین مهربان

روستایی به خانه هایشان می رفتند و شام یا نهار را در جمع این خانواده ها می گذراندند ، اما ناظم مدرسه ما فرد بد اخلاق و بد رفتاری بود .

الان که 4 دهه از عمرم سپری شده است وقتی گذشته را به یاد می آورم برای من شکی باقی نمی ماند که چه بسا آن فرد کاملاً بیمار بود و با آزار کودکان لذت می برد . بهترین تفریح این فرد شنیدن صدای ترکه چوب اناری بود که بر کف دستان نحیف دانش آموزان فرود می آمد . از آن جایی که ما ساکن همان روستایی بودیم که مدرسه در آن قرار داشت خیلی زود به مدرسه می رسیدیم و به همین دلیل همواره بهانه آزار را از ناظم مدرسه سلب می کردیم اما بیچاره آنهایی بودند که باید از روستاهای دور به مدرسه می رسیدند .

کودکان 7 تا 12 ساله ای که برای رسیدن به مدرسه در صبح سرد زمستان باید از ساعت 6 صبح حرکت می کردند تا به موقع به مدرسه برسند اما به دلیل بارش باران و برف بسیاری از موارد اتفاق می افتاد که با تاخیر از راه می رسیدند . وسط حیاط مدرسه یک حوض بزرگ آب قرار داشت قرار داشت که در عین زیبایی به کابوس وحشتناکی برای کودکان بدل شده بود ؛ در روزهای سرد زمستان که آب حوض از شدت سرما یخ می بست ناظم مدرسه با ترکه چوب انار در دست که دو، سه تایی دیگر را هم به عنوان یدک در کنارش به درخت تکیه داده بود ، با خوشحالی منتظر دانش آموزانی بود که با تاخیر از راه می رسیدند ، ما از راهروی مدرسه و با اندوه خاص دوران کودکی هر روز شاهد التماس کودکانی بودیم که سعی می کردند کمتر چوب بخورند ، دستان لرزانی که باید در آب یخ بسته حوض قرار می گرفتند تا آماده شوند که ناظم بتواند با شدت هر چه تمام تر ترکه چوب انار را بر این دستان نحیف و یخ زده فرود آورد ... فیلم مدرسه جیرفت را که دیدم بلافاصله فیلم سالهای مدرسه برای من تداعی شده بود .

به راستی این نظام مندرس آموزش و پرورش پس کی می خواهد قبای نو به تن کند ؟
دانش آموزان ما چه زمانی نسیم عشق و صلح و مدارا را از راهروهای فرسوده مدارس تنفس خواهند کرد ؟

به راستی پدر ها و مادرها در چه زمانی بدون نگرانی و با اشتیاق و به دور از ترس و وا همه از آزار و ترس از عدم موفقیت فرزند و هراس از عدم همراهی دوست خوب و ... جگر گوشه های خود را راهی مدرسه خواهند کرد ؟

وزارت آموزش و پرورش که هسته های مختلف گزینشی را احیاء کرده تا چه اندازه بر سلامت روان استخدام شده ها نظارت می کند و آیا اصلاً نگران آسیب های روحی و روانی و معیشت و ... معلمان است؟

وزیر آموزش و پرورش پس از افشای فیلم آزار دانش آموزان جیرفتی با خیالی راحت و با آرامشی که شاید حاصل از اطمینان وی از عدم امکان طرح سوال و استیضاح وی از طرف همکاران قدیمی خود در مجلس باشد ، با لبخند اعلام داشته است: "تنبیه در مدارس ما منقرض شده است" .
آنچه البته رو به انقراض می رود روحیه مدارا و محبت در نظام آموزش و پرورش است که شواهد این روزها خود دلایل متعدد این مدعاست .

وزیر آموزش و پرورش در حالی از انقراض تنبیه دانش آموزان در مدارس سخن می گوید که کافی است هر کدام از ما لحظاتی را در پشت درب مدارسی که صدای بلندگوی صبحگاهی آن به گوش می رسد بایستیم و گوش فرا دهیم آن وقت مشخص خواهد شد چه دستاوردهای مهمی در آموزش و پرورش رو به انقراض می رود؟

کدام مدرسه تهران را می شناسید که خود کودکان ، با آوازهای شاد کودکانه مجری برنامه صبحگاهی باشند ، در کدام مدرسه است که برنامه های دیکته شده از راس وزارت خانه در آن اجرا نشود . و به راستی چرا دانش آموزان ما این همه از مدارس گریزانند ؟

با این که از پذیرش پیمان نامه جهانی حقوق کودکان توسط کشور ما سال ها می گذرد متأسفانه متولین امور کودکان هیچگاه نتوانسته اند راه را برای اجرای مفاد آن هموار کنند . با اینکه انواع و اقسام نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی در کشور فعالیت می کنند اما هنوز هم خلا حاصل از فقدان پلیس ویژه کودکان برای مسئولین به اثبات نرسیده است ، هنوز هم کودکانی که در خانه و در مدرسه و محیط کار ...مورد آزار قرار می گیرند نمی توانند به مراکز مطمئنی مراجعه و اعلام کنند که مورد آزار قرار گرفته اند. آزار کودکان و نوجوانان با شیب بسیار زیاد در حال افزایش است ، آمار ها و ارقام و مشاهدات نشان از روند رو به رشد کودک آزاری دارند ، وزارت آموزش و پرورش به جای تحلیل و بررسی مواردی از قبیل : دلایل روند رو به رشد خشونت در بین دانش آموزان ، روند رو به نزول سن اعتیاد در دوران کودکی و در بین دانش آموزان، روند رو به رشد تنبیه بدنی دانش آموزان توسط معلمان ، روند رو به رشد آمار کودکان بازمانده از تحصیل ، روند رو به رشد آمار دانش آموزان مردودی و... به موارد حاشیه ای می پردازد .

آموزش و پرورش باید به جایگاه واقعی اش که تعلیم و تربیت فرزندان و آینده سازان این آب و خاک است بازگردد. 15 تیر ماه منبع: انجمن حمایت از حقوق کودکان

کودکان کار



گزارش‌ها حاکی از آن است که هم‌اکنون ۶۰۰ هزار کودک در ایران به صورت رسمی مشغول به کار هستند، این موضوع باعث شده است که کودکان در سنین طفولیت نیمکت مدارس را به امید دستیابی به معیشت اندک پای در بازار کار و اشتغال بزرگترها بگذارند. در حالی حداقل ۶۰۰ هزار کودک در کشور به جای مدرسه و تحصیل راهی بازار کار شده‌اند که هر یک به تنهایی در معرض انواع سوء استفاده‌ها از خانواده تا سودجویان قرار دارند. هرانا 4 مرداد

آیا میدانید؟ کودک آزاری در ایران، پدیده‌ای قانونی است!

اسفند ماه 1372 کشور ایران پیمان نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفت: یکی از شرایط اساسی اجرای درست این پیمان نامه، آشنایی افراد جامعه بویژه مقامات مربوط به امور کودکان، با این پیمان نامه است.

بیش از یک دهه از پیوستن ایران به این پیمان نامه جهانی می‌گذرد، اما متأسفانه هر روز شاهد افزایش مشکلاتی چون کار اجباری کودکان، کودک آزاری، سوء استفاده‌های جنسی، قاچاق اعضا و ... هستیم

ماده 3 پیمان نامه جهانی کودک: منافع عالی‌ه کودک باید در هر اقدامی از سوی سرپرستان و والدین مورد توجه قرار گیرد و دولتها نیز موظف شده اند در صورت کوتاهی والدین نسبت به فرزندان، حمایتها و مراقبتهای لازم را از آنان انجام دهند.

ماده 19 این پیمان نامه: کشورهای عضو برای حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های جسمی، روانی، بی توجهی و سهل انگاری، باید اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل آورند. دولتهای امضا کننده پیمان نامه، موظفند اقدامات لازم را برای محافظت از کودکان در برابر استفاده غیر مجاز از مواد مخدر، داروهای روانگردان و قاچاق اینگونه مواد انجام دهند.

ماده 37 پیمان نامه به صراحت می‌گوید: هیچ کودکی نباید مورد شکنجه، رفتار ستمگرانه و بازداشت غیر قانونی قرار گیرد و مجازات اعدام و حبس ابد در مورد خلافکاری‌های کودکان زیر 18 سال ممنوع است.

هانیه، حدیثه، پارسا، بارید،

نیما، و...

ماده 1179 قانون مدنی، والدین حق تنبیه طفل خود را دارند

ماده 59 قانون مجازات اسلامی، اقدامات والدین و سرپرستان قانونی که با هدف تربیت صورت بگیرد جرم تلقی نمی‌شود

در قوانین ایران تنبیه طفل بعنوان حقی مشروع برای والدین،

و به رسمیت شناخته شده است

324

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

علیرضا ملا سلطانی: نوجوانی دیگر در چند قدمی اعدام!

- ایران در صدور و اجرای حکم اعدام برای کودکان زیر ۱۸ سال به رتبه اول ارتقاء یافت.
- کودکانی که به یمن این توحش سازمان یافته، هرگز کودکی را تجربه نمی کنند و علیرضا ملا سلطانی: نوجوانی دیگر است که در چند قدمی اعدام قرار دارد.
- دولت ایران متعهد به اجرای مفاد دو میثاق بین المللی (حقوق مدنی- سیاسی و حقوق فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی) و همچنین کنوانسیون بین المللی حمایت از حقوق کودکان است که در هر سه آنها بر حذف مجازات مرگ برای کودکان زیر ۱۸ سال تاکید شده است.
- نظر باینکه کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان نسبت به صیانت حیات کودکان و حذف مجازات مرگ برای آنان متعهد و ملزم میباشد از اینرو
- 1- از قانونگذاران می خواهیم که در نخستین فرصت ، مجلس نسبت به تصویب قوانین حمایتگر و منطبق بر موازین جهانی حقوق بشر اقدام نمایند تا کودکان و نوجوانانی که در زیر ۱۸ سالگی دچار ناهنجاری های رفتاری می شوند، محکوم به مجازات مرگ نشوند.
 - 2- از نمایندگان مردم مصرانه می خواهیم که سن مسوولیت کیفری را به ۱۸ سال ارتقاء داده و آن را از بلوغ شرعی که در واقع سن تکالیف عبادی است، متمایز کنند
 - 3- از مدیران قضایی کشور که تهیه و تدوین پیش نویس لایحه دادرسی کودکان با ایشان است، می خواهیم که : در پیشنویس لایحه دادرسی کودکان، سن مسوولیت کیفری کودکان را با صراحت و شجاعت ۱۸ سال تعیین کرده و مانند بسیاری از کشورهای پیشرفته اسلامی، هر گونه مجازات مرگ برای کودکان زیر ۱۸ سال را حذف کنند.
- اعدام کودک، در کدام قانون، دین و شریعت؟

323

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

اثرات کودک آزاری دائمی است

مصطفی اقلیما رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران اثرات کودک آزاری روانی در تمام عمر بر روح و روان فرد باقی می ماند.

مصطفی اقلیما در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به اینکه هیچ پدر و مادری از بدو تولد کودک آزار نبوده اند، افزود: عوامل و شرایط گوناگونی باعث کودک آزاری می شود و والدین بی دلیل کودک خود را آزار نمی دهند و می توان گفت در پشت هر آزاری عللی نهفته است که باید به آن پرداخته شود. به گفته وی، شرایط بد اقتصادی، فشارهای موجود در محل کار و زندگی، اخراج و تبعیض در کار، عدم امنیت شغلی و... از جمله عواملی هستند که موجب کودک آزاری می شوند. رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران با اشاره به اینکه قوانین زیادی برای کودک آزاری وجود دارد، تاکید کرد: اما این قوانین اشکال بزرگی دارد و آن هم این است که علت کودک آزاری در آن نادیده گرفته شده است.

اقلیما گفت: فقط فرستادن کودک آزار به زندان کافی نیست و دردی را دوا نمی کند بلکه باید وضعیت فرد خاطی توسط مددکار و روانشناس بررسی و با مشاوره مشکل وی که منجر به آزار کودک شده، برطرف شود در غیر اینصورت کودک آزار پس از گذراندن دوره محکومیت زندان مجددا دست به کودک آزاری بدتر از قبل می زند.

وی با اشاره به اینکه آزار روحی 10 برابر آزار جسمی بر کودک تاثیر می گذارد، افزود: کودک آزاری روانی به مراتب فجیع تر و ناگوارتر از کودک آزاری جسمی است و آثار بدی که در بزرگسالی بر فرد به جای می گذارد بسیار بیشتر از آزار جسمی است.

اقلیما اظهار داشت: هنگامی که کودکی کتک می خورد، جسم او درگیر شده و شاید پس از گذشت مدت زمانی بهتر شود این درحالی است که اثرات کودک آزاری روانی در تمام عمر بر روح و روان فرد باقی می ماند.

وی با اشاره به اینکه در اکثر خانواده ها آزار روحی و روانی کودک مشاهده می شود، گفت: تحقیر کردن، ناسزا گفتن، سرزنش کردن، بی توجهی، تبعیض، دروغ گفتن به کودک، دعوای مادر و پدر جلوی چشم فرزندان و... از جمله مصادیق کودک آزاری روانی محسوب می شوند. منبع: خبرگزاری مهر 8 مرداد

وضعیت مدارس در استان قزوین

مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان قزوین:

11 درصد این فضاها آبخوری ندارند در گذشته برخی آبخوریها داخل سرویس بهداشتی بود 9 درصد لوله کشی و صابون مایع ندارند 30 درصد سرویس بهداشتی مناسب ندارند

محمد جواد حیدری امروز در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در قزوین بیان کرد: وقتی يك مدرسه را تعريف مي‌کنیم این مدرسه شامل کلاس آموزشی، نمازخانه، فضای ورزشی، اتاق‌های اداری، سرویس‌های بهداشتی، نمازخانه، اتاق بهداشت و غیره می‌شود.

وي ادامه داد: هر يك از این فضاها اهمیت خاص خود را دارد که مدارس جدیدی که در استان احداث می‌شوند همه این فضاها را دارند البته ممکن است سالن ورزشی برای چند مدرسه یکی باشد که با بخشنامه‌هایی که وزارت آموزش و پرورش داده است از سال جاری اهمیت ورزش بیشتر شده و اعتبارات امسال نیز بیشتر به سمت ورزش سوق داده شده است.

مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان قزوین با اشاره به وضعیت سرویس بهداشتی در مدارس استان توضیح داد: در بین این فضاها موجود در مدرسه، سرویس بهداشتی نیز بسیار مهم است که در سطح استان 2 هزار فضای آموزشی و اداری داریم که از این تعداد 60 درصد سرویس بهداشتی مناسب و خوبی دارند که هیچ مشکلی ندارد.

وی عنوان کرد: حدود 11 درصد این فضاها آبخوری ندارند که در گذشته برخی آبخوریها در داخل سرویس بهداشتی بود که از چند سال گذشته آبخوریها را در خارج سرویس بهداشتی می‌سازیم و 9 درصد نیز لوله‌کشی صابون مایع ندارند و حدود 30 درصد سرویس بهداشتی نامناسب دارند. حیدری یادآور شد: منظور از سرویس بهداشتی نامناسب این است که ممکن است آب گرم و یا وضوخانه نداشته باشد و یا فرسوده باشد و تعداد کمی از مدارس ما فاقد سرویس بهداشتی هستند که در منطقه البرز و چند جای دیگر مدرسی داریم که به دلایل مختلف سرویس بهداشتی ندارند. وی تأکید کرد: در حال حاضر هر سال سرویس‌های بهداشتی قدیمی را بازسازی می‌کنیم که حداقل اعتبار پیش‌بینی شده برای این منظور 1.5 میلیارد تومان است تا سرویس بهداشتی 30 درصد از فضاهای آموزشی سروسامان داده شود. مدیرکل نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس استان قزوین افزود: در چهار سال آینده سالانه 375 میلیون تومان اعتبار نیاز است تا سرویس بهداشتی مدرسی که مشکل دارند را بازسازی کنیم و در سال جاری نیز اعتبار خوبی برای این منظور گذاشته شده است. منبع: خبرگزاری فارس 10 مرداد

کودک آزاری با چالش قانونی مواجه است

غلامحسین محسنی اژه ای:

در برخی از موارد برخورد با کودک آزاری با چالش قانونی مواجه هستیم.

حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه ای در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد انتشار اخبار کودک آزاریهای اخیر در رسانه ها گفت:

باید ساز و کاری تعریف شود تا دستگاه قضائی بلافاصله از رخداد کودک آزاری در کشور مطلع شده و به سرعت اقدام کند.

وی در پاسخ به این پرسش که چرا در یکی از موارد کودک آزاری با اینکه کودک مورد آزار و اذیت شدید قرار گرفته بود باز هم در اختیار والدین خود قرار گرفت گفت: کودکانی که مورد آزار قرار می گیرند نیاز به حمایت دارند البته در بسیاری از موارد کودکان ترجیح می دهند با اینکه مورد آزار والدین هستند ولی باز هم با آنها زندگی کنند که باید گفت در این موارد با چالش قانونی مواجه هستیم. سخنگوی دستگاه قضا اظهار داشت:

البته نباید از نقش رسانه ها و همچنین فرهنگ سازی در جامعه غافل بود زیرا برخورد با کودک آزاری در جامعه تنها به دوش دستگاه قضائی نیست بلکه جامعه هم به واسطه دستگاههای فرهنگی و اطلاع رسانی باید این آسیب را در خود کنترل کند.

منبع خبرگزاری مهر 10 مرداد

90 درصد کودک آزاری ها در کنار خانواده روی میدهد.

90 درصد کودک آزاری ها در کنار خانواده (امن ترین جای زندگی کودک) روی میدهد.

«یک دختر بچه در همدان زیر دستان مادرش خفه شد و جان سپرد». خبر به همین تلخی بود، به همین زشتی. قتل دختر 5 ساله‌ای که گناهِش کودکی بود، چهارمین مورد گزارش شده از کودک آزاری‌های منجر به مرگ کودکان است که از ابتدای سال 90 تا پایان تیرماه گزارش شده است. این کودک 5 ساله که نام او در رسانه‌ها نیامده، پس از هائیه، نیما، باربد (فوت کرد)، حدیثه (دست راستش را از دست داد)، امیرپارسا (فوت کرد) و محمدپویا (فوت کرد)، هفتمین مورد کودک آزاری است که خبرش از طریق رسانه‌ها به گوش مردم می‌رسد اما این همه ماجرا نیست. همه کودک آزاری‌ها آشکار نمی‌شود و همه کودک آزاری‌های آشکار شده به دلایلی چون حریم خصوصی خانواده‌ها، رسانه‌ای نمی‌شود.

طبق آخرین آمار منتشر شده درباره کودک آزاری که اورژانس اجتماعی در 6 ماهه اول سال 88 منتشر کرد، در این مدت 144 هزار و 565 تماس درباره کودک آزاری با اورژانس برقرار شده بود که طبق آن 53 درصد از کودک آزاری‌ها توسط پدر انجام شده و 56 درصد کودکان مورد آزار قرار گرفته دختر و 44 درصد آن‌ها پسر بوده‌اند.

90 درصد کودک آزاری‌ها هم در محیط خصوصی خانه انجام شده بود؛ یعنی امن‌ترین جایی زندگی کودک. این‌ها همه در حالی است که طبق آمارها از هر 20 کودک آزاری یکی آشکار می‌شود. برای این حجم از خشونت در رابطه‌ای که مشهور به رابطه‌ای محبت‌آمیز و عاطفی است؛ یعنی رابطه پدری و مادری نسبت به فرزند، 4 علت می‌توان یافت؛ اول آن که کودکان کودک‌اند و بزرگ‌ترها بزرگ. سوء رفتاری که پدر و مادر با فرزند خود نشان می‌دهند اگر با یک فرد بزرگسال نشان‌دهند برای آن زن و مرد تبعیض خواهد داشت که پیشاپیش نقش کنترل‌گر دارد اما کودک به دلیل ناتوانی جسمی و ناآگاهی نسبت به حقوق خود و ناتوانی درباره تحقق این حقوق، آسان‌تر در معرض تعدی قرار می‌گیرد. دوم، پدر و مادر خود در جایگاه حمایت از فرزند در مقابل آسیب‌ها هستند (باید باشند). اگر صاحب این جایگاه مرتکب کوتاهی یا تعدی شود، نه تنها پناهگاه کودک از بین می‌رود بلکه به پناهگاهی ناامن تبدیل می‌شود.

می‌توان تصور کرد زن و مردی که کودکی غیر از فرزند خود را بی‌بازارند، پدر و مادر کودک آسیب‌دیده طبیعی است که از فرزند خود دفاع خواهند کرد اما وقتی زن یا مردی فرزند خود را می‌آزارند، کسی نمی‌ماند که در چارچوب همان خانواده، کودک را یاری کند. سوم احساس مالکیت پدر و مادر نسبت به فرزند است که می‌توان ریشه‌های آن را در فرهنگ عمومی و تاریخ اجتماعی مردم جست. چهارم، ضعف عوامل بازدارنده در بسترهای عرفی، اجتماعی، خانوادگی و همچنین حقوقی و قانونی است. پدر و مادر کودک آزار، ناخودآگاه تجاوز به حقوق کودک را کم‌هزینه، غیرقابل پیگیری و اثبات و همچنین رسیدگی به آن را بدون متولی می‌بینند؛ در حالی که فرزند آزاردیده، کسانی را در جایگاه پدری و مادری دارد که همان زن و مرد کودک آزار هستند.

وجود این پدیده‌ها و چنین حجمی از این پدیده‌ها در جامعه‌ای که با معارف دینی بیگانه نیست، علاوه بر متولیان فرهنگی و اجتماعی، زنگ خطری را برای ضرورت توجه فقهی و حقوقی در این زمینه به صدا درمی‌آورد. چونان که تعریف عدل، قرار یافتن هر چیز در جای خود است.

(1)، خروج مفهوم پدر و مادر از محتوا و عملکرد اصلی خود، خلاف عدل است و خلاف عدل هم چیزی نیست جز ظلم. امام حسین (ع) به فرزندش حضرت سجاد (ع)، می‌فرماید: «ای نور دیده من، پرهیز از ستم بر کسی که غیر از خداوند صاحب جاه و عزیز، یار و یاور ندارد».

(2) بر عملی که خشم خداوند را در پی داشته باشد، ممنوعیتی فقهی وضع می‌شود. با توجه به آمارهایی که بیشتر، از میزان کودک آزاری آمد، ضروری به نظر می‌رسد که در حوزه فقهی، مردم به زشتی این رفتارها نزد خدا توجه داده شوند تا این انذار، پرهیزی عمومی را ایجاد کند.

همچنین مبنا قرار دادن همین گزاره‌های دینی و فقهی، قانون‌گذار را قادر می‌کند تا برخورد محکمی با پدران و مادران کودک آزار کند و مهم‌تر از آن، زمینه پیشگیری از وقوع چنین جرایمی را فراهم کند. احراز صلاحیت از هر فردی که می‌خواهد وارد مسئولیتی شود، شرطی عقلایی است.

وقتی برای راندن خودرو، استفاده از یک دستگاه صنعتی، اداره یک مجموعه کاری، نگرهبانی از یک ساختمان و کارهایی این چنین، ساعت‌ها آموزش و در نهایت احراز صلاحیت، منطقی و عقلایی است، ورود به حیطة تربیت فرزند و مسئولیت فرزندداری به طریق اولی به آموزش و صلاحیت نیاز دارد. فرض کردن خانواده‌ای که نمی‌توانند به‌طور طبیعی صاحب فرزند شوند و می‌خواهند کودکی را به فرزند قبول کنند، کمک می‌کند که بدانیم منظور از صلاحیت پدر شدن و صلاحیت مادر شدن چیست. قوانین مدنی جمهوری اسلامی ایران برای زن و مردی که می‌خواهند سرپرستی کودکی را قبول کنند و در واقع می‌خواهند پدر و مادر کودکی باشند که خود به دنیا نیاورده‌اند، شرایطی در نظر گرفته

است که اگر این شرایط محقق نشود، آن زن و مرد نمی‌توانند و اجازه ندارند سرپرست کودکی باشند. نخستین اشاره قانون به سن مرد و زن سرپرست است و این که هنگام قبول سرپرستی دارای فرزند نباشند.

قانون گذار در ادامه موارد مهم‌تری را نیز پیش‌بینی کرده است: هیچ‌یک از زوجین دارای محکومیت جزائی مؤثر به علت ارتکاب جرایم عمدی نباشند، هیچ‌یک از زوجین محجور نباشند، زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند، زوجین یا یکی از آن‌ها دارای امکان مالی باشند، هیچ‌یک از زوجین مبتلا به بیماری‌های واگیر صعب‌العلاج نباشند، هیچ‌یک از زوجین معتاد به الکل یا موادمخدر و سایر اعتیادات مضر نباشند.

(3) قانون همچنین شرایطی را برای فسخ این سرپرستی در نظر گرفته است؛ در مورد نخست این شرایط آمده است که در صورتی که سوءرفتار یا عدم‌اهلیت و شایستگی هر یک از زوجین سرپرست برای نگهداری و تربیت طفل تحت سرپرستی محرز باشد، با تقاضای دادستان، این سرپرستی فسخ می‌شود.

(4) در این نوع سرپرستی در حالی که امکان فسخ برای آن پیش‌بینی شده، اما ابتدا چنان تعهداتی را به عهده مرد و زن سرپرست می‌گذارد و صلاحیت آن‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهد. این در حالی است که شرایطی برای پدر و مادرهای واقعی وجود ندارد.

زن 30 ساله‌ای که دختر 5 ساله خود را در همدان کشت، مدعی است که بیماری روانی داشته و بر اثر اختلافات خانوادگی دست به این کار زده است.

بر اساس گزارش‌های رسمی مردی که 3 سال پس از پدر شدن و به دنیا آمدن بارید، کودکش را در آتش چهل خود سوزاند، معتاد به شیشه بود و امیرپارسا که زیر شکنجه مادر خود، قلبش ایستاد و دچار مرگ مغزی شد و در نهایت جان سپرد، مادری معتاد به کراک داشت. روزنامه خراسان 16 مرداد.

باز هم قتل به بهانه ناموس

«فاطمه آزادی» با اسلحه پدر بسیجی خود از زندان خانواده و جسم آزاد شد

یک دختر کامیارانی به طرز فجیعی در یک مشاجره ناموسی توسط اعضای خانواده‌اش به قتل رسید. بنا به اطلاع گزارشگران هراتا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، عصر روز جمعه ۲۱ مردادماه در روستای «درویان سفلی» از توابع کامیاران زمانی که جوانی اهل این روستا از روبه روی خانه پدری دختر موردعلاقه‌اش عبور می‌کند، توسط برادران و اعضای خانواده دختر مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و در پی اعتراض این دختر نسبت به ضرب و شتم پسر موردعلاقه‌اش و درخواست کمک از مردم یکی از اعضای این خانواده با اسلحه اقدام به قتل «فاطمه آزادی» می‌کند. بعد از این جنایت با حضور ماموران پلیس چندین تن از اعضای این خانواده بازداشت می‌شوند. پسر مورد نظر هم به دلیل شدت جراحات به بیمارستان شهر کامیاران منتقل می‌شود.

شاهدان عینی می‌گویند پدر این دختر از اعضای بسیج منطقه بوده است و توسط این ارگان مسلح شده است. سپاه پاسداران در روستاهای مناطق کردنشین اقدام به عضوگیری در بسیج میکند و بدون هیچ گونه معیاری هر فرد متقاضی را مسلح می‌کند. گفته می‌شود که دو سال پیش نیز یک دختر دیگر این خانواده به دلایل عدم رضایت خانواده‌اش به ازدواج با پسر مورد علاقه‌اش به طرز مشکوکی اقدام به خودکشی کرده و فوت می‌کند. هرانا 24 مرداد

دستور عدم استفاده از شلوار جین

در بخشنامه جدیدی که از سوی اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی به مدیران کلیه مدارس ابلاغ شده به صراحت، استفاده از شلوار لی در مدارس ممنوع اعلام شده است. به گزارش ایسنا، در همین ارتباط، یکی از معلمان نمونه کشوری اجباری شدن نوع پوشش در مدارس و توسل به نیروی قهری در عرصه تربیتی و فرهنگی مدارس را اقدامی غیرکارشناسی توصیف کرد زیرا به گفته او ممکن است به ایجاد نوعی "مقاومت فرهنگی" در بین دانش‌آموزان منجر شود که تبعات منفی آن در دراز مدت برای جامعه، احتمالاً تلخ و پُر هزینه خواهد بود. فتحی با اشاره به نگاه صرفاً آرمانی و نه واقعگرا در آموزش و پرورش گفت: دستگاه در واقع می‌خواهد با حذف پوشش شلوار لی، فرهنگ و هویت اصیل و قومی را تقویت و جایگزین کند اما، شیوه‌ای را که انتخاب می‌کند منطقی و کم هزینه نیست زیرا "هویت قومی" همچون هویت اجتماعی ممکن است در چرخه تغییر زمان و مکان، دستخوش دگرگونی و تحول شود؛ همچنان که دیگر کسی پوشش کت و شلوار را نماد فرهنگ غربی نمی‌داند زیرا به عنوان پوشش رسمی و متعارف در جامعه ما پذیرفته شده است. 4 مرداد رهانا

بهزیستی استان زاهدان قادر به نگهداری کودکان.



بهزیستی استان به سبب کمبود امکانات قادر به نگهداری این کودکان نیست.

قاضی امور سرپرستی دادرسی عمومی و انقلاب اسلامی زاهدان گفت: برای نگهداری از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در استان با کمبود مرکز نگهداری مواجه هستیم بولاقی افزود: هنگامی که پدر و مادر و جد پدری به دلایلی نظیر اعتیاد، زندان و فوت قادر به نگهداری از کودک نباشند یا صلاحیت نگهداری از فرزند را نداشته باشند نگهداری از کودکان به بهزیستی داده می شود که بهزیستی استان به سبب کمبود امکانات قادر به نگهداری این کودکان نیست. به گزارش ایسنا، وی ادامه داد:

وقتی کودکی را به بهزیستی معرفی می کنیم بعد از چند روز به سبب بالا بودن تعداد کودکان و گستردگی کار به حال خود رها می شوند.

قاضی امور سرپرستی دادرسی عمومی و انقلاب اسلامی زاهدان بیان کرد: اگر امکانات افزایش یابد امکان ساماندهی و کمک به کودکان افزایش می یابد.

بولاقی ادامه داد: با تامین امکانات زیربنایی و افزایش ارتباط با امور سرپرستی و داشتن رابط، قطعا خدمات بیشتری به این کودکان ارائه می شود.

موارد خیلی ضروری داشته ایم که بهزیستی استان به دلیل کمبود امکانات نتوانسته پذیرش کند و به مراکز نگهداری در شهرهای مانند کرمان و مشهد فرستاده شده اند. بولاقی اظهار کرد:

تنها در سال گذشته ۲ هزار و ۶۰۰ پرونده تنها در زاهدان تعیین تکلیف شده اند که بخشی از آنان نیازمند نگهداری در مراکز حمایتی بوده اند و مواردی داشته ایم که پدر فوت شده و مادر زندان رفته و کودک بالای ۵ سال قیم نداشته است. عدم ساماندهی کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در استان پیامدهای اجتماعی منفی را نظیر افزایش جرایم و بزهکاری به دنبال داشته است. ۲ مرداد رهانا

آموزش رقص به کودکان "غیردینی" و "غیراخلاقی" است



آموزش رقص به کودکان "غیردینی" و "غیراخلاقی" است

سرپرست سازمان بهزیستی می‌گوید مجوز فعالیت مهد کودک‌هایی که رقص آموزش می‌دهند، باطل خواهد شد.

به گزارش آفتاب، احمد اسفندیاری با "غیردینی" و "غیراخلاقی" خواندن برخی آموزش‌ها در مهدهای کودک، برخی برنامه‌های کودک که از شبکه‌های تلویزیونی پخش می‌شود را نیز "غیرقابل قبول" توصیف کرد.

سرپرست سازمان بهزیستی همچنین اضافه کرد که این سازمان به دنبال اجرای آموزش‌های دینی در مهد کودک‌ها است و از این رو تلاش خواهد شد تا از این پس آنچه "مهدهای مساجد و قرآنی" نامید، فعال‌تر شوند. هرانا 24 مرداد

مادر فرزند خود را خفه کرد

«طاها» ۵ ساله ، به علت فشار بر شریان حیاتی (گلو) جان خود را از دست داده

- رییس کلانتری ۱۶۳ فرجام از قتل یک کودک توسط مادرش خبر داد و گفت: متهمه پس از خفه کردن کودکش، با رگزنی اقدام به خودکشی کرد و در حال حاضر نیز در یکی از بیمارستان‌های پایتخت تحت درمان است.

با بیان اینکه ماموران این کلانتری در ساعت ۱۹ روز شنبه از طریق دریافت پیامی از مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ در جریان وقوع قتلی در مجتمع مسکونی در خیابان شهید باقری قرار گرفتند، گفت: ماموران با حضور در صحنه حادثه با پیکر بی‌جان کودکی ۱.۵ ساله به نام «طاها» روبرو شدند که به علت فشار بر شریان حیاتی (گلو) جان خود را از دست داده بود.

وی افزود: ماموران در بازرسی اولیه و در تحقیقات می‌دانی دریافتند مادر طاها فرزند خود را به قتل رسانده و پس از آن نیز اقدام به قطع رگ دست خود کرده است که پیش از رسیدن ماموران توسط همسرش به بیمارستان منتقل شده است.

صداقت‌جو افزود: ماموران در تحقیقات اولیه در گفت‌وگو با عموی این زن دریافتند که پدر طاها هنگامی که وارد خانه شده است همسر و کودک خود را در حالی که غرق خون بودند در اتاق خواب

پیدا کرده و در حالی که قصد داشته با دادن تنفس مصنوعی فرزندش را نجات دهد متوجه شده که وی جان خود را از دست داده و پس از آن سریعا همسر ۲۹ ساله خود را به بیمارستان منتقل کرده است. وی با بیان اینکه ماموران در بازرسی از منزل متوجه یادداشتی شدند گفت: در کنار پیکر بی‌جان طاها یک نامه از طرف این زن توسط ماموران کشف شد که براساس آن این زن نوشته بود که قصد دارد خود و فرزند ۵.۱ ساله را راحت کند.

صداقت‌جو با بیان اینکه این کودک در اثر فشار بر شریان‌های حیاتی جان خود را از دست داده گفت: قطرات خونی که بر روی پیکر طاها کشف شده متعلق به مادرش است. رییس کلانتری ۱۳۶ فرجام با بیان اینکه ماموران در تحقیقات دریافتند که این فرد هیچ‌گونه اختلاف خانوادگی با همسرش نداشته گفت:

این زن دارای مشکل روحی و روانی بوده است. صداقت‌جو به ایسنا گفت: پزشکان پزشکی قانونی ساعت ۱۴ را زمان مرگ این کودک ۱۸ ماهه اعلام کردند.

به گفته وی، در حال حاضر مادر این طفل ۵.۱ ساله برای درمان در یکی از بیمارستان‌های منطقه بستری و جسد طفل نیز به پزشکی قانونی منتقل شده است. هرانا 16 مرداد

کودک آزاری دیگر





پدر این دختر بچه ادعا کرده که راننده یک خودروی پراید کودک او را مورد ضرب و شتم قرار داده ولی شاهدان عینی می گویند که دختر قبل از رفتن به اتاق عمل دست پدرش را بوسیده و گفته: «بابا دیگه ما رو کتک نزن» از دوستانی که از محل حادثه و خانواده این کودک اطلاع دارند خواهشمندیم هرچه سریعتر به ما اطلاع دهند.
منبع: از کمپین مبارزه با کودک آزاری

شیوه‌های فرزند پروری

شیوه‌های فرزند پروری را باید به همراه درس تنظیم خانواده به جوانان آموزش داد

مقدمه:

وقوع کودک آزاری های منجر به مرگ کودکان که از ابتدای سال جاری بر شدت آن افزوده شد و نگرانی نهادهای مدنی و فعالان حقوق کودک از افزایش کودک آزاری سر انجام به تصویب این لایحه پس از سه سال وقفه در هیئت دولت منجر شده است. متأسفانه لایحه ارسالی دولت تاکنون در مجلس بررسی نشده است و نگرانی از افزایش کودک آزاری ها همچنان به قوت خود باقی بوده و بیم آن می رود که این لایحه در مشغله های فراوان نمایندگان مجلس به فراموشی سپرده شود. لایلا ارشد نایب رئیس هیئت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در میزگرد "بررسی پدیده کودک آزاری" در ایسنا به این موضوع پرداخته است...

لایلا ارشد در میزگرد «بررسی پدیده کودک آزاری» که در محل خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، برگزار شد، اظهار کرد: تکذیب آمار 90 درصدی وقوع کودک آزاری ها در خانه که توسط منابع رسمی اعلام و مورد شک و شبهه واقع شد، نشان می‌دهد همچنان شناخت کافی از این پدیده و اراده جدی برای برخورد با آن وجود ندارد.

وی افزود: لازم است به کودکان در معرض خطر نگاه کارشناسی شود، در این راستا باید امکانات مداخله و پیگیری برای مددکاران و روانشناسان اجتماعی فراهم شود تا بدون اتلاف وقت وارد عمل شوند. طولانی شدن گرفتن حکم قضایی در کودک آزاری ها موجب از دست رفتن کودک می شود نایب رییس انجمن حمایت از حقوق کودکان در ادامه با بیان اینکه در موارد کودک آزاری اورژانس اجتماعی است که با انجمن همکاری می‌کند، عنوان کرد: البته اورژانس هم خود در این زمینه محدودیت‌های قانونی دارد، بارها پیش آمده که پروسه گرفتن حکم قضایی بیش از دو ماه طول بکشد و اورژانس هم در این مدت توان مداخله نداشته و کودک از دست رفته است و یا اتفاق‌های ناگواری رخ داده‌اند. به گفته ارشد، کلانتری‌ها هم در این زمینه همکاری لازم و کافی را نمی‌کنند به عنوان مثال چند مورد گزارش آزارجنسی به انجمن رسید که پس از اطلاع به کلانتری اعلام می‌کردند تنها در هنگامی وارد عمل می‌شوند که در هنگام وقوع جرم مطلع شوند. چنین اقدامی مگر امکانپذیر است؟ انتظار این است تدابیری اندیشیده شود تا ماموران به سرعت وارد عمل شوند و کودک را به طور موقت از آن مکان خارج کنند.

وی همچنین با اشاره به عمومی بودن جرم کودک آزاری اظهار کرد: عمومی بودن به این معنی است که هر فردی از کودک آزاری مطلع شود موظف به اطلاع‌رسانی آن است و نیروی انتظامی و دستگاه قضا وظیفه پیگیری دارند اما در عمل چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد و پلیس می‌گوید اجازه ورود ندارد و دستگاه قضا هم همکاری لازم را ندارد حال آنکه باید پرسید جایگاه حمایت از کودکان در معرض خطر

کجاست؟ نایب رییس انجمن حمایت از حقوق کودکان افزود: طبق این قانون باید بدون گرفتن اسم و مشخصات اطلاع دهنده، کودک آزاری پیگیری شود اما اورژانس و کلانتری‌ها اسم و مشخصات را جویا می‌شوند و بسیاری هم به خاطر ترس حاضر به معرفی خود نیستند به عنوان مثال جراحی مورد کودک آزاری را به انجمن معرفی و اعلام می‌کرد حاضر نیست به خاطر امنیتش معرفی شود.

اعطای حق شکایت و پیگیری کودک آزاری سمن‌های شهرهای کوچک را در معرض خطر قرار می‌دهد ارشد در ادامه با اشاره به اعطای حق شکایت و پیگیری موارد کودک آزاری به سمن‌ها به عنوان شاکیان خصوصی در لایحه آیین دادرسی کیفری، عنوان کرد: این موضوع سمن‌ها را در شهرهای کوچک در معرض خطر قرار می‌دهد، هر فردی باید بتواند بدون نیاز به ابزار هویت و با اطمینان از امنیت و با لحاظ حقوق شهروندی‌اش موارد کودک آزاری را اعلام و یا حتی پیگیری کند.

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به لزوم تشکیل نهادی مسوول در رابطه با امور کودک، گفت: بیش از 10 سال است انجمن پیشنهاد تشکیل شورای عالی کودک را ارائه داده است، طبق این پیشنهاد هر نهاد مرتبط با امور کودکان نماینده‌ای به شورا معرفی و شورا به ریاست رییس‌جمهور تشکیل می‌شود و این امر هیچ هزینه برای دولت ندارد.

نایب رییس انجمن حمایت از حقوق کودکان افزود: این شورا می‌تواند زمینه‌ساز نگاهی همه‌جانبه به مسایل کودک شود و نمایندگان سمن‌های کودکان هم در این شورا عضویت داشته باشند، در این شورا حتی می‌توان به وضعیت فرزندان حاصل از ازدواج‌های دومی و پناهجویان افغانی هم بررسی کرد. شیوه‌های فرزند پروری را باید به همراه درس تنظیم خانواده به جوانان آموزش داد.

ارشد همچنین با تاکید بر ضرورت دادن آموزش‌های والدی به جوانان اظهار کرد: هنگامی که والدین هویت‌یابی کودک خردسالشان را لجبازی تلقی کرده و او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند یعنی آموزش والدی ندیده‌اند. لازم است شیوه‌های فرزندپروری را از دبیرستان و در دانشگاه‌ها در کنار تنظیم خانواده برای کاهش کودک آزاری به جوانان آموزش داد.

ترس از مجازات بر کاهش جرم موثر نیست

وی ادامه داد: باید به افراد یاد داد چگونه خشم خود را در هنگام خشمگین شدن کنترل کنند. ضمن اینکه نشان دادن اعدام و مجازات خشونت جامعه را پایین نمی‌آورد و ترس از مجازات هم بر کاهش جرم موثر نیست.

نایب رییس انجمن حمایت از حقوق کودکان در ادامه سخنان خود در میزگرد ایسنا عنوان کرد: انجمن در پایان هر سال گزارشی از فعالیت خط تلفنی صدای یارا را به مسوولان مربوطه مانند وزارت بهداشت، آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی و غیره ارائه می‌دهد تا آسیب‌های شایع شناسایی شوند. ارشد در ادامه با اشاره به پیوستن ایران به پیمان نامه دفاع از حقوق کودکان، گفت: یکی از تکالیف این پیمان نامه آموزش حقوق کودک است اما هیچ نهاد رسمی تاکنون اقدام به این کار نکرده است و برای جبران این امر عمده فعالیت انجمن آموزش پیمان‌نامه در مدارس، سالن‌های شهرداری و غیره به شهروندان است.

وی در پایان با اظهار امیدواری از تصویب لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان پس از سه سال ماندن در دولت، ابراز امیدواری کرد این لایحه هرچه سریعتر و بدون تغییر در مجلس تصویب شود. منبع خبرگزاری ایسنا 01 شهریور



افشین حیرتیان فعال حقوق کودک و شهروند بهایی

افشین حیرتیان فعال حقوق کودک و شهروند بهایی روز شنبه ۲۹ مردادماه بازداشت شده است. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، بازداشت وی در حالی که در حال خروج از منزل مسکونی خود بوده است صورت گرفته است و طبق پیگیری‌هایی خانواده‌ی وی، حیرتیان هم‌اکنون در بند ۳۵۰ اوین نگهداری می‌شود. حیرتیان محکوم به تحمل ۴ سال حبس تعزیری است اما حکم وی هنوز در مرحله‌ی تجدید نظر خواهی قرار داشت. وی که در روز ۱۳ خردادماه سال گذشته در پارک مقابل خانه هنرمندان بازداشت شده بود پس از قریب به دو ماه بازداشت موقت، به قید وثیقه از زندان آزاد شد. این شهروند بهایی، در طی دوران بازداشت در بند ۲۰۹ زندان اوین به منظور اخذ اعترافات تلوزیونی به شدت تحت فشار قرار داشت.

بچه دو ساله که مورد آزاری قرار گرفته

آرش پسر بچه دو ساله که مورد کودک آزاری قرار گرفته همراه با نشانه‌هایی از تجاوز جنسی

هنوز خبر تلخ دختر مریانجی، کودکی پنج ساله که قربانی کودک آزاری شده بود، در اذهان عمومی کمرنگ نشده که این بار پسر بچه‌ای دو ساله می‌همان ناخوانده بیمارستان بعثت در همدان شد تا «آرش» ی دیگر قربانی ناآگاهی ناپدری معتادش شده باشد.

اکبر بیگلری، دادستان همدان در گفت‌وگو با ایسنا، درباره این کودک آزاری گفت: آرش پسر بچه دو ساله، توسط ناپدری‌اش مورد کودک آزاری قرار گرفته و نشانه‌های تجاوز جنسی که مطرح شده در حال بررسی است.

وی گفت: یکی از دلایلی که ناپدری، این کودک را مورد آزار قرار داده است اعتیاد به ماده مخدر شیشه بوده است. مادر آرش که عقد موقت ۹۹ ساله این مرد بوده، پافشاری بر ترک مواد مخدر همسرش داشته است.

دادستان همدان ادامه داد: ناپدری آرش به دلیل اینکه همسرش مانع استعمال مواد مخدر شده، این کودک را مورد آزار قرار داده است.

وی گفت: در حال حاضر این مرد در زندان به سر می‌برد، آرش و مادرش نیز به علت آسیب‌های وارد شده در بیمارستان بستری بودند که مرخص شدند.

ازدواج زیر سن در استان گلستان

14 مورد پسران زیر 15 سال 414 مورد دختران کمتر از 14 سال 2 مورد زیر 10 سال

گرگان - خیرگزاری مهر: مدیرکل ثبت احوال استان گلستان گفت: در پنج ماهه اول سال جاری 11 هزار و 198 مورد ازدواج در استان به ثبت رسیده است که در 14 مورد آن پسران زیر 15 سال و 414 مورد نیز دختران کمتر از 14 سال سن داشته اند و از این تعداد 2 مورد زیر 10 سال بوده اند.

به گزارش خبرنگار مهر، سیف الله ابوترابی بعد از ظهر دوشنبه در مصاحبه ای مطبوعاتی با خبرنگاران استان گفت: 15 هزار و 327 مورد ولادت در استان به ثبت رسیده است که نسبت به مدت مشابه در سال قبل که 14 هزار و 880 مورد بوده است، سه درصد رشد داشته است.

وی گفت: همچنین از تعداد کل موارد ولادت، هفت هزار و 955 مورد پسر و 7 هزار و 327 مورد دختر بوده اند که نسبت بین آنها 108 پسر به 100 دختر است.

وی تصریح کرد: 99 درصد ولادتها در مهلت قانون 15 روزه به ثبت می رسند و مردم به وظایف قانونی خود عمل می کنند و در مهلت های مقرر ولادت و وفات که 15 و 10 روز است اطلاع می دهند.

ابوترابی بیان داشت: از کل ولادتها 44.8 درصد مربوط به ساکنان شهری و 55.2 درصد مربوط به ساکنان روستایی استان بوده است.

وی تاکید کرد: اگر در مهلت قانونی وقایع تولد و وفات اطلاع داده نشود فرد به دادگاه معرفی می شود. مدیرکل ثبت احوال گلستان افزود: در مورد وقایع وفات نیز آمار حاکی است در 5 ماهه اول سال جاری 10 هزار و 229 مورد وفات به ثبت رسیده است که شش هزار و 840 مورد آن مربوط به گذشته بوده است.

وی عنوان کرد: میزان فوت در سال جاری سه هزار و 389 مورد بوده است که در مدت مشابه سال قبل این میزان سه هزار و 418 مورد بوده است که 57 درصد آن را مردان و 43 درصد را زنان تشکیل می دادند.

ابوترابی اظهار داشت: در آمار ازدواج و طلاق در 5 ماهه اول سال جاری یک هزار و 129 مورد طلاق ثبت شده است که در 81 درصد آن زنان زیر 30 سال سن داشته اند.

محمد مهدی و بازی مرگبارش



«می خواهم روح شوم و ببینم بابا و مامان راجع به من چه می‌گویند.»

این آخرین جمله‌ای بود که محمد مهدی قبل از شروع بازی مرگبارش به زبان آورد. او سه‌شنبه هفته گذشته وقتی خودش و برادر 6 ساله‌اش را در خانه تنها دید، تصمیم گرفت همانند سریال مورد علاقه‌اش تبدیل به یک روح شود و به مکان‌های مورد علاقه‌اش سر بزند، غافل از اینکه بازی او سرنوشت شومی به دنبال خواهد داشت.

حالا 7 روز از حادثه‌ای که برای پسر بچه 12 ساله گذشته می‌گذرد. 7 روزی که حاصل آن برای پدر و مادر محمد مهدی چیزی جز گریه و اندوه نبوده است. درست زمانی که خیلی از ما مشغول مسافرت و استراحت در تعطیلات عید فطر بودیم، اعضای خانواده «کوهی» پله‌های بیمارستان سوم شعبان را دو تا یکی می‌کردند به امید اینکه شاید از زبان پزشکی بشنوند: «پسرتان به زندگی برگشته است.» اما 7 روز گذشت و محمد مهدی نه تنها به هوش نیامد که بنابر نظر قطعی پزشکان، دچار مرگ مغزی شد. تقلید مرگبار

« محمد مهدی علاقه زیادی به یکی از سریال‌های ماه رمضان داشت و جانش را هم سر تقلید از این سریال گذاشت. » این را پدر محمد مهدی می‌گوید.

وی می‌افزاید: «پسرم بیش‌فعال بود و فیلم‌ها و سریال‌هایی را که می‌دید، تاثیر زیادی در او می‌گذاشت. دست آخر هم تقلید از یکی از همین سریال‌ها کار دستش داد و ما را داغدار کرد.» ماجرا چه بود؟

بعد از ظهر سه‌شنبه گذشته، هیچگاه از یاد پدر محمد مهدی نخواهد رفت. زمانی که او سر کار بود و وقتی همسرش برای خرید خانه را ترک کرد، بچه‌ها در خانه تنها ماندند. او توضیح می‌دهد: «محمد مهدی» و برادر 6 ساله‌اش مشغول بازی بودند که پسر بزرگ ناگهان تصمیم گرفت، به تقلید یکی از سریال‌های ماه رمضان تبدیل به روح شود. او به برادر کوچکش گفت که می‌خواهد وقتی روح شد، به محل کار من و نزد مادرش و همسایه‌ها برود و ببیند ما راجع به او و کارهایش چه می‌گوییم. برای همین به میله بارفیکسی که برای ورزش کردن بچه‌ها در خانه نصب کرده بودیم، یک روسری را قلاب کرد و سرش را داخل آن قرار داد و ناگهان حلق آویز شد. چند ثانیه بعد هم روی زمین افتاد و از هوش رفت.»

محمد مهدی در حالی بازی مرگبارش را شروع کرده بود که برادر کوچکش شاهد همه این ماجرا بود. پسر بچه 6 ساله چند ساعت بعد وقتی محمد مهدی به بیمارستان منتقل می‌شد، درباره حادثه به پدرش می‌گوید: «من به داداش گفتم که این بازی را نکند اما خودش می‌خواست که روح شود.

اولش که روسری را دور گردنش انداخت، داشت تاب می‌خورد اما یکدفعه چشم‌هایش را بست و روی زمین افتاد. من ترسیده بودم و گریه می‌کردم و همسایه‌ها پشت در جمع شده بودند اما مامان گفته بود که در را روی کسی باز نکنم. بعد یکی از همسایه‌ها شماره تلفن بابا را از پشت در از من گرفت و به او زنگ زد.» پدر محمد مهدی وقتی از ماجرا باخبر شد با عجله خودش را به خانه رساند. خیلی زود پسر بچه 12 ساله به بیمارستان سوم شعبان انتقال یافت و گرچه با انجام عملیات احیا، قلب او شروع به کار کرد اما مغزش از کار افتاده بود.

پدر داغدار می‌گوید: «ساعت حدود 4:30 بعد از ظهر سه‌شنبه بود که پسرم را به بیمارستان رساندم و او تا یکشنبه شب هفته جاری در آنجا بستری بود. در این مدت خیلی‌ها امیدوارمان کردند که او به زندگی بر می‌گردد اما دوشنبه، دکترش گفت که دارو‌هایی که به او تزریق کرده‌اند جواب نداده و او دچار مرگ مغزی شده است. وقتی این خبر را به ما اعلام کردند، دنیا روی سرمان خراب شد. باورم نمی‌شد پسرم را به خاطر تقلید از یک سریال از دست داده باشیم. پسری که هنوز هم صدای خنده‌ها و شیطنت‌هایش در گوشم می‌پیچد.

با این حال او مرده بود و بهترین کار در آن لحظه اهدای اعضای بدنش بود. به همین دلیل با اهدای اعضای او موافقت کردیم و پسرم برای انجام آزمایش‌های نهایی در خصوص مرگ مغزی شدن و عمل پیوند اعضا به بیمارستان مسیح دانشوری انتقال یافت. او ادامه می‌دهد: «در همه جای دنیا وقتی سریالی تخیلی و آمیخته با خرافات از تلویزیون پخش می‌شود قبل از آن هشدار داده می‌شود که این سریال را مثلاً بچه‌های 12 ساله و کمتر از آن تماشا نکنند اما متأسفانه در شب‌های ماه رمضان وقتی چنین سریالی از تلویزیون پخش می‌شد، هیچ هشدار بی‌خانواده‌ها داده نمی‌شد و به همین دلیل قصد داریم از صدا و سیما و سازندگان این سریال شکایت کنیم.»

52% کودکان مورد تنبیه واقع شده اند

تعداد کل تماس گیرندگان با صدای یارا در خرداد ماه 300 مورد بوده است. 88% از تماس گیرندگان مادران، 2% پدر 6% کودکان و 4% سایرین بوده اند. 57% درصد مشاوره و راهنمایی ها در مورد پسران و 43% درصد نیز در مورد دختران مشاوره گرفته اند

نحوه آشنایی با صدای یارا:

به ترتیب فراوانی از طریق دوستان 40% - از طریق اقوام 23% و سپس 9% از طریق افرادی که قبلا با صدای یارا تماس داشته اند بوده است.

گروه سنی

بیشترین مسائل مطرح شده توسط تماس گیرنده مربوط به گروه سنی 4 الی 7 سال بوده است که دارای فراوانی 34% میباشد. سپس گروه سنی 0 الی 3 سال با فراوانی 26% قرار میگیرد. سپس گروه سنی 8 الی 11 سال با فراوانی 19% میباشد

بیشترین مسائل مطرح شده:

بیشترین مسایل مطرح شده در مجموعه اختلافات خانوادگی قرار میگیرد که دارای فراوانی 37% میباشد. همچنین عمده ترین مسایل خانوادگی نیز مواردی چون عدم آشنایی با شیوه های فرزند پروری، تک فرزندی اختلاف در شیوه های تعلیم و تربیت را شامل میشود

پس از اختلافات خانوادگی، اختلافات رفتاری فراوانی 26% قرار میگیرد که شامل پرخاشگری، لجبازی عدم اعتماد به نفس و... میباشد. سایر مسایل مطرح شده به ترتیب فراوانی در مورد مسایل مربوط به مدرسه، و مشکلات مدرسه میباشد

تنبیه:

48% کودکان مورد تنبیه واقع نشده و 52% مورد تنبیه واقع شده اند

61% این کودکان مورد تنبیه روانی (شامل تحقیر، دادزدن و سرزنش و محروم ساختن) و 39% مورد تنبیه بدنی واقع شده اند.

تحصیلات تماس گیرندگان:

به ترتیب دیپلم 46% و 37% بالای دیپلم بوده اند. همچنین 13% نیز تحصیلات دبیرستانی داشته اند نوع خانواده:

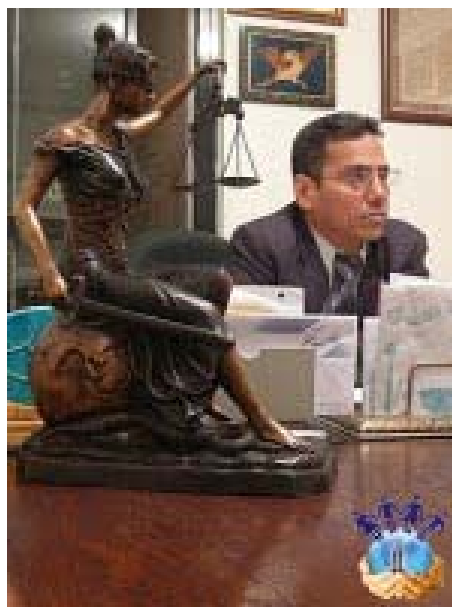
وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

95% تماس ها از طرف خانواده های هسته ای و 4% تماس ها از سوی خانواده های گسترده بوده است. تحصیلات کودک: 43% از کودکان زیر سن مدرسه و 26% کودکان با تحصیلات دبستانی بوده اند. سپس راهنمایی 16% و دبیرستان 13% میباشند منطقه تماس گیرنده: بیشترین تعداد تماس از منطقه 5 با فراوانی 20% سپس منطقه 4 با فراوانی 15% بوده است

شیرین صدر نوری

منبع: انجمن حمایت از حقوق کودکان

هیچ اتهام جدیدی دستگیری عبدالفتاح سلطانی را توجیه نمی‌کند



توسط امیر مصدق کاتوزیان
خبر بازداشت عبدالفتاح سلطانی، عضو مؤسس کانون مدافعان حقوق بشر نخستین بار بعد از ظهر شنبه از سوی عبدالکریم لاهیجی اعلام شد.
قوه قضائیه ایران پیش از این هم آقای سلطانی و دیگر بنانگذاران این نهاد تحت مدیریت شیرین عبادی، برنده ایرانی جایزه صلح نوبل، را بازداشت کرده بود.

از این جمله‌اند محمدعلی دادخواه، محمد سیف‌زاده، که از میان آنها محمد سیف‌زاده همچنان در بازداشت به سر می‌برد. همچنین شماری دیگری از وکلای دادگستری که عمدتاً در سال‌های اخیر بر پرونده‌های حقوق بشری تمرکز داشته‌اند، از جمله محمد اولیایی‌فرد و نسرین ستوده، هم اکنون در بازداشت به سر می‌برند.

خانم ستوده خود پیش از بازداشت وکیل محمد اولیایی‌فرد بود و پس از آنکه بازداشت شد، عبدالفتاح سلطانی وکالتش را برعهده داشت.

در این میان عبدالکریم لاهیجی، نایب رئیس فدراسیون جوامع جهانی دفاع از حقوق بشر و منبع اولیه خبر بازداشت عبدالفتاح سلطانی در گفت‌وگو با رادیو فردا جزئیاتی بیشتر را در مورد بازداشت این وکیل مدافع پرونده‌های حقوق بشری مطرح می‌کند.

آقای لاهیجی، چطور از بازداشت آقای سلطانی مطلع شدید؟

از تهران و از طریق خانواده آقای سلطانی به ما خبر رسید، که روز شنبه ساعت یک و نیم بعد از ظهر، مأموران دادرسی انقلاب به منزل آقای سلطانی ریخته‌اند و برگ جلب آقای سلطانی را داشته‌اند ولی برگ تفتیش خانه را نداشته‌اند.

خانه را به مدت دو ساعت تفتیش کرده بودند. یعنی تا ساعت سه و نیم به وقت تهران خانه را گشته بودند. وقتی به من تلفن شد، تقریباً نیم ساعت بود که مأموران منزل آقای سلطانی را ترک کرده بودند.

مقداری زیادی سی دی و اسناد و مدارک را به همراه آقای سلطانی با خودشان می‌برند. بعد از آن به دفتر آقای سلطانی می‌روند و آنجا را هم تفتیش می‌کنند و پس از تفتیش مجدد دفترشان، آقای سلطانی را با خودشان می‌برند.

• معلوم است که به چه اتهامی آقای عبدالفتاح سلطانی را بازداشت کرده‌اند؟

هیچ اتهام جدیدی دستگیری آقای سلطانی را توجیه نمی‌کند. ماه پیش همسر آقای سلطانی را بازداشت کردند که بعد از چند روز ایشان را به قید وثیقه آزاد کردند. از همان زمان ما گفتیم که از این طریق می‌خواهند به عبدالفتاح سلطانی اخطار بدهند و او را زیر فشار بگذارند. اما بالاخره می‌بینیم که این فشارها به دستگیری خود آقای سلطانی منتهی شده است.

مجموعه اعمال و فشاری که طی دو سال گذشته بر تمام اعضا و پایه‌گذاران کانون مدافعان حقوق بشر صورت گرفته است، شیرین عبادی، محمدعلی دادخواه، سیف‌زاده، سلطانی و خانم نسرین ستوده نشان می‌دهد که این‌ها فقط به بستن کانون مدافعان حقوق بشر اکتفا نکرده و نمی‌کنند و تمام اعضا و پایه‌گذاران کانون مدافعان حقوق بشر را هم یا ناگزیر می‌کنند که از ایران خارج شوند و یا اینکه آن‌ها را به زندان می‌اندازند و تحت تعقیب قرار می‌دهند.

با اینکه پیش از این عبدالفتاح سلطانی به عنوان عضو کانون وکلا انتخاب شده بود، به حبس هم افتاده بود ولی پس از آن آزاد شد.

• آیا مشخص و روشن است که وضعیت آن پرونده و سایر پرونده‌هایی که ایشان دارند و یا پرونده جدید در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

بله. در دادگاه تجدید نظر آقای سلطانی تیرئه شد و آن پرونده بسته شد. ولی پس از دستگیری‌های گسترده پس از انتخابات ریاست جمهوری، عبدالفتاح سلطانی هم دستگیر شد، مدتی بازداشت بود و پس از آن به قید وثیقه آزاد شد. تقریباً در طول دو سال گذشته در مورد ایشان خبری نبود تا اینکه همسرشان را دستگیر کردند.

در واقع باید منتظر دریافت خبرهای تازه در طول روزهای آینده باشیم تا ببینیم که او هم مثل همسرش به قید وثیقه یا کفیل آزاد می‌شود یا اینکه مثل آقای سیف‌زاده، آقای سلطانی هم باید مدت‌ها پشت میله‌های زندان بماند.

• فدراسیون جامعه جهانی دفاع از حقوق بشر در ارتباط با مسئله آقای سلطانی در نظر دارد دست به چه اقداماتی بزند؟

اگر در طول روزهای آینده آقای سلطانی آزاد نشود ما نخست به گروه بازداشت‌های خودسرانه شکایت خواهیم کرد.

این گروه یکی از نهادهای حقوق بشر سازمان ملل و مثل گروه کاری ناپدید شدگان قهری است، که ما درباره ناپدید شدن آقایان موسوی و کروی و همسرانشان به این گروه شکایت کردیم و هفته گذشته تأیید شد که شکایت ما به جمهوری اسلامی ابلاغ شده است، و طی هفته‌های آینده باید منتظر تحولات دیگری درباره این پرونده باشیم.

از سوی دیگر به آقای احمد شهید، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل هم، درباره بازداشت آقای سلطانی گزارش خواهیم کرد

بیشتر کودکان خیابانی در گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال قرار دارند



گزارش‌ها حاکی از آن است که اعتیاد به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی خصوصاً برای کودکان، حدود ۲۰ درصد از کودکان خیابانی را درگیر کرده است.

مصطفی آقاجانی، استاد مددکاری دانشگاه آزاد اسلامی، در این زمینه اظهار داشت: "بیشتر کودکان خیابانی در گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال قرار دارند و با توجه به موقعیت کاری و زندگی‌شان در معرض انواع آسیب‌ها قرار می‌گیرند."

آقاجانی در گفتگو با رسانه‌ها از اعتیاد به عنوان مهمترین نوع آسیب‌های اجتماعی در این قشر جامعه نام برد و گفت: "حدود ۲۰ درصد کودکان خیابانی به مواد مخدر اعتیاد دارند که از این میان نزدیک به ۱۵ درصدشان معتاد به سیگارند و پنج درصد دیگر به انواع مواد مخدر معتاد هستند."

وی با بیان اینکه تمام کودکان خیابانی از نظر اقتصادی و فرهنگی زیر خط فقر قرار دارند، ادامه داد: "حدود ۴۰ درصد از این کودکان در خانواده هایی زندگی می کنند که دست کم یکی از اعضا به مواد مخدر اعتیاد دارد." آقاجانی افزود: "سیگار، حشیش و هروئین به ترتیب بیشترین فراوانی در استفاده از مواد مخدر را در میان کودکان خیابانی و متکدیان دارند."

او پس از سرقت گوسواره‌های دخترم و آزار و اذیت وی متواری شد

مرد جنایتکار که پس از ربودن دختر هفت ساله او را مورد آزار و اذیت قرار داده بود، هنگام فروش گوسواره‌های قربانی دستگیر شد. به گزارش خبرنگار ما، هفته گذشته مردی به دادرسی شهرستان زرند رفت و راز جنایت سیاه را فاش کرد. او به مأموران گفت: «امروز دختر هفت ساله‌ام سرگرم بازی در مقابل خانه بود که مردی او را به بهانه پرسیدن آدرس سوار خودرویش کرده و به محلی خلوت کشاند. او پس از سرقت گوسواره‌های دخترم و آزار و اذیت وی متواری شد.» پس از این شکایت با دستور دادستان زرند تیمی از مأموران رسیدگی فوری به پرونده را در دستور کار قرار داده و مرد شیطان‌صفت را هنگام فروش گوسواره‌های سرقتی دستگیر کردند. یک خودروی سرقتی نیز از او کشف شد. متهم نیز در بازجویی‌ها به جنایت سیاه اعتراف کرد. قاضی محسن نیک‌ورز – جانشین دادستان عمومی و انقلاب شهرستان زرند – با اشاره به این خبر گفت: متهم در بازجویی‌ها به هشت فقره سرقت خودرو در شهرهای راور، بافق، یزد، کرمان و زرند اعتراف کرده است. وی با توجه به فصل گرما و تعطیلی مدارس از خانواده‌ها خواست نسبت به پوشش بچه‌های خود دقت لازم را داشته باشند تا زمینه ارتکاب افراد سودجو و وقوع جرم از بین برود. قاضی نیک‌ورز همچنین از مردم خواست به هیچ عنوان بچه‌ها را همراه با دستبند، گردن‌بند یا گوسواره طلا بیرون از خانه رها نکنند. سایت اخبار کودکان جهان 28 شهریور

عامل جنایت کودک 5 ساله به دار آویخته شد

پس از آزار و اذیت مقتوله از هوش رفت از ترس وی را داخل گونی پیچیده و در کنار یکی از درختان لیمو دفن کردم.

با حکم شعبه اول دادگاه کیفری استان هرمزگان و تأیید شعبه 32 دیوان عالی کشور و تنفیذ آن توسط رییس قوه قضائیه عامل جنایت کودک 5 ساله به دار مجازات آویخته شد. به گزارش ایسنا و به نقل از روابط عمومی دادگستری استان هرمزگان، این قتل که در روستایی از توابع بندرعباس رخ داده بود با پیگیری بازپرس ویژه قتل و مامورین آگاهی عامل جنایت دستگیر و به دار مجازات آویخته شد.

«ق.ک» قاتل این پرونده در بازجویی اولیه به بزه ارتكابی خود اعتراف کرد که مقتوله را به نام «ز.ح. خواهر خانم» را به بهانه بردن نزد همسر او را از مادر خانم خود در روستایی از توابع شهرستان میناب گرفتم و به یکی از باغات لیمو در روستایی از توابع شهرستان بندرعباس برده و پس از آزار و اذیت مقتوله از هوش رفت که از ترس وی را داخل گونی پیچیده و در کنار یکی از درختان لیمو دفن کردم.

پس از صدور حکم در دادگاه کیفری استان و تأیید شعبه 32 دیوان عالی کشور و تنفیذ آن توسط رییس قوه قضائیه سحرگاه روز چهارشنبه هفته گذشته در محل زندان مرکزی بندرعباس به دار مجازات آویخته شد. سایت اخبار کودکان جهان 28 شهریور

مرگ پسر بچه ۱۲ ساله معتاد

نوجوان معتاد را که مادرش برای ترک اعتیاد به آن ها سپرده بود داخل حوض آب سرد انداخته ، خفه شد.

خراسان: متهمان پرونده مرگ پسر بچه ۱۲ ساله معتادی که در کمپ ترک اعتیاد غیرمجاز جان باخته بود اعتراف کردند که نوجوان معتاد را داخل حوض آب سرد انداخته اند و او خفه شده است!

چند روز قبل، مأموران انتظامی از طریق تماس های مردمی در جریان مرگ نوجوانی در یک کمپ ترک اعتیاد غیرمجاز واقع در منطقه همت آباد مشهد قرار گرفتند و برای بررسی موضوع به محل حادثه عزیمت کردند.

آنان با تأیید درستی خبر، مراتب را به قاضی علی اکبر صفائیان (قاضی ویژه قتل عمد) اعلام کردند. با توجه به اهمیت موضوع بلافاصله مقام قضایی به همراه کارآگاهان پلیس آگاهی و گروه تشخیص هویت عازم محل حادثه شد.

با حضور قاضی ویژه قتل عمد در محل بررسی های قضایی در این باره آغاز و مشخص شد که نوجوان ۱۲ ساله را چند روز قبل مادرش برای ترک اعتیاد به این محل آورده اما هم اکنون او به طرز مشکوکی و در حالی که هیچ گونه بیماری نیز نداشت جان خود را از دست داده است.

به دستور مقام قضایی جسد این نوجوان برای انجام معاینات و تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی مشهد حمل شد و مسئولان کمپ ترک اعتیاد به همراه فرد دیگری که در آن مکان مشغول کار بود بازداشت شدند تا تحقیقات تکمیلی در این باره صورت گیرد.

متهمان این پرونده که تحت بازجویی قرار گرفته بودند هر گونه دخالت در مرگ نوجوان معتاد را انکار کردند و مدعی بودند از چگونگی مرگ وی خبر هستند اما در این میان نظریه پزشکی قانونی پرونده را وارد مرحله دیگری کرد که حکایت از یک مرگ دلخراش داشت.

بنابر این گزارش، پزشکان قانونی پس از کالبد شکافی جسد نوجوان دریافتند که مقداری آب داخل ریه و معده متوفی وجود دارد و به احتمال زیاد او در داخل آب خفه شده است. با اعلام نظر پزشکی قانونی، قاضی صفائیان دستور داد تا متهمان این پرونده با شگردها و شیوه های فنی تحت بازجویی قرار گیرند تا راز پنهان مرگ نوجوان معتاد افشا شود.

این گزارش حاکی است: وقتی متهمان این پرونده دوباره بازجویی شدند به تناقض گویی پرداختند و مسئول کمپ در تحقیقات ادعا کرد که نوجوان مذکور در زیر آب سرد بوده که به دلیل نامعلومی جان باخته است اما متهمان این پرونده وقتی مدارک پزشکی و دلایل انکارناپذیر را دیدند به ناچار لب به اعتراف گشودند. آنان روز گذشته اقرار کردند نوجوان معتاد را که مادرش برای ترک اعتیاد به آن ها سپرده بود داخل حوض آب سرد انداخته اند که داخل آب خفه شده است.

در پی اعترافات متهمان این پرونده، قاضی ویژه قتل عمد با صدور دستورات ویژه ای برای پیگیری این پرونده، ۳ تن از مسئولان کمپ ترک اعتیاد و فردی را که نوجوان را بغل کرده و داخل حوض انداخته است برای تکمیل تحقیقات در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار داد تا زوایای پنهان دیگر این پرونده آشکار شود. اخبار کودکان جهان 27 شهریور

کوره پزخانه‌ها برای کودکان کم سن و سال چندان امن نیستند

مادر: شنیده ام که کورمپزخانه‌ها برای کودکان کمسن و سال چندان امن نیستند و من هیچوقت پسرم را تنها به کوره نمی‌فرستم.

نرگس رضایی: نفس‌هایش بوی نفت می‌دهد، وقتی نفس نفس زنان اسمش را هجی می‌کند «استوره»، دختری که میان خشت و گل رس، کودکش را به فراموشی سپرده است، ولی تصورش از زندگی چنان است که گویی هرگز آدم بزرگی نخواهد شد، چون گهواره برای بزرگ شدنش جای بزرگی نبوده. می‌گوید میان آجرها به دنیا آمده است با آجرها بازی کرده، میان مکعب مستطیل آجرها قد کشیده و امروز هم میان خشت‌های خیس، آجر آجر می‌چیند تا خانه‌ای یا مدرسه‌ای آن سوی دودکش‌های بلند پاکدشت بنا شود، جایی که او تنها تصویر مبهمی از آدم‌ها و زیبایی‌هایش دارد. می‌گوید تمام ۱۱ سال زندگی‌اش را در کورمپزخانه‌های اطراف پاکدشت و خاتون‌آباد گذرانده و فقط در فیلم‌ها دیده و از پدرش شنیده که تهران بزرگ است و برج‌های بلند دارد. او از این دنیای بزرگ چیزی جز خشت و خاک رس نمی‌داند و آرزوهایش هرگز از قد خشت‌هایی که می‌چیند فراتر نرفته‌اند. می‌خواهد روزی اندازه مادرش خشت بزند تا پدرش مزد بیشتری بگیرد و آنها به افغانستان برگردند. می‌گوید هر هزار خشت ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان مزد دارد و اگر آنها هر روز هزار خشت بزنند هر ماه می‌توانند ۳۷۵ هزار تومان مزد بگیرند و اگر ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان آن را جمع کنند تا ۲ سال دیگر می‌توانند پول زیادی با خود به افغانستان ببرند، آنقدر زیاد که دیگر مثل عمویش گرسنه نمی‌مانند. اسطوره در حالی که نفس‌زنان آجرهای قالب‌گیری شده خیس و سنگین را از خرک بارکش پایین می‌آورد و آنها را کنار هم می‌چیند، به فرداهایی می‌اندیشد که باید خشت‌خشت آنها را دوباره جمع کند، می‌گوید: ۲ تا ۳ روز طول می‌کشد تا خشک شوند و آن موقع کارشان راحت‌تر است، چون آجرهای خشک هم سبک‌ترند و هم بوی نفت و گازوئیل نمی‌دهند. می‌گوید: برای این که قالب‌های آجر سریع و راحت از خرک جدا شوند روی آن گازوئیل یا بنزین می‌ریزند و بعضی کارگران کورمپزخانه برای فرار از بوی بد آنها ماسک می‌زنند، اما او در تمام این ۶ سال که در کورمپزخانه‌های اطراف پاکدشت کار کرده، هیچ‌گاه ماسک نزده است و هرگاه در هوای کوره نفس می‌کشد ریه‌هایش پر می‌شود از بوی تند گازوئیل که حالا دیگر به آن عادت کرده و مثل طعم اکسیژن آن را می‌چشد.

او در حالی که خشت خیس و سنگین را کنار هم می‌چیند روزهای اول کار را در کوره به خاطر می‌آورد که همیشه از بوی گازوئیل سرش گیج می‌رفت و گاه روی خشت‌هایی که با زحمت چیده بود، بالا می‌آورد.

می‌گوید ۳ ماه طول کشید تا به بوی خاک و گازوئیل عادت کند و امروز همه‌چیز در تن نحیف او بوی خاک و بوی نفت می‌دهد، دست‌ها، نفس‌ها و کودکی‌هایی که میان خشت و گل کم‌شده است و چون او کم نیستند کودکانی که کودکی‌هایشان را میان تپه‌های سوزان رس و روی بارکش‌های باربری جا گذاشته‌اند و در کوره‌ها و کوچه‌ها برای بزرگ‌شدن از زمان سبقت می‌گیرند.

علی کله، مسوول انجمن صنفی کوره‌پزخانه‌های محمودآباد که سال‌ها مسوولیت انجمن کوره‌پزخانه‌های اطراف تهران را به عهده داشته است، می‌گوید: ۴ تا ۵ هزار کودک زیر ۱۵ سال در کوره‌پزخانه‌های سراسر کشور کار می‌کنند و بیشتر آنها همراه خانواده‌هایشان مشغول انجام این کار هستند. چون مزد کارگران کوره‌پزخانه کم است، بیشتر آنها ترجیح می‌دهند زن و فرزندان خود را همراهشان بیاورند تا مزد بیشتری بگیرند.

او معتقد است کودکان ۵ سال و کوچک‌تر بیشتر قالب خالی می‌کنند، ولی کودکان بالای ۱۰ سال مثل پدران و مادران خود در بخش‌های دیگر مشغول فعالیت می‌شوند و این تمام قصه نیست.

کودکان کار، مزد کمتری نسبت به بقیه کارگران کوره‌پزخانه می‌گیرند و برای همین، کارفرماها برای سود بیشتر از کودکان کم‌سن و سال استفاده می‌کنند و به گفته مسوولان انجمن صنفی کوره‌پزخانه‌های محمودآباد، کودکان افغانی برای این منظور مناسب‌ترند، چون بیمه هم ندارند، کودکانی مثل استوره که چیزی از بیمه نمی‌داند و فقط یاد گرفته کار کند، آن هم پا به پای پدر و مادرش.

زیر آفتاب داغ تابستان نفس‌زنان خشت می‌زنند مثل بیماری که برای زنده ماندن تقلا می‌کند. برای چیدن خشت بیشتر، خود را آدم بزرگ، قوی و فرزند می‌نماید و فراموش می‌کند که او تنها ۱۱ سال دارد و باید مثل هم‌سن و سال‌های خود کودکانه زندگی کند.

تصور و باورهای او از استوره قوی و مرد، لطافت دخترانه‌اش را هم به تاراج برده و او میان کارگران کوره چون یک پسر به نظر می‌رسد، پسری که در خشت چیدن قوی‌تر از دختران است و کارفرماها هم روی کار آنها بیشتر حساب می‌کنند.

او میان خشت‌های خیس و سنگین جنسیتش را هم گم کرده و اگر اسمش را نگفته بود، شاید خودش را پسر معرفی می‌کرد و کسی هم هرگز متوجه نمی‌شد؛ چون صورت آفتاب‌سوخته و دست‌های سیاه زمختش چیزی از جنسیتش لو نمی‌دهد. جنسیتی که زیاد هم اهمیتی ندارد و فرق نمی‌کند دختر باشد یا پسر. مساله این است که وی باید مثل یک مرد کار کند و در برابر سختی کار خم به ابرو نیاورد.

مثل علی عبدالناصر، پسری آن سوی دودکش‌های بلند پاکدشت. پسری در مصر که مثل او کار می‌کند. در کوره‌ای در حومه کایرو جایی دور، ولی شبیه کوره‌هایی که او ۶ سال در آنها خشت‌زده و کودکی‌اش را به مزایده گذاشته است.

در گزارشی از کودکان کار در دنیا آمده بود که علی عبدل پیوسته خرک بارکش را از آجرهای قالب‌گیری شده خیس و سنگین پر و خالی می‌کند و این کار روزانه اوست، حتی در روز کودک او درباره کارش می‌گوید: صاحب کار این کوره‌پزخانه هر هفته ۲ روز به الاغ‌ها استراحت می‌دهد، اما من هرگز نمی‌توانم استراحتی داشته باشم و تا زمین از آفتاب می‌سوزد، باید خشت بزنم و خشت بچینم مثل استوره که باید تمام تابستان را در کوره آجرپزی بماند و زیر آفتاب داغ آن خشت بزند.

می‌گوید: از صبح زود تا زمانی که خورشید جان دارد و گرم می‌تابد، باید خشت بزینم و تمام تابستان‌های سال کوره‌پزخانه‌های اطراف پاکدشت پر می‌شود از کودکانی که همراه پدر و مادر خود به کار خشت و گل رس مشغولند. از او می‌پرسم در این هوای گرم و ساکن آیا گرم‌زده هم می‌شود و او در حالی که می‌خندد می‌گوید: اگر هم مریض شوم، به روی خودم نمی‌آورم و به کارم ادامه می‌دهم چون پدرم به من گفته نباید مریض شوم، چون مزد آن روز را از دست می‌دهیم. او طوری این جمله را به زبان می‌آورد، گویی باید مثل جنسیتش جسمش را هم به فراموسی بسپارد و هرگز از دردها و نیازهای آن سخن نگوید، می‌گوید: شنیده‌ام کسانی که در کوره کار می‌کنند، عمر کوتاهی دارند و شاید من هم چنین سرنوشتی داشته باشم و شاید هم سال‌ها زنده بمانم و خشت بزیم. کسی چه می‌داند شاید او مثل ماهرو و کارگران کوره و دوستش که روزی با هم خشت می‌چیند و با هم هوای کوره را نفس می‌کشیدند، از سرطان ریه نمیرد و برای خودش زنی شود مثل مادرش با ۶ بچه قد و نیم قد که در خشت و تپه‌های خاک‌رس وول می‌خورند و هرگز بازیچه‌ای جز خاک و تکه‌های آجر نداشته‌اند. شاید هم مثل او دکترها جوابش کنند و بگویند کار از دارو گذشته و او همین روزها پیش از این که آخرین خشت‌هایش را که زیر نور آفتاب چیده بود جمع کند، بمیرد و تا ابد نگران خشت‌هایی باشد که زیر آفتاب مانده.

چاردیواری‌های مفلوک

کلاه بزرگ حصیری را که بزرگتر از اندامش می‌نماید، با عصبانیت درمی‌آورد و با مادرش راهی خانه می‌شود، می‌گوید: وقت ناهار است و ما خیلی زود باید برگردیم. از کوره تا خانه، فاصله تنها یک تپه خاک رس است و آنها آرام و شبح‌گون، مثل گربه‌ای که در تاریکی می‌خزد، از آن بالا می‌روند و از این که کارفرما ببیندشان می‌ترسند، چون کارفرما گفته کسی از روی خاک‌های رس رفت و آمد نکند، ولی آنها برای این که زودتر برسند، دزدکی از روی تپه بالا می‌روند تا به خانه برسند. دست‌ها و لباس‌هایشان پر از گرد و خاک می‌شود و تمام تنش‌شان بوی خاک و نفت می‌دهد. مادرش می‌گوید: هفته‌ای یک روز حمام می‌رویم و اگر هم نوبت برسد، ۲ روز در هفته حمام می‌رویم. او در حالی که پرده توری در کنار می‌زند، می‌گوید: ۱۳ سال است تابستان‌ها اینجا می‌آیند و راحت هم هستند. پرده سفید توری از کثیفی به خاکستری می‌گراید و هر گاه کنار می‌رود، مگس‌ها از روی آن بلند می‌شوند و به سمت داخل هجوم می‌آورند. خانه کوچک به نظر می‌رسد. ۱۴ یا ۱۵ متر، اما مادر استوره می‌گوید که ۲۲ متر است و همه آنها در آن، جا می‌شوند. سفره از صبح وسط اتاق باز است و آنها برای این که زودتر به کارشان برسند، آن را در تمام طول روز باز می‌گذارند. نان لوش در سفره خشک شده و او در حالی که مگس‌ها را از روی ظروف آلومینیومی می‌پراند، شروع به خوردن آبگوشتی می‌کند که از دیشب آماده‌اش کرده است. می‌گوید: استوره آبگوشت دوست ندارد و همیشه وقتی درست می‌کنم، غر می‌زند. استوره در حالی که روی فرش قرمز رنگ و رو رفته دراز کشیده و دست‌های سیاه استخوانی‌اش را به پرزهای آن چسبانده، داد می‌زند: دیگه تکرار نکن و طاقباز شروع می‌کند به خوردن سیبزمینی‌هایی که کنارش گذاشته.

می‌گوید بیشتر وقت‌ها به صورت خوابیده ناهار می‌خورد، چون به قدری خسته می‌شود که کمرش درد می‌گیرد. سقف خانه گنبدی شکل است و پنجره کوچک آن رو به کوره باز می‌شود. صاحب کوره می‌گوید که پدرش آن را ۴۰ سال پیش ساخته و از تمام خانه‌های کارگری اطراف تهران بزرگتر و تمیزتر است. آن روزها بیشتر کارگران ساکن در آن ایرانی بودند و حالا همه افغانند و با زن و بچه‌های

خود اینجا زندگی می‌کنند. او در حالی که انگشتان دستش را می‌شمارد، ادامه می‌دهد: فکر کنم ۳۰ خانوار باشند.

دقیقا نمی‌دانم چند نفرند، اما بیشتر آنها از کارگران قدیمی ما هستند و ما سعی می‌کنیم مزد و امکانات خوبی به آنها بدهیم. در این لحظه انگشتانش را به سمت تانکر آبی نشانه می‌رود که آن سوی کوره روی تپه‌های خاک رس قرار گرفته است و می‌گوید: برایشان لوله‌کشی کردیم و آب تانکر سالم و بهداشتی است و هر از گاه کلر هم می‌زنند.

اما مادر استوره نظر دیگری دارد و می‌گوید آب کوره شور است و ما هر وقت از این آب می‌خوریم، دل درد می‌گیریم. او در حالی که به شیلنگ سفید کولر در بیرون خانه اشاره می‌کند، ادامه می‌دهد: ببینید شیلنگ لجن بسته است. خدا می‌داند الان در دل و روده ما چه خبر است.

استوره با شنیدن این جمله حرف مادرش را قطع می‌کند و در حالی که کفش‌های خاک گرفته‌اش را در دست گرفته و ایستاده می‌پوشدشان می‌گوید: معلوم است ما هم لجن بسته‌ایم. زن همسایه با شنیدن این جمله استوره می‌خندد و با دست محکم روی شانه‌های لاغر او می‌زند: خوب گفتی، می‌گویم چرا دل درد دارم، پس از این لجن‌هاست.

از او می‌پرسم آیا به صاحب‌کارشان موضوع را گفته‌اند و او با لحن تمسخرآمیزی جواب می‌دهد: دل‌تان خوش است. خوب است که این آب را هم دادند و الا باید می‌رفتیم از کجا آب می‌آوردیم. راست هم می‌گوید. آنها آمده‌اند کار کنند و مهم نیست آبی که می‌خورند، سالم باشد یا نباشد. مهم این است که آنها خشت بیشتری بزنند تا برج‌های بلندتری قد بکشند؛ برج‌هایی که حتی در تصورشان هم نمی‌گنجد و استوره و همسایه‌هایشان آنها را تنها در فیلم‌ها دیده‌اند.

او می‌گوید: نان را هم خودمان می‌پزیم و در حالی که به سمت در می‌رود، به تنوری اشاره می‌کند که گوشه حیاط کنده‌اند.

داخل تنور از آجرهایی چیده شده که خودشان درست کرده‌اند و هنوز داغ است.

عروسک‌های چوبی

خانه خلوت می‌شود. پدران و مادران و کودکان بالای ۶ سال به کوره برمی‌گردند و کودکان کوچک در محوطه حیاط تنها می‌مانند.

چشم‌های ریز و صورت پهن‌شان از غربتی پنهان حکایت می‌کند؛ غربتی که مال غربت نیست. آنها کنار در خانه‌هایشان خود را با عروسک‌های چوبی و آجر پاره‌ها سرگرم می‌کنند و گاهی نیز به مسجد محوطه که وسط ساختمان واقع شده می‌روند و با هم دسته‌جمعی بازی می‌کنند.

یکی از کودکان در حالی که می‌خندد، می‌گوید زو بازی می‌کنیم و تمام مسجد پر می‌شود از صدای کودکان قد و نیم‌قدی که آستین هم را می‌گیرند و دور تا دور مسجد را می‌دوند.

کودکانی قد پسر بچه‌هایی که در کوره مجاور، قربانی عقده دیرین بیجه شدند، قاتلی که در یکی از این کوره‌های آجرپزی خود مورد تجاوز قرار گرفت.

بسیاری از ساکنان خانه کارگری، آن روز را که بیجه دستگیر شد به خاطر دارند. یکی از زنان ساکن در این خانه‌های کارگری می‌گوید: شنیدم که کوره‌پزخانه‌ها برای کودکان کمسن و سال چندان امن نیستند و من هیچ‌وقت پسر را تنها به کوره نمی‌فرستم. او از چیزهایی حرف می‌زند که آنها را شنیده و می‌ترسد.

می‌گوید: پاییز و زمستان به خاتون‌آباد می‌رویم و آنجا از اینجا راحت‌تر است. استوره هم همین را می‌گفت. او می‌گفت بسیاری از آشنایان در خاتون‌آباد کشاورزی می‌کنند و پدر او هم زمانی این کار را می‌کرد.

او در حالی که به سمت پایین خانه می‌رود، می‌گوید: دوباره باید خشت بزنیم. تا شب کارمان همین است و می‌خواهم روزی هزار خشت بزنی تا پدرم مزد بیشتری بگیرد. او در حالی که از تپه‌های خاک رس پایین می‌رود، به نرمی شکستن صدا در گلو سرش را به سمت عقب برمی‌گرداند و آرام دست تکان می‌دهد؛ دست‌هایی که میان خشت و گل رس بوی نفت گرفته‌اند.

منبع: رهانا 11 شهریور

دلَم از این می‌سوزد که رامین بچه‌ی ساده‌ای بود

دلَم از این می‌سوزد که رامین بچه‌ی ساده‌ای بود، نه جرمی کرده بود، نه سیاسی بود، نه معتاد و قاچاقچی بود، و نه پرونده‌ای در قوه قضاییه داشت، فقط به جرم اینکه در خانه دوستش مهمان بوده او را گرفتند و اینقدر کتکش زدند تا جان خود را از دست داد، به خدا دارم دیوانه می‌شوم

برخوردهای خشونت بار، ضدانسانی و غیرقانونی نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، جان جوان مظلوم و بی‌گناه دیگری را در ایران گرفت؛ این بار درود لرستان.

روز 23 تیرماه نیروی انتظامی در شهرستان درود به عده‌ای جوان غیرسیاسی که در خانه‌ای جمع بوده اند مشکوک می‌شود و آنها را دستگیر می‌کند. بعد از مدتی همه‌ی بازداشت شدگان -جز یک نفر- با قید وثیقه آزاد می‌شوند. رامین (محمد) یعقوبی که توانایی وثیقه را نداشته در حبس می‌ماند.

صبح روز بعد، یگان ویژه آگاهی این جوان را برای بردن نزد قاضی از نیروی انتظامی تحویل می‌گیرند اما بعد از ضرب و شتم شدید او را تحویل زندان می‌دهند.

خانم یعقوبی در حالی که بشدت منقلب است از جان باختن مظلومانه‌ی فرزندش سخن می‌گوید. وی با تاکید بر این نکته که "دو ساعته بچه‌ام را بدون هیچ جرمی بردند و کشتند می‌گوید: «ابتدا رامین را که مهمان دوستش بود با دیگر رفقای دست جمعی می‌گیرند و به کلانتری 11 می‌برند. همه را آزاد می‌کنند به غیر از رامین که او را در بازداشتگاه نگه می‌دارند. ساعت چهار بعدازظهر رامین به من زنگ زد و گفت دستگیرش کرده‌اند.

من برایش آب‌میوه بردم و ساعت دوازده هم برایش غذا و میوه بردم و تا ساعت دو هم پیش او بودم؛ پسر بی‌گناه سر حال بود.

صبح ساعت هشت از یگان ویژه آگاهی می آیند و او را تحویل می گیرند. تا زمانی که او را پیش قاضی ببرند این قدر او را کتک زده بودند که اصلاً پیش قاضی نای حرف زدن نداشته است. بعد قاضی می گوید یک هفته در بازداشتگاه زندان نگهداری شود. وقتی رامین را به بازداشتگاه می برند، رئیس زندان می گوید این فرد اصلاً حالش خوب نیست.

قاضی هم می گوید به دستور قوه قضاییه باید او را تحویل بگیرید. رامین در زندان حالش بهم می خورد و ساعت چهار و نیم او را به بیمارستان منتقل می کنند. ناراحتی من هم این است که آنها به ما خبر نمی دهند و یازده شب به ما می گویند؛ و ما می رویم بیمارستان و جنازه بچه ام را تحویل می دهند. «این مادر داغیده می افزاید: «ده دقیقه قبل از مرگش به ما گفتند پول آی سی یو را به حساب بیمارستان بریزید و ما هم ریختیم. ده دقیقه بعد گفتند بچه تان فوت شد! فقط هم او را بردند آی سی یو که بگویند آنجا فوت شده در صورتی که خودشان هم می دانستند با او چکار کردند و خواهد مرد.» این مادر داغیده با اشک و آه ادامه می دهد: «دلَم از این می سوزد که رامین بچه ی ساده ای بود؛ او نه جرمی کرده بود، نه سیاسی بود، نه معتاد و قاچاقچی بود، نه پرونده ای در قوه قضاییه داشت؛ فقط به جرم اینکه در خانه دوستش مهمان بوده او را گرفتند و این قدر کتکش زدند که جان خود را از دست داد. به خدا دارم دیوانه می شوم که چرا این بچه بی گناه باید کشته شود؟

وقتی رفتم بیمارستان جنازه رامین را دیدم اصلاً او را نشناختم. کمر و سر و صورتش یک تکه کیود و سیاه بود. شب پیش، برایش شام برده بودم؛ صحیح و سالم بود.

اما فردا شب با این وضعیت جنازه اش روی تخت بیمارستان بود.»

وی در خصوص علت مرگ فرزندش توضیح می دهد: «ما در شهرستان درود در استان لرستان زندگی می کنیم. دادستان اینجا به ما گفت برای پزشک قانونی جنازه یک هفته باید تهران یا اهواز برود که آن موقع اینقدر حالمان بد بود که گفتیم یک هفته جنازه عزیزم سرگردان نشود و پدرش اجازه نداد. این در حالی بود که خرم آباد و بروجرد پزشک قانونی دارد! اینقدر عرصه را به ما تنگ کردند و ما را ترسانند و اذیت کردند که ناچار شدیم سریع دفن کنیم.

در بیمارستان هم یک پزشک نوشت که تشنج کرده یکی دیگر نوشت مسمومیت دارویی و یک پزشک دیگر نوشته بود ایست قلبی. اما ما از جنازه پسرمان عکس داریم که تمام بدنش از ضرب و شتم کیود و سیاه بود...»

مادر رامین با اندوه فراوان، و با آه و فریاد، سخنان خود را اینگونه به پایان می برد: «جوان 23 ساله من را که از من گرفتند، خواهش می کنم مسئولین کاری کنند که این بلاها سر جوانان دیگر نیاید. قاتل را هم باید طبق قانون رفتار کنند. بچه بی گناه من که هیچ جرمی مرتکب نشده بود. چقدر باید ناامنی تحمل کنیم؟

تا کی جوانان ما را بزنند و بکشند و جنازه شان را تحویل دهند؟!!

این معنای امنیت است؟

فقط داغی بر دل من مانده که عزیزم را کشتند آنهم بی گناه! دیگر چه بگویم خودتان می دانید حال پدر و مادری که پسرشان را اینجوری بکشند چه جور است.

فقط تا سر قبرش می رویم و آرام می گیریم دوباره برمی گردیم و دادمان را از خدا می خواهیم...»
منبع جرس

ازنوکیشان مسیحی که در زندان اوین هستند، شکایت کنید

ماموران امنیتی: اگر خواهان بازپس گیری فرزندان هستید باید ازنوکیشان مسیحی که در زندان اوین هستند، شکایت کنید

به گزارش آژانس خبری مسیحیان ایران "محبت نیوز" ، به نقل از وبلاگ حسین جدیدی، از وکلای پایه یک دادگستری ، یک زوج مسیحی به نام های " ن " و " ک " که مدتی قبل یک طفل بی سرپرست را به فرزندگی گرفته بودند، نیروهای اداره امنیتی اطلاعات برای استفاده از این طفل به عنوان اهرم فشار بر این خانواده مسیحی و دیگر نوکیشان مسیحی، این کودک را از آنها پس گرفته‌اند. ماموران امنیتی ضمن تهدید از آنان خواسته‌اند اگر چنانچه خواهان بازپس گیری فرزندشان هستند باید از دوستان نوکیش مسیحی خود که در زندان اوین در بازداشت هستند (اشاره به فرشید فتحی) شکایت کنند .

حسین جدیدی از فعالان حقوق بشر که تاکنون وکالت تعداد زیادی از نوکیشان مسیحی را نیز بر عهده داشت ضمن تائید این خبر به خبرنگار "محبت نیوز" گفت : « این زوج مسیحی سالها منتظر بودند تا طبق روال قانونی طفلی را به فرزندگی قبول کنند، ورود این طفل بعد از سال ها به خانه آنان اتفاق بزرگی برای این زوج مسیحی محسوب میشد، ولی پس از باز پس گرفتن طفل یا گروگانگیری توسط نیروهای امنیتی، خانم " ن " بدلیل فشار و ناراحتی روحی از این رویداد به بیمارستان منتقل شده است. این گزارش کوتاه ولی بسیار دردناک در حالی منتشر شده که محمود احمدی‌نژاد که هم اکنون برای اجلاس سازمان ملل در نیو یورک بسر میبرد در مصاحبه‌ای با شبکه خبری NBC گفته است : "اقلیت‌های مسیحی با آرامش در ایران زندگی میکنند" .

اگر چه این اولین دروغ آقای احمدی‌نژاد نیست و مطمئنن آخرین نیز نخواهد بود ولی برای روشن شدن اذهان عمومی جا دارد چند سوال در خصوص این آرامش زندگی که مسیحیان به قول ایشان در ایران دارند پرسیده شود :

- ۱- آیا گروگانگیری یک طفل فقط به خاطر ایمان خانواده او به عیسی مسیح آرامش است؟
آیا پریشان کردن یک خانواده که مدتهاست دل به این کودک داده‌اند و با استفاده از این طفل کوچک برای رسیدن به مقاصد سیاسی نشان از آرامش زندگی مسیحیان است؟
- ۲- آیا بازداشت بیش از صدها مسیحی در طول یک سال اخیر و شکنجه و بازجویی‌های طولانی فقط به خاطر باورهای دینی آنان آرامش است؟
- ۳- آیا پورش به کلیساهای خانگی و اجتماعات کوچک عبادتی و پرستشی که در آنها فقط نام خدا برده میشود آرامش است؟
- ۴- آیا اهمیت ندادن به کلیساهای موجود در ایران و بستن و خراب کردن یک شبه آنها آرامش است ؟
- ۵- آیا بازداشت های طولانی مسیحیان حتا بعد از پرداخت میلیون‌ها ریال وثیقه را می توان از آن به عنوان آرامش اسم برد؟
- ۶- آیا بستن موسسات و انتشارات مسیحی در ایران و یا عدم اجازه چاپ و انتشار کتاب مقدس ویژه مسیحیان آرامش است ؟
- ۷- آیا سوزاندن صدها جلد کتاب مقدس مسیحیان آرامش است؟
- ۸- آیا تهدیدات متعدد مسیحیان از سوی رسانه‌ها دولتی و نیروهای امنیتی و حتا برخی مراجع تقلید شیعه ، آرامش است؟
- ۹- آیا دادن حکم ارتداد برای مسیحیان آرامش محسوب میشود؟
- ۱۰- آیا تحت تعقیب قرار دادن مسیحیان در ایران و حتا خارج از کشور آرامش محسوب میشود؟
جامعه مسیحی ایران در طول سالها هرگز آرامشی نداشته‌اند و همچنان مورد تهدید و فشار بوده اند، بسیاری از نو کیشان مسیحی دستگیر و برای مدتها در بازداشت بوده اند، و تمام آنها با اتهامات واهی چون ارتباط با بیگانگان و دیگر اتهامات امنیتی مواجه بودند، فشارها تا بحدی است که امروز حمل تعدادی کتاب مقدس در ایران و یا صحبت در مورد محبت خدا و عیسی مسیح جرم محسوب میشود و فضا برای مسیحیان واقع تنگ و فشرده می‌باشد. محبت نیوز 29 شهریور

۲۳ پسر زیر ۱۵ سال و سه دختر زیر ۱۰ سال



۲۳ پسر زیر ۱۵ سال و سه دختر زیر ۱۰ سال

مدیر کل ثبت احوال آذربایجان غربی از ثبت رسمی وقوع ازدواج سه دختر زیر ۱۰ سال از ابتدای سال جاری تاکنون در این استان خبر داده است.

به گزارش هفته‌نامه سیروان، محمد جوان، مدیر کل ثبت احوال آذربایجان غربی، بالاترین سن ازدواج پسران این استان را نیز ۹ مورد و در سن ۷۵ سالگی در همین مدت عنوان کرد و افزود: در این مدت ازدواج ۲۳ مورد پسران زیر ۱۵ سال و ۵۵ مورد مردان بالای ۷۵ سال در دفاتر ازدواج این استان ثبت شده است.

والدین معتاد در شکنجه دادن دختر 2 ساله خود در بوئین زهرا

زن و مرد جوانی کودک خود را در خانه حبس کرده و او را بشدت کتک می‌زنند پزشکان در بررسی از وضعیت کودک متوجه شدند صورت و دست و پای او بشدت سوخته است.

والدین معتاد در پی شکنجه دادن دختر ۵ / ۲ ساله خود در بوئین زهرا از سوی پلیس دستگیر شدند و کودک آسیب‌دیده با تلاش پزشکان از مرگ حتمی نجات یافت.

روز چهارم مهرماه زنی با اورژانس اجتماعی ۱۲۳ بوئین‌زهرا از توابع استان قزوین تماس گرفت و از شکنجه دختر ۵ / ۲ ساله همسایه‌اش در روستای عصمت‌آباد از سوی والدینش خبر داد.

به دنبال این تماس، مددکاران اورژانس اجتماعی عازم محل شدند و در تحقیق از همسایه‌ها معلوم شد زن و مرد جوانی کودک خود را در خانه حبس کرده و او را بشدت کتک می‌زنند. وقتی صاحبخانه در را برای مددکاران باز نکرد، یکی از آنها با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و از ماموران کمک خواست. ماموران انتظامی با حضور در محل و ورود به خانه روستایی، زوج جوان را پیش از فرار دستگیر کردند و دختر ۵ / ۲ ساله را که بر اثر شکنجه بی‌هوش شده بود، به بیمارستان امیرالمومنین بوئین‌زهرا انتقال دادند و والدین این کودک به مرکز پلیس منتقل شدند.

پزشکان در بررسی از وضعیت کودک متوجه شدند صورت و دست و پای او بشدت سوخته است.

بنابراین دختر کوچولو تحت عمل جراحی قرار گرفت و با تلاش پزشکان از مرگ حتمی نجات یافت.

در پی این حادثه ماموران به تحقیق از والدین کودک‌آزار پرداختند که معلوم شد هر دوی آنها اعتیاد شدیدی به موادمخدر از نوع هروئین و کراک دارند.

اعتراف پدر شکنجه‌گر

پدر کودک به پلیس گفت: چند سال پیش با همسرم آشنا شده و با وجود مخالفت شدید خانواده‌اش، با هم ازدواج کردیم. بعد از به دنیا آمدن دخترمان «ساناز» همسرم متوجه اعتیادم شد و خواست تا اعتیادم را ترک کنم اما بی‌فایده بود و من برای آنکه از ناسازگاری‌های همسرم خلاصی پیدا کنم او را هم معتاد کردم.

متهم اضافه کرد: هر دو در خانه هروئین و کراک مصرف می‌کردیم. هر بار که ساناز گریه می‌کرد، عصبانی شده و او را کتک می‌زدیم. در برخی از مواقع که همسرم وضعیت جسمی‌اش بهتر می‌شد، تازه می‌فهمید که چه اشتباهی کرده و کودکمان را کتک زده است، ناراحت می‌شد و با من مشاجره

می‌کرد.

شکنجه‌های غیرانسانی

متهم با اشاره به شکنجه دادن کودک گفت: دختر ۵.۲ ساله ما مدام بی‌قراری می‌کرد و ما برای ساکت کردنش او را کتک می‌زدیم. متهم اضافه کرد: وقتی مواد مخدر به دستم نمی‌رسید، بدن نحیف ساناز را با فندک و سیگار می‌سوزاندم، به همین دلیل او رنجور و ناتوان شده بود. پدر شکنجه‌گر اضافه کرد: از چند روز پیش بی‌قراری‌های ساناز بیشتر شده بود تا اینکه عصبانی شده و او را کتک زدم و دوباره صورت و دست و پای او را با سیگار روشن و شعله‌های فندک سوزاندم و هر بار که همسرم قصد مداخله داشت او را هم کتک می‌زدم و با زندانی کردن در اتاق اجازه بیرون رفتن به آن‌ها را نمی‌دادم. اعتراف مادر به همدستی با پدر

در پی اظهارات متهم، همسرش نیز بازجویی شد و با تایید گفته‌های شوهرش گفت: من نیز در زمان خماری کودکم را کتک زدم اما بیشتر شوهرم ساناز را شکنجه می‌داد و من نمی‌توانستم برای نجات او کمکی کنم، چرا که شوهرم مرا نیز کتک می‌زد و در خانه زندانی می‌کرد. با ثبت اظهارات متهمان، آن‌ها با قرار قانونی در بازداشت به سر می‌برند. تحقیقات تکمیلی از آن‌ها ادامه دارد.

بنابراین گزارش، وضعیت عمومی دختر شکنجه‌شده رضایت‌بخش اعلام شده و او روز گذشته از بیمارستان مرخص و تحویل بهزیستی شد و این در حالی است که هنوز برای درمان احتیاج به مراقبت پزشکی دارد.

به مناسبت روز جهانی کودک

عباسعلی ناصحی، مدیر کل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و وزارت بهداشت، در نشست خبری به مناسبت روز جهانی کودک دست‌کم 20% درصد کودکان کشور با اختلالات روانی روبرو هستند.

عباسعلی ناصحی، مدیر کل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت، در نشست خبری به مناسبت روز جهانی کودک گفته است در حالی که آمار اختلالات روانی در جامعه ما در سطح بالایی قرار دارد، بررسی‌ها نشان می‌دهد دست‌کم ۲۰ درصد کودکان کشور نیز با اختلالات روانی روبرو هستند.

عباسعلی ناصحی با استناد به آمار ۱۰ سال پیش به طور رسمی اعلام کرد که بیماری‌های روان در بزرگسالان کشور از متوسط شیوع ۲۱ درصدی برخوردار است.

به گزارش این‌نا، وی گفت: "متأسفانه در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دنیا آمار اختلالات روان در سطح بالایی قرار دارد؛ بر اساس آخرین آمار که مربوط به ۱۰ سال پیش است بیماری‌های روان

در بزرگسالان کشور از متوسط شیوع ۲۱ درصدی برخوردار است که البته این آمار در برخی مناطق بالاتر و در برخی مناطق کشور پایین‌تر است."

مدیر کل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت افزود: "بر اساس این آمارها، اختلالات روان در زنان از شیوع ۲۶ درصدی و در مردان کشور از شیوع ۱۶ درصدی برخوردار است."

مدیر کل دفتر سلامت روانی وزارت بهداشت با یادآوری آمار ۲۰ درصدی شیوع اختلالات در کودکان ادامه داد: "بر این اساس مسایل مربوط به کودکان از دو جنبه قابل اهمیت است؛ ابتدا رسیدگی به مشکلات کودکان و سپس انجام اقدامات پیشگیرانه برای بزرگسالی."

مدیر کل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت تدوین مهارت‌های ارتباطی نوجوانان بر اساس آموزه‌های دینی و فرهنگی کشور، طراحی و اجرای مداخلات مربوط به بهداشت روان در کودکان بیمار بستری در مراکز بستری و همکاری بیشتر با وزارت آموزش و پرورش در حوزه بهداشت روان کودک و نوجوان را از جمله برنامه‌های آینده وزارت بهداشت در حوزه سلامت اجتماعی، روان و اعتیاد خواند.

همکاری بیشتر با انجمن‌های علمی مرتبط با بهداشت روان کودک و نوجوان و طراحی و اجرای مداخلات مرتبط با پیشگیری و درمان سوء مصرف مواد در کودکان و نوجوانان با همکاری سازمان‌های مسئول از دیگر این برنامه‌ها بود که ناصحی از آن یاد کرد.

با استناد به آمار ۱۰ سال پیش به طور رسمی اعلام کرد که بیماری‌های روان در بزرگسالان کشور از متوسط شیوع ۲۱ درصدی برخوردار است.

۲۱ هزار کودک بد سرپرست و بی سرپرست،

معاون امور اجتماعی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور از وقوع هفت هزار مورد کودک آزاری طی سال گذشته در کشور خبر داد.

به گزارش مهر، علی محمد زنگانه در خصوص آخرین وضعیت کودک آزاری و همسر آزاری در کشور گفت: "اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی برای جلوگیری از مواردی همچون سالمند آزاری، معلول آزاری، همسر آزاری و کودک آزاری راه اندازی شد و در سال گذشته هفت هزار مورد کودک آزاری و هشت هزار مورد همسر آزاری به این اورژانس گزارش و توسط مددکاران بهزیستی به آنها رسیدگی شد."

معاون امور اجتماعی و پیشگیری سازمان بهزیستی در خصوص وضعیت کودکان خیابانی گفت: "در سال گذشته شش هزار کودک کارگر و خیابانی توسط سازمان بهزیستی ساماندهی شدند اما پس از تحویل این کودکان به خانواده‌ها به علت مشکلات فراوان خانواده‌هایشان بسیاری از آنان مجدداً به خیابانها باز می‌گردند."

زن‌گانه تصریح کرد: "کودکان به دلایل متعددی به خیابانها کشانده می شوند که مهمترین آنها نداشتن یکی از والدین و یا هر دو، بدسپرستی و فقر است. از میان کودکان خیابانی ساماندهی شده توسط سازمان بهزیستی دو سوم ایرانی و یک سوم از اتباع بیگانه افغانی و پاکستانی هستند." وی با تاکید بر توانمندسازی خانواده های کودکان خیابانی، اظهار داشت: "قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در آینده نزدیک تقدیم مجلس خواهد شد که در آن نقش سازمانهای مختلف در خصوص کودکان خیابانی مشخص شده است." معاون امور اجتماعی و پیشگیری سازمان بهزیستی هم چنین با اشاره به حمایت این سازمان از ۲۱ هزار کودک بدسپرست و بی سرپرست، بیان کرد: "در واگذاری کودکان تحت پوشش بهزیستی به خانواده های متقاضی خلاءهای قانونی وجود داشت که به همین علت قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسپرست در مجلس به تصویب رسید و امیدوارم با تایید شورای نگهبان این مشکل نیز مرتفع گردد."

کودک آزاری در بندرعباس

با توجه به خونریزی داخل شکمی و بعد از عمل لاپاراتومی، حدود ۳۰۰ سی سی خون لخته تیره از شکم محدثه دختر بچه سه ساله بیرون آمد.

محدثه دختر بچه سه ساله پس از معاینات پزشکی و عمل جراحی، دوشنبه شب به دلیل وخامت حال عمومی در بیمارستان شهید محمدی فوت شد. به گزارش «مهر» محدثه دختر بچه سه ساله اهل بندرعباس یکشنبه شب با حال بسیار وخیم توسط پدر و مادر خود به بخش اورژانس مرکز آموزشی درمانی شهیدمحمدی آورده شد و بعد از معاینات اولیه پزشکان آثاری از کودک آزاری را در بدن او مشاهده کردند. متخصص طب اورژانس گفت: این دختر بچه سه ساله با افت سطح هوشیاری و در حالت کما توسط والدین به اورژانس مراجعه کرد که در بررسیهای اولیه آثار کبودی روی بدن کودک مشاهده می شد. دکتر رضا یزدانی گفت: باتوجه به آثار کبودی روی قفسه سینه، تن، اندامها، ابرو و پلک فوقانی چپ و همچنین به دنبال اظهارات متناقض پدر و مادر کودک مبنی بر افتادن کودک از روی میز، افتادن کودک در پارک از روی تاب، لیز خوردن کودک در حمام، تشخیص کودک آزاری فیزیکی مورد تأیید

قرار گرفت. این متخصص طب اورژانس گفت: با توجه به خونریزی داخل شکمی بیمار تحت عمل لاپاراتومی اورژانسی قرار گرفت که از شکم بیمار در حدود ۳۰۰ سی سی خون لخته و تیره بیرون آمد.

وی در ادامه افزود: بعد از عمل بیمار به بخش آی سی یو منتقل شده و تحت مراقبتهای ویژه قرار گرفت که متأسفانه به دلیل وخیم بودن شرایط کودک خردسال، ۱۲ ساعت بعد از مراجعه به بیمارستان فوت کرد.

والدین این کودک تاکنون موضوع کودک آزاری را نپذیرفته‌اند و مدعی هستند که هیچ‌گونه ضرب و شتمی در میان نبوده است.

این حادثه در حالی در بندرعباس اتفاق می‌افتد که دو ماه گذشته هم دو کودک دیگر به دلیل ضرب و شتم از سوی پدر خود در بیمارستان شهید محمدی بستری شده بودند.

هر روز ۲۰ مورد کودک آزاری در ایران

هر روز ۲۰ مورد کودک آزاری در ایران، علت چپست، رواج خشونت در جامعه یا خلاء قانونی؟

ویسایت خبرآنلاین در روز ۲۱ مهرماه ۱۳۹۰، از ثبت رسمی روزانه ۲۰ مورد کودک آزاری در اورژانس ۱۲۳ خبر داده است.

به گفته این سایت، تحقیقات میدانی نشان می‌دهند که میزان واقعی کودک آزاری‌ها ۲۰ برابر تعدادی است که اعلام می‌شود. در این گزارش آمده که طبق بررسی‌ها در خصوص روابط خانواده و فرزندان، روشن شده که در مقابل هر کودک آزاری فاش شده، دستکم ۲۰ مورد دیگر پنهان می‌ماند. خبرآنلاین نتیجه گرفته که شاید بتوان آمار واقعی کودک آزاری در ایران را روزانه ۴۰۰ مورد دانست. یعنی سالانه بیش از ۱۴۶ هزار مورد.

فرشید یزدانی عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان به دوچپوله می‌گوید که این آمار خوش‌بینانه است: «یعنی این ۲۰ موردی که می‌گویید کسانی هستند که اولاً به مرحله‌ی حاد می‌رسد که به ۱۲۳ اعلام می‌شود، دوماً مناطق محدودی از کشور یعنی تنها چند شهر بزرگ هستند که به ۱۲۳ دسترسی دارند و اطلاع می‌دهند و از خدماتش برخوردار می‌شوند. سوم این که بسیاری از این موارد اصلاً

پنهان می‌ماند. این آمار خیلی خوشبینانه است و با توجه به سازوکارهای مختلفی که در جامعه می‌بینیم باید طبیعتاً بیشتر باشد.»

از ابتدای سال جاری شمسی حداقل ۵ مورد **کودک آزاری حاد** در رسانه‌ها گزارش و در سطح وسیعی منتشر شده است. یکی از این موارد منجر به قتل کودک آزار دیده شد. آقای یزدانی معتقد است که با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کنونی و نیز ترویج خشونت در جامعه می‌توان گفت که موارد کودک‌آزاری افزایش داشته است.

این فعال حقوق کودک در توضیح این شرایط می‌گوید: «مثلاً خود صدا و سیما، در خبرها بود که دو سه مورد خودکشی بچه‌ها از روی الگویی بوده که از فیلم‌های صدا و سیما گرفته بودند و در همان مقطع برخی از طرفداران حقوق کودک اعلام کردند که خانواده‌ها مانع تماشای سریالهای صدا و سیما توسط کودکان شوند. یا مثلاً اعدام‌های خیابانی، وقتی یک نفر را می‌آورند توی خیابان اعدام می‌کنند، به نظر من به نوعی ترویج خشونت است. در کنار این مسائل، سازوکارهای اقتصادی اجتماعی هست که خشونت را ترویج می‌کند. یعنی بحث مناسبات اقتصادی، نابرابری شدید اقتصادی که هر روز متأسفانه بیشتر می‌شود، فقر، بیکاری، تورم. طبیعتاً این‌ها اثر مستقیم بر ترویج خشونت و به‌خصوص خشونت علیه کودکان دارد.»

نقش آموزش و پرورش

در بسیاری از کشورهای دنیا، مهارت‌های لازم برای مبارزه با آزار و خشونت در مدارس و در سنین پایین تدریس می‌شود. همچنین به کودکان آموزش داده می‌شود که اگر رفتار نامطلوبی از سوی هریک از اعضای خانواده حتی پدر و مادر دیدند، مدرسه و معلمان خود را در جریان بگذارند.

آیا در مدارس ایران نیز چنین روش‌هایی اعمال می‌شود؟ پاسخ فرشید یزدانی به این پرسش منفی است. او می‌گوید: «آموزش و پرورش هیچ اقدام خاصی انجام نداده و به نظر من یکی از چیزهایی هم که در حوزه ترویج خشونت مطرح است، مناسبات خود آموزش و پرورش است که آن هم تولید خشونت می‌کند. به‌عنوان مثال در مدارس راهنمایی دخترانه ما، آموزش نظامی وجود دارد ولی آموزش مهارت‌های زندگی وجود ندارد. این خودش تولید خشونت می‌کند و به بچه یاد می‌دهد که چه طور آموزش نظامی ببیند، ولی یادش نمی‌دهد که چگونه باید با بغل‌دستی‌اش یا افراد جامعه مهربانی کند و چگونه مناسبات انسانی را برقرار کند.»

این ضعف البته در کنار خشونت‌هایی است که در مدرسه و **توسط معلمان** اعمال می‌شود. اخیراً فیلم‌های متعددی از کتک زدن دانش‌آموزان توسط معلم در فضای مجازی منتشر شد و بازتاب وسیعی نیز داشت.

خلاء قانونی

بر اساس قانون حمایت از کودکان مصوب سال ۱۳۸۱، کودک‌آزاری از جرائم عمومی محسوب می‌شود و نیاز به شاکی خصوصی ندارد، یعنی هرکس می‌تواند به محض دیدن مورد کودک‌آزاری آن را گزارش دهد و دادستان هم به‌عنوان مدعی‌العموم باید موضوع را پی‌گیری کند.

پیش از تصویب این قانون، فقط پدر می‌توانست علیه کودک‌آزاری اعلام جرم کند. در این قانون اما پدر همچنان به‌عنوان ولی کودک از قصاص معاف است. یعنی اگر پدری مرتکب قتل کودک شود، قانون نمی‌تواند او را قصاص کند.

همچنین بر اساس این قانون، اگر پدر و مادری فرزند خود را «در حد متعارف تنبیه کنند»، کودک‌آزاری محسوب نمی‌شود.

مشکل اما از همین تبصره «حد متعارف تنبیه» آغاز می‌شود، چرا که هر قاضی می‌تواند بنا به سلیقه خود این "حد متعارف" را به گونه‌ای تعریف کرده و پدر و مادر کودک آزار را از مجازات معاف کند. این در حالی است که طبق قوانین بین‌المللی هرگونه آزار جسمی و روحی و عاطفی کودک "کودک آزاری" تلقی می‌شود. حتی قهر طولانی با کودک نیز شامل این تعریف می‌شود.

شاید همین اشکالات قانونی بود که قوه قضائیه را بر آن داشت تا لایحه حمایت از کودک و نوجوان را تدوین کند. این لایحه هم‌اکنون آماده تحویل به مجلس برای تصویب و تبدیل شدن به قانون است.

طبق ماده ۱۲ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، هرگونه سوءرفتار نسبت به کودک و نوجوان که مشمول عناوین مجرمانه قانونی نشود، جرم محسوب شده و شش ماه تا یک سال حبس در پی دارد. مطابق ماده ۱۰ این لایحه نیز هرگاه بی‌احتیاطی سرپرستان کودک و نوجوان منتهی به فوت وی شود، فرد مرتکب به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌شود.

ماده ۱۱ این لایحه نیز تصریح کرده هر کس مرتکب قتل عمد یا ضرب و جرح عمدی کودک یا نوجوان شود و به هر علتی قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد. اما این لایحه، درباره قصاص یا عدم قصاص پدر در صورت کشتن فرزند سکوت کرده است.

عبدالصمد خرمشاهی وکیل و حقوقدان، این لایحه را بسیار مترقی و از نظر حقوقی در حد قوانین کشورهای پیشرفته می‌داند. او می‌گوید حتی پیش‌بینی سلب ولایت از پدر نیز در این لایحه شده است. آقای خرمشاهی به دویچه‌وله می‌گوید: «مطابق این لایحه اگر پدری از آن حدود و مرزهایی که در این قانون قید شده فراتر رفت و موجبات اذیت و آزار فرزند خود را فراهم کرد، قانونگذار یا دادگاه و مجری قانون می‌تواند این ولایت را از او بگیرد.»

وی اما تاکید می‌کند که در این لایحه، اولویت نگهداری از فرزند همچنان با خانواده است حتی اگر در همان خانواده مورد آزار قرار گرفته باشد. آقای خرمشاهی می‌گوید: «ماده ۵۰ این لایحه اولویت را باز هم با خانواده می‌داند. چرا؟ برای این که قانونگذار می‌داند که فعلاً در جامعه ما نهادها، سازمان‌ها یا انجمن‌های واجد شرایطی وجود ندارند که بتوانند از کودک به نحو احسن نگهداری کرده و خلاء خانواده را جبران کنند. بنابراین می‌بینیم که در اغلب موارد این کودکی که از لحاظ روحی یا جسمی مورد آزار و ضرب و شتم قرار می‌گیرد، باز هم به محیط خانواده برمی‌گردد.»

خبرگزاری "ایلنا" اما در روز ۲۰ مهرماه از قول معاون سازمان بهزیستی خبر داد که «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست توسط مجلس تصویب شده و ایرادهای مدنظر شورای نگهبان نیز در بررسی دوم مجلس رفع شده و هم‌اکنون این قانون برای استیذان از ولایت فقیه در دفتر رهبری قرار دارد.»

در صورت تصویب نهایی این قانون، حق ولایت از پدر کودک آزار سلب می‌شود و کودک در اختیار افراد یا نهادهای "امین" قرار خواهد گرفت.

مجرم: دانش آموز مدرسه راهنمایی

اتهام: «توهین به نظام»

جرم: تغییر شکل تصویر خمینی بر روی جلد کتاب

مجازات: ضرب و شتمی وحشیانه تا مرحله بیهوشی

ضارب: معلم بسیجی

در زرین شهر اصفهان، یک معلم بسیجی که در یک مدرسه راهنمایی تدریس می کرد، یکی از دانش آموزان را به بهانه «توهین به نظام» تا از حال رفتن و بیهوشی دانش آموز کتک زد. گزارشهای رسیده حاکی است، این دانش آموز بر روی جلد کتاب خود عکس خمینی را با گذاشتن شکلک هایی بر روی ریش اش، به حالت طنز درآورده بود و بعد از نشان دادن به دیگر همکلاسی هایش، جملاتی را هم علیه نیروهای بسیج بیان کرده بود. معلم بسیجی که از پشت در جملات دانش آموز را شنیده بود، بعد از ورود به کلاس و مشاهده عکس روی جلد کتاب دانش آموز، به سویی او حمله ور شد و او را به باد کتک گرفت. ضربات او تا آنجا محکم و وحشیانه بود که دانش آموز را به بیهوشی رساند. در حال حاضر این دانش آموز در بخش اورژانس بیمارستان بستری است و شکایت والدین او از معلم حتی به بازداشت او هم منجر نشده است.

تجاوز دسته جمعی به کودک کار

بخاطر مشکلات مالی پسر در تامین هزینه های زندگی کمک میکرد

یک کودک کار توسط ۱۱ کارگر افغانی در فردیس کرج ربوده شد، مورد تجاوز قرار گرفت و سپس به قتل رسید.

به گزارش روزنامه شرق، شامگاه روز شنبه هفته جاری تماس تلفنی فردی ناشناس با مرکز فوریت های پلیسی از وقوع یک جنایت پرده برداشت. این مرد آدرس ساختمانی نیمه کاره در منطقه فردیس را داد و اعلام کرد در زیرزمین آنجا جنازه یک پسر بچه را پیدا کرده است.

دقیقی بعد ماموران کلانتری ۲۰۷ تهران به محل اعلام‌شده رفتند و در زیرزمین با دنبال کردن ردی از خون به یک تیرک چوبی رسیدند که جنازه پسر نوجوان به آن بسته شده بود. آن‌ها قبل از هر اقدامی بازپرس ویژه قتل را از ماجرا باخبر کردند و به دستور او تیمی از کارآگاهان جنایی موظف به تحقیق در این رابطه شدند.

کارآگاهان از زیرزمین مخوف چند لباس زنانه پیدا کردند و در برابر این احتمال قرار گرفتند که شاید این پسر نوجوان تنها قربانی نباشد و افراد دیگری نیز در این محل به کام مرگ کشانده شده باشند، البته جست‌وجوهای مقدماتی در این زمینه به کشف جسدی دیگر منجر نشد.

افسران جنایی در گام بعدی فهمیدند نگهبان این ساختمان نیمه‌کاره مردی افغان به نام غدیر است که فراری شده. به این ترتیب تلاش‌ها برای دستگیری وی آغاز شد.

همزمان با این اتفاق کارآگاهان هویت قربانی را نیز فاش کردند و فهمیدند او نوجوان ۱۵ ساله‌ای به نام سعید است. پدر سعید چهار روز قبل گم شدن او را به پلیس گزارش داده و تحقیقاتی نیز برای یافتن وی صورت گرفته بود.

کارآگاهان در حالی به بازجویی از پدر سعید پرداختند که خود این مرد نیز از طریق یک تماس تلفنی ناشناس در جریان کشف جسد فرزندش قرار گرفته بود. او به ماموران گفت: "به خاطر مشکلات مالی پسر من در تامین هزینه‌های زندگی کمک می‌کرد و معمولاً هر روز وقتی از دبیرستان به خانه برمی‌گشت، بساطش را برمی‌داشت و در خیابان‌ها سبزی می‌فروخت.

هیچ‌وقت هم مشکلی پیش نیامده بود تا اینکه سه‌شنبه‌شب هر چه منتظر شدیم، سعید به خانه برنگشت. برای همین از پلیس و بسیج کمک خواستیم و ماموران دنبال پسر گشتند، ولی نتوانستند او را پیدا کنند و از آن به بعد از سعید خبری نبود تا اینکه فردی با تلفن همراه تماس گرفت و با دادن نشانی ساختمان نیمه‌کاره گفت جسد سعید آنجاست."

کارآگاهان در ادامه تحقیقاتشان فهمیدند همان شامگاه سه‌شنبه فردی سعید را مشاهده کرده و موضوع را به پلیس اطلاع داده بود. او به ماموران گفته بود پسر نوجوان را در حال مشاجره با چند مرد افغان دیده و مشاهده کرده است افغانه او را به زور به ساختمانی نیمه‌کاره بردند، اما ماموران ساختمان موردنظر را اشتباه گرفتند و به مکانی دیگر رفتند.

آن‌ها چند افغان را نیز بازداشت کردند اما چون مدرکی علیه‌شان وجود نداشت، آن‌ها را آزاد کردند. با افشای این موضوع، شاهد حادثه بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و اطلاعاتی را به پلیس ارائه داد که به سرخی برای دستگیری متهمان تبدیل شد و کارآگاهان در دو روز گذشته توانستند ۱۰ نفر را در این خصوص دستگیر کنند، اما از غدیر ردپایی به دست نیامد.

این ۱۰ افغان که از کارگران غیرمجاز هستند، در بازجویی‌ها اعتراف کردند پسر نوجوان را به قصد تعرض ربودند و دسته‌جمعی به وی تجاوز کردند و این پسر ناگهان از حال رفت و فوت شد. متهمان ادعا کردند جسد را در یک پتو پیچیدند و در زیرزمین خانه پنهان کردند.

در همین حال متخصصان پزشکی قانونی با انجام معاینه و آزمایش‌های تخصصی علت مرگ سعید را تجاوز دسته‌جمعی اعلام کردند. بنا بر این گزارش در حال حاضر تلاش‌ها برای دستگیری غدیر در حالی ادامه دارد که بازجویی‌ها از ۱۰ متهم دیگر هنوز به پایان نرسیده است و با توجه به البسه کشف‌شده در قتلگاه این احتمال که زنانی نیز قربانی جنایت‌های این گروه شده باشند، پابرجاست.

موارد نقض حقوق کودک و نوجوان در مهرماه 1390

گزارشی کوتاه و خلاصه شده از موارد نقض حقوق کودک و نوجوان در مهرماه 1390 به همراه منابع و مراکز تاثیرگذار برگرفته از رسانه های درون کشور ایران

نهادهای دولتی

عقد سه دختر زیر ۱۰ سال در آذربایجان غربی
مدیر کل ثبت احوال آذربایجان غربی از ثبت رسمی وقوع ازدواج سه دختر زیر ۱۰ سال از ابتدای سال جاری تاکنون در این استان خبر داده افزود: در این مدت ازدواج ۲۳ مورد پسران زیر ۱۵ سال در دفاتر ازدواج این استان ثبت شده است. هرانا ۰۴ مهر ماه 1390
۲۰ درصد کودکان در ایران با اختلالات روانی روبه رو هستند
عباسعلی ناصحی، مدیر کل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت، در نشست خبری به مناسبت روز جهانی کودک گفته است در حالی که آمار اختلالات روانی در جامعه ما در سطح بالایی قرار دارد، بررسی‌ها نشان می‌دهد دست‌کم ۲۰ درصد کودکان کشور نیز با اختلالات روانی روبه‌رو هستند. هرانا 13 مهر ماه 1390
معلم بسیجی، دانش آموز راهنمایی را به ضرب کتک به بیهوشی کشاند
در زرین شهر اصفهان، یک معلم بسیجی که در یک مدرسه راهنمایی تدریس می‌کرد، یکی از دانش آموزان را به بهانه «توهین به نظام» تا از حال رفتن و بیهوشی دانش آموز کتک زد. آژانس ایران خبر
26 مهر ماه 1390
مرگ مشکوک نوجوان، سرباز وظیفه

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

سرباز وظیفه نیروی انتظامی، میثم روستایی که در پادگان قرچک ورامین به خدمت سربازی مشغول بوده در پی تنبیه انضباطی به طرز مشکوکی جانباخت. این سرباز وظیفه که در مرخصی بسر می‌برده است مورخ ۳۱ شهریور از سوی فرمانده خود به پادگان احضار می‌شود و پس از چند روز خبر مرگ وی به دست خانواده‌اش می‌رسد. هرانا 26 مهرماه 1390

مستندی کوتاه از سه کودک کار در یکی از شلوغ‌ترین خیابان‌های تهران فیلمی مستند و کوتاه، کاری از جوانان میهنمان در رابطه با کودکان نان آور خانواده که زیر فشار والدین در سطح شهر تهران با فروش آدامس و فال و.... در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. کمیته کودک و نوجوان 30 مهرماه 1390

کانون خانواده

شکنجه ساناز ۵ / ۲ ساله توسط والدینش والدین معتاد در پی شکنجه دادن دختر ۵ / ۲ ساله خود در بوئین زهرا از سوی پلیس دستگیر شدند و کودک آسیب‌دیده با تلاش پزشکان از مرگ حتمی نجات یافت. هرانا 10 مهر ماه 1390

هفت هزار کودک آزاری در سال گذشته معاون امور اجتماعی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور از وقوع هفت هزار مورد کودک آزاری طی سال گذشته در کشور خبر داد. هرانا 25 مهر ماه 1390

کودک آزاری باز هم قربانی گرفت

محدثه دختر بچه سه ساله پس از معاینات پزشکی و عمل جراحی، دوشنبه شب به دلیل وخامت حال عمومی در بیمارستان شهید محمدی فوت شد. پزشکان آثاری از کودک آزاری را در بدن او مشاهده کردند. هرانا 27 مهر ماه 1390

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان
کانون دفاع از حقوق بشر در ایران
صدیقه جعفری

گزارشی از مراسم دعای کودکان در اصفهان، بمنظور بارش باران



Photo: Hamid Reza Niko maram FARS NEWS AGENCY





Photo:Hamid Reza Niko maram

FARS NEWS AGENCY



وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390





اجبار کودکان به کارهای سخت ممنوع ... اجبار کودکان به کارهای سخت ممنوع ...

ماده ۳۸ - کودکان را نباید به تنگ فرستاد
هیچ کودک زیر ۱۵ سال نباید در جنگ شرکت کند. دولت‌ها باید در زمان جنگ از کودکان مراقبت کرده و آن‌ها را حمایت کنند.

ماده ۳۹ - از کودکان آسیب دیده باید حمایت کرد
اگر کودکان از جنگ، بیماری‌ها و استثمار آسیب دیدند، دولت‌ها موظف هستند که از آن‌ها مراقبت کرده و آن‌ها را حمایت کنند.

ماده ۴۰ - تمهه رفوورد یا کودکان قانون شکن
اگر کودکی به قانون شکن متهم شد، تا وقتی که گناهکاری او طبق قانون ثابت نشده است، باید برکنار فرزند شود. با اینگونه کودکان باید به صورت مناسب رفتار شود و به آن‌ها به صورت قانونی مشورت داده شود. نهایتاً این‌که تا مد امتحان باید از مجازات شدید آن‌ها خودداری کرد.

ماده ۴۱ - برتری قوانین موثر
اگر بعضی قوانین داخلی یا بین‌المللی کشورها برای تحقق حقوق کودک بهتر و مفیدتر باشد، باید آن قوانین را اجرا کرد. هرچند که با این پیمان‌نامه مغایرت باشد.

ماده ۴۲ - همه را باید با پیمان نامه حقوق کودک آشنا کرد
دولت‌ها موظفند از همه کودکان، پیمان‌نامه حقوق کودک را بین کودکان و بزرگسالان ترویج داده و ممکن را با مسئولان این پیمان‌نامه آشنا کنند.

آدرس:
تهران - خیابان دکتر شریعتی، جنب مسینیه (رشد) انلهای خیابان قبا.
روبهی بلوار شهزاد، خیابان نظامی، پ.ک ۱۶، کدپستی: ۱۹۴۴۹
تلفن: ۳۹۹۴۳۶۹، ۳۹۹۴۳۶۸، فکس: ۳۹۹۴۳۶۹

www.unicef.org/iran
tehran@unicef.org

تغذیه مناسب، حق همه کودکان است ... تغذیه مناسب، حق همه کودکان است ...

مقدمه

غذا می‌کلم همه قبول دارند که بچه‌ها و بزرگترها خیلی با هم فرق دارند. بزرگترها به خاطر زندگی طولانی‌تر و تجربه بیشتری که دارند، خودشان می‌توانند از مایه و مصلوق خود دفاع کنند. اما باید از کوچک‌ترها حمایت بشود، تا دیگران نتوانند مصلوق آنان را ضایع کنند. ضمن این‌که مصلوق بزرگترها هم در بعضی اوقات باید مواظبت بشود و در مورد فیلس و چیزهای مربوط به بزرگترها هم قانون‌های خاصی نوشته می‌شود. تا از مصلوق آن‌ها دفاع بشود. پس کودکان نیاز بیشتری دارند تا چنین قوانینی در مورد آن‌ها نوشته شود. اگر بچه در فیلس کشورها در مورد کودکان قوانین متعددی نوشته شده است، اما یک متن جهانی نیز وجود دارد که مخصوصاً برای حمایت از مصلوق کودکان نوشته شده است. این متن جهانی که «پیمان جهانی مصلوق کودک» نامیده می‌شود. پس از ده سال گفتگو بین کشورهای عضو سازمان ملل در سال ۱۳۷۷ به اجرا درآمد. در سال ماضی از ۱۹۳ کشور جهان، ۱۹ کشور این پیمان را امضا کرده‌اند. جمهوری اسلام ایران هم در سال ۱۳۷۳ این صورت مصلوقه این پیمان نامه را امضا کرد.

همه کسانی که با کودکان سرو و کار دارند باید با پیمان جهانی مصلوق کودک آشنا باشند. به خصوص پدر و مادرها. مصلوقه و مویان در این میان خود بچه‌ها باید قبلی از همه با این پیمان‌نامه آشنا باشند. شما با آشنایی با پیمان‌نامه مصلوق کودک می‌توانید به دیگران و مصلوق بزرگترهای خود کمک کنید عده‌ها بر اینکه به مصلوق شما احترام بگذارند. از مصلوق شما نیز دفاع کنند.

مواد اصلی پیمان نامه مصلوق کودک به صورت خلاصه و به زبان ساده عبارتند از:

ماده ۱ - تعریف کودک

کودک کسی است که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد مگر اینکه در یک کشور سن قانونی کمتر از ۱۸ سال تعیین شده باشد.

ماده ۲ - نیاید بین بچه‌ها تفاوت قایل شد

کشورهایی که عضو پیمان‌نامه شده‌اند، تعهد کرده‌اند که مصلوق کودکان را در همه زمینه‌ها رعایت کنند. یعنی اینکه شما به پدر یا مادری که دختر و از هر نژاد، دین، رنگ و کشوری که باشد مصلوق کودک شامل حال شما می‌شود. مصلوق کودک باید بطور یکسان برای کودکان غنی‌تر و ثروتمند و کودکان فقیر و محزون رعایت شود.



ماده ۳ - آن چیزی که بیشترین نفع را برای کودک دارد

در هر کاری باید آن چیزی که بیشترین نفع را برای کودک دارد، در نظر گرفت. اگر پدر و مادر شما یا کسی که سرپرستی شما را بر عهده دارد در این مورد کوتاهی نکند، دولت باید از شما حمایت کند.



آموزش، حق همه کودکان است ... آموزش، حق همه کودکان است ...

ماده ۳ - اجازت شدن مصلوق کودک

همه دولت‌های جهان باید برای آموزش پیمان‌نامه مصلوق کودک بیشترین تلاش خود را انجام دهند.

ماده ۵ - مسئولیت‌های پدر و مادر یا سرپرست

در مورد پرورش دادن کودک، دولت (ها) باید به مصلوق و مسئولیت‌های پدر و مادر و یا کسی که سرپرستی کودک را بر عهده دارد، احترام بگذارد.

ماده ۶ - حق زنده ماندن و رشد کردن (بزرگ شدن)

هر کودک به صورت طبیعی حق دارد که زندگی کند. دولت شما باید زندگی کردن زنده ماندن و رشد شما را تضمین کند.

ماده ۷ - نام و ملیت

هر کودکی حق دارد نام و ملیت مشخص داشته باشد. بی‌فاصله بعد از به دنیا آمدن، پدر و مادر شما باید برای نام «شناسنامه» بگیرند.

ماده ۸ - هویت کودک

دولت‌ها باید از هویت کودک که شامل نام، ملیت و پیوندهای خانوادگی می‌شود، حمایت کنند.

ماده ۹ - جدا شدن از والدین

کودک حق دارد که با پدر و مادر خود زندگی کند و کسی نمی‌تواند او را به زور از پدر و مادرش جدا کند مگر اینکه این جدا کردن، به سود کودک باشد.

ماده ۱۰ - پیوستن کودکان به خانواده

اگر کودکی دور از پدر و مادر خود باشد، حق دارد تا برای پیوستن به پدر و مادرش از یک کشور به کشور دیگر برود یا اگر در کشور دیگری است، به کشور اصلی خود برگردد.

ماده ۱۱ - کودکان را نباید به صورت غیرقانونی مایه‌ها کرد

دولت باید از اینکه پدر و مادر یا کسی دیگری کودک را به صورت غیرقانونی به کشور دیگری ببرد، جلوگیری کند.

ماده ۱۲ - کودکان آزادند عقاید خود را داشته باشند

همه کودکان حق دارند افکار خود را بیان کنند. در تمامی مسائلی که به شما مربوط می‌شود چه در خانه، چه در مدرسه، چه در بازار مسئولین باید با توجه به رشد فکری و ذهنی شما، به نظراتتان اهمیت لازم داده شود.



سلامت، حق همه کودکان است ... سلامت، حق همه کودکان است ...

ماده ۱۳ - کودکان آزادند نظرات خود را مطرح کنند
 هر کودکی حق دارد عقاید خود را آزادانه بگوید. عده به این حق کودکان می‌داند بدون در نظر گرفتن تفاوتها (مراضا) اطلاعاتی که می‌خواهد به دست آورد.

ماده ۱۴ - کودکان آزادند که مذهب خود را داشته باشند
 کودکان هر مذهبی حق دارند که آزادانه مراسم مذهبی خود را اجرا کنند. در زمینه باورهای مذهبی و به چه جای آوردن اعمال دینی، شما حق دارید از با همایی‌های پدر و مادران استفاده کنید و دولت‌ها نیز به این مذهب باید احترام بگذارند.

ماده ۱۵ - آزادی کودکان در تشکیل گروهها
 کودکان حق دارند که با یکدیگر ارتباط داشته و گروه تشکیل دهند.

ماده ۱۶ - به محیط خصوصی کودک باید احترام گذاشت
 هر کودکی حق دارد از مزیم شخصی برخوردار باشد. هیچکس نمی‌تواند بدون اجازه شما یا بدون نظر غیر قانونی در امور خصوصی خانواده و نوشته‌های شما دخالت کند.



ماده ۱۷ - کودکان باید به اطلاعات مناسب دسترسی داشته باشند
 همه کودکان حق دارند به اطلاعات مناسب دسترسی داشته باشند. شما می‌توانید از طریق رادیو، تلویزیون، روزنامه و کتاب به اطلاعات دسترسی داشته باشید. این اطلاعات نباید برای شما بد (مضر) باشد.

ماده ۱۸ - مسئولیت پدر و مادر
 زندگی با خانواده برای رشد و رفاه کودک بسیار مهم است. پدر و مادر شما هم در مسئولیت تربیت، پرورش و محافظت از شما با بر عهده دارند. دولت هم در این مورد باید به پدر و مادر شما کمک کند.

ماده ۱۹ - نباید اجازه داد با کودکان بدرفتاری شود
 دولت نباید اجازه دهد پدر و مادر کودک یا کودک بدرفتاری کنند و برای اینکه جلوی سوءاستفاده از کودک گرفته شود، باید کارهای اجتماعی مناسب انجام دهد.



بازی، حق همه کودکان است ... بازی، حق همه کودکان است ...

ماده ۲۰ - باید به کودکان بی سرپرست کمک شود
 دولت‌ها باید به کودکانی که خانواده خود را از دست داده‌اند، کمک کنند و جایگزین خوبی برای خانواده خود پیدا کنند.

ماده ۲۱ - فرزند خواندگی
 در کشورهایی که فرزند خواندگی در آن‌ها وجود دارد، باید قبول کردن فرزند خواندگی یا در نظر گرفتن بهترین منافع برای کودک صورت بگیرد و در انجام دادن این کار مقاصد مناسب و مصالح دخالت داشته باشند.

ماده ۲۲ - کودکان پناهنده
 هر کودکی که به ناچار وطن خود را ترک کرده باشد و به یک کشور جدید پناهنده شود، باید در کشور جدید بتواند مثل بقیه کودکان زندگی کند. شما و همراه خانواده خود، در شرایط پناهندگی باید بتوانید از حمایت و مراقبت بهره‌مند شوید. اگر شما تنها باشید، سازمان‌های مربوطه تلاش خواهند کرد که هرچه سریع‌تر به خانواده خود ملحق شوید. بطور کلی دولت‌ها باید با کمک سازمان‌های که در این زمینه کار می‌کنند، کودکان پناهنده را حمایت کنند.

ماده ۲۳ - کودکان معلول باید از امکانات خاص بهره‌مند باشند
 اگر کودکی معلولی دارد، حق دارد از امکانات خاص بهره‌مند شده و کمک‌های مناسب‌تری دریافت کند. این حق کودکان معلول است که از امکانات خوب آموزشی برخوردار باشند.

ماده ۲۴ - همه کودکان باید از خدمات بهداشتی برخوردار باشند
 هیچ کودکی نباید از دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و امکانات پزشکی از بچه‌ها و خدمات پزشکی محروم باشد. در صورت بیماری، شما حق دارید از بالاترین خدمات بهداشتی و درمانی برخوردار شوید. دولت هم باید به دسترسی مراقبت‌ها و آموزش‌های همگانی بهداشتی توجه خاصی داشته باشد.





مشارکت، حق همه کودکان است ... مشارکت، حق همه کودکان است ...

ماده ۶۵ - زیر نظر گرفتن موقعیت کودک
 اگر صورتی که کودک باید به خانواده‌های سرزده شود، دولت موظف است که پس از تحقیق کافی، خانواده‌های مناسب برای کودک انتخاب کند و بعد از آن هم به طور منظم شرایط کودک را زیر نظر داشته باشد.

ماده ۶۶ - کودکان باید بیمه داشته باشند
 این حق شمایست که در تمام دوران کودکی از خدمات بیمه اجتماعی برخوردار باشید.

ماده ۶۷ - کودکان باید شرایط زندگی خوبی داشته باشند
 همه کودکان حق دارند از شرایط خوب زندگی برخوردار باشند که شرایط مناسب برای شکوفایی توانایی‌ها و رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی‌شان فراهم شود.

ماده ۶۸ - همه کودکان باید بتوانند درس بخوانند
 آموزش حق همه کودکان است. این حق شمایست که با توجه به شرایط، امکانات آموزشی خوبی داشته باشید. دولت نیز باید امکان آموزش ابتدایی رایگان و اجباری را برای همه کودکان فراهم کند.



ماده ۶۹ - آموزش ارزش‌ها
 هدف آموزش و پرورش باید رشد دادن شخصیت و توانایی‌های کودکان آن هم به کامل‌ترین شکل ممکن باشد. این رشد باید شما را برای داشتن یک زندگی فعال در جامعه‌ای آزاد، آماده سازد.

ماده ۳۰ - کودکان اقلیت‌های قومی و مذهبی
 کودکان از هر اقلیت، قوم و مذهبی که باشند حق دارند فرهنگ خود را داشته باشند و اعمال مذهبی خود را انجام دهند و به زبان مادری خود صحبت کنند.

ماده ۳۱ - همه کودکان باید امکان بازی کردن داشته باشند
 هر کودکی حق بازی و تفریح دارد. شما حق دارید از فرصت‌های برابر و مناسب برای شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی برخوردار باشید.



آزار و اذیت کودکان ممنوع ... آزار و اذیت کودکان ممنوع ...

ماده ۳۶ - کودکان را نباید به زور به کار کردن واداشت
 هرگز کسی نمی‌تواند کودکان را مجبور به کارهایی کند که رشد و سلامت آن‌ها را تهدید کند. دولت‌ها وظیفه دارند حداقل سن و شرایط کار کودکان را تعیین کنند.

ماده ۳۳ - مواد مخدر
 کودکان نباید حمایت شوند تا در معرض استفاده از مواد مخدر قرار نگیرند و یا در تولید و توزیع این مواد مشارکت داده نشوند.

ماده ۳۴ - سواستفاده جنسی
 دولت‌ها وظیفه دارند از کودکان حمایت کنند تا کسی از آن‌ها سوءاستفاده جنسی نکند.

ماده ۳۵ - کسی نباید کودکان را خرید و فروش کند
 هیچ‌کس نمی‌تواند کودکان را بدهد یا آن‌ها را مورد خرید و فروش قرار دهد. دولت باید کارهای لازم را برای جلوگیری از درزیده شدن کودکان یا خرید و فروش آن‌ها انجام دهد.



ماده ۳۶ - از کودکان نباید به شکل‌های دیگر نیز بهره‌کشی شود
 کودک باید در مقابل هرگونه بهره‌کشی که سلامت و رشد او را به خطر می‌اندازد، مورد حمایت و محافظت قرار بگیرد.



ماده ۳۷ - کودک را نباید اعدا هم یا شکنجه کرد
 هیچ کودکی نباید شکنجه شده و یا بصورت غیر قانونی بازداشت شود. با هیچ کودکی هم نباید به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اعدا کردن کودکان یا زندانی کردن آن‌ها برای تمام عمر باید از بین برداشته شود.

مشکلات درسی در مدرسه،

مشکلات درسی در مدرسه،

ناهنجاری‌های رفتاری،

افزایش افکار منفی،

ناتوانی در ارتباط برقرار کردن

کنار آمدن با پدر یا مادر و.....

بی‌شک موضوع طلاق و اثرات سوء احتمالی آن بر روی کودکان در کانون خانواده، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های روانشناسان و جامعه‌شناسان بوده است.

بررسی فرآیند تأثیر جدا شدن والدین بر روی کودکان موضوع مهمی است و تاکنون تحقیقات زیادی در رابطه با آن به انجام رسیده و تقریباً بیشتر والدین به مضرات اصلی طلاق آگاهند.

اکنون کارشناسان موضوع جدیدتری را مطرح کرده‌اند که احتمالاً دقیق‌تر از بررسی آثار طلاق بر کودکان خواهد بود و جزئیات بیشتری را در این رابطه در بر خواهد گرفت.

جامعه‌شناسان در این برهه با طرح این سؤال که چه عواملی در خانواده‌های متأثر از طلاق رخ می‌دهد که خود به خود کودکان به سوی تجربه مشکلات جدید سوق داده می‌شوند، قصد دارند تا به جوابی منطقی دست یابند تا از طریق آن بتوانند راهکاری برای کم کردن مشکلات آنها بیابند. در این مقاله بر آنیم تا به بررسی اجمالی عوامل مشکل‌زا و همچنین انواع سختی‌هایی که بر سر راه کودکان طلاق در آینده قرار خواهد گرفت، بپردازیم. برای شرح این موضوع باید ابتدا به تفاوت‌های کودکان طلاق و کودکانی که با والدین خود به زندگی عادی مشغول هستند، پی برد. در این رابطه می‌توان به تحقیقی جامع و کاملی که در سال 1991 توسط روانشناسان انجام و بعدها این تحقیق به عنوان یک استاندارد با نام «آماتو» و «کیت» مشهور شد، رجوع کرد.

این تحقیق نتیجه بیش از 92 مطالعه گسترده است و به نظر می‌رسد جامع‌ترین گزارش علمی در رابطه با طلاق باشد. کارشناسان در این تحقیق 13 هزار کودک از سنین پیش دبستانی تا پایان نوجوانی را مورد مطالعه قرار دادند.

نتایج نهایی این تحقیق که به مدت چند سال ادامه داشت، نشان داد که کودکان طلاق در مقایسه با کودکانی که در آغوش گرم والدین رشد کرده و پرورش یافته‌اند، به طور میانگین مشکلات بیشتری از خود بروز داده‌اند. صدمات ناشی از طلاق در کودک به صورت مشکلات درسی در مدرسه، ناهنجاری‌های رفتاری، افزایش افکار منفی، ناتوانی در ارتباط برقرار کردن با همکاران و دوستان و داشتن مشکلات بسیار زیاد برای کنار آمدن با پدر یا مادر بروز می‌کند. این در حالیست که تحقیق آماتو - کیت در سال 2001 مجدداً به روز شد و نتایج آن با نتایج 10 سال پیش تفاوت چندانی نداشت.

در این میان توجه به این نکته نیز ضروری می‌رسد که نتایج تحقیقات انجام شده در خانواده‌های طلاق و عادی نشان داد که کودکان این دو گروه جدایی از تفاوت‌ها در بسیاری از موارد با یکدیگر شباهت‌های بسیار زیادی داشتند. نتایج تحقیق آماتو که در سال 1994 انتشار یافت به صراحت ثابت کرد که تفاوت‌های نسبی میان کودکان طلاق و کودکان عادی به این معنی نیست که تمامی کودکان طلاق از وضع بدتری نسبت به کودکانی که با والدین خود زندگی می‌کنند، برخوردارند، بلکه این تحقیق فقط نشان داد که کودکان طلاق در مقایسه با کودکان عادی بیشتر مشکلات را تجربه خواهند کرد.

برای حل این پارادوکس کارشناسان به تحقیقی که در سال 1993 توسط «ماویس هترینگتون» انجام شد استناد می‌کنند. این کارشناس در تحقیقات خود اگرچه نتایج اولیه تحقیق آماتو کیت را تأیید کرد، اما بخشی از مطالعات او بر روی این موضوع که چه کودکانی پس از طلاق به ناچار مشکلات را تجربه خواهند کرد، معطوف شد.

هترینگتون طی تحقیق خود این گونه نتیجه گرفت که 90 درصد دختران و پسران جوان که در کنار والدین خود رشد یافته‌اند، مشکلات عادی و روزمره را تجربه کرده‌اند. این در حالیست که 10 درصد از این دسته از جوانان با مشکلات پیچیده‌ای دست به گریبان شده‌اند که باید به آنها صورت کاملاً حرفه‌ای و با فرآیند پیچیده مهمی یاری رساند.

از دیگر سو، مطالعه هترینگتون نشان داد که در خانواده‌های طلاق، 74 درصد از پسران و 66 درصد از دختران جوان مشکلات عادی زندگی را تجربه می‌کنند، در عین حال 26 درصد از پسران و 34 درصد دختران در طول زندگی متأثر از جدایی پدر و مادران خود، دچار مشکلات جدی و خطرناکی خواهند شد. جالب آنکه برخلاف تصور عموم که طلاق پروژه اضمحلال قطعی زندگی کودک را کلید می‌زند، آماتو در سال 1999 ثابت کرد که به صورت میانگین، 40 درصد از نوجوانان طلاق در مقایسه با نوجوانانی که در آغوش خانواده زندگی می‌کنند، از وضع بهتری هم برخوردارند!

نتایج تحقیقات فوق‌الذکر را می‌توان دو وجهی قلمداد کرد. از یک سو، بیشتر کودکان طلاق، مشکلات جدی را در مسیر زندگی تجربه نمی‌کنند و به کمک حرفه‌ای احتیاج ندارند. از دیگر سو، درصد بیشتری از کودکان طلاق در مقایسه با کودکان عادی، مشکلات جدی را تجربه می‌کنند. به بیانی دیگر، می‌توان گفت که کودکان طلاق به صورت نسبی به کمک چندانی نیاز ندارند، اما این کودکان در مقایسه کودکانی که در کنار والدین خود زندگی می‌کنند، به کمک بیشتری احتیاج دارند.

این سردرگمی موجب شده است هنوز هم جامعه‌شناسان نتوانند به جوابی قطعی برای نحوه تأثیرات طلاق بر روی کودک یا کودکان دست یابند.

این در حالیست که در این برهه، قریب به اتفاق کارشناسان به اهمیت و درست بودن این تحقیقات اذعان دارند. اکنون یافتن جواب برای این پرسش که چه عواملی موجب بروز تفاوت میان کودکان طلاق و کودکانی که با خانواده‌های خود زندگی می‌کنند، می‌شود، شاید بتواند اندکی راهگشا باشد. همانطور که پیشتر هم اشاره شد، تفاوت تأثیرپذیری کودکان از طلاق از درجه اهمیت کمتری نسبت به اینکه چه عواملی موجب بروز این تفاوت می‌شوند، برخوردار است. در همین رابطه «پُل آماتو» در سال 1993 و «کلی» و «اموی» در سال 2003 چند عامل اصلی بروز مشکلات برای این دو گروه از کودکان را یافتند که در ادامه مطلب به بررسی اجمالی آنها می‌پردازیم:

1- از دست دادن پدر و مادر: طلاق مترادف با از دست رفتن ارتباط کودک با پدر و مادر خود به صورت همزمان می‌شود. این نقصان موجب می‌شود تا دانش و مهارت کودک تقلیل یابد از دیگر سو کودک نمی‌تواند برخی نیازهای عاطفی و مالی و ... خود را از طریق والدینش تأمین کند.

2- مشکلات اقتصادی: تحقیقات نشان داده است که کودکان طلاق در مقایسه با کودکان عادی در زندگی روزمره خود مشکلات مالی را تجربه می‌کنند.

3- استرس بیشتر: عموماً طلاق موجبات بروز برخی تغییرات اجباری را در زندگی کودک فراهم می‌آورد. تغییر مدرسه، منزل و نوع نگهداری از جمله مهمترین این تغییرات به شمار می‌روند. کودکان طلاق مجبورند تا خود را به نوعی با محیط و موقعیت‌های جدید سازگار کنند و روابط خود با دوستان و اعضای خانواده را مورد بازنگری و احتمالاً باز تعریف قرار دهند. این عوامل به صورت خودکار سطح استرس و تشویش را در کودک تا حد قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهند.

4- توانایی نداشتن در انطباق: کودک به صورت طبیعی عادت‌ها و رفتارها را به صورت دوسویه از پدر و مادر خود می‌آموزد و نبودن یکی از آنها در زندگی، کودک را با مشکل مواجه می‌کند.

5 - شایستگی نداشتن والدین: بیشتر اتفاقاتی که برای کودک پیش می‌آید، با مهارت والدین و نحوه کمک آنها به کودک رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. نبود یکی از والدین بر چگونگی عملکرد کودک در فراز و نشیب‌های زندگی تأثیرگذار است.

6- قرار گرفتن در معرض تعارض والدین: بروز برخی اختلاف‌ها و بعضاً درگیری در بیشتر خانواده‌ها امری طبیعی است، اما در مورد خانواده‌هایی که این درگیری موجبات جدایی پدر و مادر را فراهم می‌آورد، داستان به گونه دیگری است. در این مورد اختلاف‌ها و احتمالاً دعواها به امری روزمره تبدیل می‌شود و این مهم بر عملکرد و رفتار کودک تأثیر می‌گذارد. در این حال، می‌توان از 6 بند فوق این گونه نتیجه گرفت که طلاق موجب از دست رفتن ارتباط کودک با والدین و قطع روند نظارتی آنها بر او می‌شود، مشکلات اقتصادی به نوبه خود موجبات بروز مشکلات جدید و پیچیده‌تر را فراهم می‌آورد، استرس کودک بیشتر می‌شود و در یافتن راه صحیح مشکلات جدیدی را بر سر راه خود می‌بیند. از این رو می‌توان این گونه نتیجه گرفت که اگر بتوان به نوعی میزان تأثیر این عوامل را به حداقل رساند، کودک زندگی بهتری خواهد داشت. در پایان باید به این نکته نیز توجه شود که اگر چه تحقیقات و مطالعات این موضوع را به اثبات رساند که کودکان طلاق در مقایسه نسبی با کودکانی که با والدین خود زندگی می‌کنند، دچار مشکلات غیرطبیعی چندانی نمی‌شوند، اما تمامی کارشناسان اذعان می‌کنند که کودکان طلاق، از جدایی پدر و مادر خود احساس تشویش و اضطراب می‌کنند و برخی فعالیت‌های روزمره او تحت تأثیر خاطره تلخ جدا شدن والدینش قرار می‌گیرد.

«لومن بیلینگز» و «امری» در سال 2000 ثابت کردند که قریب به اتفاق جوانان بیست‌ساله‌ای که والدین آنها در سنین خردسالی از یکدیگر جدا شده‌اند، هنوز از این واقعه احساس درد می‌کنند و ناراحتند. ارتباط نداشتن این افراد با پدر خود از جمله اصلی‌ترین شکایات جوانان طلاق بود.

نتیجه نهایی

نتیجه نهایی تحقیقات فوق‌الذکر نشان دادند که اگر چه کودکان طلاق در مقایسه با کودکان عادی مشکلات رفتاری و روانی بیشتری را تجربه می‌کنند، اما نباید از این نکته نیز غافل ماند که شباهت‌های این دو گروه از کودکان بسیار بیشتر از تفاوت‌های آنهاست.

فرزندنام آینده خوبی نخواهند داشت

پدر گفت: به دلیل اینکه یک زندانی هستم و میدانم در نبود من فرزندنام آینده خوبی نخواهند داشت و با فقر و بدبختی زندگی خواهند کرد، کشتمشان !!!

روزنامه شرق نوشت:

مردی که سه دختر خود را با شلیک گلوله به قتل رسانده است، در حالی همچنان تحت تعقیب پلیس قرار دارد که دیروز فیلمی منتسب به این جنایت در سایت‌های اینترنتی منتشر شد. این مرد 53 ساله که مهرداد نام دارد و به مرادسیاه معروف است، پیش از این به جرم قاچاق اسلحه محاکمه و به حبس ابد محکوم شده بود.

او در شهریور ماه سال جاری به دلیل اینکه دختر 19 ساله‌اش قصد داشت ازدواج کند با سپردن وثیقه از زندان مرخصی گرفت.

مهرداد که ساکن روستای تختگاه کرمانشاه است، روز حادثه به بهانه اینکه برای جشن عروسی قصد خرید دارد، سه دختر 19، 12 و هفت ساله خودش را سوار بر وانت آبی‌رنگش کرد و به منطقه‌ای خلوت رفت.

او سپس هر سه دختر خود را با شلیک سلاح کلاشینکف از پا درآورد. مهرداد که به ماده مخدر شیشه اعتیاد دارد، بعد از قتل به خانه بازگشت و به همسرش خبر داد دخترانش را کشته است.

او نشانی محل رها شدن اجساد را نیز اعلام کرد و گفت به دلیل اینکه زندانی بوده و می‌دانسته در نبود او فرزندانش آینده خوبی نخواهند داشت و با فقر و بدبختی زندگی خواهند کرد، تصمیم به این جنایت گرفته است. او بعد از گفتن این جملات فراری شد و از آن زمان ردی از وی به دست نیامده است.

دیروز فیلم منتسب به این جنایت هولناک روی سایت‌های مختلف اینترنتی قرار گرفت. این صحنه با دوربین موبایل و توسط دختر بزرگ مهرداد-آخرین قربانی-تهیه شده و در آن دیده می‌شود متهم بعد از متوقف کردن اتومبیل در منطقه‌ای مسطح و خلوت سلاحی را در دست می‌گیرد و آن را مسلح می‌کند.

در این هنگام سه دختر او به فاصله از یکدیگر ایستاده‌اند و هرچند سلاح را در دست پدر خود می‌بینند، اما هرگز تصور نمی‌کنند چه سرنوشتی در انتظارشان است. در واقع رفتار این دختران نشان می‌دهد برای آنها مسلح بودن پدر اتفاقی عادی و طبیعی است.

در همین هنگام ناگهان مهرداد فرزند هفت ساله خود را هدف می‌گیرد و دو گلوله به او شلیک می‌کند. پس از آن فیلمبردار و خواهرش در حالی که جیغ می‌کشند، شروع به دویدن می‌کنند اما مهرداد به راحتی به سمت فرزند 12 ساله‌اش تیراندازی می‌کند و بعد از شلیک دو گلوله سراغ دختر بزرگش می‌رود و او را نیز به قتل می‌رساند.

این پرونده اکنون در دادسرای کرمانشاه در جریان است و پلیس همچنان می‌کوشد عامل این کشتار را دستگیر کند.

تابناک 9 آبان 1390

واقعه آتش سوزی خوابگاه مدرسه شبانه روزی چابهار

از واقعه آتش سوزی خوابگاه مدرسه شبانه روزی چابهار هم اکنون فقط “جمال رئیسی” است.

“برهان الدین بلیده” دانش آموز مصدوم حادثه خوابگاه چابهار که ۶۰ درصد دچار سوختگی شده بود بعد از ظهر پنجشنبه در بیمارستان شهید مطهری تهران درگذشت. به گزارش مهر، روز چهارشنبه چهارم آبان ماه، در یکی از اتاقهای خوابگاه شبانه روزی دانش آموزی دبیرستان وابسته به دانشگاه علوم دریانوردی چابهار واقعه آتش سوزی رخ داد که طی آن دو دانش آموز به نام های “قاسم حیرتی و قنبر قریب” در همان روز فوت و سه تن دیگر آسیب جدی دیدند.

پس از انتقال زمینی سه دانش آموز مصدوم با آمبولانس به زاهدان و سپس تهران، هر سه آنها در بیمارستان “شهید مطهری” بستری شدند که به فاصله کمتر از دو روز “فرشید درزاده” دانش آموزی که ۹۰ درصد دچار سوختگی شده بود، جان باخت.

“خالد بلیده” پدر دانش آموز “برهان الدین بلیده” امروز پنجشنبه در گفتگو با خبرنگار مهر گفت فرزندش که دچار ۶۰ درصد سوختگی شده بود، دقایقی پیش تسلیم مرگ شد. از واقعه آتش سوزی خوابگاه مدرسه شبانه روزی چابهار هم اکنون “جمال رئیسی” زنده مانده است.

سایت کلمه 20 آبان 1390



قاتل: محمد رضا 17 ساله

قاتل: محمد رضا 17 ساله

مقتول: مازیار 5 ساله

درخواست: قصاص

روزنامه شرق: دادگاه کیفری استان تهران دیروز پرونده جنایتی را مورد بررسی قرار داد که متهم به قتل و مقتول هر دو قربانی جدایی پدر و مادرشان بودند.

در ابتدای این جلسه که در شعبه 71 دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد، روشن نماینده دادستان گفت: جسد کودکی پنجساله به نام مازیار هشتمدی سال گذشته در انباری خانه‌شان پیدا شد. ماموران در تحقیقاتی که انجام دادند متوجه شدند جسد مازیار کنار موتوسیكلت متعلق به نوجوانی به نام محمدرضا است که گاهی به خانه پدرش در همان ساختمان سر می‌زد.

ماموران با انتقال جنازه به پزشکی قانونی محمدرضا را مورد بازجویی قرار دادند و این نوجوان بعد از 10 روز به قتل مازیار اعتراف کرد. او گفت مازیار قصد داشت دست داخل جیبش بکند که پسرک را به دیوار کوبید و بعد او را خفه کرد. روشن ادامه داد: با توجه به اینکه اولیای دم درخواست قصاص کرده‌اند درخواست صدور حکم قانونی در این خصوص را دارم.

سپس پدر مازیار در جایگاه حاضر شد و گفت: من و همسرم جدا از هم زندگی می‌کنیم و او، من را ترک کرده‌است.

نمی‌دانم چرا این کار را کرد و هیچ‌وقت دلیلش را نگفتم او می‌ترسد من از او شکایت کنم به همین دلیل خودش را مخفی می‌کند. این مرد در مورد اینکه چرا از هم جدا شده‌اند، گفت:

یکسال و نیم پیش همسرم یک روز صبح وقتی که من در خانه نبودم بچه‌ها را برداشت و با خود برد. او خانه‌ای در همان ساختمانی که قتل اتفاق افتاد، اجاره کرد و حالا هم مجهول‌المکان است.

پدر مازیار گفت: من پسر را دوست داشتم و حالا هم درخواست قصاص قاتل او را دارم. در ادامه متهم به قتل 17 ساله در جایگاه حاضر شد او گفت: اتهام را قبول دارم اما به عمد این کار را نکردم. این قتل یک حادثه بود. پدر و مادرم از هم جدا زندگی می‌کردند، من با مادرم زندگی می‌کردم و گاهی به پدرم سر می‌زدم. این اواخر آنجا زیاد می‌رفتم چون پدرم داشت اعتیادش را ترک می‌کرد و من سعی می‌کردم زیاد تنها نباشد.

محمدرضا که به شدت گریه می‌کرد، ادامه داد: من چند سال بود که دو شیفت کار می‌کردم تا هزینه زندگی مادرم و خواهرم را بدهم البته سعی می‌کردم از پدرم هم حمایت کنم چون فکر می‌کردم اگر اعتیادش را ترک کند، خیلی برای من خوب می‌شود. در همین دوران بود که با مازیار آشنا شدم. او بچه شیرینی بود و به من عمو می‌گفت خیلی وقت‌ها با من می‌آمد و چیزی برایش می‌خریدم. آن روز وقتی که داشتم به خانه پدرم می‌رفتم در راهپله جلو مرا گرفت و گفت، می‌خواهد برای خواهرش شارژ تلفن همراه بخرد او از من پول خواست گفتم ندارم اصرار کرد و در پله‌ها دنبالم آمد او در یک لحظه دستانش را روی جیبم گذاشت و گفت عمو تو همیشه پول داری. گفتم ندارم و هلش دادم سرش به دیوار برخورد کرد و دست‌هایش را روی سرش گذاشت، بعد افتاد؛ او را بلند کردم فکر کردم خودش را به بی‌حالی زده‌است. دستم را روی دهان و بینی‌اش گذاشتم تا ببینم نفس می‌کشد یا نه، او نفس نمی‌کشید. متهم ادامه داد: خیلی ترسیده بودم جسد را بلند کردم و نزدیک انباری بردم و همان‌جا رها کردم بعد به خانه پدرم رفتم. وقتی ماموران به من شک کردند مدت‌ها بود که عذاب وجدان داشتم و می‌خواستم خودم را تسلیم کنم. هر شب خواب مازیار را می‌دیدم.

محمدرضا در ادامه گفت: من پیش پدرم می‌رفتم تا دوباره به سمت مواد نرود و کامل ترک کند. با خودم می‌گفتم باز همه چیز مرتب می‌شود و مادر و پدرم با هم زندگی می‌کنند؛ نمی‌دانستم چنین سرنوشتی در انتظارم است.

در این هنگام قاضی دادگاه به متهم گفت: پزشکی قانونی اعلام کرده است، مرگ مازیار به دلیل فشار بر مجاری تنفسی و قطع تنفس او بوده‌است. ضمن اینکه مازیار کودک است و عمل تو نوعاً کشنده هم بود. بنابراین این قتل غیر عمد نیست.

متهم جواب داد: من واقعا نمی‌خواستم او را بکشم و خیلی از این اتفاق ناراحت هستم. من خیلی ترسیده بودم اگر ذره‌ای نفس داشت او را به بیمارستان می‌رساندم اما کار از کار گذشته‌بود.

بنا بر این گزارش، بعد از پایان گفته‌های متهم و دفاعیات وکیل مدافع او، هیأت قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند. تابناک 22 آبان

کفش هایم مثل آرزوهایم بزرگ است



کفش هایم مثل آرزوهایم بزرگ است زمانی اندازه ام می شود که پا نخواهم داشت!

پدر با یک جلد قران در زیر بغل فرزند 6 ساله اش را کشت.

این مرد که خود را پدر قربانی 6 ساله معرفی کرد، درباره علت قتل کودکش مدعی شد: «من» امام زمان» هستم، از تهران به همراه دخترم، ریحانه به جمکران و زیارت حضرت معصومه رفته بودیم، قصد داشتیم از آنجا به بروجرد، محل زندگی پدرم برویم که در بین راه به من الهام شد که دخترم حرامزاده است و باید او را بکشم.»

- مدعی دریافت وحی

به گزارش «محبیت نیوز» به نقل از اعتماد، قتل دختر 6 ساله به دست پدرش در استان اراک، خبری بود که ماموران 110 این استان را در ساعت 10:50 صبح پنجشنبه 12 آبان ماه به 2 کیلومتری شهرک امیرکبیر کشاند. این خبر از طریق تماس کارگري در یکی از بیابان های نزدیک این شهرستان داده شده بود. این حادثه در کیلومتر 45 جاده اراک - قم اتفاق افتاد.

مردی که با پلیس تماس گرفته بود در توضیحات خود گفت: کارگر یکی از زمین‌های اطراف اراک است که حین کارکردن مردی را مشاهده کرده که درحال دفن کردن جنازه‌ی خونین در بیابان‌های همانجا بوده است و پس از آن با یک دستگاه خودروی وانت پیکان از محل متواری شده است.

با گزارش این مرد، ماموران کلانتری «خیرآباد» در جریان قرار گرفتند و وانت پیکانی که در طول مسیر گزارش شده بود را رویت و ضمن توقف این خودرو مرد 35 ساله‌ی به نام «جواد» را بازداشت کردند. با کشف جسد و تعیین صحت گزارش دریافتی نیز کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی استان مرکزی به محله حادثه آمدند. در تحقیقات اولیه این مرد بزه انتسابی را قبول کرده است.

پس از دستگیری این مرد و شناسایی محل کشف جسد، این مرد که خود را پدر قربانی 6 ساله معرفی کرد، درباره علت قتل کودکش مدعی شد: «من «ولی‌عصر» هستم، از تهران به همراه دخترم، ریحانه به جمکران و زیارت حضرت معصومه رفته بودیم، قصد داشتیم از آنجا به بروجرد، محل زندگی پدرم برویم که در بین راه به من الهام شد که دخترم حرامزاده است و باید او را بکشم.» این پدر 35 ساله درباره چگونگی قتل دختر 6 ساله خود گفت:

«ابتدا گلوی او را بریدم، ولی بعد از اینکه مشاهده کردم او دست و پا می‌زند و برای اطمینان از حصول مرگ او با سنگ چندین ضربه به سرش زدم تا بالاخره صدایش قطع شد. بعد هم او را دفن کردم.»

ماموران در بازرسی از خودروی او موادمخدر از نوع شیشه کشف کردند. نخستین گمانه‌زنی‌های پلیس براین پایه شکل گرفته است که این فرد در پی توهم حاصل از مصرف موادمخدر دختر خود را به قتل رسانده است.

بنا به گفته ماموران حاضر در صحنه، آنها برای نجات کودک 6 ساله مقداری از خاک را کنار زدند تا اگر کودک هنوز زنده است او را نجات دهند ولی با سر تقریباً متلاشی شده او مواجه شدند. افراد حاضر در صحنه حادثه درباره این پدر 36 ساله گفتند: «او که قدی حدود 185 سانتی‌متر دارد، در نخستین مکالمه‌اش با مسوولان حاضر در محل گفت که «بالاخره تمام کرده است یا نه؟!» این مرد خیلی مصمم بوده و یک قرآن زیر بغلش بود و مدام می‌گفت من امام زمان هستم. مدتی قبل به تریاک و کراک اعتیاد داشتم ولی به لطف خدا ترک کردم.

این موضوع هم در شریعت من است که کودک حرامزاده را بکشم.» این پدر درباره مادر بچه‌اش گفته، او به جرم زنا و قتل در زندان است.

به گفته شاهدین در محل حتی دستبندی به دست این مرد 36 ساله زده نشده بود. جای زخمی روی صورتش مشاهده می‌شد که خودش اعلام کرده بر اثر درگیری با پلیس درگذشته ایجاد شده است.

داغ کردن طفل 8 ساله

طفلی هشت ساله که به شدت از طرف نامادری خود با داغ کردن نواحی مختلف بدنش مورد آزار و اذیت واقع شده است.

دادستان عمومی و انقلاب اشنویه از تحت تعقیب قرار گرفتن يك نامادری به اتهام كودك آزادی طفل هشت ساله در این شهرستان خبر داد. به گزارش آژانس خبری موکریان \محبوبی\ روز دوشنبه در گفت و گو با خبرنگاران افزود:

این طفل که دانش آموز دوره ابتدایی است به شدت از طرف نامادری خود با داغ کردن نواحی مختلف بدنش مورد آزار و اذیت واقع شده است.

وی گفت: این نامادری همچنین در اقدامی پیشانی كودك را به شدت مجروح کرده بود که موضوع باعث گزارش آزار و اذیت طفل از سوی اداره آموزش و پرورش اشنویه شد.

وی ادامه داد: در همین راستا پرونده ای در شعبه اول دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب اشنویه ثبت و دستور انجام تحقیقات مقدماتی از محل، مدرسه محل تحصیل طفل و معرفی وی به پزشك قانونی صادر شد که مجموعه تحقیقات بر كودك آزاری نامادری طفل دلالت می کرد.

محبوبی اظهار کرد: پس از تکمیل تحقیقات، نامادری مذکور به دادسرا احضار شد که در ابتدا اتهام را انکار و در نهایت به فعل ناشایست خود اقرار کرد و فی الحال با صدور قرار تأمین 100 میلیون ریالی آزاد است.

وی گفت: طفل مذکور با توجه به اینکه تحت تربیت و حفاظت صحیح نبوده با مساعدت رئیس دادگستری شهرستان اشنویه با صدور حکم در حضانت مادر اصلی قرار گرفت.

از هر 4 دختر و 8 پسر، یک نفر قبل از 18 سالگی مورد آزار قرار می‌گیرند.

کودک آزاری دارای گستره وسیعی است و ممکن است در هر فرهنگ و اجتماعی که دارای ارزش‌های اخلاقی خاص خود هستند، اتفاق بیفتد.

آزار کودکان می‌تواند جسمی، عاطفی، لفظی و یا جنسی باشد. حتی نادیده انگاشتن و توجه نکردن به کودکان نیز می‌تواند به نوعی در رده این اختلال قرار گیرد.

این آزارها می‌تواند صدمه‌ای جدی به کودکان وارد کند و یا حتی باعث مرگشان شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد از هر 4 دختر و هر 8 پسر، یک نفر از آنها در سنین قبل از 18 سالگی مورد آزار قرار می‌گیرند. همچنین سالانه یک کودک از هر 20 کودک، از نظر جسمی صدمه می‌بیند. آزارهای جسمی کودکان شامل مواردی چون، سوزاندن، کتک زدن و شکستن استخوان‌هاست. آزارهای جنسی، لمس بدن کودکان به‌صورتی ناشایست را شامل می‌شود.

غفلت و بی‌توجهی می‌تواند مواردی چون خودداری از غذا دادن به کودکان، پوشانیدن لباس، تهیه سرپناه و سایر نیازهای اساسی را شامل شود. نادیده انگاری عاطفی شامل مواردی چون، خودداری از ابراز عشق و محبت، راحتی و توجه است.

بی‌توجهی از لحاظ سلامت و بهداشت هنگامی روی می‌دهد که از مراقبت‌های پزشکی برای کودکان خودداری شود. نشانه‌ها کودکانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند از شکایت کردن و بیان آن، می‌ترسند. آنها از این می‌ترسند که مورد سرزنش قرار بگیرند و یا این که بزرگترها، حرفه‌ایشان را باور نکنند. والدین اغلب نشانه‌های کودک آزاری را نمی‌شناسند زیرا نمی‌خواهند با واقعیت روبه‌رو شوند.

کودکانی که آزرده شده‌اند، باید هر چه سریع‌تر تحت درمان و پشتیبانی خاص قرار گیرند. هر قدر آزار کودکان طولانی‌تر باشد، احتمال بهبود کامل آنها کمتر خواهد بود. مراقب تغییرات جسمی و یا رفتاری کودک باشید، هر چند توضیحی در مورد آن ندهند.

اگر دلیل خاصی مبنی بر مورد آزار قرار گرفتن کودک خود ندارید، انجام آزمایشات مربوطه را ضروری بدانید. ممکن است کودک شما ترسیده باشد. به تغییرات و نشانه‌های زیر توجه کنید:

- نشانه‌های آزار جسمی:

هر گونه جراحت (کوفتگی و کبودی پوست، سوختگی، شکستگی، هر گونه جراحت مربوط به سر و شکم) که کودک در مورد آن توضیحی نمی‌دهد.

- بعضی از نشانه‌های آزار جنسی:

رفتارهای ناشی از ترس (کابوس، افسردگی، ترس‌های غیرمعمول، تلاش برای فرار کردن) دردهای شکمی، شب ادراری، خونریزی.

- نشانه‌های آزار عاطفی:

تغییر ناگهانی در سطح اعتماد به نفس، معده درد و یا سردردهایی بدون علت مشخص پزشکی، ترس‌های غیرنرمال، افزایش کابوس‌ها و تلاش برای فرار.

- نشانه‌های بی‌توجهی عاطفی و غفلت از کودکان:

به دست آوردن وزن به صورت بسیار ناموفق به خصوص در نوزادان، اشتهای سیری ناپذیر برای رفتارهای محبت‌آمیز.

علل ایجاد

آزار و اذیت در بسیاری از خانواده‌ها پنهان داشته می‌شود. کودک آزاری اغلب در خانواده‌هایی اتفاق می‌افتد که از نظر اجتماعی بسیار منزوی بوده، دوستی نداشته و با دیگران نیز ارتباطی ندارند.

والدینی که در دوران کودکی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند بیشتر امکان دارد کودکان خود را مورد آزار قرار دهند. استفاده از مخدرات و دارو می‌تواند شمار کودک آزاری را افزایش دهد. والدینی که بیش از حد انتقاد می‌کنند، در روش‌های تربیتی و رعایت نظم بسیار خشن هستند، آنهایی که برای کودکانشان خیلی کم یا زیاد ابراز نگرانی می‌کنند و یا استرس بسیار زیادی دارند ممکن است در شمار والدین کودک آزار نیز قرار داشته باشند.

والدین کودک آزار اغلب قصد صدمه زدن به کودکان خود را ندارند. معمولاً آنها در هنگام عصبانیت کودکان خود را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. اینچنین والدینی نیاز به کمک حرفه‌ای روان‌شناسی دارند.

چگونگی مقابله

اگر حدس می‌زنید که کودکی تحت آزار و اذیت قرار دارد با پزشک اطفال و مرکز حمایت از کودکان تماس گرفته و از آنها کمک بخواهید. پزشکان از نظر اخلاقی ملزم هستند، هرگونه نشانه‌های آزار کودکان و یا غفلت و بی‌توجهی نسبت به آنها را گزارش دهند.

حتی ممکن است در صورت لزوم شما را به درمانگران دیگری معرفی کنند تا هرگونه اطلاعات مورد نیاز برای بررسی‌ها، جمع‌آوری شود. پزشکان حتی اگر لازم باشد، در دادگاه برای کسب حمایت برای کودکان، شهادت داده و در صورتی که گمان کنند ممکن است کودکان تحت آزار جنسی قرار گیرند، دادخواست جنایی تنظیم خواهند کرد.

هر اقدامی که طبیعتی آزار دهنده دارد باید فوراً گزارش شده و برای رفع آن کمک گرفته شود. تأخیر در گزارش، شانس کودکان را برای بهبودی کامل کاهش می‌دهد. اغلب اوقات کودکی که با او بدرفتاری شده و یا مورد آزار قرار گرفته، افسرده شده و رفتارهای خشونت‌آمیز، گوشه‌گیری و یا خودکشی از او سر خواهد زد.

وقتی این کودکان بزرگ می‌شوند به مخدرات و دارو روی می‌آورند و تلاش می‌کنند به صورتی فرار کنند و یا این که آزار، اذیت و آسیبی که از سوی دیگران دیده‌اند، انکار نمایند. تحمل آزار در دوران کودکی ممکن است در بزرگسالی به خودکشی و افسردگی منجر شود. اگر کودکی تحت آزار شدید قرار دارد، شاید شما تنها کسی باشید که می‌توانید به او کمک کنید. در گزارش و اعلام این آزار به افراد ذی‌صلاح درنگ نکنید.

بی‌توجهی و تکذیب مشکلات، تنها اوضاع را وخیم‌تر می‌کند. با این کار شانس کودکان را برای بهبود کامل به شدت کاهش می‌دهید. در بیشتر اوقات، کودکانی که تحت آزار و یا بی‌توجهی قرار می‌گیرند، جراحات و صدمه‌های عاطفیشان بسیار شدیدتر از جراحات جسمیشان است. کودکانی که با آنها بدرفتاری شود بیشتر خودکشی کرده و یا افسرده می‌شوند.

از طریق برقراری ارتباط نزدیک با این کودکان، می‌توان به میزان جراحات‌های وارده از نظر عاطفی و جسمی پی برد. بزرگسالانی که در کودکی تحت آزار قرار داشته‌اند، با مشکلات بیشتری مواجهند و رفتارهای پر خطر در آنها بیشتر وجود دارد.

اگر شما حدس می‌زنید که کودکی به نوعی تحت آزار قرار دارد باید:

-کودک را به محلی امن و آرام ببرید.

-اطلاعاتی دقیق از چگونگی آزارهایی که به او رسیده کسب کنید.

-آرام باشید و کودک را عصبانی نکنید.

-برای این که کودک آزارهایی که دیده آشکار کند، به او اطمینان قلبی بدهید تا باورتان کرده و تمامی اتفاقات را صادقانه بیان کند.

-به کودک بگویید به او کمک می‌کنید و از دیگران نیز برایش کمک خواهید گرفت.

-تمامی اطلاعاتی که به دست آورده‌اید، یادداشت کنید.

- فوراً به مقامات مسئول در این زمینه گزارش دهید.

منبع: سمیه صیادی فر

حکم اعدام "شایان امیدی" جوان ۱۶ ساله و سجاد ۲۴ ساله را تائید شد.



قاضی شعبه ۶ دیوان عالی، حکم اعدام "شایان امیدی" جوان ۱۶ ساله و سجاد ۲۴ ساله را تائید کرد.

قضاوت شعبه ۶ دیوان عالی، هفته گذشته حکم اعدام یک نوجوان ۱۶ ساله در گیلان به نام "شایان امیدی" به همراه دوست ۲۴ ساله‌اش سجاد را مورد تایید قرار داده‌اند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا از گیلان، یکی از دو زندانی‌ای که رسانه‌های دولتی از آن‌ها تحت عنوان "عاملان قتل تاجر آهن و خانواده‌اش" یاد کرده‌اند، "شایان امیدی" نام دارد که به هنگام وقوع قتل یعنی در ۱۵ مهرماه سال ۱۳۸۹، تنها ۱۶ سال سن داشته است. گفته می‌شود سجاد (متهم ردیف اول)، شایان (متهم ردیف دوم) و سبحان (متهم ردیف سوم) با ورود به خانه ویلایی یک تاجر آهن، "فرزاد امیدی" - ۴۶ ساله و صاحبخانه، همسرش "ساریه داداش‌زاده" - ۴۴ ساله و پسرش "پرهام امیدی" - ۱۸ ساله را به قتل رسانده‌اند. سجاد ۲۴ ساله، سبحان برادر ۱۶ ساله سجاد و شایان برادرزاده ۱۶ ساله مرد تاجر هستند. دیوان عالی سجاد را به اتهام مشارکت در قتل عمدی ساریه و پرهام به دو بار قصاص و معاونت در قتل فرزاد به حبس و به اتهام سرقت، به زندان محکوم کرد. شایان نیز به اتهام قتل عمومیش به قصاص و به خاطر معاونت در قتل و سرقت به زندان محکوم شد. سبحان نیز به‌خاطر معاونت در ۳ فقره قتل و سرقت، به حبس ابد محکوم شد. ایران از معدود کشورهای جهان است که کماکان به اعدام کودکان زیر ۱۸ سال اهتمام می‌ورزد.

شجره خبیثه ریشه کن نشود در آینده اتفاقات نامعلومی رخ خواهد داد

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس: اگر این شجره خبیثه ریشه کن نشود در آینده اتفاقات نامعلومی رخ خواهد داد.

"علی عباسپور تهرانی" درخصوص انتشار اخباری مبنی بر برخی فعالیت‌های زیر زمینی برای شیوع اعتیاد در مدارس کشورمان اظهار داشت: «آمار میدانی نشان می‌دهد که پدیده اعتیاد در میان دانش آموزان وجود دارد ولی در صد دانش آموزان مبتلا بالا نیست.»

وی از انکار برخی مسئولان آموزش و پرورش در این مورد، انتقاد کرد و افزود: «فقدان یک مطالعه علمی جای تاسف دارد، اعتیاد حتی با درصد پایین نیز نشان دهنده پدیده‌ای بسیار خطرناک است.»

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ادامه داد: «اگر این شجره خبیثه ریشه کن نشود در آینده اتفاقات نامعلومی رخ خواهد داد و شاید شاهد جریانی نظیر قلیان کشیدن جوانان شود که رفته‌رفته جای خود را در فرهنگ بعضی خانواده‌ها باز کرده است.»

عباسپور از سرانه پایین آموزشی در زمینه پیشگیری‌ها در مدارس خبر داد و گفت: «در بودجه سال ۸۹، حدود ۲۰۰ میلیارد تومان بودجه به بخش آموزش و پرورش اختصاص دادیم و یکی از اهداف رسیدگی به وضعیت اعتیاد در مدارس و برنامه ریزی برای آن بود.»

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس از گسترش اعتیاد در خوابگاه‌های دانشجویی نیز ابراز نگرانی کرد و افزود: «این مقوله، اصلاً نباید مغفول بماند مجلس منابع خوبی در اختیار نهادهای آموزشی نظیر وزارت آموزش و پرورش و علوم قرار گرفته است و این امر در بودجه سال ۹۱ نیز منظور خواهد شد.» آفتاب نیوز 29 آبان

اعدام در ملاء عام و در مقابل دیدگان شهروندان و بعضاً کودکان .

صبح امروز یک زندانی متهم به تجاوز در ملاء عام در محله پردیس قرچک و در مقابل دیدگان شهروندان و بعضاً کودکان اعدام شد.

انتشار تصاویر این اعدام از سوی رسانه های حکومتی به وضوح مشخص می کند هیچ محدودیتی سنی برای مشاهده اجرای حکم اعدام انسان ها از سوی دستگاه های ذیربط لحاظ نشده است.

بر اساس گزارش خبرگزاری فارس، بخشعلی عسگری متهم به تجاوز و قتل پس از قرائت حکم، بامداد چهارشنبه ۴ آبان ماه ۱۳۹۰ در محله فردیس قرچک انجام شد.



نامبرده به دلیل قتل دو نفر به دو بار اعدام و به دلیل تجاوز به یک بار اعدام در ملاء عام محکوم شده بود، حکم مذکور در کمتر از یک ماه از سوی دیوان عالی کشور تائید شده بود. هرانا 04 آبان گزارش تصویری اجرای حکم را در زیر مشاهده کنید

<http://www.hra-news.org/1389-01-28-00-30-11/10206-1.html>

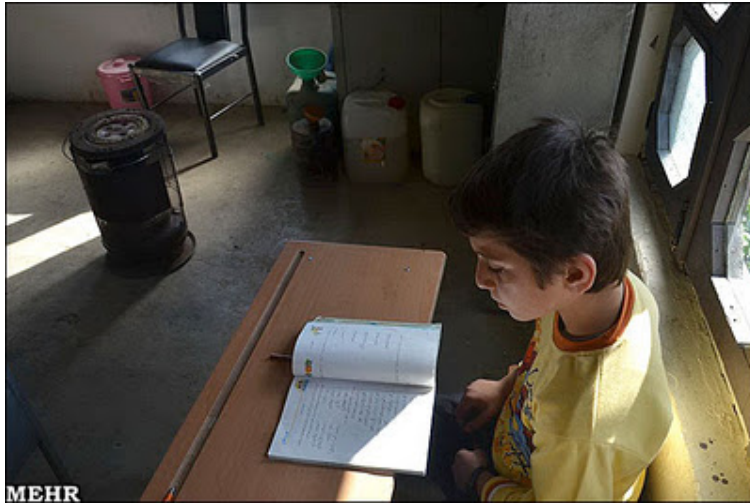
گزارش تصویری از مدرسه چمه بن در مازندران

با گذشت بیش از دو ماه از آغاز سال تحصیلی جدید و مرگ دست کم یک دانش آموز به دلیل آموزش در محیط پر خطر مدارس فرسوده کشور همچنان مدارس محرومی در سراسر کشور وجود دارد.



وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390







بنویس:

پدر مانند هر شب نان ندارد
و سارا هم به بود نان، میان سفره مان ایمان ندارد
پس از تصمیم کبری ابرها هم
زمانی سیل می بارد،
گاهی باران ندارد
پدرتتها، انار و سیب را هی مینویسد
چرا؟
زیرا برای خواندن آن جان، ندارد
پدر گویا کلاس اول است،
او
که دائم مینویسد این ندارد آن ندارد
بگو آن مرد در باران، خواهد آمد؟
نگو این انتظار خیسمان پایان ندارد



اجساد سوخته 3 تن، در کنار یکدیگر یافته شد.

پدر معتاد با حبس دو دخترش در اتاق خواب، خود و آنان را به آتش کشید. آتش‌نشانان در ساعت 19:59 شب گذشته از طریق تماس مردمی در جریان وقوع یک فقره آتش‌سوزی در خیابان نعیمی واقع در منطقه قلعه‌مرغی قرار گرفتند. آتش‌نشانان با حضور در صحنه حادثه ضمن مهار این آتش‌سوزی که در یک واحد مسکونی رخ داده بود اجساد سوخته 3 تن را در حالی که در کنار یکدیگر قرار داشتند در یکی از اتاق‌های خواب این واحد مسکونی یافتند.

با حضور عوامل اورژانس در محل حادثه مشخص شد که اجساد این افراد صددرصد سوخته است به گونه‌ای که حتی تشخیص جنسیت اجساد، امکانپذیر نبود. در حالی که بررسی برای تشخیص هویت اجساد سوخته ادامه داشت و با توجه به اعلام عمدی بودن حریق توسط آتش‌نشانان، موضوع به ماموران کلانتری 161 ابوذر منتقل شد که با توجه به نوع حادثه، عوامل تشخیص هویت پلیس آگاهی به همراه قاضی کشیک قتل به محل حادثه فراخوانده شدند.

تحقیقات اولیه ماموران نشان داد که پدر این خانواده به نام «احمد» که به موادمخدر از نوع شیشه معتاد بوده است دو دختر خود به نام «مبینا» 8 ساله و «تینا» 9 ساله را به آتش کشیده است. تحقیقات ماموران نشان داد که این فرد حدود هشت ماه پیش نیز همسر خود را که صندوقدار یکی از فروشگاه‌های معتبر پایتخت است با چاقو مجروح کرده و پس از آن نیز اقدام به خودزنی کرده بود که

این فرد پس از بهبودی مدعی شده بود که توبه کرده و بر این اساس توانسته بود همسر خود را به ادامه زندگی متقاعد کند. ماموران در تحقیقات از همسایگان نیز دریافتند که در روز حادثه «احمد» همسر خود را به محل کار رسانده و پس از بازگشت همسایگان صدای مشاجره وی با دو دخترش را شنیده‌اند که پس از دقایقی صدای انفجار و شعله‌های آتش و دود ساختمان مسکونی را فرا می‌گیرد. پلیس در بررسی‌ها دریافت که همسایه‌ها پس از وقوع آتش‌سوزی در آپارتمان را شکسته و متوجه شدند که حریق تنها در یکی از اتاق‌های خواب ایجاد شده است که با استفاده از کپسول اقدام به مهار کردند. همسایه‌ها برای اطفای حریق با موانعی در پشت در اتاق خواب مواجه شدند و در حالی که تلاش‌ها برای ورود به اتاق خواب ادامه داشت آنان تنها ناله‌های ضعیف دختران را از پشت در می‌شنیدند. همسایه‌ها در حالی اجساد سوخته‌شده این افراد را پیدا کردند که پدر این خانواده با آرنج خود یکی از دختران و با استفاده از پاهایش دختر دیگر را نگه داشته بود تا آنان به بیرون فرار نکنند. خبرگزاری ایسنا 02 آذرماه 1390

دستگیری زنان و طرحی به نام پاکسازی شهر مشهد

نیروی انتظامی در طرحی به نام پاکسازی شهر مشهد، این بار اقدام به دستگیری گسترده دختران و زنان جوان تحت عنوان ارادل و اوباش و فروشنده محصولات ضدفرهنگی نموده است.

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390





خبرگزاری مهر 04 آذر 1390

بعنوان نیروی بسیجی

بعنوان نیروی بسیجی در مقابل سفارت سابق آمریکا

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



Photo : Hassan Mousavi

FARS NEWS AGENCY

بعنوان نیروی بسیجی در مقابل سفارت سابق آمریکا



Photo :Meghdad Madadi

FARS NEWS AGENCY

بعنوان نمازگزار در نماز جمعه امروز تهران

خبرگزاری فارس 04 آذر ماه 1390

محافظت از کدام یک ضروری تر است؟



آقایان نیروی انتظامی، محافظت از کدام یک ضروری تر است؟
اوباشان بسیجی برای حمله به سفارت بریتانیا؟
یا کودکان ارومیه در مقابل آدم ربایان؟

خبرهای نگران کننده ای حاکی است، در روزهای اخیر تعداد حداقل ۲۷ کودک در سنین دبستانی در شهرستان ارومیه، ربوده شده اند.

به گزارش خبرگزاری آذربایجان، در چند روز اخیر موضوع ناپدید شدن کودکان بقدری جدی شده است که اگر شهروندان دقت کرده باشند درب مدارس در هنگام روز کاملاً بسته نگه داشته می شود و سرویسهای دانش آموزان نیز اقدام به سوار و پیاده کردن دانش آموزان در حیاط مدارس، البته در صورت بودن حیاط، می کنند.

از سوی دیگر خبر می رسد که در مدارس در مورد چگونگی برخورد با افراد ناشناس آموزش داده می شود.

پلیس نیز بصورت غیر محسوس در حال کنترل اطراف مدارس، بخصوص مدارس ابتدایی می باشد. به گفته یکی از مامورین اداره آگاهی ارومیه پلیس در آماده باش کامل برای کشف این موضوع است. این مامور آگاهی همچنین اذعان داشت که تا کنون ۲۷ مورد گزارش ناپدید شدن و گم شدن کودکان گزارش شده که مسئولین امنیتی شهر تاکید بر سکوت رسانه ای و عدم اطلاع رسانی در این مورد دارند.

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



آیا نوجوانان ایران با تلفظ صحیح "ضاد" در کلمه " و لا الضالین " است



آیا نوجوانان ایران با تلفظ صحیح "ضاد" در کلمه " و لا الضالین " است که به سعادت می‌رسند و هدف گم شده‌ی خود را پیدا می‌کنند

آیت‌الله جعفر سبحانی در دیدار حمیدرضا حاجی بابایی - وزیر آموزش و پرورش - با تجلیل از برنامه‌های پیش روی این وزارتخانه گفت: اقدامات خوبی را آغاز کرده‌اید ولی به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنید که این برنامه‌ها ماندگار و دائمی شود. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، این مرجع تقلید با اشاره به تغییر نظام آموزشی کشور از پنج سال ابتدایی به شش سال، تصریح کرد: کاری کنید که این برنامه در آینده حذف نشود و همیشه ادامه داشته باشد زیرا سلیقه‌ها مختلف است و ممکن است با تغییر مدیریت این طرح هم تغییر کند اما وقتی به صورت قانونی مصوب شد تغییر آن به آسانی ممکن نیست.

وي در بخش ديگري از سخنان خود توجه به مسائل قرآني را در آموزش و پرورش مهم توصيف کرد و ادامه داد: قرآن را به گونه‌اي به دانش‌آموزان آموزش دهيد که آسان و لذت‌بخش باشد و معلماني را انتخاب کنيد که بدانند قرآن را چگونه تعليم دهند تا دانش‌آموزان از آموختن قرآن لذت ببرند. آيت الله سبحاني با بيان اينکه در گذشته در مکتب‌خانه‌ها قرآن را در مدت اندکي به دانش‌آموزان آموزش مي‌دادند، اين کار را ناشايست خواند و افزود:

اين روش فراگيري قرآن براي دانش‌آموزان بسيار سخت بود و کساني که در امر آموزش قرآن مشغول بودند خودآگاهي لازم را از علوم قرآني نداشتند بنا بر اين امروز نبايد برنامه قرآني دانش‌آموزان سنگين و سخت باشد.

اين مرجع تقليد بر ضرورت حفظ قرآن در مدارس کشور تاکيد و اظهار کرد: اگر امکان دارد به برخي دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند مرخصي يك‌ساله دهيد تا در اين مدت به حفظ قرآن بپردازند؛ البته اين طرح به گونه‌اي باشد که به برنامه‌هاي وزارتخانه لطمه‌اي وارد نشود.

برنامه حفظ قرآن هم‌اينک در برخي کشورها انجام مي‌گيرد و سزاوار است که در جمهوري اسلامي نيز اين برنامه اجرا شود.

وي در بخش ديگري از سخنان خود يادآور شد: کتاب‌هاي درسي به گونه‌اي تنظيم شود که همه دانش‌آموزان را به سوي خدا هدايت کند. مثلاً اگر مي‌خواهيد فرضيه داروين را مطرح کنيد بايد به گونه‌اي آموزش دهيد که يك طرف آن طبيعت و طرف ديگر آن خدا باشد.

آيت الله سبحاني با بيان اينکه معلم در تعليم و تربيت حرف اول را مي‌زند، افزود:

دانش‌آموزان با ديده عظمت به معلم نگاه مي‌کنند و سخن او را لوح محفوظ تلقي مي‌کنند، بنا بر اين اگر معلم با اخلاق، دين‌دار و عالم باشد، بسياري از مشکلات جامعه حل مي‌شود منبع: روزنامه جمهوري

اسلامی 17 آذر 1390

شیوع آسم رو به افزایش و سرعت آن میان کودکان بیشتر از افراد بالغ است

میزان شیوع آسم در ایران بین 10 تا 35 درصد بوده و سرعت آن در کودکان بیشتر از بالغان است

یک متخصص بیماری های کودکان گفت: متأسفانه شیوع آسم در ایران رو به افزایش بوده و سرعت آن در میان کودکان بیشتر از افراد بالغ است.

رضا رضایی طاهری در گفت و گو با فارس، آسم را یکی از معضلات مهم بهداشتی در جوامع مختلف و از جمله کشورمان دانست و اظهار داشت: متأسفانه شیوع آسم در ایران رو به افزایش و سرعت آن در کودکان بیشتر از بالغان است همچنین مطابق مطالعات انجام شده میزان شیوع آسم در ایران بین 10 تا 35 درصد گزارش شده است.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا مصرف آنتی بیوتیک در دوران شیرخوارگی خطر آسم کودکی را کاهش می دهد یا خیر، افزود:

در آمریکا سالانه نزدیک به یک میلیون نسخه با تجویز بی رویه آنتی بیوتیک برای درمان آسم نوشته می شود که از یک سو مقاومت و عوارض دارویی را افزایش داده و هزینه ها را بالا می برد و از سوی دیگر خطر ابتلا به بیماری های حساسیتی را دوجندان می کند. این متخصص بیماری های کودکان بیان کرد:

مطالعات نشان می دهد که شانس ابتلا به آسم در کودکانی که در 6 ماه نخست زندگی، آنتی بیوتیک مصرف کرده باشند، 52 درصد بیش از آنهایی است که آنتی بیوتیک مصرف نکرده باشند؛ مصرف آنتی بیوتیک ها و بالا رفتن خطر آسم و آلرژی به "فرضیه بهداشتی" مربوط می شود که افزایش شیوع آسم در جوامع پیشرفته که فرزندان آنها در وضعیت بهداشتی مطلوب رشد می کنند، را توجیه می کند. وی خاطرنشان کرد: کودکان آمریکایی در 6 ماه نخست زندگی با آنتی بیوتیک تماس پیدا می کنند که

عمدتاً به دلیل عفونت های ویروسی دستگاه تنفسی فوقانی است که آنتی بیوتیک تأثیری بر آنها ندارد. عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران تصریح کرد: وضعیت در کشور ما اگر از آمریکا بدتر نباشد، بهتر هم نیست و تجویز آنتی بیوتیک های وسیع الطیف رو به افزایش است؛ مطالعات جدید باید پزشکان را به اجتناب از مصرف بی رویه و غیرضروری آنتی بیوتیک مخصوصاً در کودکان کم خطر ترغیب کند و در صورت نیاز به دارو از بکارگیری داروهای وسیع الطیف خودداری شود. به گزارش توانا، اصطلاح «فرضیه بهداشت» بیان می کند که محیط های کاملاً بهداشتی و ضد عفونی شده ای که بسیاری از کودکان کشورهای توسعه یافته در آنها رشد می کنند، ابتلا به آسم و آلرژی را افزایش می دهند. براساس این فرضیه، زمانی سیستم ایمنی انسان برای مبارزه با موجودات ریز محیطی آماده بود اما با روی کار آمدن بهداشت و از بین رفتن این موجودات، سیستم ایمنی دیگر کار زیادی برای انجام دادن ندارد بنابراین با دشمنی می جنگد که در واقع وجود ندارد و در برخی موارد به سلول های بدن حمله کرده یا موادی را دشمن بدن در نظر می گیرد که در حقیقت هیچ ضرری برای بدن ندارند و به این ترتیب ممکن است جلوی ورود موجوداتی به بدن که برای رشد سیستم ایمنی مفید هستند را بگیرد. مردم سالاری 21 آذر 1390

آن روز من تفنگ ساچمه‌ای پدرم را برداشتم و بیرون آمدم.

می‌خواستم گنجشک شکار کنم و پیش دوستانم کم نیاورم و بگویم چقدر قوی هستم. به بچه‌ها گفتم تفنگ دارم و حالا می‌بینید چه می‌کنم اصلاً نمی‌خواستم آنها را بترسانم، بلد هم نبودم، معذرت می‌خواهم

پسری که به سبک فیلم‌های وسترن آمریکایی با تفنگ بادی با دوستانش شوخی کرد و باعث کور شدن چشم یکی از آنها شد، با درخواست قصاص چشم از سوی شاکی پای میز محاکمه رفت. دوازده فروردین امسال پرستاران بیمارستانی در کرج خبر دادند پسر بچه‌ای به نام محمد یک چشم خود را از دست داده است.

ماموران زمانی در محل حاضر شدند که محمد از بیهوشی خارج شده بود. او ادعا کرد دوستش علی وی را مورد اصابت گلوله تفنگ بادی قرار داده است.

این نوجوان گفت: من و بچه‌ها در خیابان داشتیم بازی می‌کردیم که علی آمد و تفنگی در دستش بود. او مثل فیلم‌های سینمایی سلاح را به سمت ما گرفت و گفت دست‌ها بالا بعد شلیک کرد و من بعد از آن متوجه چیزی نشدم. پلیس با توجه به گفته‌های این نوجوان، علی -پسر ۱۶ ساله- را بازداشت کرد. او اتهامش را پذیرفت و گفت شلیک من باعث کور شدن محمد شد اما نمی‌خواستم این کار را بکنم و آن ماجرا یک شوخی بود.

تحقیقات از این دو نوجوان تکمیل و پرونده با صدور کیفرخواست برای محاکمه به شعبه اول دادگاه کیفری استان البرز نزد قاضی رنجبر رییس دادگاه و چهار قاضی مستشار (مینایی، سهرابی، اصف‌الحسینی و بصیرنیا) فرستاده و روز گذشته جلسه رسیدگی به این پرونده برگزار شد.

در ابتدای جلسه نماینده دادستان البرز در جایگاه حاضر شد و برای علی درخواست صدور مجازات قانونی کرد. او گفت: براساس تحقیقاتی که ما انجام دادیم علی با برداشتن تفنگ ساچمه‌ای از خانه بیرون رفت و قصد داشت برای دوستانش قدرت‌نمایی کند که این اتفاق رخ داد.

علی تفنگ ساچمه‌ای را به سمت محمد نشانه رفت و درست چشمش را هدف گرفت. ما تحقیقات زیادی در این خصوص انجام دادیم و متهم خودش هم به جرم ارتكابی اعتراف کرده است. صحنه حادثه بازسازی شده و مقرون به واقع است ضمن اینکه شاهدان هم در این خصوص شهادت داده‌اند، بنابراین با توجه به اینکه مدارک کافی در پرونده وجود دارد به عنوان نماینده دادستان درخواست مجازات برای متهم را دارم.

سپس محمد نوجوان دوازده ساله در جایگاه حاضر شد. او گفت: وقتی علی از خانه بیرون آمد به ما گفت هر کس بماند او را می‌زنم بچه‌ها زیاد بودند. همه فرار کردند اما من ماندم و او یکدفعه به سمت شلیک کرد و من دیگر متوجه چیزی نشدم. وقتی به هوش آمدم، دیدیم در بیمارستان هستم و چشم چپم جایی را نمی‌بیند. اصلاً باورم نمی‌شد کور شده‌ام و هنوز هم که ماه‌ها از این حادثه گذشته، نمی‌توانم این حادثه را فراموش کنم و برای متهم درخواست مجازات دارم.

در ادامه مادر محمد در جایگاه حاضر شد و با توجه به اینکه پسرش هنوز به سن قانونی نرسیده بود، به عنوان قیم قانونی او درخواست کرد عامل کور شدن پسرش، قصاص شود. او گفت: محمد یک پسر بچه است و از دست دادن چشمش سرنوشت او را تحت تاثیر قرار داده و پسر دیگر نمی‌تواند مثل سابق زندگی کند. او می‌توانست آدم خیلی موفقی شود و حالا که علی با رفتارش باعث تغییر سرنوشت پسر شده، من درخواست صدور قصاص برای او را دارم تا متوجه شود چه بر سر پسر آورده است. سپس علی به جایگاه فراخوانده شد.

او گفت: من اتهام را قبول دارم و از اینکه باعث شدم محمد کور شود، معذرت می‌خواهم. آن روز من تفنگ ساچمه‌ای پدرم را برداشتم و بیرون آمدم. می‌خواستم گنجشک شکار کنم و پیش دوستانم کم نیاورم و بگویم چقدر قوی هستم. به بچه‌ها گفتم تفنگ دارم و حالا می‌بینید چه می‌کنم اصلاً نمی‌خواستم آنها را بترسانم، بلد هم نبودم ماشه را بچکانم بچه‌ها خودشان ترسیدند و فرار کردند، من هم می‌خواستم وقتی گنجشک را زدم، جسدش را به دوستانم نشان دهم و احساس غرور کنم اما نمی‌دانم چه شد که این اتفاق افتاد من می‌خواستم به سمت بالا شلیک کنم اما هول کردم و دستم لرزید. از محمد و مادرش عذرخواهی می‌کنم و درخواست دارم مرا ببخشند. ما با هم همسایه هستیم و من با محمد هیچ مشکلی هم نداشتم و ندارم. او دوست من بود. قصاص چشم من مشکلی را برای محمد حل نمی‌کند. درخواست دارم پیشنهاد دیگری را برای حل این مشکل بدهد.

در این هنگام قاضی رنجبر پایان جلسه اول محاکمه را اعلام و ادامه رسیدگی به پرونده را به بعد موکول کرد. روزنامه شرق 22 آذر 1390

یک شادی عمیق و زلال کودکانه قبل از میغات



امین پسر آقای طاهری، کاهن پسر بابک داشاب، محمد عرفان پسر دلیرثانی

50 نوزاد مریوانی مرده به دنیا می آیند

۵۰ نوزاد مریوانی مرده به دنیا می آیند و ۲۰ نوزاد نیز پس از تولد معلول می شوند



نماینده سروآباد و مریوان در مجلس، با اعلام اینکه وضعیت بهداشت و درمان در کردستان و به خصوص مریوان تأسف بار است، خطاب به وزیر بهداشت گفت:

خانم وزیر اجازه ندهید که هوس پول پرستی برخی پزشکان بر احساسات زنانه و مادرانه غلبه کند. به گزارش آژانس خبری موکریان و به نقل از منابع داخلی، اقبال محمدی در نشست علنی امروز مجلس (سه شنبه ۲۹ آذرماه) در نطق میان دستور خود با ارائه آمار از وضعیت تأسف بار بهداشت و درمان در استان کردستان گفت:

براساس این آمار ۵۰ نوزاد مریوانی مرده به دنیا آیند و ۲۰ نوزاد نیز پس از تولد معلول می شوند. وی با اشاره به آمار مرکز آمار کشور گفت:

براساس این آمار استان های تهران و البرز به تنهایی یک سوم و استان های خوزستان، اصفهان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی نیز یک سوم و ۲۴ استان کشور نیز تنها به همین مقدار سهم تولید ناخالص داخلی را دارا هستند.

محمدی با بیان اینکه این تبعیض ناروا منجر به مهاجرت، بیکاری و فقر در برخی استان به خصوص کردستان شده است، افزود: بیکاری، تورم، تعطیلی شرکت ها و واحدهای تولیدی و تأخیر در حقوق و مزایای کارگران از ۴ تا ۶ ماه، نبود شغل برای فارغ التحصیلان گوشه ای از مشکلات اقتصادی کشور و کردستان است. این عضو کمیسیون کشاورزی مجلس هشتم، ادامه داد:

دولت باید در حل این مشکلات به صورت عملی و نه شعاری توجه ویژه داشته باشد، هرگاه از محرومیت و ستم دیده سخن به میان آید، ناخودآگاه به یاد قوم کرد می افتیم.

وی با تأکید بر اینکه کردستان هنوز از نظر شاخص های اقتصادی، اجتماعی و صنعتی در پایین رده قرار دارد، گفت: مردم کرد هنوز برای اجرای اصول ۱۲ و ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی انتظار می کشند، این اصول بر تدریس زبان کردی در مناطق کرد نشین تأکید دارد.

محمدی تصریح کرد: در حوزه بهداشت و درمان نیز با آمار فزاینده مبتلایان به ایدز و اعتیاد مواجه هستیم؛ اما در جهان و حتی در کشورهای آفریقایی روند این بیماری ها رو به کاهش است، آنچه که تأسف بار است عملکرد ناموفق مدیران بهداشت و درمان در استان های محروم است.

نماینده مرد سروآباد و مریوان در مجلس، یادآور شد: در کمال تعجب شاهد ۷ مورد مرگ زنان حین زایمان در شهرستان مریوان بودیم، در حالی که استاندارد آن ۲۲ نفر در هر یک صد هزار زایمان است. وی خطاب به وزیر بهداشت گفت:

آیا این افزایش ۳ هزار و ۵۰۰ درصدی میزان مرگ و میر زنان باردار در شهر مریوان، ارزش بررسی و علت یابی ندارد؟

تا چه زمانی خانواده های مریوانی باید داغدار از دست رفتن عزیزان خود باشند.

محمدی این آمار را تأسف بار و علت آن را ناکارآمدی مدیران بهداشتی کشور دانست و ادامه داد: علاوه بر این ۵۰ نوزاد به صورت مرده متولد و ۲۰ نوزاد معلول به دنیا می آیند، این آمار حتی برای عقب مانده ترین جوامع قابل قبول نیست؛ اگر وجود نیروی متخصص به اندازه کافی، هزینه تلقی شود، پس هر دقیقه چندین جنین و نوزاد دچار مرگ مغزی می شوند، هزینه نیست؟

این عضو کمیسیون کشاورزی مجلس هستم افزود: خانم وزیر اجازه ندهید که هوس پول پرستی پزشکان بر احساسات زنان و مادرانه غلبه کند؛ یتیمان روستاهای کردستان دیگر به انتظار وعده های دولت مانند سود سهام عدالت نیستند و یارانه ها هم اگر با تأخیر به حساب ریخته شوند، نگرانی ندارند. به گفته محمدی، البته نباید زحمت و تلاش برخی پزشکان متعهد را نادید گرفت به خصوص بهورزان که به محروم ترین قشر مردم بدون منت خدمت می کنند. وی همچنین خواستار حل مشکلات عمرانی، اقتصادی و اجتماعی حوزه انتخابیه اش از سوی دولت شد. تابناک 29 آذر

گشتن بچه 7 ماهه

پدر !! فرزند هفت ماهه اش "محسن"، را با وارد کردن جسم سخت به ناحیه سر و گردن، کشت .

فردی در ساوجبلاغ، با وارد کردن جسم سخت به ناحیه سر و گردن فرزند هفت ماهه اش "محسن"، وی را به قتل رساند.

گفته می شود این فرد که پس از مصرف مواد مخدر با وارد کردن جسمی سخت به سر و گردن فرزندش باعث مرگ وی شده است، توسط پلیس آگاهی شناسایی و دستگیر شده است.

به گزارش مهر، سرهنگ مهدی یارندی معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان البرز در تشریح این خبر گفت: "در پی دریافت گزارشی مبنی بر وقوع یک فقره فوت مشکوک در یکی از بیمارستانهای شهرستان ساوجبلاغ ماموران پلیس آگاهی این شهرستان برای پیگیری موضوع به بیمارستان اعزام شدند."

وی در ادامه گفت: "ماموران پس از حضور در بیمارستان پی بردند که جسد متعلق به کودک هفت ماهه ای به نام محسن است که از ناحیه سر و جمجمه دچار شکستگی و در نتیجه مرگ مغزی شده است."

ماموران بلافاصله جهت پی بردن به علت قتل، پدر بزرگ وی را که در بیمارستان حضور داشت تحت بازجویی قرار دادند که طبق گفته های وی کودک توسط پدرش که اعتیاد شدید به مواد مخدر دارد و دچار اختلاف شدید با همسرش نیز است مورد ضرب و جرح قرار گرفته و به قتل رسیده است.

سرهنگ یارندی تصریح کرد:

"در پی اظهارات پدربزرگ مقتول، ماموران با انجام کارهای اطلاعاتی مخفیگاه پدر کودک را شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه وی را دستگیر و تحت بازجویی قرار دادند که وی اذعان داشت که همسرمدتی است که به علت اعتیاد بنده و مشکلات شدید مالی خانه را رها کرده و من نیز کودک هفت ماهه‌ام را به منزل پدرم بردم."

پدر کودک ادامه داد: "با توجه به اینکه محسن در منزل پدر بی‌تابی می‌کرد، وی را بغل کرده و به بیرون منزل بردم اما با توجه به اعتیاد کنترل‌م را از دست داده و کودک از آغوشم به زمین افتاد و دچار مرگ مغزی شد."

سرهنگ یارندی افزود: "با توجه به نظریه پزشک قانونی مبنی بر اصابت جسم سخت به ناحیه سر، صحنه حادثه مجدداً بازسازی شد و پدر کودک که در شرح جزئیات ماجرا دچار تناقض گویی شده بود و چاره‌ای جز اعتراف نداشت به قتل عمد فرزند خود اقرار کرده و گفت که در روز حادثه محسن بسیار بی‌قراری می‌کرد و وی که از دست گریه‌های او بسیار عصبانی شده بود با زدن چوبدستی به گردن کودک برای آرام کردنش باعث مرگ مغزی و در نتیجه مرگ او شد." هرانا 17 آذر

شب‌ها را در خیابان و پارک می‌خوابیم.

شب‌ها را در خیابان و پارک می‌خوابیم. همسرم شب‌ها در یک مرغداری می‌خوابد. من و دو پسر هم چند شب است که در این باغ می‌خوابیم. من، همسر و پسر بزرگم به ماده مخدر شیشه معتادیم.

رسیدگی به پرونده قتل کودک پنج‌ساله‌ای که به دست برادر ۱۵ ساله‌اش از پا درآمده است، به‌زودی در دادگاه کیفری استان البرز آغاز می‌شود.

ماموران پلیس ماه‌دشت کرج روز پنجم دی سال گذشته وقتی از مرگ مشکوک پسر بچه خردسالی در یکی از باغ‌های اطراف شهر باخبر شدند برای پیگیری موضوع به آنجا رفتند و جسد را مشاهده کردند. آنها فهمیدند پدر و برادر این کودک نیز در باغ حضور دارند به همین دلیل به بازجویی از مرد میانسال پرداختند.

به نوشته روزنامه شرق، او با ابراز بی‌اطلاعی از چگونگی مرگ فرزندش گفت: "من، همسر و پسر بزرگم به ماده مخدر شیشه اعتیاد داریم و از طرفی خانه‌ای هم نداریم برای همین شب‌ها را در خیابان و پارک می‌خوابیم. همسرم چند وقتی است یک مرغداری را پیدا کرده و شب‌ها در آنجا می‌خوابد من و دو پسر هم چند شب بود به این باغ می‌آمدیم. دیشب پسر کوچکم امیر بین من و برادرش خوابید اما صبح که بیدار شدم اثری از او نبود برای همین از برادرش امید خواستم دنبال او بگردد امید هم بعد از کمی جست‌وجو جسد برادرش را پیدا کرد و به من گفت حیوانات وحشی او را کشته‌اند."

پدر امیر در حالی این ادعا را مطرح کرد که روی بدن کودک پنج‌ساله اثری از حمله حیوانات وحشی دیده نمی‌شد. به همین دلیل جنازه به پزشکی قانونی انتقال یافت و متخصصان بعد از انجام آزمایش‌های لازم اعلام کردند پسر بچه به دلیل اصابت جسمی سخت به سرش دچار خونریزی داخلی شدید شده و جانش را از دست داده است. پس از اعلام این نظریه برادر مقتول تحت بازجویی قرار گرفت او همان حرف‌های پدرش را تکرار کرد و گفت: "شب که ما خواب بودیم برادرم برای بازی به وسط باغ رفت و در آنجا توسط حیوانات کشته شد."

درحالی که به نظر می‌رسید مظنون ۱۵ ساله موضوعی را پنهان می‌کند، بازجویی از وی ادامه یافت و او سرانجام به کشتن برادر خردسالش اقرار کرد. امید در اعترافاتش گفت: "آن شب شیشه کشیده بودم و حال خوبی نداشتم برادرم مرتب شیطنت می‌کرد و دوست داشت بازی کند. پدرم به من گفت کمی امیر را سرگرم کنم من هم همراه او به وسط باغ رفتم اما هر کاری کردم امیر آرام نشد. به شدت خواب‌آلود بودم و مصرف شیشه باعث شده بود کنترلم را از دست بدهم برای همین در یک لحظه به برادرم حمله کردم و دستانم را دور گلویش فشار دادم آنقدر به این کار ادامه دادم تا امیر روی زمین افتاد بعد میله‌ای را که آن نزدیکی بود برداشتم و ضربه‌ای به سر او زدم و پیش پدرم برگشتم و خوابیدم." متهم به قتل ادامه داد: "صبح وقتی پدرم از من خواست امیر را پیدا کنم وانمود کردم دنبال او می‌گردم بعد از چند دقیقه هم ادعا کردم حیوانات او را کشته‌اند."

بر اساس این گزارش، امید بعد از تشریح چگونگی قتل به بازسازی صحنه جرم پرداخت و با دستور قضایی بازداشت شد. امید در جلسات بازپرسی نیز همین اعترافات را تایید کرد و سپس برای وی قرار مجرمیت و کیفرخواست صادر شد و قرار است او به‌زودی در دادگاه کیفری استان البرز از خودش دفاع کند. هرانا 30 آذر

دستگیری يك دختر 12 ساله به اتهام سرقت خبر داد.



روز حادثه با دگر مادرم مرا با او دید. پس از مشاجره مرا به زور به خانه آورد و کتکم زد.

دختر 12 ساله‌ای پس از مشاجره با مادرش و فرار از خانه، هنگام سرقت دستگیر شد. چند روز پیش مردی با مرکز فوریت‌های پلیسی 110 شهریار تماس گرفت و از دستگیری يك دختر 12 ساله به اتهام سرقت خبر داد. دقایقی بعد، ماموران با حضور در محل که يك مرکز خرید است، دختر متهم به سرقت را برای تحقیقات به مرکز پلیس منتقل کردند.

دختر نوجوان به پلیس گفت: چندی پیش با دختری آشنا شدم که به پسری علاقه‌مند شده بود و برای تفریح با یکدیگر به بوستان‌های شهر می‌رفتند. مادرم با اطلاع از دوستی من با دختر غریبه، خواست برای همیشه ارتباط را با او قطع کنم، اما به حرف‌های مادرم توجهی نکردم. وی اضافه کرد: دوستی من با دختر غریبه ادامه داشت تا این که روز حادثه مادرم دوباره مرا با او دید. پس از مشاجره با هر دو نفرمان، مرا به زور به خانه آورد و کتکم زد. پس از مشاجره با مادرم، هراسان از خانه بیرون آمدم تا نزد عمه‌ام در یکی از شهرهای شمالی بروم. فرار تا سرقت‌های سریالی

دختر 12 ساله با اشاره به سرقت‌های سریالی از مغازه‌های مرکز خرید شهر گفت: یک ساعتی در خیابان‌ها سرگردان بودم. پولی برای خرید غذا و تهیه بلیت سفر نداشتم. بنابراین تصمیم به سرقت گرفتم تا این که به عنوان مشتری وارد یک مرکز خرید شدم.

وی اضافه کرد: یک بار اموال مغازه‌ها را از پشت ویتترین نگاه کردم و بعد به عنوان مشتری وارد یکی از مغازه‌ها شدم. در همین موقع وقتی صاحب آنجا برای آوردن لباس به سمت انبار رفت، پول‌های او را از کشوی میز سرقت کرده و متواری شدم.

متهم افزود: پس از یک ساعت پرسه زدن در خیابان به یک مغازه لباس‌فروشی دیگر رفتم و با پول‌های دزدی لباس خریدم و با رفتن به یک رستوران غذا خوردم و با عوض کردن لباس‌هایم، دوباره به همان مرکز خرید که محل نخستین سرقتم بود، رفتم و دست به سرقت دیگری زدم.

دختر 12 ساله در رابطه با نحوه دستگیری‌اش گفت: در جریان سومین سرقت، صاحب مغازه به من ظنین شد و مرا دستگیر کرد.

بنابراین گزارش، برای متهم 12 ساله قرار قانونی صادر شده است. تحقیقات در این زمینه ادامه دارد. روزنامه جام جم 2 آذر

رشد جمع آوری زباله



اوج گرفتن بحران بیکاری و بالارفتن نرخ تورم و گرانی همراه با رشد چشمگیر شغل جمع آوری زباله

جمع آوری زباله ها شغلی برای افراد بی سرپناه، مستمند و بیکار است که این روزها با اوج گرفتن بحران بیکاری و بالارفتن نرخ تورم و گرانی ها هر روز ابعاد جدیدتری به خود می گیرد. به گونه ای که افراد فعال در این زمینه شب و روز در حال چرخ گردانی در سطح شهر تهران هستند و با زیر پا گذاشتن خیابان ها و کوچه ها به همه ی سطل های زباله گوشه و کنار خیابان سرک می کشند تا شاید چیزی برای فروش و یا پرکردن شکم بدست بیاورند. زباله های جمع آوری شده توسط این افراد معمولا به کارگاه های بازیافت انتقال داده می شود و پس از جدا کردن مواد بازیافتی به مصرف می روند. زباله جمع کن ها به عنوان یکی از آسیب پذیرترین اقشار جامعه تحت پوشش هیچ نهادی نیستند. می توان گفت جان این زباله جمع کن ها همواره در خطر است.

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

آلودگی های میکروبی و باکتریایی ناشی از تماس با انواع زباله ها و نیز سمی بودن بسیاری از زباله ها برای این زباله جمع کن ها تهدید دائمی به شمار می رود. بنابراین خطر بیماری و مرگ در کمین این افراد است. با این حال شهرداری و دیگر نهادهای آخوندی برای سامان دهی این اقشار هیچ تمهیدی نیاندیشیده اند و متاسفانه هر روز بر تعداد این افراد افزوده می گردد. موضوع زمانی حادث می شود که بدانیم بیشتر این زباله جمع کن ها کودک و نوجوان هستند. ایران کارگر 25 آذر

بی تفاوتی در مرگ دلخراش سه دانش‌آموز



بی تفاوتی در مرگ دلخراش سه دانش‌آموز

«این مدرسه زیر نظر ما نیست و وابسته به دانشگاه علوم دریانوردی چابهار است و ما تنها نظارت می‌کنیم.»

«حالا ممکن است در خوابگاهی چند پرریز روی هم قرار بگیرند و جرقه خورده باشد.»
بی‌تفاوتی در مرگ دلخراش سه دانش‌آموز در مدرسه‌یی که وزارت آموزش و پرورش - به قول وزیر - تنها نظارت بر آن را به عهده داشته است هیچگونه توجیهی نداشته و اتفاقا اندکی از بار سنگین مسوولیت جناب وزیر کم نکرده و ایشان باید پاسخگویی مرگ سه دانش‌آموز زاهدانی و مجروح شدن همکلاسی‌های دیگرشان باشد.

جملات بالا بخشی از صحبت‌های وزیر آموزش و پرورش است که تمام شعار وی، جهانی‌سازی آموزش و پرورش ایران است؛ از مجلس دانش‌آموزی جهانی گرفته تا اتصال مدارس ایران به شبکه‌های جهانی.

اکنون اما در پی مرگ دانش‌آموزان یک مدرسه شبانه‌روزی در زاهدان به جای همدردی با خانواده‌ها به سرعت به انکار نقش وزارتخانه متبوعش پرداخته است، اقدامی که در بین مدیران کشور پس از وقوع حوادث اینچنینی به امری عادی بدل شده است. در اثر اتصال سیم‌های کولر گازی، مدرسه‌یی

شبانه‌روزی در زاهدان دچار آتش‌سوزی شده و 2 دانش‌آموز در دم جان باختند و دانش‌آموز دیگر پس از انتقال به تهران و در اثر شدت جراحات جان خود را از دست داد و در این حادثه چند نفر نیز بشدت زخمی شده‌اند.

وقوع اتفاق‌های ناگوار منجر به مرگ برای دانش‌آموزان مناطق مختلف کشور سال‌هاست در حال تکرار است، بویژه دانش‌آموزان مناطقی از کشور که به دلیل فقر، مناطق «محروم» نام گرفته‌اند.

آتش‌سوزی در مدسه‌یی در سفیلان، آتش‌سوزی در مدرسه‌یی در استان فارس، واژگونی مینی‌بوس حامل دانش‌آموزان و اکنون آتش‌سوزی در مدرسه زاهدان.

هر چند مورد اخیر را وزیر گفته است: «زیر نظر ما نبوده بلکه آموزش و پرورش «ناظر» آن بوده است»، اما وزیر آموزش و پرورش اشاره‌یی به شرح وظایف خود در نظارت این مراکز آموزشی نکرده است.

اما مطابق قانون گویا تجهیزات اینگونه مدارس باید به تایید سازمان نوسازی و تجهیز مدارس رسیده و حتی نیروی انسانی هر مدرسه‌یی باید توسط هسته گزینش آموزش و پرورش تایید شود.

وزیر آموزش و پرورش در حالی از بار مسوولیت مرگ سه دانش‌آموز زاهدانی شانه خالی می‌کند که در چند ماه اخیر مصاحبه‌های مختلف با رسانه‌های مجازی و غیرمجازی وی را به وزیر پرکار در حوزه حرف و شعار و وعده‌های گوناگون بدل کرده است.

در حالی که بنا به دلایل بسیار زیادی مدیریت صحیح و کارآمد آموزش و پرورش همچنان دچار معضلاتی است:

- مدارس کپری که وزیر از ماه‌های اولیه شروع فعالیت خود وعده برچیده شدن آنها را داده است همچنان پذیرای بخشی از دانش‌آموزان ایران است.

- وسایل گرمایشی و سرمایشی مدارس استاندارد نشده است و با شروع فصل سرما بسیاری از خانواده‌ها نگران سلامتی فرزندان خود هستند، کما اینکه در سال‌های گذشته شاهد اتفاق‌های ناگوار برای دانش‌آموزان بوده‌ایم.

- بافت فرسوده مدارس هم جان دانش‌آموزان بسیاری را تهدید می‌کند. بسیاری از دانش‌آموزان در مدارس قدیمی و کهنه به تحصیل مشغول هستند و این در حالی است که بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند حضور دانش‌آموزان و معلمان در این بافت‌های کهنه و بی‌رونق و فرسوده علاوه بر تهدید سلامتی دانش‌آموزان، در شادابی و نشاط دانش‌آموزان و معلمان نیز تاثیر زیادی دارد.

- تغییر پی در پی محتوای کتب درسی باعث سردرگمی معلمان و دانش‌آموزان شده است، طوری که به اعتقاد کارشناسان دوره ابتدایی، تغییر محتوای کتاب فارسی اول دبستان در دو سال پیاپی عملاً ضربه شدیدی را به نوآموزان وارد کرده است.

- استفاده از مراکز و نهادهای غیر متخصص در تدوین کتاب‌های درسی نیز باعث نگرانی معلمان و متخصصان دلسوز باقیمانده در بدنه این وزارتخانه شده است.

بی‌تفاوتی در مرگ دلخراش سه دانش‌آموز در مدرسه‌یی که وزارت آموزش و پرورش - به قول وزیر - تنها نظارت بر آن را به عهده داشته است هیچگونه توجیهی نداشته و اتفاقاً اندکی از بار سنگین مسوولیت جناب وزیر کم نکرده و ایشان باید پاسخگویی مرگ سه دانش‌آموز زاهدانی و مجروح شدن همکلاسی‌های دیگرشان باشد.

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

وزیر محترم باید حافظ جان دانش‌آموزان در هر مدرسه‌ی در ایران باشد، هر چند استعفا از پست‌های مدیریتی پس از اشتباهات، سوءمدیریت‌ها تا به حال در بین مدیران رده‌های مختلف مرسوم نبوده است.
منبع: روزنامه اعتماد 16 آذر اخبار کودکان جهان

گپی با یک کودک خیابانی



به چراغ قرمز رسیدم. کودکی رو دیدم که داره به سمت میاد. گپی با هم زدیم:
چند سالته؟ 9 سال
همیشه این جا اسفند دود می کنی؟
اسفند دود میکنم، بادکنک میفروشم. هر کاری که بتونم میکنم...
مدرسه هم که نمیری حتما؟
الان کلاس سومم. بعضی وقتها هم مدرسه می روم.
در آمدت چقدره؟
بستگی داره. روزی 7-8 تومن...
مامورا بهت گیر میدن؟
آره. اگه گشت انتظامی بیاد فرار میکنم...
یه 2000 تومنی بهش دادم. نمیدونست از خوشحالی چه کار کنه!
داد زد آقا دعائون میکنم

از کجا می‌آیند؟ زندگیشان چگونه است؟ بازی و تفریحشان چیست؟



از کجا می‌آیند؟ زندگیشان چگونه است؟ بازی و تفریحشان چیست؟ کجا مدرسه می‌روند؟ چرا و برای چه کسی کار می‌کنند؟

رضا جمیلی، گروه اجتماعی - کودکان کار، دو کلمه که وقتی در کنار هم می‌نشینند آهنگ بیان ترکیب آنها راحت و شیرین است اما در میان ماشین‌های پشت چراغ قرمزها، در اتوبوس‌ها، مترو، خیابان‌ها و بسیاری جاهای دیگر تصاویر دل‌آزار و ناخوشایندی را به پیش چشم هر کدام از ما می‌تواند تصویر

کند، این روزها تصور خیابان‌های بدون کودکان کار در شهری که زندگی می‌کنیم آرزو و خواستی است دور از دسترس! اما این بچه‌های کم سن و سالی که با بسته‌های دستمال، آدامس، گردو، فال، جوراب و بسیاری جنس‌های کم ارزش و بی ارزش دیگر وقتی بال پیراهن آدم را بگیرند ول کن نیستند و چه خریدار جنس هایشان باشیم چه نباشیم در روز با آنها مواجه خواهیم شد، زندگی کودکانه‌شان چگونه است؟ از کجا می‌آیند؟ زندگیشان چگونه است؟ بازی و تفریحشان چیست؟ کجا مدرسه می‌روند؟ چرا و برای چه کسی کار می‌کنند؟

خیلی دور، خیلی نزدیک

مترو شوش، خیابان خیام جنوبی، کوچه‌های تنگ و باریکی که آدمی را از هیاهوی بارکش‌ها و کارتن‌ها و فضای بازار جدا می‌کند و روی دیگری از زندگی در این محله را به نمایش می‌گذارد، در یکی از همین کوچه‌های تو در تو و بن بست چند جوان دانشجو با حمایت جمعیت خیریه امام علی بسیاری از این کودکان را گرد هم آورده‌اند تا در دو اتاق کوچک اجاره‌ای مدرسه را تجربه کنند، بچه‌هایی که هر کدام زخمی بر دست و پا دارند، با چهره‌هایی به دور از تقلاهای ساختگی برای فروش جنس هایشان، با دست‌هایی که گردوشکنی آنها را سیاه کرده قلم به دست می‌گیرند تا یاد بگیرند که با «میم» به غیر از معتاد می‌توان مادر هم نوشت! حتی اگر طلاق گرفته باشد، حتی اگر معتاد باشد، زیور، زینب، فاطمه، زهرا، علی، امیر، سونیا بچه‌های کار هستند، کودکان اعتیاد و کودکان زندگی سخت، به گفته عاطفه صحرایی دانشجویی که داوطلبانه برای آموزش این بچه‌ها هفته‌ای سه روز به این مرکز می‌آید والدین بیشتر این بچه‌ها معتاد هستند، «در دروازه غار سخت است که پدر و مادری پیدا کنید که معتاد نباشند، درآمد کار این بچه‌ها هم صرف اعتیاد والدین می‌شود.» وقتی از فاطمه که گوشه لبش زخم بزرگی دارد می‌پرسم که پدرت چه کاره است؟ در جواب می‌گوید: «چیزی نمی‌کنند!» به نظر می‌آید سؤالی که بیشتر در ارتباط با پدر از او پرسیده شده این بوده که آیا پدرت معتاد است یا خیر؟!

فاطمه می‌گوید در مترو مولوی دستمال می‌فروشد، خوش‌شانس باشد روزی دو بسته می‌فروشد، پولش را هم در پایان روز به پدرش می‌دهد، زینب گردو می‌شکند، وقتی سؤال کلیشه‌ای دوست داشتن یا نداشتن این کار را از او می‌پرسم کودکانه شکایت می‌کند که اصلاً این کار را دوست ندارد: «دست آدم درد می‌آید، دستم پاره می‌شود.» اما به نظر می‌آید سلامتی این بچه‌ها آخرین چیزی است که پدر و مادرها به آن فکر می‌کنند، واحدی که مسئولیت اداره این مرکز را بر عهده دارد به قانون می‌گوید:

«بارها پیش آمده که بچه‌ها به مرکز آمده‌اند و جای سوختگی روی پاهای آنها و یا زخم‌هایی روی بدنشان بوده است، یا روی ذغال و منقل پدر و مادرشان پا گذاشته‌اند و یا مورد خشونت آنها قرار گرفته‌اند، اینجا بچه‌هایی داریم که بعد از تولد که واکسن زده‌اند دیگر هیچ واکسنی را نزده‌اند و هیچ وقت برای درمان هم به دکتر برده نمی‌شوند.» بچه‌هایی که چیزی برای فروختن ندارند دستشان را جلوی رهگذران پیاده‌روها و یا مسافران مترو دراز می‌کنند، زیور می‌گوید با برادرش می‌روند گدایی، پول این گدایی هم خرج دود پداری می‌شود که به گفته او «مریض است و در خانه افتاده است.» یکی از معلمان مرکز عکسی را از یک کودک به ما نشان می‌دهد که قسمتی از موهایش تراشیده شده است، او می‌گوید موهای این بچه‌ها را این‌گونه می‌تراشند تا هنگام فروش مواد راحت‌تر تشخیص داده شوند، یک الگوی ساده برای بالا بردن فروش مواد از طریق بچه‌هایی که فقط شب که به خانه می‌روند باید دست پر باشند تا کتک کمتری بخورند! اداره کردن این بچه‌ها و نگه داشتن آنها در کلاس،

کاری طاقت فرسا است، بچه‌هایی که یاد گرفته‌اند در جامعه برای فروختن جنس‌هایشان و یا پول گرفتن از دیگران هر ترفندی را به کار گیرند بسیار پرخاشگر و تهاجمی هستند اما یک وعده غذای گرم برای بیشتر آنها انگیزه خوبی است که حتماً کلاس‌ها را شرکت کنند، موهای رنگ پریده آنها حکایت از سوء تغذیه شدید این کودکان دارد، بچه‌هایی که هفته‌ای سه وعده غذای گرم را احتمالاً تنها در همین مدرسه کوچک می‌خورند، نشانه‌های بارز فقر ویتامین و آهن و بسیاری مشکلات سلامتی دیگر را در اندام نحیفشان می‌توان دید.

کرایه دادن و فروش کودکان



خیلی از کودکان کار در محله دروازه غار فاقد شناسنامه هستند، یکی از اهالی محل می‌گوید: «پدر و مادر این بچه‌ها اکثراً شناسنامه ندارند، بچه‌هایشان را هم در شناسنامه برادر و یا خواهر همدیگر ثبت می‌کنند.» برای والدینی که خود کودکی مشابهی را از سر گذرانده‌اند این بچه‌ها فقط ابزار هستند، با آنها پول مصرف مواد مخدر را درمی‌آورند، خیلی راحت بچه‌هایشان را به همدیگر قرض می‌دهند و حتی می‌فروشند!

واحدی می‌گوید: «خیلی وقت‌ها بچه‌ها را به همسایه‌ها و یا فامیل کرایه می‌دهند تا برای آنها گدایی کنند اما مشکل بدتر این است که از آنها هر نوع سوء استفاده دیگری هم می‌شود، دختر یازده ساله‌ای را در همین مرکز داریم که پیرمرد 70 ساله‌ای در ازای روزی 5 هزار تومان از او سوء استفاده می‌کند، برای خانواده هم تنها همان پولی که به خانه می‌برد مهم است.»

وقتی این بچه ها از خانه ای که هیچ شباهتی به مدرسه ندارد اما معلمانش با عشق به آنها یاد می دهند که با میم چه کلماتی را می توان نوشت خارج می شوند راهی کوچه پس کوچه هائی می شوند که خیلی راحت می توان اعتیاد، فقر و هزار معضل دیگر را در جای، جای آنها دید، در گوشه ای جوانی در حال تزریق مواد است، زنی جوان اما معتاد بر سر قیمت موادی که خریده جر و بحث می کند و کودکان دروازه غار در این میان به بازی مشغول می شوند تا فردا یک روز کاری دیگر را شروع کنند. اخبار کودکان جهان 25 آذر

از وحشیگری این حیوان صفتان پیشگیری کنید.



قابل توجه مسئولین مرتبط
محل: دبیرستان نمونه خاتم النبای خاش
ضارب: مدیر مدرسه، جواد راستگو
از وحشیگری این حیوان صفتان پیشگیری کنید.

ازدواج کودکان



شهرستان میناب 3 کودک، شهرستان بندرلنگه 1 کودک
و در شهرستان بندرعباس نیز 1 کودک

مدیر کل ثبت احوال هرمزگان از ازدواج پنج دختر زیر 10 سال در استان هرمزگان خبر داد. "رضا غلامپور" افزود:

پنج واقعه ازدواج دختران زیر 10 سال در استان وجود داشته که سه واقعه در شهرستان میناب، یک واقعه در شهرستان بندرلنگه و یک مورد در شهرستان بندرعباس رخ داده است.

وی اضافه کرد:

کمترین واقعه طلاق در شهرستان پارسیان رخ داده و بیشترین ازدواج نیز در این شهرستان صورت گرفته است.

بعد از آن : شهرهای میناب، بستک و قشم کمترین نرخ طلاق را داشته‌اند و بندرعباس و رودان بیشترین نرخ طلاق را به خود اختصاص داده‌اند. خبر آنلاین 3 دی ماه

قتل یک کودک یک روزه

پدر نوزاد را از مادر گرفته و زن از آن لحظه به بعد اطلاعی از شوهر و فرزندش ندارد.

پدری که پسر یک روزه‌اش را پس از تولد درون یک کیسه پلاستیک زباله قرار داده و باعث فوت وی شده بود، دستگیر شد.

مأموران آگاهی طبس از وجود جسد نوزادی در نزدیکی یکی از داروخانه‌های بخش «دستگردان» شهرستان مطلع شدند که پس از هماهنگی با دادرس دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان در محل حاضر و مشاهده کردند جسد متعلق به نوزاد پسر یک روزه‌ای است که بدن وی بصورت لخت و عریان درون یک پلاستیک زباله قرار گرفته و از ناحیه سر دارای خونریزی است.

به گزارش ایسنا، در ادامه جسد نوزاد به بهداری عشق‌آباد طبس منتقل و آزمایشات اولیه انجام و مشخص شد از زمان تولد وی کمتر از یک یا دو ساعت می‌گذرد که با توجه به حساسیت موضوع، تحقیقات محلی و مقدماتی آغاز و زن مطلقه 27 ساله‌ای شناسایی و پس از دلالت وی به یگان انتظامی در بازرسی مشخص شد وی روز قبل وضع حمل کرده است.

این زن در اظهارات خود مدعی شده از مدت‌ها قبل صیغه مردی 54 ساله بوده و از وی باردار شده است اما شوهرش نمی‌خواسته موضوع فرزنددار شدنشان را بپذیرد به همین دلیل از وی خواسته برای وضع حمل به بیمارستان مراجعه نکند.

سرانجام پس از به دنیا آمدن نوزاد در منزل شوهر صیغه‌ای زن، وی به منزل آمده و با این بهانه که نوزاد در شرایط بدی متولد شده و باید او را برای مداوا و تحت نظر قرار دادن به بهداری منتقل کرد، نوزاد را از مادرش گرفته و زن نیز از آن لحظه به بعد اطلاعی از شوهرش ندارد.

به دنبال اعترافات زن، شوهر وی نیز دستگیر و پس از تشکیل پرونده، هر دو به دادسرا معرفی و پس از صدور قرار قانونی روانه زندان شدند.

جسد نوزاد نیز به منظور تعیین علت فوت و این که در زمان تولد زنده بوده یا خیر تحویل پزشکی قانونی شهرستان شده است. خبرگزاری ایسنا 5 دیماه



میثم عبادی ی شهید ۱۶ ساله جنبش سبز

میثم عبادی ی شهید ۱۶ ساله جنبش سبز، که در روز ۲۴ خرداد ماه مورد اصابت گلوله قرار گرفت. اما بعد از دو سال و هشت ماه هنوز قاتل وی آزاد است

میثم عبادی یکی از نخستین و جوانترین شهدای جنبش سبز است که در سن ۱۶ سالگی در روز ۲۴ خرداد ماه مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. اما با گذشت دو سال و هشت ماه از شهادتش هنوز ضارب وی آزاد است. این در حالی است که دستگاه قضایی کشور پرونده را عملاً مختومه اعلام کرده و یکی از قضات گفته که زورتان نمی رسد پس پیگیری نکنید!

اصغر عبادی پدر میثم شهید در خصوص آخرین وضعیت پرونده رسیدگی به قتل فرزندش به جرس می گوید: «الان نزدیک به شش – هفت ماه است که پرونده میثم را مختومه اعلام کرده اند یعنی قاضی پرونده گفت از نظر من پرونده مختومه است و اگر خبری شد به شما زنگ می زنیم. باز هفته گذشته برای پیگیری مراجعه کردم اما هیچ و همان پاسخ را دادند. الان نزدیک به سه سال می شود که مدام می روم و می آیم دیگر نمی دانم به کجا مراجعه کنم که جوابم را بدهند.

در این مدت آنقدر پشت در ایستاده ام و حرفهای بد شنیده ام که باور نمی کنید. پیر شدیم و حال و روزی برایمان باقی نمانده است. در این دو سال و چند ماه مدام قاتل میثم جلوی چشمان است، چه کنیم زورمان نمی رسد.

اول یک قاضی به نام آقای شاملو پرونده را رسیدگی می کرد که خوب بود اما بعد از چند ماه ایشان را به کیفری دو منتقل کردند و پرونده از شعبه یک جنایی به سه جنایی منتقل شد و تقریباً هشت ماه معلق بود و بعد دو سه ماه گفتند پرونده مختومه است. وکیلی که برای پرونده گرفتیم پرونده را مطالعه کرد و گفت یک بسیجی ضارب پسرم بوده و فرمانده آن پایگاه در این مدت نیامده که بگوید این بسیجی دستور داشته یا نداشته است.

خلاصه بعد از مدتی آزادش کردند و زمانیکه دوباره به قاضی اول مراجعه کردم دوستانه به من گفت بابا این یک بسیجی است و زورت نمی رسد پیگیری نکن.

گفتم پس شما می گوئید چکار کنم خون بچه من پایمال شده و من نفهمیدم چرا بچه من کشته شده است؟ بعد هم که دوباره پیگیری کردم گفتند چقدر می آیی پرونده از نظر ما مختومه است اگر خبری شد با شما تماس می گیریم. اول که یک شخص بی گناه دیگری را معرفی کرده بودند بعد که او اتهام را رد کرده بود و گفته بود اصلاً در آن روز در تهران نبوده است. به آدرسش مراجعه کردم دیدم اصلاً یک آدم بی گناه و از ما بدبخت تر است و فروشنده یک بقالی است، با مشخصات ضارب جور در نمی آید. بعد متوجه شدیم که می خواستند این بنده خدا را بعنوان قاتل معرفی کنند.

همه شواهد مشخص می کند که آن بسیجی قاتل است مردم هم شاهد بودند که بسیجی ها بطرف مردم شلیک می کردند. البته مردن برای همه است اما از اینکه قاتل ول و آزاد باشد خیلی دردآور و ناراحت کننده است. اصلاً اینقدر سرد برخورد می کنند و انگار طلبکار هم هستند.

او ادامه می دهد: “میثم شانزده سالش بود و جوانترین و اولین شهید این جنبش سبز است زیرا قبل از دستور شلیک سپاه به مردم میثم کشته شده و در آن روزی که آقای احمدی نژاد آمده بود جشن بگیرد میثم کشته شد. آن روز میثم با دوستش بود و یکی که دیده بود مردم را با باتوم می زنند در خانه اش را باز کرده بود دوست میثم به آن خانه پناه می برد و میثم جا می ماند.

مشکل این است که اصلاً نمی دانم چرا بچه ام کشته شده است من نه همه می خواهند بدانند بچه هایشان چرا کشته شده اند؟”

طیبت امامی مادر میثم به دشواری قادر است صحبت کند و با بغض و لرزشی در صدایش می گوید: “نبود میثم مریضم کرده است هر روز می روم جاییکه می خوابید و آرام آرام گریه می کنم. میثم بچه آخرمان بود خیلی دوستش داشتم و خیلی دلسوز بود.

اینقدر این بچه مهربان و دلسوز بود که حتی کسی می گفت شلوار ندارم شلوارش را می آورد و می داد... هنوز مرگش را باور ندارم گاهی به در خیره می شوم و منتظرم تا از در وارد شود. برادرم هم در سال ۶۵ در جبهه های جنگ تحمیلی هشت ساله بشهادت رسید و می دانم که او را دشمن کشت اما الان پسرم را نمی دانم چرا کشتند...” (به علت گریه قادر به ادامه صحبت نبود)

اصغر عبادی با اشاره به دلالتگی ها اعضای خانواده برای میثم ادامه می دهد: “یک روز در هیئت محله، دوست های میثم عکسش را در هیئت چسبانده بودند بعد چند روز که مادر میثم دوباره می رود آنجا و می بیند که عکس میثم به دیوار نیست، نزدیک بود سخته کند و خانمهای محل به او رسیدند تا حال خودش را پیدا کند.

واقعا سخت است... الان یکی از خواهرهای میثم از درد کشته شدن او حالش بشدت بد است و هر روز نوحه می گذارد و گریه می کند.

او عصای دست ما بود خیلی دلسوز بود و حتی زمانیکه مشکلات مالی زیادی داشتیم میثم درسش را رها کرد و کار می کرد تا کمک خرج ما باشد...”

گفتنی است، خانم زهرا رهنورد همسر میر حسین موسوی پیش از این حصر در دیداری با خانواده شهید میثم عبادی، گفته بود: “در خانه میثم عبادی، دنیای بزرگ و باشکوه میثم تجلی پیدا می کند؛ دنیایی که فقر ظاهری خانه را کاملا باشکوه می سازد و معرکه ای برپا می دارد.

زیرا این کارگر ۱۶ ساله با آرمانهای بلندش به شهادی حق پیوسته است. شهادت میثم نشان می دهد که جنبش سبز نه فقط جنبشی روشنفکری و دانشگاهی است، بلکه جنبشی سرشار از حضور کارگران سرافرازی چون میثم، در کنار معلمان، زنان و دانشجویان است.

این جریان آزادی آفرین به تمام معنا مردمی، آزادی خواهانه و دمکراسی طلبانه است که همه اقشار و طبقات، با هر فکر و اندیشه ای، در آن فکورانه و فداکارانه شرکت دارند.”

پدر این شهید سبز با اشاره به آن دیدار بیان می کند: “هنوز آن دیدار را بیاد دارم و الان هم از آنها می آیند و به ما سر می زنند و از ما دلجویی می کنند و تنهاییان نمی گذارند، اما از طرف حکومت کسی نمی آید به ما سر بزند. هیچکس هم به ما سر نمی زند که بگوید آقا هفده سال برای این مملکت خدمت کردی و حالا فرزندش کشته شد و دلجویی کند، هیچ! من دیگر هیچ درخواستی از مسئولین ندارم فقط می خواهم از قاتلش بپرسم چطور دلت آمد به روی بچه شانزده ساله شلیک کنی و چرا آخر چرا؟ این بچه چه ضرری به کسی زده بود؟

اصلا شمر هم با امام حسین اینکار را نکرد که با بچه من کردند.

اما بدانند حساب و کتابی هست و حتما جواب خواهند داد.”

همچنین در حالیکه خبرگزاری های داخلی از زبان خانواده این شهید سبز دروغ هایی را انتشار دادند اما اصغر عبادی این اظهارات را انکار کرده و نسبت به اینگونه رفتارهای غیر اخلاقی و دروغ پراکنی ها ابراز انزجار می کند.

پدر میثم عبادی در این خصوص می گوید: “الان از رسانه های ملی و داخل می آیند و اعصابمان را خرد می کنند و مزاحم می شوند و من هم می گویم دیگر سراغ ما نیایید، برای اینکه دروغ می نویسند. یکبار به دروغ از زبان من نوشته بودند که قاتل بچه من آقایان موسوی و کربوبی است که از خودشان این حرفها را نوشته بودند و از آن موقع از شان بدم آمد و دیگر جوابشان را نمی دهم.”

آماري از کودکان ازدواج کرده

بر مبنای آخرین آمار: ۲۴ هزار و ۵۰۶ دختر زیر ۱۴ سال پنج هزار و ۵۱۹ پسر ۱۰ تا ۱۴ سال تعداد کودکان ازدواج کرده: در سنین ۱۰ تا ۱۸ سال دارای همسر، ۸۴۸ هزار نفر در روزهایی که کارشناسان و مسئولان نسبت به بالا رفتن سن ازدواج نگران هستند و هشدار می دهند، عده ای از آن طرف بام افتاده اند و خبرهای عجیبی می رسد.

به گزارش تهران امروز، چند روز پیش بود که از هرمزگان خبر رسید که در سه شهر این استان پنج کودک زیر ۱۰ سال ازدواج کردند. این خبر از سوی مدیرکل ثبت احوال هرمزگان اعلام شد اما هیچ اشاره‌ای به اینکه این کودکان در چه شرایطی قبول کردند وارد زندگی مشترک شوند، نشد. رضا غلامپور از ثبت شش واقعه ازدواج با زوج‌هایی کمتر از ۱۰ سال در این استان طی ۱۰ ماهه سال جاری هم خبر می‌دهد: "در ۱۰ ماهه سال جاری تعداد ۱۵ هزار و ۴۹۶ واقعه ازدواج در هرمزگان به ثبت رسیده."

وی همچنین اظهار داشت: "این رقم نسبت به سال گذشته ۳,۵۷ درصد کاهش نشان می‌دهد. در ۱۰ ماهه سال جاری تعداد شش ازدواج با رنج سنی کمتر از ۱۰ سال در استان به ثبت رسیده است که این ازدواج‌ها در شهرستان‌هایی همانند بندرعباس، قشم و میناب به ثبت رسیده است."

آخرین آمارهای ازدواج کودکان در کشور نشان می‌دهد دختران بیش از پسران در فهرست ازدواج زودهنگام قرار می‌گیرند. ۲۴ هزار و ۵۰۶ دختر زیر ۱۴ سال در برابر پنج هزار و ۵۱۹ پسر ۱۰ تا ۱۴ ساله نشان می‌دهد دختران بیشتری با مردان بیشتر از سن خود ازدواج می‌کنند. شرایطی که آمادگی‌اش برای دختران در سن مجاز ازدواج هم به احتیاط و تامل بیشتری نیاز دارد. آمار مرکز آمار ایران در این باره به آخرین سرشماری کشور در سال ۸۵ برمی‌گردد. تعداد کودکان ازدواج کرده در سنین ۱۰ تا ۱۸ سال دارای همسر، ۸۴۸ هزار نفر است.

نگرانی از افزایش ازدواج دختران خردسال در کشور در آخرین گزارش نشریه جامعه‌شناسی کشور هم نمود دارد؛ گزارشی که به پدیده همسران کودک در ایران امروز اشاره می‌کند. تعداد مادران کودک با ۶/۵ برابر افزایش نسبت به پدران کودک گویای این است که عمدتاً دختران خردسال و کودک واقع در سنین ۱۰-۱۸ سالگی با ۸۵ درصد همسر مردانی شده‌اند که در سنین بالای ۱۸ سال قرار دارند و فقط ۱۵ درصد از این قشر کودکان با کودکان همسن و سال یا هم‌نسل خود ازدواج کرده‌اند. به گفته یک پژوهشگر فعال حوزه کودکان و با استناد به پیمان نامه جهانی حقوق کودک که افراد زیر ۱۸ سال را کودک دانسته، حدود هفت درصد از کودکان در سنین ۱۰ تا ۱۸ ساله کشور تا سال ۸۵ ازدواج کرده‌اند و حدود ۷۵۰ هزار نفر از این ۸۴۸ هزار نفر دختر و مابقی پسر بوده‌اند.

۲۵ هزار نفر از ۸۴۸ هزار کودک در سنین کمتر از ۱۸ سال طلاق گرفته و حدود ۱۲ هزار نفر نیز همسران خود را از دست داده‌اند. فرشید یزدانی می‌گوید: "در حال حاضر ۲۵ هزار نفر از کودکانی که ازدواج کرده بودند، طلاق گرفته‌اند،" وی نسبت جنسیتی این کودکان را این گونه عنوان کرد: ۱۵ هزار و ۶۰۰ نفر از این کودکان مرد و مابقی زن هستند.

همچنین حدود ۱۱ هزار و ۸۰۰ نفر از این کودکان به دلیل مرگ، همسر خود را از دست داده‌اند." یزدانی با اذعان بر این که ۴۹۰ هزار نفر از مجموع کودکان ازدواج کرده، در نقاط شهری زندگی می‌کنند، تعداد کودکان روستایی ازدواج کرده را حدود ۳۵۵ هزار نفر خواند. طبق قانون کشور سن تعیین شده برای ازدواج دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال مقرر شده است و قانون راهی پیش‌بینی کرده برای ازدواج زودرس دختران مبنی بر اینکه اگر دختران ویژگی‌های جسمانی خاصی داشته باشند، می‌توانند از معافیت از شرط سن استفاده کنند مثلاً اینکه دختری رشید که از قوای جسمانی بالایی برخوردار باشد و باید توجه داشت که این آمار در جنوب کشور ارائه شده است؛ جایی که ویژگی فیزیولوژیکی دختران در جنوب با دختران شمال کشور بسیار متفاوت است. بنابراین قانون در این زمینه راه را باز گذاشته است. پس این آمار وجود داشته و با تایید مرکز ثبت احوال صورت گرفته، اما اگرچه این آمار روز به روز در حال کاهش است اما این مسئله وجود دارد و قابل کتمان نیست.

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

میزان ازدواج زودهنگام در استان‌های کشور بیانگر آن است که پایین‌ترین میزان ازدواج زودهنگام متعلق به شهر تهران با ۷,۷ درصد است و مناطق روستایی استان‌های اصفهان و سیستان و بلوچستان بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.

همچنین بررسی درصد کسانی که تا قبل از سن ۱۷، ۱۸ و ۱۹ سالگی ازدواج کرده‌اند نشان می‌دهد که نزدیک به ۲۲/۸ درصد دختران ۱۷ ساله در مناطق روستایی و ۱۳/۱ درصد در مناطق شهری ازدواج کرده‌اند. در ارتباط با دلایل عدم اشتغال به تحصیل افراد ازدواج کرده نیز در این بررسی ۵۶ درصد افراد اظهار کردند که دلیل ترک تحصیل آن‌ها ازدواج بوده است این در حالی است که برای افراد غیرمتاهلی که به مدرسه نمی‌روند مشکل دسترسی به مدرسه مهم‌ترین عامل بوده است. آمارها نشان می‌دهد در سطح جهانی نیز ۳۶ درصد زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند.

سالانه ۱۴ میلیون نوبالغ ۱۵ تا ۱۹ ساله زایمان می‌کنند و دختران زیر سن ۱۵ سال، ۵ برابر بیش از دختران سن بیست سالگی دستخوش مرگ و میر در طول بارداری یا زایمان می‌شوند. دختران زیر سن ۱۸ سالگی، ۶۰ درصد بیش از دختران بالای ۱۹ سالگی شاهد مرگ و میر نونهالشان در یک سال اول زندگی شان هستند و حتی اگر شانس زنده ماندن داشته باشد بیش‌تر در معرض بیماری‌های کم‌وزنی، کمبود مواد غذایی و دیرکرد در رشد جسمی و شناختی قرار می‌گیرند. هرانا 12 دی 1390

یاری به هموعان



برای رفع مشکل این عزیزان به یاری هم میهنانمان نیازمندیم شما میتوانید باثبت نام در این بانک به همنوع بیمار خود در هر جای جهان یاری رسانید

عده‌ای از هموطنان ما(عموما کودکان) در اقصی نقاط کشور بدلیل بیماریهای خونی نیاز به پیوند مغز استخوان دارند

عده ای از هموطنان ما(عموما کودکان) در اقصی نقاط کشور بدلیل بیماریهای خونی نیاز به پیوند مغز استخوان دارند

و پس از پیوند نیاز به تزریق پلاکت تازه خون . با توجه به اینکه تنها مرکز پیوند مغز استخوان در ایران فقط بیمارستانشریعی تهران است، لذا هموطنان ما در سایر شهرها ناچار میباشند که برای درمان و جراحی های لازم به تهران سفرکنند که و یکی از بزرگترین مشکلات آنها یافتن افرادی باگروه خونی مشابه بمنظور تهیه پلاکت تازه برای بعد از عمل فرزندانشان میباشد، لاجرم ناچار به درج آگهی و انتشار آن در سطح شهر آمیباشند تا افراد هم خون را بیابند.و باتوجه به عدم شناخت کافی از اشهر تهران و عدم دستیابی به امکانات لازم با مشکلی مضاعف روبرو هستند.برای رفع مشکل این عزیزان به یاری هم میهنانمان نیازمندیم چرا که ما بشماریم و متحد.

شرایط پلاکت دهنده:

نوع جنسیت: مرد

سن بالای ۱۸ سال و پایین تر از ۵۰ سال.

وزن بالای ۵۰ کیلوگرم

هیچ گونه بیماری نداشته باشد.

ساکن استان تهران

قابل توجه: عزیزانی که کاندیدای اهداء پلاکت تازه به این بیماران هستند باید بدانند:

مرحله اول ، تنها هماهنگی شما با خانواده این عزیزان است و تهیه نسخه آزمایش است که دکتر مربوطه در دفترچه بیمه شما مینوسید

مرحله دوم : حضور شما عزیزان اهدا کننده در آزمایشگاه قلهک است ، و دادن یک آزمایش خون کوچکاست تا مشخص شود که شما از لحاظ خونی ، میتوانید به این عزیزان کمک کنید یا خیر.

مرحله سوم: در صورت پاسخ مثبت در مرحله دوم، شما به عنوان یک ساپورت کننده از این کودک شناخته خواهید شد، تا اگر مشکلی در حین یا بعد از عمل برای بیمار روی دهد بتواند از یاری شما بهره مند گردد.

در 90% موارد تنها حضور فیزیکی شما به عنوان ساپورت کننده مهم است و شاید اصلاً موقعیتی پیش نیاید که به پلاکت خون شما نیاز باشد.

پاسخ به دو مورد از پرسشهای مهم بسیاری از عزیزان: 1 نحوه اهدا پلاکت تازه چگونه است؟ 2: چرا اهدا کننده پلاکت تازه حتماً باید مرد باشد؟

پاسخ سؤال اول: خون از دوبرخش کلی تشکیل شده است: سلولهای خونی (گلبولهای قرمز-گلبولهای سفید-پلاکت) و پلاسما در اهدا پلاکت فقط پلاکت گرفته میشود و سایر اجزا خون به بدن باز میگردد. نحوه اهدا:

فرد اهدا کننده در حالت خوابیده توسط سوزن کوچکی که درد ناچیزی حین فرو بردن در بازو ایجاد می کند به دستگاه جداکننده پلاکت وصل می شود. خون از یک بازوی فرد به دستگاه می رود. در آن قسمت بدون هیچ اتلاف وقت، پلاکت ها جمع آوری شده و سپس از بازوی دیگر همراه یک ماده ضد انعقاد، تمامی محتوی خونی فرد جز پلاکت ها به بدنش باز گردانده می شوند.

این فرآیند در حدود 1 تا 1/5 ساعت وقت می گیرد. قبل از انجام این فرآیند وزن و هماتوکریت و تعداد پلاکت چک می شود و پس از انجام نیز مجدداً پلاکت چک می شود.

تمام سوزنها و کیسه ها و تیوبها یکبار مصرف بوده و پس از استفاده دور ریخته میشوند

پاسخ سؤال دوم: یکی از دلایلی که اهدا کننده باید مرد باشد اینست که در هنگام نیاز بیمار، فرد یاری دهنده باید از نظر خون دارای بنیه قوی باشد و میدانیم که بانوان در روزهایی از ماه دچار کم خونی میشوند که همین آگاهی مانع از آن میگردد تا اهدا کننده از بین گروه انتخاب شود. بیشتر بدانید:

میتوان باثبت نام در این بانک به هم نوع بیمار خود در هر جای جهان یاری رساند
روی سلولهای سفید بدن هر شخص پروتئینهای خاصی بنام آنتی ژن وجود دارد که از طریق ژنتیک به ارث میرسد و نقش مهمی در پیوند سلولهای بنیادی به فرد بیمار دارند. برای آنکه پیوند موفقیت آمیز باشد باید آنتی ژنهای فرد دهنده و گیرنده مشابه باشند. لذا اولویت اول برای پیوند به هر شخص بیمار خواهر و برادر وی میباشد ولی تنها 30 درصد بیماران در میان بستگان خود دهنده پیدا میکنند و برای بقیه تنها شانس برای زنده ماندن دریافت پیوند از فردی است که با وی هیچ نسبت خویشاوندی ندارد. و تعداد افرادی که به هر فرد بیمار میتواند دهنده باشد بسیار کم است، شاید یک نفر.
این احتمال وجود دارد که هم نوع شما از لحاظ ژنتیکی بیمار باشد و فقط شما میتوانید دهنده باشید و شخص دیگری با او مشابه نباشد لذا امری بسیار حیاتی است. همچنین بانک اهدا سلولهای بنیادی با سیستم جهانی مرتبط است و میتوان باثبت نام در این بانک به هم نوع بیمار خود در هر جای جهان یاری رساند و از مرگ نجاتش داد.

(ثبت نام، با انجام یک آزمایش خون برای مشخص شدن آنتی ژن در مرکز پایان میپذیرد و هر زمان بیمار سرطانی که نیازمند کمک نیازمند کمک باشد و مشابه با آنتی ژن شما، به شما اطلاع خواهند داد.)

تلفن تماس جهت ثبت نام اهدا کنندگان: 021-84902669

جهت ثبت نام اینترنتی و کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.iscdp.org مراجعه نمائید (بانک اطلاعات اهدا کنندگان سلولهای بنیاد ایران)

آدرس در فیسبوک: اهدا پلاکت به کودکان فوق العاده نیازمند

بنیادی ایران) مراجعه نمائید

“8 ساعت” پس از آتش سوزی به بوشهر رسیده بود

استاندار از حضور بموقع رئیس بهزیستی که “8 ساعت” پس از آتشسوزی به بوشهر رسیده بود تقدیر کرد!!

آتش سوزی در مرکز نگهداری کودکان معلولان بوشهر تاکنون سه کشته برجا گذاشته است. در همین حال استاندار بوشهر از حضور به موقع رئیس سازمان بهزیستی که “هشت ساعت” پس از آتشسوزی شب گذشته به بوشهر رسیده بود تقدیر کرد و قول داد این اقدام را حتما به اطلاع رییس هیات دولت می رساند.

دکتر علیرضا حاجیونی اظهار داشت: بر اثر وقوع آتشسوزی در محل نگهداری معلولان بوشهر واقع در کوچه انتقال خون، متأسفانه ۱۸ نفر مصدوم شدند که از این تعداد سه نفر جان خود را از دست دادند. در این مرکز چهل کودک نگهداری می شود.

با توجه به اینکه معلولان این مرکز معلول جسمی و ذهنی بودند نتوانستند از محل حادثه فرار کنند که متأسفانه سه نفر از آنان فوت شدند.

به گزارش خلیج فارس، بلافاصله مصدومان را به بیمارستان‌های بوشهر و گناوه اعزام کردیم و در حال حاضر وضعیت بهبود یافته و تمام مصدومان به مراکز درمانی اعزام شده‌اند و آتش نیز مهار شده است.

مدیر مرکز فوریت‌های پزشکی بوشهر اظهار داشت: هم اکنون مسئولان متولی امر در محل حادثه و بیمارستان بوشهر در حال رسیدگی به وضعیت بیماران هستند.

رئیس آتش نشانی بوشهر گفت: علت آتش سوزی مرکز نگهداری معلولان بوشهر در دست بررسی است و هنوز مشخص نشده است. سایت کلمه 15 دیماه 1390

نتیجه ضربات ماموران برسر کودکان و شنیدن فریاد آنان تنها تعجب و نفرت ناظرین را به همراه داشت!

آژانس ایران خیر : از مشهد خبری بر ایمان ارسال شده مبنی بر اینکه در خیابان شهر، گشت ارشاد چند متر جلوی میدان، دو دختر بچه 10ساله را می بیند که حاجبی نداشتند و در حال عبور بودند. ماموران به یکباره از ماشین پیاده می شوند. یکی از آنها اسلحه به دست بوده و دیگری دوربین داشته است. نفر سوم هم وارد می شود و دنبال دختر بچه ها می دود. وقتی که این دو دختر کوچک توسط ماموران بازداشت میشوند، بسیار هراسان و وحشت زده بودند. ماموران طوری برسر آن کودکان فریاد می زدند که تعجب و نفرت هر ناظری را برمی انگیخت. آنها در نهایت دو کودک را با خود بردند. : 06 دی ماه 1390

کودکان گلفروش بین 7-15 سال



آژانس ایران خبر - گزارش رسیده: اگر مسیرمان در پایتخت به سمت بهشت زهرا باشد گل فروشانی را می بینیم که در حاشیه بزرگراه در حال گل فروشی هستند.

اتفاقا اکثر آن ها کودکان بین 7-15 سال هستند. خبری مبنی بر هجوم روز گذشته (یکشنبه 11 دی) ماموران شهرداری به کمک نیروهای به اصطلاح امنیتی به این اقشار مظلوم و آسیب پذیر جامعه به دستم رسید.

بنا به اظهارات این شخص، به طور ناگهانی ماموران شهرداری با خودرویشان به سمت گل فروشان می رفتند و کودکان را به داخل خودروها می بردند و گل هایشان را هم پرپر می کردند به طوری که اشخاصی که برای خرید گل آنجا بودند بسیار متعجب بودند و از این عکس العمل های ماموران در برابر این بی گناهان، گله مند بودند!

کودکان خیابانی یکی از گروه های درگیر با ایدز هستند



رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران می‌گوید یکی از گروه‌های در معرض خطر HIV افرادی هستند که خیابان، محل کار و زندگی آنان است که کودکان خیابانی هم جزئی از آنان محسوب می‌شوند. حسن موسوی چلک با بیان اینکه یکی از استراتژی‌ها در مواجهه با ایدز، شناسایی و آموزش گروه‌هایی است که در معرض HIV قرار دارند، گفت: "کودکان خیابانی یکی از این گروه‌ها هستند و اگر اطلاعات لازم در زمینه HIV به موقع به آنان ارائه شود، احتمال آسیب پذیریشان در مقابل ویروس به مراتب کاهش می‌یابد."

وی افزود: "روشی که باید در این زمینه اتخاذ شود، روش انجام آزمایش داوطلبانه است، چرا که در دنیا انجام این کار به صورت اجباری معمول نیست."

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران در ادامه با اشاره به اجرای طرح ارزیابی رفتار پرخطر مرتبط با HIV در کودکان خیابانی در سازمان بهزیستی، عنوان کرد: "فعال شدن سازمان‌های اجتماعی مرتبط در این حوزه اقدام مطلوبی است و انجام آزمایش به صورت داوطلبانه یک اقدام پیشگیرانه مناسب است." هرانا 12 دزماه 1390

موسوی چلک تصریح کرد: "کودکان خیابانی، زنان ویژه و معتادان از جمله گروه‌هایی هستند که در اقدامات مرتبط با HIV باید در اولویت آموزش قرار گیرد و به این ترتیب می‌توان کنترل مناسبی در حوزه پیشگیری از ایدز داشت."

عسل کوچولو و سوختنش در پای منقل مواد مخدر

با توجه به شدت صدمات وارده و عمق سوختگی، پزشکان هر ۲ پای عسل را قطع کردند

خراسان: عسل کوچولو تازه یاد گرفته بود ۴ دست و پا، خودش را روی زمین بکشد و از این که می توانست حرکت کند احساس شادی می کرد. یک روز نزدیک غروب، نوزاد ۶ ماهه در حالی که مادر معتادش پای منقل موادمخدر نشسته بود و چرت می زد لبه های منقل را گرفت تا بلند شود اما گرمای بدنه آن، دستان کوچکش را سوزاند.

در این لحظه، دختر کوچک دستانش را رها کرد و خودش را عقب کشید ولی متاسفانه او به داخل منقل سقوط کرد و بدن نازنینش با زغال آتشین دچار سوختگی شدید شد.

مادر معتاد این طفل بی گناه بلافاصله نوزاد خود را به بیمارستان امام رضا(ع) مشهد رساند و کادر متخصص بخش سوختگی بیمارستان، پس از انجام معاینات اولیه، پیکر نازنین او را در حالی که رمقی برای گریه و ناله نداشت و درد و رنج زیادی را تحمل می کرد به اتاق عمل جراحی انتقال دادند.

افسوس که با توجه به شدت صدمات وارده و عمق سوختگی ایجاد شده، پزشکان ناچار شدند هر ۲ پای عسل کوچولو را قطع کنند و به این ترتیب، شکوفه زیبا در آتش اعتیاد مادر بی مسئولیت اش سوخت و دچار معلولیت جسمی شد.

عسل نازنین، تا آخر عمر با حسرت و اندوه سوالات زیادی را در دفتر زندگی خود بی جواب خواهد یافت! اما به راستی عسل کوچولو چندمین قربانی اعتیاد و اشتباه های بزرگترهای خود است؟ چند کودک بی گناه دیگر باید دچار چنین مشکلات سوزناک و غیرقابل جبرانی شوند تا عمق وحشت زای سیاه چال اعتیاد نمایان شود؟

با تاسف باید بگوییم در حادثه مشابه دیگری، دختر ۷ ساله ای به نام طناز نیز زمانی که مادرش هنگام استعمال موادمخدر به خواب رفته بود به دلیل خاموش شدن پیک نیک و انفجار ناشی از انتشار گاز در فضای خانه دچار سوختگی و آسیب جدی شد.

در این حادثه غم بار که چندی قبل در مشهد اتفاق افتاد مادر طناز به علت شدت صدمات وارده جان خود را از دست داد و این گل زیبا نیز از ناحیه سر و صورت و قفسه سینه دچار سوختگی شدید و عمیق شد.

اینک عسل کوچولو و طناز در یکی از مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست روز و شب های دلگیری را سپری می کنند .

کودکان کار در بازار

در بازار تهران دیدم که مشغول فروختن کفش کتونی است . دوستش هم در کنارش به فروختن قارچ مشغول بود. برای خرید به بازار رفته بودم که با دیدن آن ها تصمیم به صحبت کردن با ایشان گرفتم.

- چه مدت است به فروختن کتونی مشغولی؟

راستش رو بخواید دو سه سالی میشه

- یعنی تقریباً از نه ، ده سالگی؟

ای بابا یعنی انقدر زود پیر شدم. من الان ده سالمه

- برا چی کار میکنی ؟ مگه مدرسه نمیری؟

تا دوم بیشتر نخوندم . داداشم که الان کنارمه امسال باید می رفت مدرسه

- چی شد که نرفت؟

میبینی که داره کار میکنه

- مگه تو کار کنی نمیتونی خرجی داداشتو بدی؟

نه بابا رو هم دیگه به زور داریم زندگیمونو می چرخونیم

- باباتون یا مامانتون مگه کار نمیکنن؟

بابامونو هر چند وقت یه بار میندازن زندان وقتی هم میاد بیرون هر چی کار کردیمو میگیره. مامانمونم

مریضه



- دکترم بردیدش؟

آره . ولی میگن باید دو سه ملیون بدید تا عملش کنیم

- سراغ کسی هم رفتید برا کمک؟

یه دایی داریم که اونم وضع مالیش خرابه ولی دنبال کارای مامانمه که بتونه واسش یه کاری کنه که

بیمه خرج عملشو بده ولی هی اینور اونورش میکنن

بسه دیگه آقا. این حرفا به چه دردت میخوره؟ تو که نمیتونی کمکمون کنی

- آخر کار تصمیم گرفتم همین طوری یه پولی بهشون بدم ، ولی اونا گفتن که کسایی که باید تو این

کشور بهمون کمک کنن ، این کارو نمیکنن. با این پول که کاری نمیشه کرد . بیا آقا اندازه پولت قارچ

ببر اخبار کودکان جهان 25 آذرماه

اینجا اهواز است



a

ISNA/PHOTO:AMIN HAZARI



ISNA

ISNA/PHOTO:AMIN HAZARI

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



ISNA/PHOTO:AMIN NAZARI



ISNA/PHOTO:AMIN NAZARI



ISNA/PHOTO:AMIN NAZARI

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



خبرگزاری ایسنا 12 دیماه 1390

موضوع انشاء: تعطیلات تابستان را چگونه گذرانیم



وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390



سایت اخبار کودکان جهان 29 آذر 1390

فروش دستمال در سرما



به گزارش خبرنگار ایران کارگر: 3 کودک تقریباً هفت هشت ساله را دیدم که در سرمای شدید در حال فروختن دستمال بودند. گفت و گویی کردیم که مهم ترین صحبت هایمان به شرح زیر بود:

چند ساله هستید؟

3 تا مون هشت ساله ایم

مدرسه هم میرید؟

نه

تو این سرما سخت نیست تو خیابونا کار کنید؟

سخت که هست ولی کار میکنیم
روزی چقدر در میارید؟
تقریباً 15 - 10 تومن
چطوری با هم حساب میکنید؟
هرچی در بیاریم 3 قسمت می کنیم
خانوادتون بهتون نمیگه چرا مدرسه نمیرید؟
ما 3 تامون همسایه ایم ، اجاره خونه هم میدیم . پولی که باباهامون در میاره کمه ما هم باید حتما کار کنیم.
مامورای شهرداری یا پلیس بهتون گیر نمیدن؟
گیر که چرا ، میدان ولی تا مامورا میان دست به دست خبر بهمون میرسه و قاییم میشیم.
تا کی میخواید این کارو ادامه بدید؟
تا هر وقت پولدار بشیم بعدشم بتونیم واسه مادرامون هر چی خواستند بخریم...
نکته جالب در پایان این گفت و گو این بود که آن ها خیلی جدی به کارشان ادامه می دهند و به دنبال آرزوهای خودشان هستند
اخبار کودکان جهان 25 آذر 1390

اینقدر بر اراده خدا دخالت نکنید

جواد حسینی مدیر بسیجی مدرسه:
اینقدر بر اراده خدا دخالت نکنید، هرچه خواست خدا باشد همان میشود.

صبح دوشنبه نوزدهم دی ماه در حین برگزاری جلسه امتحان در یکی از روستا های اصفهان در منطقه مبارکه دیوار مدرسه فروریخت.
فروریختن این دیوار که مدتی بود پشت آن توسط همسایگان مدرسه برای ساخت و ساز خالی شده بود و والدین بارها به احتمال ریزش آن اخطار داده بودند باعث زیرآوارماندن دهها دانش آموز و جان باختن 4تن از آنها گردید.
جواد حسینی مدیر بسیجی مدرسه که در آموزش و پرورش و محل زندگی خود به فردی خشک مذهب و بدون منطق شهره است در قبال اخطار های پی در پی والدین به آنها میگفته است که, اینقدر بر اراده خدا دخالت نکنید! خواست خدا هر چه باشد همان است!

جالب آنکه این مهره بسیج از بعد حادثه، از روستا متواری شده و اثری از او نیست. رسانه های محلی هم که خبر را پخش کردند به مقصر بودن او اشاره ای نکردند. آژانس ایران خبر 20 دیماه 1390

تاکنون: ۳ کودک کشته و ۱۸ کودک مجروح شده اند

آتش سوزی در مرکز نگهداری کودکان معلولان بوشهر که چهارشنبه شب، مقارن با ۱۴ دی ماه سال جاری به وقع پیوست، تاکنون ۳ کشته و ۱۸ مجروح برجای گذاشته است. علیرضا حاجیونی، استاندار بوشهر در این خصوص گفت: "بر اثر وقوع آتش سوزی در محل نگهداری معلولان بوشهر واقع در کوچه انتقال خون، متاسفانه ۱۸ نفر مصدوم شدند که از این تعداد سه نفر جان خود را از دست دادند." در این مرکز چهل کودک نگهداری می شود. استاندار بوشهر درباره علت کشته شدن سه کودک در آتش سوزی اظهار داشت: "با توجه به اینکه این سه، معلول جسمی و ذهنی بودند نتوانستند از محل حادثه فرار کنند." علت آتش سوزی مرکز نگهداری معلولان بوشهر تاکنون مشخص نشده است. هرانا 16 دیماه

سوختگی پا با آتش سیگار و تجاوز جنسی

جسم نیمه جان علی همراه با کبودی، زخم های کهنه و جدید، آثار سوختگی های متعدد، سوختگی پا با آتش سیگار و تجاوز جنسی

دو شب قبل مردی کودکی ۹ ساله خود را به بیمارستان رساند و مدعی شد پسرک زمین خورده و از حال رفته است. وضعیت بد کودک باعث شد بلافاصله پرستاران و پزشکان بیمارستان باهنر کرج بالای سر کودک حاضر شوند. آنها وقتی او را مورد معاینه قرار دادند متوجه شدند جراحات این کودک بر اثر زمین خوردن یا افتادن از بلندی نیست بلکه او شکنجه شده و مورد آزارهای شدید قرار گرفته است. وقتی پرستاران به پرونده این کودک مراجعه کردند متوجه شدند این بچه ۹ سال دارد و نامش علی است و پدرش او را به بیمارستان رسانده است بنابراین بهترین کسی که می توانست در مورد علی اطلاعاتی به پرستاران بدهد و بگوید چرا این کودک تا این حد آثار سوختگی و کبودی دارد، پدرش بود.

از بلندگوی بیمارستان چندین بار پدر علی به پذیرش فراخوانده شد اما فایده‌ای نداشت چراکه این مرد بعد از رساندن علی به بیمارستان متواری شده بود.



حالا دیگر شکی برای پرستاران باقی نمانده بود که علی قربانی کودک‌آزاری شده است. جسم نیمه‌جان پسر بچه بار دیگر به دقت مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد این کودک آثار کبودی‌ها و زخم‌های کهنه‌ای دارد و نشان می‌دهد او در زمان‌های مختلف مورد آزار جسمی قرار گرفته است. همچنین آثار سوختگی‌های متعددی روی بدن این کودک وجود داشت. سوختگی‌ها بیشتر روی پاهای علی مشهود بود و فاش می‌کرد این کودک با آتش سیگار شکنجه شده است. بعضی از این سوختگی‌ها بر اثر مرور زمان درمان شده اما جای آن باقی مانده بود ولی بعضی‌های دیگر هنوز تازه بود و زخم و تاول داشت. در ادامه به دستور پزشک معالج علی به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل و دستگاه‌ها بر بدن نحیف و زخمی این کودک وصل شد و پزشک معالج دستور داد آزمایش‌های لازم برای تشخیص علت بیهوش شدن علی انجام شود اما دقایقی بعد سوت ممتد دستگاه‌ها پرستاران را به بالای سر پسر بچه فراخواند. این صدا خبر می‌داد علی دیگر جان ندارد.

با این حال پرستاران و پزشکان بلافاصله دستگاه شوک را بر بدن این کودک وصل کردند تا شاید بتوانند او را احیا کنند اما نتوانستند و قلب علی برای همیشه از تپش ایستاد.

زمانی که پرستاران داشتند دستگاه‌ها را از بدن علی جدا می‌کردند و جسم بی‌جان او را برای تنظیم گزارش مرگ بررسی می‌کردند متوجه شدند آثاری شبیه به تجاوز روی بدن این کودک دیده می‌شود. بنابراین در گزارش مرگ علی نوشته شد احتمال دارد این کودک مورد آزار جنسی هم قرار گرفته باشد.

به گزارش شرق، با اعلام خبر این واقعه از سوی حراست بیمارستان، ماموران پلیس و بازپرس ویژه

قتل کرج در جریان قرار گرفتند و جسد علی به دستور بازپرس به پزشکی قانونی انتقال یافت تا درصد آسیب وارده به این کودک، مدت‌زمانی که او مورد آزار قرار می‌گرفته و علت اصلی مرگ تعیین شود. این درحالی است که پدر علی هم تحت تعقیب قرار گرفته و تحقیقات برای بازداشت او ادامه دارد. هرانا 26 دیماه

13 کودک بی‌گناه را با تهدید چاقو مورد آزار و اذیت قرار گرفتند

در شعبه 77 دادگاه کیفری محاکمه‌ای برگزار شد که متهمان آن دو جوان شیطان‌صفتی بودند که 13 کودک بی‌گناه را با تهدید چاقو مورد آزار و اذیت قرار دادند.

محمد رضا هداوند سوری

هر چند حکم صادره از سوی دادگاه براساس محتویات پرونده، اعتراف متهمان و قاضی صادر شد، اما نکته‌ای که در این آسیب‌ها مورد توجه نمی‌گیرد روان‌کاوی معالجه روحی و روانی آسیب‌دیدگان است، به طوری که در اکثر مواقع آنها به خاطر شرایط پیش آمده نسبت به جامعه و افراد بدبین شده و در صدد انتقام از جامعه هستند که برای نمونه می‌توان به «بیجه» و همدستش اشاره کرد که در جریان تحقیقات و محاکمه اعتراف کردند که در کودکی خود قربانی آزار و اذیت جنسی بوده‌اند. اما همانطور که توقع از مسؤلان این است که متجاوزان به نوامیس مردم محاکمه شده و هر چه سریع‌تر به اشد مجازات محکوم شوند، احکام اجرا شود.

این نکته نیز مورد نظر تمامی صاحب نظران از قضات محترم گرفته تا روانشناس و جرم‌شناسان همه بر این باورند که مسؤلان باید خود را در برابر آسیب‌دیدگان مسؤل بدانند و تنها به محاکمه و مجازات متهمان بسنده نکنند.

بلکه علاوه بر دادن آگاهی به خانواده‌ها در خصوص حفاظت از فرزندانشان باید به این نکته توجه کرد که اگر آسیب‌دیدگان امروز از لحاظ روانی درمان نشوند فردا خود نیز در جایگاه متهمان امروز قرار می‌گیرند. 02 دیماه اخبار کودکان جهان

یادمان نرود که در اکثر کشورهای جهان مرکزی با عنوان حمایت از قربانیان تجاوزات جنسی که اکثر آنها را کودکان تا 16 سال تشکیل می‌دهند، ایجاد کردند تا با همکاری و حمایت مشاوران و روانشناسان به زندگی عادی خود باز گردند، چرا که توجه نکردن به این مشکلات امکان انحرافات آشکار در سنین بالا را افزایش می‌دهد.

از دستان پر از دستمال تا دستان خالی از وجود مادر



از دستان پر از دستمال تا دستان خالی از وجود مادر، از التماسهای بچگی تا خنده های شیرین کودکی، از نگاه معصوم کودکانه تا فروش سالهای بازیگوشی، همه و همه سهم کودکانی است که در پشت چراغهای قرمز زندگیشان ایستاده اند تا آمار کودکان خیابانی در خوزستان رو به افزایش باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، روح الله کودک خردسال اهوازی که روبروی دکه مادرش در ۲۴ متری بساط دستفروشی پهن کرده بود نگاهی به دکه مادرش می اندازد و بزرگترین آرزوی زندگی اش را می گوید: دوست دارم در آینده دکه دار شوم.

همه ما انسانها در کودکی آرزوی بزرگ شدن داریم و در زمان جوانی یا کهنلت آرزوی بازگشت به دوران کودکی. اما امثال روح الله هیچگاه به گذشته شان بر نمی گردند زیرا هیچ وقت کودک نبوده اند و مثل خیلی از بچه های همسن و سالشان کودکی نکرده اند یعنی وقت این کار که لذت بخش ترین مقطع زندگی یک کودک به شمار می رود را انجام دهند.

کودکان کار نه برای مسئولان استانی که حتی برای مسئولان پایتخت نشین نیز حکم تماشا و سکوت را دارند. از یک طرف، بهزیستی خود را متولی نگهداری کودکانی می داند که توسط شهرداری برای نگهداری معرفی شوند و از طرف دیگر شهرداری مسئولیت خود را در رابطه با کودکانی می داند که مرتکب جرم شوند و دست فروشی و کار کردن بر سر هر کوی و برزنی را برای کودکان جرم یا حداقل فعالیتی که ملزم جمع آوری آنها باشد، نمی داند.

در این بین، اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم فقط برای کارفرمایانی که از کودکان در کارگاه های خود استفاده می کنند مجازات تعیین کرده است.

از سویی دیگر شهرداری هم فقط کودکان متکدی را جمع آوری می کند و همیشه از کوتاهی سایر ارگانها در نگهداری از این دسته از کودکان نیز گلایه دارد.

این چند پارگی در میان ارگانهای دولتی و مردمی در رابطه با یک مبحث واحد، موجب شده تا یک ارگان خاص، خود را موظف به امور کودکان کار نداند و هر یک دیگری را مسئول رسیدگی به کودکان کار معرفی کند و این می شود که کودکان کار در چهار راه بی مسئولیت مدیران می مانند.



روح الله در کارش فروش دستمال کاغذی در پشت قرمز یکی از میدانهای شهر اهواز در پاسخ به این سؤال که «در آینده دوست داری چه شغلی داشته باشی»، می گوید: دوست دارم صاحب یک دکه شوم تا مجبور نباشیم در بین ماشینها برای فروش دستمال کاغذی التماس کنم.

در این بین، کودکان کار تنها قربانیان این هیاهو و چند پارگی و عدم مسئولیت هر یک از ارگانهای متولی می شوند، کودکانی همچون روح الله که آینده شان از کودکی شان تیره تر است. کودکانی که آینده

ای نامعلوم در انتظارشان خواهد بود و در کشاکش بین مسئولین، فرصتهای گرفته شده از خود را هیچگاه باز نمی یابند.

از طرفی شمار والدین معتاد و مطلقه در استان رو به افزایش است و پر واضح است که در آینده نزدیک شمار کودکان کار رو به افزایش خواهد گذاشت. کودکانی که به بهانه فروختن اجناسی در دست، بعدها مورد سو استفاده قرار خواهند گرفت و مرتکب بزهکاریهایی همچون فروش مواد و انواع دزدی می شوند.



آمار ارائه شده توسط بهزیستی خوزستان نشان می دهد که در ۹ ماه اول امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته تعداد کودکان خیابانی افزایش یافته است. از ابتدای سال ۹۰ تاکنون ۱۱۴ کودک به مراکز بهزیستی منتقل شده اند که همگی آنان بومی و اکثرا متعلق به شهرستان اهواز و سپس اندیمشک بودند. از این میان ۴۵ مورد فرزندان طلاق و ۹ مورد نیز حاصل متارکه والدین بوده اند. ۱۹ مورد نیز فوت پدر یا مادر را شامل می شدند و ۳۱ مورد نیز دارای ناپدری یا نامادری بوده اند.

در سال ۱۳۷۹ در بهزیستی استان خوزستان دو مرکز پسرانه و دخترانه هر کدام با گنجایش ۲۰ نفر برای ساماندهی کودکان خیابانی راه اندازی شد. در این مرکز خدماتی نظیر مددکاری اجتماعی، معاینات بالینی، روانپزشکی و روانشناسی بالینی به کودکان ارائه می شود. آن دسته از کودکانی که فاقد خانواده مناسب برای رشد و تربیت و ادامه زندگی باشند به مراکز شبانه روزی و خانه های تربیتی منتقل می شوند و تا سن ازدواج و سربازی در این مراکز می مانند.

استاد علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز در رابطه با پدیده کودکان اظهار کرد: اولین تاثیری که کار بر روی کودکان می گذارد محروم کردن آنان از لذتهای کودکی است.

علی هاشمی افزود: کودکان کار کودکانی هستند که جریان طبیعی رشد را طی نمی کنند. به نوعی با التماس و خواهش، خود باعث به هم ریختگی شخصیت کودک می شود و کودک با یک شخصیت له شده در جریان رشد قرار می گیرد.

وی ادامه داد: هیچ چیز کودکان را به اندازه حضور در جمع همسالان راضی نگه نمی دارد. هاشمی تصریح کرد: کودکان کار دارای هویت سردرگم و زودرس خواهند بود زیرا توقعات خانواده و کارفرمایان از آنان زیاد است و کودک مجبور است که سریع نقش عوض کند بنابراین کودکی را با سرعت پشت سر می گذارد و وارد مرحله بزرگسالی می شود.

وی عوامل بروز چنین پدیده ای را در جامعه فقر اقتصادی و فرهنگی والدین دانست و گفت: در خانواده های فقیر اولویت با گذران زندگی و زنده ماندن است. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته اگر بچه ای در روز ممتد گریه کند فقط با گزارش همسایه ها، دولت بچه را از والدین می گیرد.

هاشمی، پرداختن به رفع معضل کودکان کار را در اولویت مسئولان ندانست و عنوان کرد: در هیاهوی سیاسی این مسئله به حاشیه رانده شده است.

وی برخورد سیاسی با آمار و شاخصهای ارائه شده و گزارش ندادن مسئولان در این رابطه را سد راه ارائه تحقیق توسط پژوهشگران و اعضای دانشگاه دانست و اعلام کرد: در هر موضوعی تا دانشگاهیان وارد نشوند مشکل حل نخواهد شد.

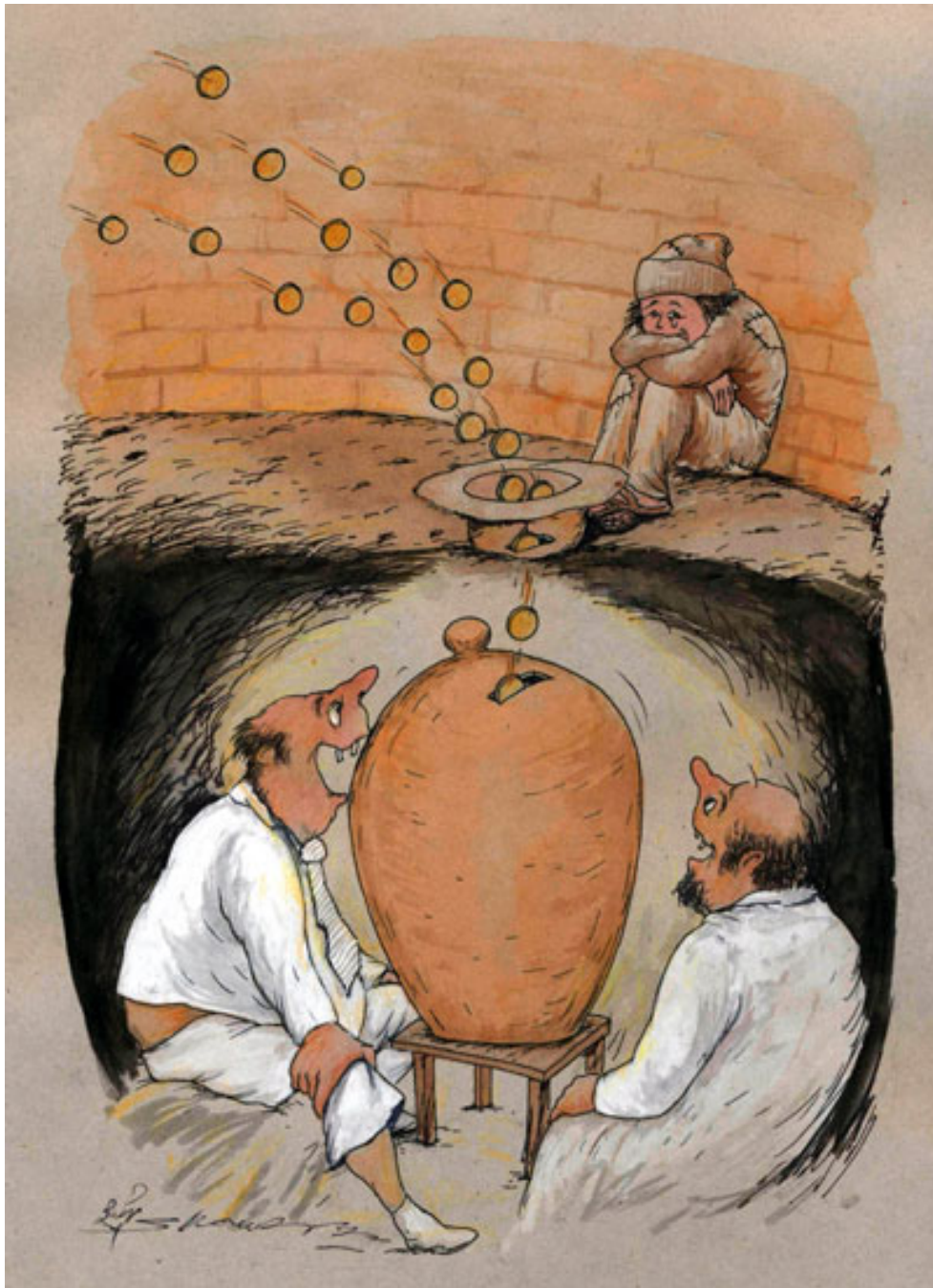
همچنین در همین رابطه رئیس بازرسی اداره تعاون، کار و رفاه خوزستان عنوان کرد: طبق کنوانسیون ممنوعیت به کارگیری کودکان کار، کودک به افراد زیر ۱۸ سال گفته می شود و این گروه نباید در مشاغل ۳۶ گانه نظیر کار در معدن، شن پاشی، پخت آسفالت، نانوایی، ریخته گری، کارهای ساختمانی و... کار کنند.

سید حمید غفاری گفت: بر اساس آمار گردآوری شده از کل استان، از ابتدای امسال از ۵۵۳ کارگاه بازرسی کردیم که به ۳۱۵ کارگاه در رابطه با استفاده از نیروی زیر ۱۸ سال اخطار دادیم. وی ادامه داد:

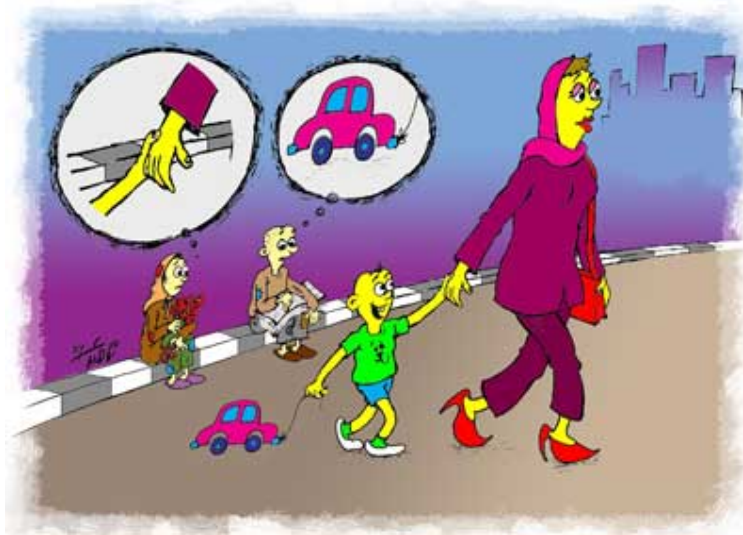
بیشتر کارفرمایان متخلف در خوزستان نانواییها هستند که کودکان را در آنجا به کار می گیرند. غفاری، مجازات کارفرمایانی که از کودکان زیر ۱۸ سال استفاده کنند را در مرحله اول لغو پروانه به مدت سه ماه و در مراحل بعد لغو پروانه از شش ماه تا یک سال دانست.

وی بیشترین آمار کودکان کار را در خوزستان مربوط به شهرستان اندیمشک و سپس اهواز دانست. غفاری، وظیفه سازمان کار را معطوف به تذکر و اخطار به کارفرما دانست و افزود: ما مسئولیتی در رابطه با کودکان کار نداریم زیرا مسئولیت اداره کار ممانعت از حضور کودکان زیر ۱۸ سال در کارگاه هاست. هرانا 02 بهمن ماه







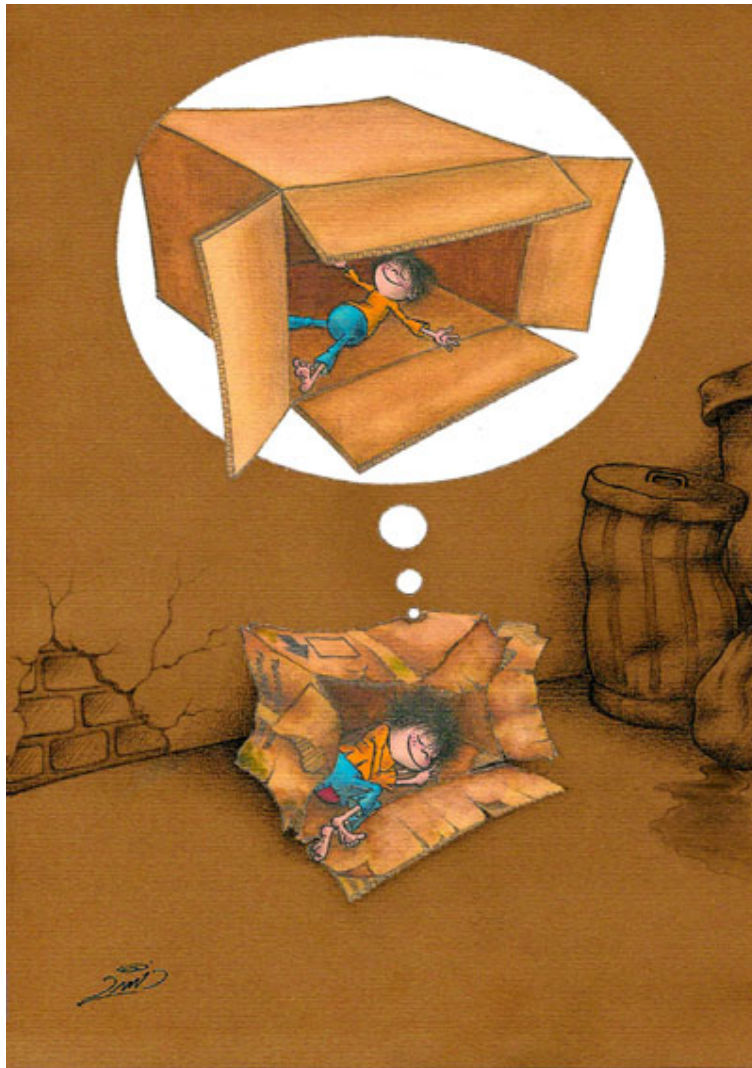




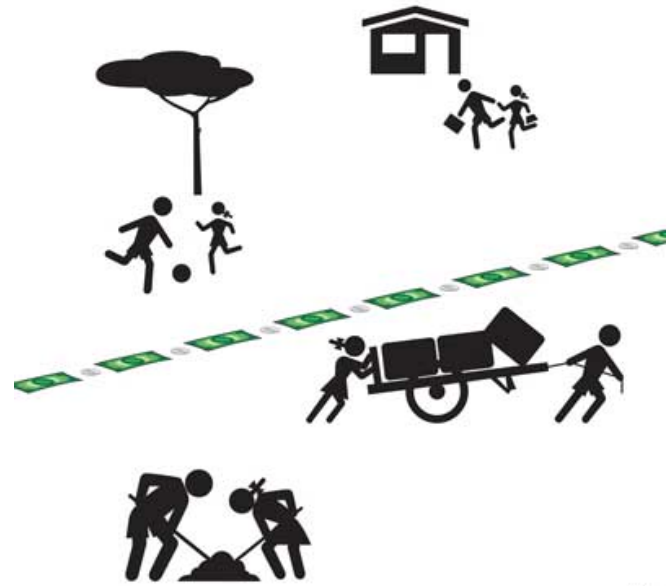


































اعدام در ملاعام از مصادیق بارز بازتولید خشونت در جامعه است





بامداد امروز پنج شنبه، هشتم دی ماه، دستگاه قضایی- امنیتی دو زندانی را در قزوین(خیابان نواب جنوبی شهر قزوین، جنب حمام یاقوت) به اتهام قتل اعضای یک خانواده در مقابل دیدگاه مردم عموماً و کودکان خردسال خصوصاً، به دار آویخته است.

تصاویر منتشر شده از سوی رسانه‌های دولتی در این خصوص، بیانگر آن است که هیچ محدودیت سنی‌ای برای مشاهده‌ی مجازات مرگ انسان‌ها در کشورمان لحاظ نمی‌شود. هرانا 08 دیماه

کودکی در میان زباله ها



او چند بار کودک خردسال را تکان داد تا بیدار شود اما کودک بی‌هوش بود.

کودکی که توسط یک مرد کارتن‌خواب در میان زباله‌ها بی‌هوش پیدا شده بود با تلاش پزشکان زنده ماند. این در حالی است که پزشکان نظر دادند او بارها شکنجه و سوزانده شده است. به گزارش جامجم، روز هفتم بهمن‌ماه مرد بی‌خانمانی در شرق تهران در جستجوی غذا از میان زباله‌ها بود که چشمش به پسری خردسال افتاد. او چند بار کودک خردسال را تکان داد تا بیدار شود اما کودک بی‌هوش بود.

این مرد که بشدت ترسیده بود، خواست از آن محل فرار کند، اما چهره معصومانه پسر کوچولو مانع از این کار شد. او را بغل گرفت و پس از طی مسافتی به بیمارستان الغدیر رساند و از پرستاران برای نجات این کودک، کمک خواست.

پرستاران اورژانس بلافاصله کودک را به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل کردند و تلاش برای نجات او آغاز شد.

در پی این موضوع، مسوولان بیمارستان در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و اورژانس اجتماعی، ماجرا را گزارش کردند و مانع از خروج مردی شدند که کودک را به بیمارستان رسانده بود. ماموران کلانتری و مددکاران اورژانس اجتماعی با حضور در بیمارستان در تحقیق از این مرد متوجه شدند، او کودک را از میان زباله‌ها پیدا کرده و به بیمارستان آورده است.

در مرحله بعد معلوم شد آثار سوختگی و کبودی بسیاری در بدن پسر کوچولو دیده می‌شود و نشان می‌دهد او بارها شکنجه شده و ضربه سختی به سرش اصابت کرده و احتمال دادند او از بلندی سقوط کرده است. کودک آسیب دیده پس از یک روز برای ادامه درمان به بیمارستان شهدای تجریش تهران منتقل شد.

پسر خردسال که بر اثر اصابت به ناحیه سرش همچنان بی‌هوش بود، سرانجام با تلاش پزشکان پس از چهار روز در حالی که با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرد، در بخش مراقبت‌های ویژه به هوش آمد.

از سوی دیگر و در حالی که تحقیق برای مشخص شدن هویت پسر کوچولو و یافتن خانواده‌اش آغاز شده بود، یکی از مسوولان بیمارستان الغدیر با پلیس تماس گرفت و خبر داد، زنی که خود را عمه این کودک معرفی کرده، به بیمارستان آمده و ساعاتی بعد ناپدید شده است.

در ادامه تحقیقات معلوم شد چند روز پس از انتقال پسر کوچولو به بیمارستان شهدای تجریش، زنی به بیمارستان الغدیر مراجعه کرده و با معرفی خود به عنوان عمه کودک، اطلاعاتی درباره او به مسوولان بیمارستان ارائه کرده است. او گفته است این کودک علی نام داشته و ۵ / ۲ است

همچنین عنوان کرده والدین علی معتاد بوده و در حال حاضر در زندان به سر می‌برند. او گفته بود در این مدت از علی نگهداری می‌کرده تا اینکه روز حادثه پس از بازگشت به خانه متوجه غیبت کودک شده است و پس از جستجوی فراوان همسایه‌ها گفته‌اند او از بالکن خانه به پایین سقوط کرده، اما نمی‌دانند چه کسی او را با خود برده است.

در این هنگام وقتی مسوولان بیمارستان از او مدرک هویتی خواسته‌اند به یکباره فرار کرده است.

به این ترتیب با اطلاعات به دست آمده، جستجو برای یافتن زن غریبه که ادعا می‌کرده عمه کودک

آسیب‌دیده بوده، آغاز شده است تا راز این کودک‌آزاری فاش شود. هرانا 16 بهمن 1390

این کودک بخاطر ضربه‌ای که به سرش وارد شده بود در آی‌سی‌یو بستری شده بود

هنوز یک ماه از مرگ علی ۹ ساله که با ضربات سیخ و شلنگ پدرش با زندگی کودکانه خداحافظی کرد، نمی‌گذرد که باز هم خبر دیگری از پیدا شدن کودکی ۲/۵ تا ۳ ساله آن هم به صورت نیمه جان در سطل زباله اذهان را پریشان می‌کند.

در سیاهه کودک‌آزاری سال ۹۰ این بار و پس از هانیه، نیما، بارید و ... نوبت و قرعه به نام «علی کوچولو» ۲/۵ تا ۳ ساله افتاد، کودکی که توسط فردی کارتن خواب در سطل زباله در حالی پیدا شد که به جنگ با مرگ رفته بود، اما دیروز از جدال با آی‌سی‌یو رهایی یافت و پس از انتقال به بخش، امروز راهی شیرخوارگاه آمنه می‌شود. داستان علی پسرک ۲/۵ - ۳ ساله هم از آنجایی شروع شد که هفتم بهمن کارتن‌خوابی کودکی را در حالی در سطل زباله پیدا کرد که به دلیل ضرب و شتم فراوان به کما رفته بود.

مجید ارجمندی - مدیرکل اورژانس اجتماعی کشور - در تشریح وضعیت علی کوچولو گفت: این کارتن‌خواب با ترس و لرز فراوان کودک را به بیمارستان الغدیر رساند و مسئولان این بیمارستان که وضعیت جسمانی کودک را مساعد ندانستند، کودک را به بیمارستان شهدای تجریش اعزام کردند. مسئولان بیمارستان شهدای تجریش، کودک را پذیرش کرده و بلافاصله نیروی انتظامی و اورژانس اجتماعی را در جریان قرار دادند.

وی با اعلام اینکه این کودک به خاطر ضربه‌ای که به سرش وارد شده بود در آی‌سی‌یو بستری شده بود، اظهار کرد: دو روز پس از این اتفاق، زنی که مدعی بود خاله کودک است، به بیمارستان مراجعه و عنوان کرد که کودک «علی» نام دارد و پدر و مادر او اعتیاد داشته و علی تحت سرپرستی او قرار

دارد و زمانی که وی در خانه نبوده از پشت‌بام خانه به پایین سقوط کرده و پس آن دیگر کودک را ندیده است. وی اضافه کرد: البته بعد از مراجعه ماموران برای پرس‌وجوی بیشتر از این زن، وی از محل متواری می‌شود.

ارجمندی گفت: این کودک ۲/۵ تا ۳ ساله که هفتم بهمن در حالی که به کما رفته بود در سطل زباله پیدا شد، تحت مراقبت ماموران نیروی انتظامی و مددکاران اورژانس اجتماعی قرار داشت، دیروز از حالت کما خارج و به بخش اطفال بیمارستان شهدای تجریش منتقل شده است.

مدیرکل اورژانس اجتماعی کشور با بیان اینکه در حال حاضر ماموران نیروی انتظامی و مددکاران اورژانس اجتماعی منتظرند تا سرخی از خانواده کودک به دست بیاورند، خبر داد: علی کوچولو امروز به شیرخوارگاه آمنه منتقل می‌شود. وی افزود: کبودی‌های زیادی روی صورت علی وجود دارد که ناشی از سقوط از ارتفاع هم نیست، ضمن اینکه این در بدن این کودک آثار شکستگی نیز دیده می‌شود.

مدیرکل اورژانس اجتماعی کشور تاکید کرد: باید بلافاصله تکلیف کودکان دارای والدین زندانی و یا معتاد در دادگاه‌ها توسط مددکاران اجتماعی تعیین شود تا کودکان دچار مشکلات این‌چنینی نشوند. ارجمندی در ادامه با بیان اینکه لازم است در این زمینه در رسانه‌ها اطلاع‌رسانی شود و همچنین بروشورها و کتاب‌هایی چاپ و در اختیار مردم قرار بگیرد، اظهار کرد: می‌توان با حساس‌سازی تصویب لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان را که همچنان در مجلس معطل مانده است، تسریع بخشید، هر چند که بعید است با توجه به عمر کوتاهی که از مجلس باقی مانده، این اتفاق رخ دهد.

وی تاکید کرد: اخبار منتشرشده درباره بستری بودن علی کوچولو در بخش و ملاقات خبرنگاران با او صحت ندارد و انتشار عکس این کودک نیز منوط به اجازه دادستان است که تاکنون کسب نشده است. ارجمندی در پایان افزود: حراست بیمارستان شهدای تجریش موضوع را ۱۱ به کلانتری گلبرگ اعلام و پرونده از آنجا برای کسب تکلیف به داسرا ارجاع خواهد شد.

منبع: ایسنا 17 بهمن 1390

مجموعه آزارهای کودکان :

تنبیه ، شکنجه و آزارهای رفتاری و عاطفی مثل دشنام و بد زبانی ، تحقیر ، مقایسه و غفلت از تربیت و پرورش کودکان و محروم نمودن آنها از حقوق مربوطه

یک پژوهشگر و رفتارشناس اجتماعی گفت : آزارهای جسمانی مثل تنبیه ، شکنجه و آزارهای رفتاری و عاطفی مثل دشنام و بد زبانی ، تحقیر ، مقایسه و غفلت از تربیت و پرورش کودکان و محروم نمودن آنها از حقوق مربوطه مجموعاً آزارهای کودکان قلمداد می شود.

مجید ابهری درگفت و گو با همراهم نیوز افزود : 90 درصد این کودک آزاری ها توسط والدین انجام می شود، با توجه به افزایش معتادان به مواد مخدر و روان گردان از آنجا که اعتیاد به این مواد باعث ایجاد توهم و بروز افکار بیمارگونه می شود در دو ماه گذشته 11 فرزند توسط والدین معتاد خود به قتل رسیده اند.

وی تصریح کرد : تلخ ترین آنها کودک 3 ساله بود که با توهم شیطانی توسط پدرش به قتل رسید البته 80% از کودک آزاری ها به خاطر بافت فرهنگی و اجتماعی ما مخفی می ماند و فقط مواردی در جامعه منتشر می گردد که موضوع از طریق بیمارستان یا همسایگان افشا می شود. این آسیب شناس اجتماعی ادامه داد:

از نگاه آسیب شناسی رفتاری، کودکانی که مورد آزار قرار می گیرند در آینده خود دچار بزهکاری می شوند، آزارها جنسی نیز اصلی ترین نا هنجاری هایی است که باعث انحراف در سرنوشت کودکان و نوجوانان می گردد.

وی گفت: ناپدیری و نا مادری و اعتیاد پدر و مادر اصلی ترین عوامل شکنجه های هولناک و تاسف انگیز است و علل رفتاری این آسیب ها را از نگاه اجتماعی در خلاء قوانین و کمبود نهاد ها و سازمانهای اجتماعی می توان قلمداد کرد.

ابهری اضافه کرد: متأسفانه کودکان مظلوم ترین و بی دفاع ترین اقشار جامعه هستند که حتی توانایی دفاع از خود را ندارند و فقط از زمانی که در آستانه مرگ قرار گرفتند آن هم روی تخت بیمارستان افکار عمومی از این گونه جنایات آگاه می شوند.

این پژوهشگر اجتماعی افزود: گرفتن صلاحیت از این گونه والدین و سپردن فرزندان آنها به مراکز و افراد دارای صلاحیت، اطلاع رسانی و آگاه سازی افراد از اصلی ترین اهرم ها می باشند. 17 بهمن

1390

آلودگی هوا احتمال ابتلای کودکان به سرطان را افزایش میدهد

دکتر محمد سعید رحیمی نژاد دبیر انجمن خون و سرطان ایران: آلودگی هوا احتمال ابتلای کودکان به سرطان را افزایش میدهد

دبیر انجمن خون و سرطان کودکان ایران با اشاره به کمبود بخش ویژه خون و سرطان کودکان در کشور، اظهار داشت:

آلودگی هوا احتمال ابتلای کودکان به سرطان را افزایش می دهد.

به گزارش مهر، دکتر محمدسعید رحیمی نژاد دبیر انجمن خون و سرطان ایران در این باره افزود: بر اساس برخی از متون پزشکی، آلودگی هوا احتمال ابتلای کودکان به سرطان را افزایش می دهد که این امر با نوع ماده آلاینده نیز ارتباط دارد. رحیمی نژاد با بیان این که مهمترین عامل ابتلا به سرطان خون ناشناخته است، تأکید کرد:

در ابتلا به سرطان خون عوامل ارثی و اکتسابی موثر است. روزنامه خراسان: 17 بهمن 1390

مرد شیطان صفت دختر 9 ساله ای را قربانی کرد

راز این جنایت سیاه، با شکایت پدر و مادر نیلوفر در کلانتری 20 مشهد فاش شد.

مرد شیطان صفت که دختر 9 ساله ای را قربانی نیت شوم خود کرده بود تحت تعقیب کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار مهر، راز این جنایت سیاه همزمان با شکایت پدر و مادر نیلوفر کوچولو در کلانتری 20 مشهد فاش شد. آنها در شکایت خود گفتند: امروز مردی دخترمان را در خیابان ربوده و او را در بیابان های اطراف شهر مورد آزار و اذیت قرار داده است.

پس از این شکایت پرونده برای رسیدگی در اختیار کارآگاهان پلی آگاهی قرار گرفت. ماموران در نخستین گام به تحقیق از نیلوفر کوچولو پرداختند.

وضعیت حقوقی کودک و نوحوان در ایران در 1390

دخترک که دچار وحشت شده بود گفت: ظهر بعد از تعطیل شدن مدرسه راهی خانه مان شدم. در یک کوچه خلوت خودروی پیکانی کنارم توقف کرد و راننده آدرسی را پرسید. چند بار مسیر را به او نشان دادم اما مرد راننده متوجه نشد و خواست سوار ماشین شوم و او را راهنمایی کنم. وقتی سوار شدم او به سرعت از محل دور شد و به سمت بیابان های حاشیه شهر گریخت. مرد شیطان صفت با تهدید مرا مورد آزار و اذیت قرار داد و در نزدیکی مدرسه مان رها کرد. پس از این شکایت مشخصات خودروی مرد شیطان صفت به گشتی های پلیس اعلام شد تا با مشاهده مرد تیهکار او را دستگیر کنند. خبرگزاری مهر 26 بهمن 1390

نماز مسلمانان قطب شمال مهتر است



نماز مسلمانان قطب شمال مهمتر است

بنیاد زبیده طالب در نظر دارد برای انتقال مسجدی به قطب شمال به مسلمانان شهر ایکالویت کمک کند. این دومین باری است که انتقال یک مسجد پیش ساخته به قطب شمال انجام می شود. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از منابع اینترنتی، بنیاد زبیده طالب در سال ۲۰۰۱ به انتقال یک مسجد پیش ساخته از مانیتوبا به اینویک کمک کرد.

در حال حاضر مسلمانانی که در این مسجد پیش ساخته نماز می خوانند اظهار می دارند که این مسجد که نام آن را میدنایت سان (خورشید نیمه شب) گذاشته اند به گردهم جمع شدن مردم این منطقه کمک کرده است.

حسین گویستی مدیر عامل بنیاد زبیده طالب اظهار داشت که می خواهند همین امر را برای مسلمانانی که در پایتخت منطقه ناووت در شمال شرقی کانادا زندگی می کنند نیز انجام دهند، چرا که برای جامعه مسلمان داشتن مسجد بسیار اهمیت دارد، مسجد محور زندگی روزمره یک جامعه مسلمان است. کلیسای انگلیکن سنت جود که به شکل خانه های اسکیموها ساخته شده یکی از شاخصه های شهر ایکالویت است، در این شهر همچنین یک کلیسای کاتولیک و یک کلیسای پروتستان وجود دارد اما مسجدی برای اقامه نمازهای جماعت مسلمانان در نظر گرفته نشده است.

از آنجا که کار ساخت و ساز مسجد در این منطقه برای مسلمانان دشوار است، قرار است که یک مسجد پیش ساخته برای این منطقه فرستاده شود تا ۸۰ مسلمانانی که در این شهر زندگی می کنند از نعمت داشتن مسجد و اقامه نمازهای جماعت بهره مند شوند.

حسین گویستی یادآور شد که این منطقه بسیار سرد است و فعالیتهای چندانی برای انجام دادن نیست از این رو مسلمانان می توانند در این مسجد به فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی متنوعی بپردازند. خبر گزاری مهر 24 بهمن 1390

: داروهای این کودکان، خارجی و گران است

آراسب احمدیان، مدیرعامل موسسه خیریه محك: داروهای این کودکان، خارجی و گران است .

بر اساس آخرین آمار موسسه‌ی محك، چهارهزار و پانصد كودك مبتلا به سرطان در ایران وجود دارد که هزینه درمان هر يك از آنها؛ ۲۰ تا ۴۰ میلیون تومان ارزیابی می‌شود. آراسب احمدیان، مدیرعامل موسسه خیریه محك، همچنین با اشاره به تأثیر بحران ارز بر قیمت دارو گفت داروهای کودکان مبتلا به سرطان، خارجی و گران قیمت است و هیچ بیمه‌ای این داروها را تحت پوشش خود قرار نمی‌دهد.

به گفته‌ی آقای احمدیان، سرطان خون شایع‌ترین سرطان میان کودکان ایرانی است. رادیو فردا 30 بهمن 1390

علت : نشت گاز مونواکسید کربن از بخاری کلاس

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، گزارش داد: پس از خبر مسمومیت 24 دانش‌آموز یک کلاس دخترانه در بهشهر، عوامل اورژانس بهشهر از شهرهای بهشهر، خلیل‌شهر و رستمکلا به محل حادثه اعزام شدند.

پس از بررسی‌های به عمل آمده، علت مسمومیت دانش‌آموزان نشت گاز مونواکسید کربن از بخاری کلاس اعلام شد که ۲۴ نفر از دانش‌آموزان مسموم و به بیمارستان امام خمینی شهرستان بهشهر اعزام شده‌اند.

اقدامات درمانی برای احیای جان مصدومان در بیمارستان امام خمینی بهشهر انجام شد که حال ۲۲ نفر از دانش‌آموزان رضایت بخش اعلام شد که پس از اقدامات درمانی لازم مرخص می‌شوند. حال دو نفر از دانش‌آموزان به علت سطح بالای مسمومیت بستری شدند.

وخامت حال دو دانش‌آموز

رئیس مرکز مدیریت و فوریت‌های پزشکی مازندران در همین رابطه اظهار داشت: دو نفر از دانش‌آموزانی که مسمومیت ناشی از گاز مونواکسید کربن در آنان شدید بود، در بیمارستان بستر شدند هرانا 3

اسفند 1390

90 درصد از کودکان خیابانی ایرانی هستند

مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی:
90 درصد این کودکانی که در خیابان ها و معابر شهری به شغل‌های کم درآمد و کاذب مشغولند، ایرانی هستند

تلاطم های اقتصادی سال های اخیر موج جدیدی از کودکان را روانه خیابان ها کرده تا نان آور خانواده باشند. کودکانی که در خیابان ها و معابر شهری به شغل‌های کم درآمد و کاذب مشغول هستند که 90 درصد این کودکان ایرانی هستند و فقط درصد کمی از آن‌ها را کودکان افغانه یا پاکستانی تشکیل می دهند.

به گزارش سایت قانون، مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی و عضو شورای آسیب‌های اجتماعی شهر تهران، درباره علل رشد جمعیت کودکان کار در ایران اظهار داشت که رشد تورم، فقر و بیکاری از علل مهم رشد جمعیت کودکان کار در ایران و به خصوص کلان‌شهرهاست. به گفته این کارشناس، وقتی تورم رشد چشمگیری داشته باشد و درآمد سرپرست خانواده کم باشد، وی برخلاف میل باطنی‌اش مجبور می‌شود تا کودکان خود را به کارهایی همچون دست فروشی و یا مشاغلی با درآمد اندک وادار کند.

وی افزود که عده ای از این کودکان زیر سن قانون کار، یعنی زیر 15 سال و اغلب 5 تا 10 ساله، در کارگاه‌های کوچک با حقوق بسیار ناچیز مشغول به کار هستند. از این گروه سنی حتی برای کارهای سخت ساختمانی هم استفاده می‌شود. این کودکان وقت تفریح یا تحصیل ندارند و بنا به دلایلی، که فقر خانوادگی مهم‌ترین آن‌هاست، مجبور و محکوم به کار کردن هستند شهرزاد نیوز 03 اسفند ماه 1390.

اعتیاد والدین، فقر، جنسیت فرزند و فرزند نامشروع

بابک قطبی رئیس مرکز آموزشی درمانی بعثت سنندج : عواملی چون اعتیاد والدین، فقر، جنسیت فرزند و فرزند نامشروع از دلایل هایی هستند که نوزادان در بیمارستان رها می شوند

رئیس بیمارستان بعثت سنندج گفت: دو نوزاد در بیمارستان بعثت سنندج رها شده اند که دلیل آن اعتیاد والدینشان بوده است.

به گزارش آژانس خبری موکریان و به نقل از منابع آگاه در منطقه ، دکتر "بابک قطبی" رئیس مرکز آموزشی درمانی بعثت سنندج افزود: طی چند هفته گذشته 2 نوزاد تازه متولد شده توسط والدین آنها در این بیمارستان رها شده اند.

قطبی اظهار داشت: این چندمین بار است که در بیمارستان با چنین مواردی روبرو می شویم که والدین به دلیل های مختلفی بعد از تولد فرزندانشان، آنها را رها کرده و از سرپرستی و تحویل گرفتن کودک تازه متولد شده سر باز می زنند.

قطبی با بیان اینکه عواملی چون اعتیاد والدین، فقر، جنسیت فرزند و فرزند نامشروع از دلایل هایی هستند که نوزادان در بیمارستان رها می شوند افزود: 2 نوزادی که هم اکنون در بیمارستان بعثت سنندج رها شده اند به علت اعتیاد و فقر والدین آنها بوده که در این راستا اعتیاد آنها در این ارتباط مؤثر بوده است. آژانس خبری موکریان 03 اسفند ماه 1390

گزارش موارد نقض حقوق کودک در بهمن

کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان : گزارش میدهد همراه با فهرستی کوتاه از کانون های موثر

کودکائی که آرزویشان دکه دار شدن است

روح الله کودک خردسال اهوازی که رویوی دکه مادرش در ۲۴ متری بساط دستفروشی پهن کرده بود نگاهی به دکه مادرش می اندازد و بزرگترین آرزوی زندگی اش را می گوید: دوست دارم در آینده دکه دار شوم.

همه ما انسانها در کودکی آرزوی بزرگ شدن داریم و در زمان جوانی یا کهولت آرزوی بازگشت به دوران کودکی. اما امثال روح الله هیچگاه به گذشته شان بر نمی گردند زیرا هیچ وقت کودک نبوده اند و مثل خیلی از بچه های همسن و سالانشان کودکی نکرده اند. هرانا 02 بهمن ماه 1390

گالری نقاشی با موضوع کودکان کار و خیابان

گزارشی تصویری از نمایشگاه کاریکاتور در تهران با موضوع کودکان و کار و خیابان کمیته کودک و نوجوان 01 بهمن 1390

تصاویر حضور کودکان در حین اجرای یک مراسم اعدام در قزوین

دستگاه قضایی- امنیتی دو زندانی را در قزوین(خیابان نواب جنوبی شهر قزوین، جنب حمام یاقوت) به اتهام قتل اعضای یک خانواده در مقابل دیدگاه مردم عموماً و کودکان خردسال خصوصاً، به دار آویخته است.

تصاویر منتشر شده از سوی رسانه های دولتی در این خصوص، بیانگر آن است که هیچ محدودیت سنی ای برای مشاهده ی مجازات مرگ انسان ها در کشورمان لحاظ نمی شود. هرانا 08 دیماه 1390

یک کارتن خواب کودکی دو و نیم ساله را در زباله ها پیدا کرد

کودکی که توسط یک مرد کارتن خواب در میان زباله ها بی هوش پیدا شده بود با تلاش پزشکان زنده ماند. این در حالی است که پزشکان نظر دادند او بارها شکنجه و سوزانده شده است هرانا 16 بهمن

علی، کودکی که در سطل زباله پیدا شده به شیرخوارگاه آمنه می رود

در سیاهه کودک آزاری سال ۹۰ این بار و پس از هانیه، نیما، بارید و ... نوبت و قرعه به نام «علی کوچولو» ۲/۵ تا ۳ ساله افتاد، کودکی که توسط فردی کارتن خواب در سطل زباله در حالی پیدا شد که به جنگ با مرگ رفته بود، اما دیروز از جدال با آی سی یو رهایی یافت و پس از انتقال به بخش، امروز راهی شیرخوارگاه آمنه می شود. داستان علی پسرک ۲/۵ - ۳ ساله هم از آنجایی شروع شد که هفتم بهمن کارتن خوابی کودکی را در حالی در سطل زباله پیدا کرد که به دلیل ضرب و شتم فراوان به کما رفته بود. منبع : ایسنا 17 بهمن 1390

ارتباط آلودگی هوا و سرطان در کودکان

دبیر انجمن خون و سرطان کودکان ایران با اشاره به کمبود بخش ویژه خون و سرطان کودکان در کشور، اظهار داشت: آلودگی هوا احتمال ابتلای کودکان به سرطان را افزایش می دهد. به گزارش مهر، دکتر محمدسعید رحیمی نژاد دبیر انجمن خون و سرطان ایران در این باره افزود: بر اساس برخی از متون پزشکی، آلودگی هوا احتمال ابتلای کودکان به سرطان را افزایش می دهد که این امر با نوع ماده آلاینده نیز ارتباط دارد روزنامه خراسان: 17 بهمن 1390

هشتاد درصد کودک آزاری ها مخفی می ماند

یک پژوهشگر و رفتارشناس اجتماعی گفت: آزارهای جسمانی مثل تنبیه، شکنجه و آزارهای رفتاری و عاطفی مثل دشنام و بد زبانی، تحقیر، مقایسه و غفلت از تربیت و پرورش کودکان و محروم نمودن آنها از حقوق مربوطه مجموعاً آزارهای کودکان قلمداد می‌شود. آزادگی 17 بهمن

دولت جمهوری اسلامی ایران مسئول مستقیم رشد خشونت در جامعه ما میباشد

در دیماه سال جاری، بر مبنای گزارشات به ثبت رسیده، ۳۰ شهروند به اتهام‌های مواد مخدر، قتل، محاربه و تجاوز به اعدام محکوم شدند و ۷۸ زندانی نیز بر اساس اتهام قتل، جرایم مواد مخدر، تجاوز و سرقت اعدام شدند که ۱۲ تن از محکومین نیز با اتهاماتی چون قتل، تجاوز، سرقت مسلحانه و ... در ملاء عام و در برابر دیدگان کنجکاو و نافذ کودکان و نونهالان میهنمان اعدام گردیده اند. اطلاعیه کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان 17 بهمن 1390

تجاوز به نیلوفر ۹ ساله در بیابان های اطراف مشهد

راز این جنایت سیاه همزمان با شکایت پدر و مادر نیلوفر کوچولو در کلانتری 20 مشهد فاش شد. آنها در شکایت خود گفتند: امروز مردی دخترمان را در خیابان ربنوده و او را در بیابان های اطراف شهر مورد آزار و اذیت قرار داده است. خبرگزاری مهر 26 بهمن 1390

مسجد پیش ساخته جمهوری اسلامی برای قطب شمال

بنیاد زبیده طالب در نظر دارد برای انتقال مسجدی به قطب شمال به مسلمانان شهر ایکالویت کمک کند. این دومین باری است که انتقال یک مسجد پیش ساخته به قطب شمال انجام می‌شود. این در حالیست که طبق گزارش تصویری خانواده های بسیاری در بیغوله ها، کپر ها و حلبی آباد ها در نهایت فقر و گرسنگی روزگار را سپری میکنند. خبرگزاری مهر 24 بهمن 1390

بیمه هزینه‌ی درمان ۴۵۰۰ کودک مبتلا به سرطان در ایران را نمی‌پردازد

بر اساس آخرین آمار موسسه‌ی محک، چهار هزار و پانصد کودک مبتلا به سرطان در ایران وجود دارد که هزینه درمان هر یک از آنها؛ ۲۰ تا ۴۰ میلیون تومان ارزیابی می‌شود. آراسب احمدیان، مدیرعامل موسسه خیریه محک، همچنین با اشاره به تاثیر بحران ارز بر قیمت دارو گفت داروهای کودکان مبتلا به سرطان، خارجی و گران قیمت است و هیچ بیمه‌ای این داروها را تحت پوشش خود قرار نمی‌دهد. به گفته‌ی آقای احمدیان، سرطان خون شایع‌ترین سرطان میان کودکان ایرانی است. رادیو فردا 30 بهمن

1390

نهاد های دولتی

تصاویر حضور کودکان در حین اجرای یک مراسم اعدام در قزوین هرانا 08 دیماه 1390

کودکانی که آرزویشان دکه دار شدن است هرانا 02 بهمن ماه 1390

دولت جمهوری اسلامی ایران مسئول مستقیم رشد خشونت در جامعه ما میباشد کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان 17 بهمن 1390

ارتباط آلودگی هوا و سرطان در کودکان روزنامه خراسان: 17 بهمن 1390

مسجد پیش ساخته جمهوری اسلامی برای قطب شمال خبرگزاری مهر 24 بهمن 1390

بیمه هزینه‌ی درمان ۴۵۰۰ کودک مبتلا به سرطان در ایران را نمی‌پردازد رادیو فردا 30 بهمن 1390

آسیب های اجتماعی

تجاوز به نیلوفر ۹ ساله در بیابان های اطراف مشهد خبرگزاری مهر 26 بهمن 1390

کانون خانواده

یک کارتن خواب کودکی دو و نیم ساله را در زباله‌ها پیدا کرد هرانا 16 بهمن 1390

وضعیت حقوقی کودک و نوجوان در ایران در 1390

هشتاد درصد کودک آزاری ها مخفی می ماند آزادی 17 بهمن 1390
علی، کودکی که در سطل زباله پیدا شده به شیرخوارگاه آمنه می رود ایسنا 17 بهمن 1390

گالری نقاشی با موضوع کودکان کار و خیابان کمیته کودک و نوجوان 01 بهمن 1390
کمیته دفاع از حقوق کودک و نوجوان : صدیقه جعفری

مسئولان آموزش و پرورش استان مازندران کماکان سکوت اختیار کرده‌اند.

به علت نشت گاز مونواکسید کربن از بخاری یک کلاس درس دخترانه در بهشهر، ۲۴ نفر از دانش‌آموزان مسموم و به بیمارستان امام خمینی این شهرستان اعزام شده‌اند.

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، گزارش داده است که پس از خبر مسمومیت ۲۴ دانش‌آموز یک کلاس دخترانه در بهشهر، عوامل اورژانس بهشهر از شهرهای بهشهر، خلیل‌شهر و رستمکلا به محل حادثه اعزام شدند.

پس از بررسی‌های به عمل آمده، علت مسمومیت دانش‌آموزان نشت گاز مونواکسید کربن از بخاری کلاس اعلام شد که ۲۴ نفر از دانش‌آموزان مسموم و به بیمارستان امام خمینی شهرستان بهشهر اعزام شده‌اند.

اقدامات درمانی برای احیای جان مصدومان در بیمارستان امام خمینی بهشهر انجام شد که حال ۲۲ نفر از دانش‌آموزان رضایت بخش اعلام شد که پس از اقدامات درمانی لازم مرخص می‌شوند. هرانا 03 اسفند

۲۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل در سراسر کشور



فاطمه قربان، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش از وجود ۲۰۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل در سراسر کشور خبر داده است.

معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش از آغاز طرح شناسایی دانش‌آموزان لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل به تفکیک استان‌ها خبر داد و گفت:

"اوایل سال ۹۱ آمار نهایی دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل را به تفکیک استان‌ها اعلام خواهیم کرد". فاطمه قربان در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: "با توجه به تکلیفی که برنامه پنجم توسعه برای آموزش و پرورش مبنی بر انسداد بیسوادی تعیین کرده است، تا پایان برنامه تلاش می‌کنیم تا بیسوادی در بین دانش‌آموزان لازم‌التعلیم را به صفر برسانیم".

معاون وزیر آموزش و پرورش تاکید کرد: "معاونت ابتدایی طرحی را برنامه‌ریزی کرده است که بر اساس آن استان‌ها موظف شده‌اند تمامی کودکان لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل را شناسایی کرده و آمار آن را در اختیار آموزش و پرورش قرار دهند".

وی ادامه داد: "با توجه به اینکه این طرح هم اکنون در استان‌ها در حال اجراست پیش‌بینی می‌شود سه ماهه اول سال آینده نتایج نهایی کودکان بازمانده از تحصیل را به تفکیک استان‌ها اعلام کنیم".

قربان گفت: "بر اساس گزارش‌های رسیده پیش‌بینی می‌شد که ۲۰۰ هزار کودک لازم‌التعلیم بازمانده از تحصیل در سراسر کشور وجود داشته باشد اما با آمارهایی که از استان‌های مختلف ارائه می‌شود این آمار بسیار کم است".

به گفته وی در حال حاضر ۱۰۰ کلاس درس زیر سه نفر در سراسر کشور وجود دارد که از معلم بهره‌مند هستند و اگر روستا یا منطقه عشایری باشد که در آن دانش‌آموزی وجود دارد اما معلم به آنجا اعزام نشده ممکن است به علت عدم شناسایی باشد.

وی تاکید کرد: "در برنامه پنجم توسعه انسداد بیسوادی و به صفر رساندن بیسوادی در بین کودکان لازم‌التعلیم از اهداف تعریف شده برای معاونت ابتدایی وزارت آموزش و پرورش است." هرانا 13 اسفند

دختر ۱۴ ساله خود را در خواب توسط پدرش خفه شد

پدر: در حالی که دخترم هنوز خواب بود، روسری را برداشتم. در یک لحظه روسری را دور گردنش پیچیدم و آنقدر فشار دادم تا جان باخت.

مردی که به خاطر سوءظن، دختر ۱۴ ساله خود را در خواب خفه کرده بود به زودی در دادگاه کیفری محاکمه می شود.

به گزارش آفتاب، اوایل خرداد امسال زنی با ماموران پلیس شیراز تماس گرفت و خبر داد دختر ۱۴ ساله اش به نام الف به طور ناگهانی جان باخته است. بلافاصله بعد از این تماس ماموران در محل حاضر شده و تحقیقات را آغاز کردند.

پدر الف که در طی ماه‌های اخیر با وی اختلاف داشت مورد بازجویی کارآگاهان جنایی قرار گرفت، این مرد وقتی فهمید علت اصلی مرگ مشخص شده و نمی تواند واقعیت را منکر شود، توضیح داد که چگونه دختر ۱۴ ساله اش را به قتل رسانده است.

او درباره انگیزه اش گفت: دخترم تا سال گذشته خیلی خوب بود. درس می خواند و کاری هم به کار کسی نداشت. همیشه معدل بالایی می آورد. اما از یک سال پیش رفتار وی بسیار تغییر کرده بود. از مدتی قبل دخترم از مدرسه دیر به خانه می آمد و هر بار از او توضیح می خواستم بهانه های مختلفی می آورد. از آن به بعد رابطه من و دخترم تیره شد و کار به جایی رسید که حتی وی از خانه فرار کرد. وقتی او را پیدا کردم و به خانه بازگرداندم دیگر هیچ اعتمادی به او نداشتم و فکر می کردم وی با پسران رابطه نامشروع دارد تا اینکه چند روز پیش الف گفت حالت تهوع دارد. چون این حالت در او از بین نمی رفت، مطمئن شده بودم دخترم باردار است. از وقتی این مساله در ذهنم نقش بسته بود آرامش نداشتم تا اینکه تصمیم گرفتم این لکه ننگ را از بین ببرم.

صبح روز حادثه وقتی همسر و دختر کوچکم برای انجام کاری از خانه خارج شدند در حالی که دختر ۱۴ ساله ام هنوز خواب بود، روسری را برداشتم. در یک لحظه روسری را دور گردنش پیچیدم و آنقدر فشار دادم که فرزندم جان باخت.

پس از اعتراف به این جنایت و بازسازی صحنه قتل، پرونده با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به دادگاه کیفری استان فارس فرستاده شد.

به گزارش مهر، مرد جنایتکار قرار است به زودی در شعبه دوم دادگاه کیفری استان پای میز محاکمه قرار بگیرد. هرانا 07 اسفند

گازگرفتگی حدود ۱۵۰ نفر از دانش آموزان و والدین آنها

محل حادثه: تالار پذیرایی در ضلع جنوبی حرم حضرت عبدالعظیم

رئیس ایستگاه ۹ آتش نشانی شهر ری از گازگرفتگی حدود ۱۵۰ نفر از دانش آموزان و والدین آنها در مراسم مذهبی جشن تکلیف خبر داد و اعلام کرد که هم اکنون ۱۱ نفر از آنها به مراکز درمانی اعزام شده‌اند.

عباس زارعی، رئیس ایستگاه ۹ آتش نشانی شهر ری در گفتگو با مهر با تشریح جزئیات این حادثه افزود: "صبح روز گذشته گزارشی به ایستگاه ۹ آتش نشانی مبنی بر گازگرفتگی در یک تالار پذیرایی ارائه شد."

وی گفت: "حال فرد تماس گیرنده به حدی بد بود که امکان ارائه درست آدرس را نداشت اما بالاخره ماموران ما پس از ۳ دقیقه در محله حادثه حضور پیدا کردند."

زارعی ادامه داد: "محل حادثه تالار پذیرایی در ضلع جنوبی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی بود که در آن مراسم جشن تکلیف ۴۰ نفر از دانش آموزان دختر به همراه خانواده‌هایشان برگزار می‌شد که بر اثر تجمع گاز منوکسید کربن از بخاری فاقد دودکش این حادثه رخ داد و عده زیادی از دانش آموزان و والدینشان دچار مسمویت شده‌اند."

رئیس ایستگاه ۹ آتش نشانی شهر ری اظهار داشت: "با کمک ماموران، همه افراد را از سالن خارج کردیم و پس از آن اورژانس نیز در محل حضور پیدا کرد."

هم اکنون ۱۱ نفر از افراد بد حال این حادثه که اغلب دانش آموز بوده‌اند به مراکز درمانی منتقل شده‌اند. "هرانا ۱۱ اسفند

بهبانۀ ای به نام عدم رعایت پوشش اسلامی

دانشجویان هنگام اعتراض با گزارش هایی از تخلفاتشان در دانشگاه روبه رو شده اند که خود نیز از آن ها اطلاعی نداشته اند.

گزارش ها از دانشگاه علم و صنعت حاکی از آن است که طی روز های گذشته تعدادی از دانشجویان دختر دانشگاه علم و صنعت به اتهام «عدم رعایت پوشش اسلامی» با احکام محرومیت انضباطی مواجه شده اند.

به گزارش دانشجو نیوز، کمیته انضباطی دانشگاه علم و صنعت در روندی غیرقانونی از ابتدای ترم جاری تعدادی از دانشجویان را بدون احضار برای شرکت در جلسه ی تفهیم اتهام و جلسه ی صدور حکم، به اتهام «عدم رعایت مقررات دانشگاه» و «عدم رعایت پوشش اسلامی»، به مدت یک نیمسال با احتساب سنوات از تحصیل محروم کرده است.

هنوز از تعداد دانشجویانی که حکم کمیته ی انضباطی دریافت نموده اند آمار دقیقی در دست نیست، اما طبق گزارش های موثق، ده الی بیست نفر از دانشجویان دختر احکام خود را دریافت کرده اند. گفتنی است تعدادی از این دانشجویان هنگام اعتراض به حکم اولیه با پرونده ها و گزارش هایی از تخلفاتشان در دانشگاه روبه رو شده اند که تاکنون خود نیز از آن ها اطلاعی نداشته اند. پیش تر و در ترم گذشته نیز دانشجویان دانشگاه علم و صنعت با قوانین سخت و توهین آمیز "منشور اخلاقی" در دانشگاه و گشت های حراست مواجه شده بودند.

همچنین در ترم گذشته دکتر صالح زاده، مسئول بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت و رییس دانشکده عمران این دانشگاه، در اقدامی بی سابقه و غیر قانونی ثبت نام ۱۵ دانشجوی دختر این دانشکده را به دلیل عدم حضور در جلسه اجباری پیرامون موضوع حجاب که برای دانشجویان دختر برگزار کرده بود، لغو کرده و توسط مسئولین آموزش دانشکده اعلام کرده بود «از ثبت نام این دانشجویان در ترم آینده نیز جلوگیری به عمل خواهد آمد». دانشجو نیوز 14 اسفند

نوزادی دو ماهه در مشهد به نام "امین" توسط پدرش "حسن" به قتل رسید

امین را بلند کرد و محکم به زمین کوبید. امین گریه میکرد اما همینکه بزمین خورد صدایش قطع شد

نوزادی دو ماهه در مشهد به نام "امین" توسط پدرش "حسن" به قتل رسیده است. روزنامه‌ی شرق در این خصوص نوشت: مسولان بیمارستان امام زمان مشهد در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مشهد از مرگ مشکوک نوزادی پسر خبر دادند و دقایقی بعد ماموران با حضور در این مرکز درمانی به تحقیق درباره چرایی مرگ نوزاد که امین نام داشت، پرداختند. اعضای کادر درمانی به ماموران توضیح دادند روی بدن این کودک آثار کوفتگی وجود دارد و به نظر می‌رسد ضربه سختی به سر وی خورده و همین مساله باعث مرگ او شده است. با طرح فرضیه قتل کارآگاهان جنایی وارد عمل شدند و در گام اول به تحقیق از مادر امین پرداختند.

این زن که خودش نوزاد را به بیمارستان رسانده بود در بازجویی‌ها، شوهرش به نام حسن را به عنوان قاتل معرفی کرد و گفت: "حسن مرد بداخلاقی است. من و او همیشه با هم اختلاف داشتیم و گاهی که عصبانی می‌شد من را می‌زد. او نمی‌خواست بچه‌دار شویم و از همان موقع که امین به دنیا آمد، بهانه‌گیری‌ها و بد رفتاری‌های او شدیدتر شد، تا اینکه روز حادثه شوهرم در حالی که عصبانی بود امین را بلند کرد و محکم به زمین کوبید. من خیلی سعی کردم مانع این کار حسن شوم اما او از کوره دررفته بود و مثل دیوانه‌ها رفتار می‌کرد. پسر من آن زمان گریه می‌کرد اما همین‌که به زمین خورد صدایش قطع شد.

من که به شدت نگران شده بودم به طرفش دویدم و دیدم از حال رفته است. خیلی تلاش کردم او را به هوش بیاورم ولی فایده‌ای نداشت برای همین با مادرم تماس گرفتم و او به کمک آمد و با هم امین را به بیمارستان رساندیم اما پزشکان با معاینه پسر گفتند او فوت شده است.» این زن درباره علت اختلاف با شوهرش گفت: «من ۳۳ سال دارم و ۱۰ سال از همسرم بزرگتر هستم و فکر می‌کنم علت اصلی اختلافات ما همین موضوع بود.»

کارآگاهان بعد از شنیدن این اظهارات سراغ حسن رفتند و این مرد را بازداشت کردند. او که راهی جز بیان حقیقت نداشت به کشتن نوزاد اعتراف کرد و گفت: "من و همسرم زهره هر دو به مواد مخدر اعتیاد داریم. ما مدتی قبل به طور اتفاقی در خیابان با هم آشنا شدیم و تصمیم گرفتیم ازدواج کنیم. خانواده‌ام با این وصلت مخالف بودند اما من که احساس می‌کرد عاشق شده‌ام به مخالفت‌ها و اختلاف سنی زیادمان اهمیتی نادم و زهره را به عقد خود درآوردم و خانه‌ای برای او اجاره کردم. بعد از مدتی

او باردار شد. من اصلاً نمی‌خواستم بچه‌دار شوم برای همین هم تولد امین مرا به شدت عصبی کرد و باعث شد اختلافاتی که از مدتی بعد از ازدواج بین من و زهره به وجود آمده بود شدیدتر شود." این مرد ادامه داد: "روز حادثه به شدت عصبی بودم و کنترلی بر رفتار خودم نداشتم. امین هم مرتب گریه می‌کرد و هر کاری می‌کردیم آرام نمی‌شد. یک لحظه کنترل خودم را از دست دادم، او را بلند کردم و محکم به زمین کوبیدم من در آن لحظات واقعا به حال خودم نبودم و گرنه هرگز چنین کاری نمی‌کردم."

حسن در ادامه اعترافش گفت: "یکی از دلایلی که باعث شده بود من از تولد امین ناراحت باشم این بود که خانواده‌ام از بچه‌دار شدنم خبر نداشتند و اگر می‌فهمیدند رفتار بدی می‌کردند برای همین همیشه می‌خواستم خودم را از این مخمصه نجات بدهم."

بنابر این گزارش متهم به قتل با دستور بازپرس جنایی مشهد در بازداشت به سر می‌برد و کارآگاهان در تلاش هستند تا با انجام بازجویی‌های تکمیلی جزییات بیشتری از این قتل به دست بیاورند. 15 اسفند هرانا